

پوهنتون تخار

پوهنځی زبان و ادبیات

دیپارتمنت زبان وادبیات عربی

نهضت زبان عربی و پایداری آن

مؤلف: دکتور محمود احمد السید

مترجم: شریف الله غفوری

سال: ۱٤۰۲هـ.ش

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمد لله رب الْعَالمين وَالصَّلَاة وَالسَّلَام على سيدنَا مُحَمَّد وَآله وَصَحبه أَجْمَعِينَ.

نهضت زبان عربی و پایداری آن

مؤلف: دکتور محمود احمد السید
مترجم: پوهندوی شریف‌الله غفوری
استاد پوهنتون تخار

این کتاب به حیث کتاب ممد درسی مضمون تاریخ ادبیات برای دیپارتمنت زبان وادبیات عربی ترجمه شده است.

نشر:
سال: ۱٤۰۲هـ.ش

السید، محمود احمد، ۱۹۳۹م-
عنوان اصلی: النهوض باللغة العربية والتمكين لها،
عنوان ترجمه: نهضت زبان عربی وپایداری آن، غفوری، شریف الله ۱۳٦٦هـ
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری: تعداد صفحات ۲۵۸ صفحه
شابک/ ISBN: ۲-٦٨-٠-۳۲٦-٦۲۲-۹۸۷
یاد داشت:
عنوان اصلی: النهوض باللغة العربية والتمكين لها- چاپ سال ۲۰۱۳م
موضوع: نهضت زبان عربی وپایداری آن.



نهضت زبان عربی وپایداری آن

مؤلف: دکتور محمود أحمد السید
مترجم: پوهندوی شریف‌الله غفوری
ویراستار: پوهنوال دکتور گل محمد باسل
ناشر: نشر اندیشه
سال چاپ: ۱٤٠۲خورشیدی
تیراژ: ۱۰۰۰
قیمت: ۳۰۰
ISBN: ۲-٦٨-٠-۳۲٦-٦۲۲-۹۸۷
آدرس فروش:
ایمیل آدرس: ghaffoori2019@gmail.com
حق چاپ ونشر برای وزارت تحصیلات‌عالی وپوهنتون تخار محفوظ است

پیشگفتار مترجم

سزا وار ستایش خدای راست که برنامه ساز جهان است و جهت اتمام حجت بربندگانش کامل‌ترین پیامش که حاوی راه و روش زندگی به انسان‌هاست، توسط آخرین برگزیده اش حضرت محمد صلی الله علیه وسلم به آنان ابلاغ وتفهیم نمود وفرمود از دینی پیروی کنید که بصفت کامل‌ترین و جامع‌ترین دستور زندگی، زمینه را برای تکامل و اوج معنوی بشریت مهیا کرده و بشریت را از جهل وگمراهی، تعصب وبی‌هویتی نجات داده و به سوی سعادت و خوشبختی‌واقعی هدایت می‌کند.

زبان عربی، بخشی از هویت ملّی و دینی مردم این سرزمین است و جهت شناسانیدن روشنفکران ما به جهان به عنوان مردم متفکر، خوش ذوق، دانشمند و دانش دوست نقش به سزایی داشته است، همچنان که خراسانیان در جهانی کردن زبان عربی نقش و سهم بی‌نظیر و اجتناب ناپذیر داشته‌اند. فارسی زبانان در تمام علوم و فنون رایج پس از اسلام، مانند: صرف، نحو، بلاغت، ادبیات، فقه، تفسیر و علوم عقلی نقش داشتند، طوری که هیچ ملّتی حتی خود عرب‌ها، به اندازه‌ی ایشان در ساختن کاخ بلند و مستحکم علوم و تمدن اسلامی، نقش و سهم آنچنانی نداشته‌اند. پس مردم، فرهنگ و دین این سر زمین با زبان عربی گره خورده است.

پژوهندگان ومحققان حوزه‌ی زبان عربی بر عنصر زبان به عنوان یک عنصر اساسی وپیشتاز در تجدید هویت عربی تأکید دارند حتی آن هنگامی که در مورد سایر عناصر عربی در حیطه‌ی هویت اختلاف داشته اند. از جمله دکتور احمد محمود السید وعبد العزیز دوری بر این نکته تأکید دارند که زبان عامل اساسی در شکل گیری آگاهی‌های عربی در کشورهای عربی حتی پیش از اسلام بوده است. به همین‌سبب هویت عربی را عنصری فرهنگی و اتحاد قومی و دینی می‌سازد نه قومی و اقلیمی. ومساعی خویش را در جهت تحلیل عناصر هویتی عرب که می‌تواند همبستگی جهان عرب را بیافریند؛ بکار می‌برند.

اما نکته‌ی جالب این که در این میان لزوم اعتراف بوجود مشکلی بس پیچیده در زبان عربی است. و آن وجود فاصله‌ی گسترده میان زبان عربی ادبی و زبان

نوشتاری و لهجه‌های عربی عامیانه است. چون حاد بودن این مشکل زمانی بروز می‌کند که متوجه مشکل آموزش و گسترش زبان عامیانه شویم که هم اکنون با آن روبرو هستیم زیرا فرض اساسی بر این بوده که زبان عربی فصیح زبان مشترک در میان عموم کشورهای عربی باشد و مردم صرف‌نظر از اقلیم، دولت، سر زمین و فرهنگ خویش می‌توانند در ارتباط با یک‌دیگر از این زبان استفاده کنند. ودر راستای آموزش این زبان تلاش‌های بیدریغی را بخرج دهند.

ازین‌که چالش‌های فراوانی در راستای گسترش زبان عربی وجود دارد که برخی از آن به روش تدریس آن وبرخی دیگر بر پیچیدگی آموزش نحو عربی بر می‌گردد و در سالیان متوالی آن گونه که شایسته‌ی آموزش زبان دوم باشد نتیجه‌ی مطلوبی از آموزش زود هنگام آن حاصل نشده است که این زبان را با رویکردهای نوین آموزشی تدریس وفق دهد، به همین خاطر نارسایی‌ها وکاستی‌های زیادی در ابعاد مختلف سر فصل برنامه‌ی درسی، فقدان رویکردهای آموزشی جدید، وضعیت اشتغال نا مناسب دانش آموختگان عربی، نبود کتب آموزش عربی مناسب که بتواند مهارت‌های چهارگانه‌ی زبانی همچون: شنیدن،گفتن، خواندن و نوشتن را به صورت یکپارچه آموزش دهد، بسیار رنج می‌برد.

نهضت زبان عربی که از چشمه‌ی ناب اسلام سیراب شده است وداشته‌های گذشته‌ی امت به آن وابسته است، لوحه های نشانی آن را زبان عربی فصیح تشکیل داده است واین زبان عربی هویت اصلی وملی تمام مسلمانان در همه‌ی جهان قرارگرفته است، گرچه دشمنان اسلام می‌خواهند با هر وسیله‌ی ممکن این هویت را از بدنه‌ی امت مسلمان جدا وامت را از گذشته اش منقطع ومتفرق سازند تا بلعیدن آن در کوره زار های پیکار آسان‌تر شود؛ اما این امیال وآرزوها برای ایشان به این سادگی میسر نخواهد شد. چون نهضت زبان عربی هنوز آخرین تلاش های خویش را در راستای پایداری واستواری کیان زبان عربی به کار خواهد بُرد.

قابل ذکر است که در ترجمه‌ی این کتاب مزایای ذیل رعایت شده است.

۱- در برگردانی کتاب حاضر کوشیده شده تا حد امکان ترجمه بصورت روان وساده ارایه شود. ترجمه و معادل یابی اصطلاحات به طور دقیق صورت گرفته

است، ودر موارد زیادی معادل واژه ها به زبان فارسی در دسترس نبود، بناءاً به ترجمه مفهومی ارجحیت داده شده که در بار وَری کتاب افزوده است.

۲- در ترجمه‌ی متن از انواع ترجمه: ترجمه لفظی، محتوایی ومفهومی استفاده شده است وسعی شده تا روح کلام نویسنده انعکاس داده شود.

۳- در ترجمه‌ی آرایه‌های ادبی وفنون بلاغی نهایت دقت در نظر گرفته شده، ودر بسیاری از موارد دیدگاه مؤلف قابل بررسی ومراجعه به منابع ارجاع شده را می نمود که نظریات ایشان را بررسی نمودم که در پاره‌ی از موارد ارجحیت دیدگاه ایشان به اثبات رسیده است.

٤- شرح برخی از واژه‌های نا آشنا وپیچیده ومعرفی مختصر اعلام متن از مراجع مؤثق ومعتمد نقل وبه زبان ساده وسلیس درج شده است.

۵- برخی از ساختارها وجملات ادبی عربی مغلق ارایه شده و به زبان متداول قابل بر گردانی نبود، سعی شده تا ساختار بدیل که هم بیانگر مقصود نویسنده باشد وهم به رسایی وزیبایی کلام بیافزاید آورده شد.

در آخر جای دارد از همکاری های استادان گرانقدر هر یک پوهنوال دکتور گل محمد باسل وپوهنوال دکتور عبد الصبور فخری اظهار سپاس وتشکری نماییم که اثر بنده را با کمال حوصله مندی بازخوانی و ویراستاری نمودند. وبا خلوص نیت ازالله متعال می‌خواهم ترجمه‌ی این کتاب را چراغی بر فراز راه نهضت بیداری عربی قرار دهد وبه همه عزیزان جزای خیر دهد بویژه برای استادان، محصلان روشن‌ضمیر وهمه نسل جوان و از ما نیز پذیرا باشد.

پوهنمل شریف الله غفوری

فهرست مطالب

فصل سوم
زبان عربی در فرهنگ و رسانه

فصل چهارم
صلاحیت های زبانی محصلان دوره‌ی پیش از پوهنتون

فصل پنجم

مفاهیم و روایات روش شناختی

آموزش زبان عربی به نسل دوره‌ی پیش از پوهنتون

فصل ششم

تدریس مضمون نحودر بین آسانی وسخت‌گیری

فصل هفتم

شیوه‌های تطبیقی در آموزش دستور زبان

فصل هشتم

نقش مسؤلان در گسترش و توسعه زبان عربی

در نهادهای مربوطه شان

فصل نهم

واقعیت توانمند سازی زبان عربی

فصل دهم

آینده زبان عربی و مقتضیات عصر آینده

مقدمه مؤلف

زبان مادری هویت و وسیله‌ی شناخت فرد وملتی است که به آن زبان تعلق دارد و همین زبان محور اصلی و ریشه دار نظام فرهنگی، با اصالت وبدون جدوی است، و اگر هر ملتی زبان مادری خود را از دست دهد این امر به طور حتمی باعث نابودی و از بین رفتن فرهنگ آنان می‌شود که این مورد به معنای از بین رفتن تابعیت وملت است. نداشتن زبان در اصل یک هویت ویژه است زیراکه زبان به وجود آورنده‌ی تابعیت کسی است که تابعیت ندارد، به این معنا که همین زبان برایش هویت وتابعیت است. اگر کسی زبان خود را از دست داد، یقینا که وطن خود را نیز از دست می دهد.

مفهوم هویت همیشه با اصالت شخص وریشه‌های آن و رابطه‌هایی که او را به یکدیگر پیوند می‌دهد، ارتباط نا گسستنی دارد که سازنده‌ی هویت شخصی، اجتماعی و فرهنگی او از طریق وابستگی با دیگران را به وجود می‌آورد، وازین طریق یک روند پویا و مداوم شکل می‌گیرد که ابزار آن عناصر مختلف فرهنگی، تمدنی، دانشوری، باور ها، اخلاقیات، عرف ورسوم وعادت های است که کودکان از طریق تربیت اجتماعی که نقش زبان مادری در آن برجسته است؛ کسب می‌کنند؛ پس زبان کمک کننده برای داشته های فرهنگی، وابزار تفکر واندیشه او است.

عربی فصیح زبان مادری ما است زیرا فرزندان ملت را یکپارچه ومتحد می سازد، نقش زبان همانند نقش مادر است که پسران خود را متحد می‌کند، وبه آنها دلسوزی می نماید ودر سرپرستی آنها همه را شامل کرده و به آنان عشق، مهربانی و توجه جدی می نماید. زبان عربی فصیح ما محدود به ابزاری برای تفکر وتأمل،

تنها ابزار بیان احساسات، عواطف وافکار، روش درک و برقراری ارتباط با مردم جامعه نیست، بلکه زبان وسیله‌ی تفاهم وتواصل در بین فرزندان جامعه بوده است؛ اضافه از آن سرچشمه‌ی عزت، شأن وشوکت ماست. عرب‌ها را موازی به یک حقب (یك حقب ۸۰سال) به روش قرآن کریم متحد ویکپارچه ساخت. هنوز هم تهداب تبار گرایی عرب می تواند باشد وهمانند ریسمانی است که همه فرزندان امت را با هم متحد می‌کند، درحالت اندیشه، گرایش، عملکرد، دید، احساسات، درد و امید، تاریخ، حال وآینده وحدت به وجود می‌آورد.

این زبان نه تنها یاد آور حافظه، خزانه و میراث گذشته‌ی امت است، بلکه پل عبور از گذشته به امروز و از حال به آینده نیز است و قلعه‌ی مستحکمی برای دفاع از هویت، میراث فرهنگی و وحدت ملی ماست. در صورت اهمال دار وندار تاریخی ما را از بین می‌برد وحتی ثقافت جامعه‌ی ما را از بین خواهد بُرد پس این موجود بی زبان صبح را بدون هویت بیگاه می‌کند تا که خصلت و ویژگی‌های آن به یغما رود.

هویت عربی در وابستگی زبان عربی شامل است، چون حاجت انسان به هویت از نیاز آن به وابستگی جدا نیست. وابستگی زبانی خاصیت اساسی هویت است، چون گرایش آشکار، هویت مخفی را برجسته می سازد واگر هویت پراکنده شود، علایق و وابستگی هم متلاشی وپراکنده می‌شود.

هویت عربی ما متعلق به زبان عربی، مردم عرب، تاریخ عرب، سرزمین عرب است و قرآن کریم نیز به این زبان نازل شده است؛ پس این زبان به یک اندازه معیین برجسته می‌شود وبرای زبان مادری بزرگترین نقش نگهداری هویت وحفظ حریم وبرجسته ساختن طبیعت آنست.

زبان عربی ما، همانطور که زبان علم وفرهنگ بود، در برپایی کاروان تمدن بشری نیز سهیم بوده است، وفرهنگ های گذشته را پیرو ومطیع خود ساخته، سپس ابداع و نوآوری کرده وخلاصه‌ی از تجربیات خود را به اروپائیان -در رشته های مختلف علوم- صادر کرده است.

از آنجا که زبان مادری وسیله‌ی برای کسب و حاصل کردن ارزش‌ها، گرایش‌ها و اساسات برای کودکان است. این کودک برای شکل گیری شخصیت خود از

خانواده و جامعه‌ی خود به دست می‌آورد و رفتار او را از طریق تربیه اجتماعی تقویه می‌کند، ضرورت است که از طریق تمرین دقیق، صحیح و روشن ذهن سپاری مورد استفاده قرار گیرد، چون وسیله‌ی برای بیان فرهنگی و ارتباطات تمدنی بسیار مهم ارزنده است.

از اینرو، از همه ما دعوت شده است تا در برابر چالش های فرا روی زبان مادری خود ایستاد شویم - از جمله زبان عامیانه است- مردم وملت ما را از هم جدا می‌کند مبارزه کنیم، که دربین فرزندان امت تفرقه می‌اندازد، بلکه در بین فرزندان یک ملت واحد نا هماهنگی را می آورد، جهت نهادینه ساختن شأن و شوکت زبان‌های اجنبی و برتری آن بر زبان مادری کار می‌کنند، که این کار ایشان منجر به حاشیه کشانیدن زبان عربی فصیح، و زوال آن می‌شود تا آنجا که به سوی نابودی، وبربادی وقهقراء سوق داده می شود.

حفظ زبان مادری وفرهنگ آن به معنای عقب نشینی و بسته بودن فرهنگ قدیمی وعدم هم‌دیگر پذیری به زبانهای دیگر و دستیابی به فرهنگ آنها و شناخت مشارکت آنها در مسیر تمدن بشری نیست، زیرا این هم دیگر پذیری وشناخت باعث غنامندی فرهنگ ماست؛ بدون این که زیاده روی در مقابل زبان مادری داشته باشد، و باعث پذیرش مثبت است، زیرا هویت عرب از میراث فرهنگی گسترده‌یی تغذیه می‌شود که ویژگی‌های آن در تاریخ وسیع عرب ما ریشه داشته ودر حال گسترش است، وطوری که بسیاری از میراث‌های فرهنگی گوناگون که، طبیعت عصر در بالای آن تحمیل می‌کند از داشته‌های متعدد فرهنگی است، برای ویرایش، بازسازی آن، اصلاح و تجدید متناسب با فرهنگ عرب نیاز است، آنهم در یک ساختاری که اصالت ملت را از یک سو با جسامت جلوه دهد و از سوی دیگر منظره‌ی از آینده‌ی وسیع، با توجه به نقشی که می‌تواند زبان مادری در تدوین ویژگی‌ها، هویت و انسجام آن در توسعه جامعه به صورت همه جانبه و پایدار نقش داشته باشد.

اگر سازمان بین المللی آموزش، علمی و فرهنگی "یونسکو" از همه کشورهای عضو خود دعوت کند تا روز جهانی زبان مادری را در ۲۱ فبروری هر سال جشن بگیرند، باعث اهمیت و ارزش زبان مادری می‌شود که آن یکی از ابزار تقویت برای هویت افراد و گروه‌ها، وعامل مهمی در دستیابی به توسعهٔ پایدار نیز است. چون

این روش راهی برای مبارزه با بی سوادی، ودستیابی به اهداف آموزش برای همه، پیر و جوان، جهت توسعه اقتصادی، فرهنگی واجتماعی آنان می شود.

از آنجا که زبان مادری ما عربی فصیح است که در گذشته مردم وملت ما را متحد ساخته بود و در حال و آینده هم آنان را متحد می سازد، حفظ وپاسداری آن وظیفه‌ی تمام اعضای امت است؛ زیرا هیچ چیز شدیدتر از فرزند نافرمانی نسبت به مادری نیست که گرمی، احساسات، مهربانی، حس وحرکت آن را درك نه کند؛ زیرا زبان آمیخته با مهربانی، لطافت و گرمای مهر مادر گره خورده وباعث می شود کودك احساس غنامندی در جود خویش و حس خوش بینی نسبت به زندگی که در آن روایت از نشاط است.

با گذشتن از مراحل نخستین زندگی کودك که شخصیت او در آن شکل می گیرد و ارزش‌ها وگرایش‌های او بوجود می‌آید، با لطف انعطاف پذیری وقابلیت شکل گیری واژگان، گرمای مهر زبانی پر از عشق وشوق، مشخصه‌ی آن با وضوح و دقت در استفاده از کلمات و ساختارهای زبانی و نامگذاری اشیاء صحیح وخوب جلوه می‌کند. ازین جهت زبان نه تنها وسیله‌یی برای ارتباط وبیان است؛ بلکه ظرفی برای انتقال اندیشه، فرهنگ و ثقافت نیز بوده که در آن فرد با فرهنگ جامعه‌ی خود عجین می‌شود، وهمچنان ابزاری برای رشد تفکر و اندیشه او نیز است.

کودك از طریق زبان مادری، ذات خود، خویشتن ودنیای خود را می‌شناسد ونمی‌شود در مورد آن بی‌اعتنایی کرد. چه در بیان احساسات و عقاید باشد، و یا در جریان گفتار، توصیف چیزها وحوادث پیرامون خود و حتی در جریان ارتباط و برقراری با دیگران؛ نمی‌تواند از آن‌چشم پوشی کند.

قابل توجه است که کودکی که در آغوش یك زبان درست رشد می‌کند واز دانش، ارزش‌ها وخوبی های غنایی آن که شخصیت وداشته های فکری، عاطفی وفرهنگی او را تشکیل می‌دهد، برخوردار است. در ارزش زبان و جایگاه آن در میان سایر زبان‌های جهان که باعث می شود او آن را به عنوان ابزاری برای تمرین مناسب و حفظ وسلامت فرهنگ گرامی بدارد.

با این حال، حفظ زبان مادری ما به معنای بسته بودن و باز نبودن در برابر فرهنگ‌های اجنبی و زبان های آنها نیست؛ بلکه دستیابی به زبان های خارجی به

معنای غنای فرهنگی ما است. همانطور که قبلا ذکر شد. در میراث عرب ما، دعوت برای کسب زبان اجنبی وجود دارد همانطوری که شاعر عرب می گوید:

بـقـدرلغــاتِ المـرء يكثُــرُ نفعُه   وتلك له عنـــد الشدائِد أعوانُ

فبادر إلی حفظِ اللغاتِ مسارعًا   فكلٌّ لسانٍ بــالحقيقةِ إنســـانُ

ترجمه: به هر اندازه که یک شخص زبان یاد گرفته باشد، سود او نیز بیشتر می شود و اینها در مصیبت‌ها یاوران او هستند. بنابر این به سرعت زبانها را به خاطر بسپارید؛ زیرا در واقع هر زبانی یک انسان است.

با این حال، علاقمندی برای یاد گرفتن زبان های خارجی نباید به ضرر زبان عربی فصیح ما باشد، که اساس ملی گرایی ما، حافظه ملت وخزانه ی میراث، آدرس شخصیت عربی و هویت فرهنگی ما همه وابسته به آنست. و انعطاف پذیری آن در مقابل تحولات زمانه و پاسخگویی به نیازهای آن جز نیازمندی های ملت ماست.

ما نمی توانیم فراموش کنیم که زبان مادری ما در سطح خارجی و داخلی با چالش‌های بزرگی روبرو است. در سطح خارجی و داخلی در سایهٔ سیطره‌ی فرهنگ تک قطبی زبان انگلیسی در سطح جهان تسلط دارد، که انگلیسی زبان علم، کار و بار است. ارتباطات در همه سطوح، از تعلمات ابتدایی تا کودکستان (مهد کودک) شروع تا به نشر علوم وتکنالوژی و تبادل تجربه های فنی "فناوری" با گذر از تحصیلات عالی، تجارت، صنعت وسایر موارد، با نا مهری هایی همراه است.

این به معنای حاشیه‌رانی زبان عربی و استعمال از آن در زمینه‌های خاص سنتی است و نیز نقش لهجه‌های عامیانه ممکن است در مقابل تأثیر زبان فصیح افزایش یابد و این لهجه‌ها برای تحقیقات خود در سطح جهانی و آموزش به جای عربی فصیح مورد تشویق قرار گیرد، علاوه بر تلاش مداوم برای به حاشیه بردن عربی در مجامع بین المللی بر اساس یک عده بهانه‌های بی اساس وبی سند، از جمله چالش های سطح خارجی، انتشار کمترین درصد محتوای عربی در صفحات ویب سایت های انترنیت است که بیشتر صفحات ویب سایت‌های موجود در سرورهای بین المللی به زبان انگلیسی درج شده است. وکمبود معلومات رقمی در فضای مجازی (انترنیت) به زبان عربی وجود دارد، علاوه بر عدم اعتماد به ذکر حرفه وشغل های عربی، که مشکلات زیادی را ایجاد کرده است.

در مورد چالش‌های داخلی که زبان مادری ما با آن روبرو است، گذارش می شود که تعداد مادران بی سواد در کشورهای عربی ما نزدیک به صد میلیون می رسد و ما در دهۀ اول هزاره سوم هستیم وبیشتر آنها زنانی هستند که بر روند توسعه وپیشرفت ما تأثیر منفی می گذارند. خداوند امیر شاعران عرب: (احمد علی شوقی) را رحمت کند که می‌گوید:

وإذا النساءُ نشأنَ في أُمِيةٍ　　　رضع الرجالُ جهالةً وخمولا

ترجمه: اگر زنان در بی‌سوادی پرورش یابند، مردان از جهل و بیکاری شیرخوار شدند.

بر علاوه‌ی کم سوادی، یک محیط آلوده از نظر زبانی با اشتباهات زبانی و گویش های عامیانه‌ی گسترده وکلمات بیگانه وجود دارد که شما را از هر طرف احاطه کرده است. عدم آموزش روی خوانی برای زبان آموزان، عدم ارایه مهارت های یادگیری خود به زبان آموزان، عدم ترجمه از زبان خارجی به عربی واز عربی به زبان دیگر وعدم تحقیقات علمی برای حل مشکلات زبان با استفاده از روش های علمی و بی علاقگی فکری پیرامون گرایش‌های زبانی در عرصه ملی می‌باشد.

این چالش‌هایی که زبان مادری ما از نظر داخلی و خارجی با آن روبرو است، ما را ملزم به تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های زبانی به هدف مراقبت از زبان خود، پاسداری از آن، تسلط بر مهارت های فراگیری وتوسعه‌ی زبانی آن می‌کند.

کشور سوریه وطن پیشگام در راستای زبان عربی در زمینه‌ی عربی سازی بوده و اولین کشوری است که انجمن ویژه‌ی زبان عربی را باز کرده است؛ زیرا فرهنگستان زبان عربی در سوریه پدر فرهنگستان‌های جهان عرب محسوب می‌شود که گشایش آن به سال ۱۹۱۹م زیر نام فرهنگستان علمی عربی (المجمع العلمی العربی بدمشق) نام‌گذاری وتاسیس شده بود.

سوریه اکنون در تهیه‌ی یک برنامه‌ی اقدام ملی برای توانمند سازی زبان عربی در سال ۲۰۰۷م و ارایه‌ی پروژه‌ی «توسعه‌ی زبان عربی برای حرکت به سمت یک جامعه علمی» پیشگام برگذاری کنفرانس اجلاس سران عربی که در دمشق در سال ۲۰۰۸م تدویر شده می‌باشد. پس از تشکری از جمهوری عربی سوری برای این ابتکار مثبت، در راه اندازی این پروژه، توسط اجلاش سران تصویب شد.

این کتاب «نهضت زبان عربی وپایداری آن» نام گرفته و سعی دارد برخی از چالش‌های پیشروی زبان عربی را که در عصر حاضر وجود دارد را رونمایی کند و برخی پیش‌بینی‌ها را برای مقابله با این چالش‌ها و اعتلای واقعیت زبانی ترسیم نماید. این کتاب شامل ده فصل است که به زبان، هویت، زبان عربی، جهانی سازی زبانی، واقعیت زبان عربی در فرهنگ و رسانه‌ها، صلاحیت‌های واقعی زبان در بین محصلان دوره‌ی پیش از پوهنتون، مفاهیم روش شناختی وچشم اندازها در آموزش زبان عربی برای نسل آینده؛ پرداخته است. در سطح پوهنتون‌ها، وآموزش دستور زبان از نظر سخت گیری وساده سازی و نقش مسؤولین در گسترش وتوسعه‌ی زبان عربی در مؤسسات انکشاف زبان، و در نهایت آینده‌ی زبان عربی و پیامدهای دوره‌های آینده پرداخته است.

امیدواریم که با بیان کردن این چالش ها و ترسیم برخی موارد برای غلبه بر آنها در پیشرفت واقعیت زبانی ما فوایدی داشته باشد.

من از هم‌کاران محترم اعضای فرهنگستان علمی از جمله: استاد دکتور مازن مبارك واستاد دکتور ممدوح خسارة که از نظرات شان در مورد اصلاح نسخه ی این کتاب استفاده نموده ام، می‌خواهم صمیمانه تشکر کنم، و همچنین مایلم از خانم ریم القزاز که نسخه‌ی قلمی کتاب را حروفچینی کردند و از انجینر مازن الغراوی که مدیریت چاپ کتاب را بدوش گرفتند نیز سپاسگذاری نمایم.

تا باشد که خداوند به همه‌ی ما توفیق خدمت به ملت عرب جاودانگی زبانی نصیب کند.

به توفیق الله

مؤلف

فصل اول
زبان و هویت

محتویات فصل اول:

نخست: مدخل تعریفی (دریچۀ مقدماتی)

دوم: رابطه در بین زبان و هویت

سوم: واقعیت هویت و زبان عربی

چهارم: استفاده از تجارب دیگران

پنجم: روش‌های حفاظت زبان و هویت

فصل اول

زبان وهویت

در این فصل مختصر، سعی می‌کنیم دریچهٔ مقدماتی را جهت شناخت زبان و هویت داشته وارتباط متقابل آن را شناسایی، و اندکی به واقعیت زبان وهویت عربی روشنی بی اندازیم و به برخی از تجارب دیگران که در راستای حفظ زبان به صفت بنیادی برای هویت داشته اند، جزئیات را ارایه دهیم تا سر انجام چندین توصیه برای حفظ زبان عربی به صفت ارایه دهنده‌ی نماد هویت ملی ما داشته باشیم.

نخست: مدخل تعریفی (دریچهٔ مقدماتی)

لغة یعنی زبان از فعل لُغَا، به معنای گفتن گرفته وفعل مضارع آن یلغو است و بر وزن «فعلة» لغة یا لغوة می‌آید، حرف واو آن حذف شده است و جمع آن لُغات ولُغُون است واللغو به معنای نطق وتکلم است. و برخی‌ها آن را از واژه‌ی یونانی «لوغوس» به معنی «کلمه» می دانند. [1]

در فرهنگ لسان العرب آمده است: «اصواتی است که هر مردمی برای اهداف خود بیان می‌کنند»[2]. ودر دائرة المعارف بزرگ فرانسه بیان شده است که زبان کشش کل فعالیت بدنی است، از جمله ویژگی‌ها وعلائم اندام‌ها؛ اما این کشیدگی کم کم ایجاد می‌شود تا به آن تصاویر انتزاعی گفتار برسد. [3]

١ـ الدکتور محمود أحمد السیّد ـ في طرائق تدریس اللغة العربیة ـ منشورات جامعة دمشق ـ ٢٠٠٨ ص٩.

٢ـ ابن منظور المصری ـ لسان العرب ـ ج ٢٠ ـ الطبعة الأولی ـ المکتبة المیریة ببولاق مصر ـ ١٣٠٠ه ص١١٦.

٣ـ Encyeclopedie la grande(١٨٨٥-١٩٠١) Art:Parole.

در دائرة المعارف بریتانیایی ودائرة المعارف علوم اجتماعی آمده است که زبان اصوات در سایر کشورها نسبت به سایر اشکال دیگر ارتباطات مانند نوشتن، حرکات و سایر موارد اولویت دارد و این اشکال دیگر مکمل زبان گفتار است بدون این‌که بطور کلی عوض شود. [۱]

با این‌حال، در مکتب روسی، زبان آواها همیشه زبان جامعه بشری بوده که توانسته وسیله‌ی کاملاً قابل قبول برای برقراری ارتباط در بین مردم باشد و این که زبان نشانه ها و اشاره دست، زبانی نیست که از یک جهت بتواند جای زبان آوایی وصوتی را بگیرد؛ ولی قابلیت‌های بسیار محدود را دارند که پاسخ‌گوی نیاز انسانی برای بیان کردن آن ویا این مراد کلامش باشد. [۲]

روانشناس روسی «پاولوف» معتقد است که علایم اولیه در انسان‌ها و حیوانات وجود دارد. با این حال، اشارات (نشانه‌های) انسانی تکامل یافته و یکپارچه هستند و به اشارات (نشانه‌های) درجه دو تبدیل می‌شوند، که اشارات (نشانه های) آن سیگنال‌های اصلی در قالب کلمات گفتاری، شنیداری و دیداری هستند. [۳]

ما از تعاریف قبلی چنین نتیجه می‌گیریم که زبان یک مفهوم سیستمی و یک پارچه است که شامل موارد زیر چون: حرکات، علائم، رمزها، نمادهای نوشته شده و همه اشکال بیان مانند موسیقی، مجسمه سازی، نمایش، نقاشی وغیره...می باشد و این بیان در اصوات هجایی فقط یکی از اشکال زبان است.

هویت مصدر صناعی وبر گرفته شده از کلمه‌ی "هو" ویا "الهو" بوده که در اصطلاح فیلسوفان به معنای غیب، حقیقت مطلق یا الله است. [٤] هویت دلالت برداشته‌های باطنی شخص دارد، در دنیای معاصر اطلاق هویت به کارت شخصی،

۱- Sociol sciences-Ecyclopedia. Language Articale

۲ـ Sociol sciences-Ecyclopedia. Language

۳ـ الدكتور ميشال عاصي مترجم كتاب «دراسات لغوية في ضوء الماركسية»- دار ابن خلدون- بيروت- ط ۱۹۷۹-۱ص ۷.

٤ـ المرجع السابق ص۳۵

نام شخص، جنسیت شخص، زادگاه و وظیفه‌ی آن می‌شود، واین عبارت از شناختی کارت شخص است.[1]

پیرامون هویت تعاریف متعددی از طرف فیلسوفان، عارفان، روانشناسان، ریاضی دانان، منطق دانان وغیره ارایه شده است. کسانی هستند که آن را به واقعیت، جوهر، ذات، وحدت، ادغام، تعلق، برابری وشباهت محدود می‌کنند.

هویت متشکل از هویت فرد وجماعت است. روانشناسان اذعان می کنند که هویت وحدت فرد در مراحل مختلف آن چون: کودکی، جوانی ونوجوانی، بزرگسالی، کهنسالی وجامعه شناسان علایم زبان را در مظاهر هویت ویا ذات شخص فرا می گیرد.

هویت پارچه ی متشکل از چندین نَخ است که هر یک از آنها می تواند یک پارچه باشد وبه یک هویت تبدیل شود، همان طوری که هر نخ می تواند با یک یا چند نخ هماهنگی کند و یک هویت را تشکیل دهد یک رشته ممکن است در جمع، مقاومت بیشتری داشته باشد و دو نفر از اعضای آن بر یکدیگر مسلط می‌شوند و بر یکدیگر غلبه می‌کنند. پیرامون گروه ودر اذهان گروه‌های دیگر درباره‌ی آنها گفته می‌شود که هویتِ این گروه زبانی، تاریخی، مذهبی، جغرافیایی ... و غیره است؛ به این معنی که عنصر سرکش اینست که نقش این عنصر یا سایر عناصر دیگری لغو شود.

هویت ممکن است قسمت کوچکی مختص به یک چیز یا شخص خاص باشد و ممکن است یک کل ترکیبی از یک گروه، مردم یا ملت باشد و هر چه هویت بیشتر در افراد گسترش یابد، پیچیده‌تر، در هم تنیده و ترکیبی‌تر می‌شود.

کسانی هستند که معتقدند: «هویت ثابت نیست، تحول پذیر و متغیر است وبدون تغییر کامل نیست؛ زیرا یک امر ابدی، ثابت، نهایی وتغییر ناپذیر است؛ اما این به معنای انکار وجود برخی از ثوابت هویت نیست، مانند: دین و زبان، گرچه اینها نیز از طریق فهم، تفسیر، تأویل و پذیرش مفاهیم جدید تغییر می کنند»[2] واگر

۱ـ الدكتور محمد عابد الجابري- الموسوعة الفلسفية العربية-معهد الإنماء العربي-بيروت ۱۹۸۶مـج۲ ص ۸۲۱.

۲- الدكتور عبد الحسين شعبان-العروبة والدولة المنشودة-مؤتمر العروبة والمستقبل-دمشق ۲۰۱۰ص۱۴۷.

یک ساختار کلی داشته باشد، و زبان جز ساختار اساسی این بافت کل باشد، ما با نگاهی دقیق به رابطه بین هویت و زبان نظر می اندازیم.

دوم: رابطه بین زبان و هویت

آشکار وهویداست که زبان و هویت دو ویژگی انسانی هستند؛ زیرا انسان به تنهایی دارای فهم، شعور و احساس پیرامون خویش و دیگران است. و هر دو با عقل مرتبط هستند و پیدایش هر دو هویت و عقل با هم برای زندگی انسانی در روی زمین خلق شده‌اند وهر یک از آنها منظومه‌ی است که شامل قسمت‌هایی بافته شده‌ی از هستی است ویقیناً که خلقت هر دو با پیدایش انسان در روی زمین ملازم بوده است. و برخی از آنها را نمی‌توان از دیگری جدا کرد، و اگر زبان شامل طرز تفکر، تاریخ، احساسات، اراده، آرزوها وشکل روابط آنها باشد، هویت عنصری مهم در کل وساختار آنست. هویت وزبان دو روی یک سکه اند.حقیقتاً که جوهر انسانی متشکل از زبان وهویت است. زبان، اندیشه وگرایش ویژه اوست واین ویژگی ها پیرامون هویت آن وگذشته او حقیقت یک زبان است. سقراط به مخاطب خود می گفت: «صحبت کنید تا من شما را بشناسم» او نمی‌توانست شخصیت مخاطب خود را از طریق سخنان او تشخیص دهد، واین همان چیزی است که المتنبی به آن نیز اشاره کرد:

أصادق نفس المرء من قبل جسمه وأعرفها في فعله والتكلّم

ترجمه: من روح انسان را توسط بدنش باور دارم وآن را در عمل و گفتارش می‌شناسم.

گذشتگان می گفتند: «المرء بأصغريه قلبه ولسانه»

ترجمه: انسان به اندازه قلب و زبانش کوچك است.

هویت با یک شخص متولد نمی شود و یک باره شکل نمی‌گیرد و نه حرکتی در درون اوست؛ بلکه این رابطه‌ی محکم با محیط آن دارد، همان طوری که در مورد زبان و فرهنگ اتفاق می‌افتد؛ زیرا هویت انسان توسط آنچه از خارج به او الهام می‌شود؛ ترسیم می‌گردد وشکل و رنگ آن را تعیین می‌کند؛ زیرا این مورد بخشی از هویت جامعه است، یا حد اقل برخی از ویژگی‌های این جامعه را نیز دارد.

جامعه‌ی مورد نظر نه تنها جامعه فعلی وعملی است؛ بلکه یک محیط اجتماعی نیز است که فرد دانسته با آن تعامل می‌کند، علاوه بر جامعه‌ی تاریخی یا تاریخچه‌ی مجتمع که به آن تعلق دارد، تاریخ مرکب از علوم، معارف، مواقف، خاطرات، مشاعر وتجربه‌های مثبت ومنفی است، اینها به یک اندازه در شکل گیری هویت جماعت سهم خود را ایفا می‌کنند.[۱]

در زمان گذشته وحال - از جمله آنچه در آن است وآنچه از آن است - تنها زمانه نیست که در ساختار تأثیر می‌گذارد، بل در تنظیم هویت ویژگی‌های فرد وگروه، مکان (جغرافیا) نیز تاثیر دارد.

عنصر دیگری نیز وجود دارد که از این عناصر ترکیبی پیشی می‌گیرد، که عنصر اندیشه، بینش یا فلسفه و آنچه به آن مربوط است که جامعه از طریق آن خود را می‌بیند، همان طوری که روابط خود و جهان پیرامون خود را می‌بیند و دین تحت این عنصر قرار می‌گیرد. دین چیست؟ مگر بینش به ذات انسانی، رستاخیز وگیتی ارتباط دارد که این زبان تحت ارزش‌ها، چشم اندازها و ادراکات قرار می‌گیرد.

به هر اندازه‌ی که بیان عمیق وژرف باشد وقابلیت نفوذ در حقایق وماهیت امور را داشته باشد، توانمند ساختن شخص وی وپیوند دادن آن با کسانی که ثوابت فکری مشابه و همسان را داشته باشند، یکپارچه با ایشان در ساختار و وحدت فکری با او در یک مسیر قرار می گیرد. عناصر دیگری مانند: اراده مشترك، منافع اقتصادی وسایر موارد وجود دارد که برخی از نویسندگان آنها را از عوامل مهم در ایجاد هویت می‌دانند.

ما نمی توانیم جامعه‌ی بدون هویت فرهنگی را از هم تفکیک کنیم که فرهنگ آن متشکل از هویت نباشد و فرهنگ آن شامل داشته های علمی، باورها، هنر، اخلاق، قانون و رسم ورواج‌ها نباشد، چون زبان محور، حامل آن و مُعبر رویداد های آنست وتقویه وحفظ هویت فرهنگی وتعمیق ریشه های آن با فرهنگ دیگری

۱- الدكتور فيصل الحفيان- اللغة والهوية إشكاليات المفاهيم وجدل العلاقات- مجلة التسامح- العدد الخامس بمسقط- وزارة الأوقاف والشؤون الدينية.

منافاتی ندارد، اما تذکر چند نکات مهم وفراگرفتن تجربه های مثبت آن سودمند است.

ساموئل هانتینگتون، نویسنده‌ی کتاب «برخورد تمدن‌ها» می نویسد: «دین و زبان هر دوی آن عناصر اصلی هر فرهنگ و تمدن هستند که اگر پیروزی در آن حاصل شود، تسلط ورقابت در ازدیاد شوکت وباروری انقیاد تمدن آسان می‌شود».

از آنجا که زبان مرکز فرهنگ وابزاری برای تفکر است که بینش جهان وقوانین آن را تعریف می‌کند، دانش آن مهم‌ترین ستون برای تقویت هویت، نفس شخصیت اوست. هویت مفهوم صاحب الدلالة است که به زبان، فلسفه، اجتماع وارزش‌های فرهنگی دلالت می‌کند، و شامل احساس با گرایش قومی، مذهبی وتباری است.

اگر زبان بنیاد محکمی است که ملت بر اساس آن بنا شده، در واقع هویت هم‌چنین است. این از ویژگی ها وعملکردهای اساسی زبان شمرده می‌شود.

در مدرسه آلمانی

مدرسه آلمانی که بر اساس فلسفه‌ی آرمان گرایانه هگل بنا شده است، تأکید بر بنیاد ملی گرایی (هویت) ومعیار های زبان استوار است؛ زیرا نیروی پنهانی است که افراد هر ملت را به حرکت می آورد و جامعه را به سوی آن هدایت می‌کند، همین جاذبه‌های زبان است.

پیرامون آن "هردر"چنین بیان می‌کند: یقنینا که نبض قلب مردم با زبان می تپد و روح مردم در زبان گذشتگانش پنهان می‌شود واین ظرفی است که مردم با آن وداع می‌کنند وآنچه از دست آوردهای فکری وگنجینه‌های آداب ورسوم، فلسفه و اعتقادات دارند، بر حفظ آن همت می گمارند.

فیخته دانشمند آلمانی می‌گوید: «کسانی که به یک زبان صحبت می‌کنند یک وجود یک‌پارچه وواحد هست که سرشت آنان با پیوندهای محکم نامرئی بسته است».[۱]

---

۱ ـ الدكتور محمود أحمد السيد- اللغة العربية وتحديات العصر- الهيئة العامة السورية للكتاب بوزارة الثقافة السورية- دمشق ۲۰۰۸ص.٤٧.

اگر آلمانی‌ها بر نژاد و زبان تمرکز دارند، فرانسوی ها هم بر اراده و زبان تمرکز می کنند، اراده‌ی که مبتنی بر جغرافیا واقتصاد است. ومارکسیست ها علاوه بر زبان، تاریخ وشکل گیری روانشناختی فرهنگی، بر اقتصاد وجغرافیا نیز توجه دارند.

با این حال همه‌ی این مدرسه ها از ارزش زبان غافل نیستند؛ زیرا برخی از آنها زبان را به عنوان یک مؤلفه‌ی اساسی جهت یک‌پارچگی امت قبول دارند. ودر ساختن ملت و وحدت آن، اتحاد کلمه وایجاد ملی گرایی به آن متوسل می‌شوند. اتحاد آلمان وایتالیا (هر دو) بر اساس وحدت زبان بود و بر اساس آن حس ملی گرایی لهستانی، بلغاری ویونانی... وغیره شکل گرفت.

سوم، واقعیت هویت و زبان عربی

عده‌ی از نظریه پردازان نقش برخی از رابطه‌ها را در ساختار هویت با توجه به مقیاس عربی لغو کردند. چون ملی گرایان عرب در ملت سازی زبان وتاریخ عرب تمرکز دارند، در حالی که ملی گرایان سوریه بر جغرافیه (سرزمین) و اسلام گرایان بر دِین ترکیز دارند.

متفکر ملی گرای عرب "ساطع الحصری" معتقد است که زبان روح وزندگی امت و همچنان محور ناسیونالیسم وستون فقرات آن است؛ چون یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها وشاخص‌های آن است که زبان مبنی و اساس در ساختار ملت وشکل گیری ملی گرایی و قومگرایی با تاریخچه یک‌سوست. چنانچه گفته شده است: «امت ها برخی با یکدیگر در درجه اولاز زبان متمایز می‌شوند».[۱] واین‌که زندگی یک ملت بیش از هر چیز وابسته بر زبان است و هر ملت که تاریخ خود را فراموش کند احساس خود را از دست می‌دهد و می تواند دوباره آن آگاهی و احساس را با بازگشت به تاریخ ملی خود اعاده کند، اما اگر زبان خود را از دست بدهد، زندگی خود را از دست می‌دهد و در میان مردگان قرار می‌گیرد وراهی برای بازگشت به زندگی باقی نمی‌ماند، چون زبانست که آگاهی واحساس را بازیابی می‌کند.[۲]

۱ـ الحصري- أبحاث مختارة في القومية العربية- مركز دراسات الوحدة العربية- بيروت ۱۹۸۵ص.۲۹.

۲ـ الحصري- أبحاث مختارة في القومية العربية- مركز دراسات الوحدة العربية- بيروت ۱۹۸۵ص.۲۹.

اگر به واقعیت زبان عربی خود در طول تاریخ نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که عرب‌ها از روی جهل به جای آن از لهجه‌های گوناگون عامیانه استفاده می‌کنند و به هر یک از این لهجه‌ها یک زبان گفته می شود؛ زیرا اعراب از کلمه "لغة" وکلمه "لغات" در لهجه‌هایی که در شبه جزیره عربستان منتشر بودند اطلاق می‌کردند وهر یک از آنها با یک قبیله یا گروه قبایل "حجاز" یمن مرتبط هستند. این زبان ممکن است آن قبیله تمیم نسبت داده شود، نه به مکان قبیله ی که در آن زیست می کنند؛ آنها می‌گفتند: زبان مردم حجاز، زبان مردم یمن همان زبان بنی تمیم است، همان طور که می گفتند: «زبان قریش و زبان هذیل وقتی زبان شناسانی که به جمع آوری زبان ها پرداختند، آنها از همان کلمه "لغة" استفاده کردند. اگر می‌خواستند زبان را از دید زبان همه قبایل عرب بیان کنند، آنها واژه "لغة" و"العربية" را بکار می‌برند».[1]

و هنگامی‌که قرآن کریم بر قلب پیامبر عربی زبان عربی که از تبار نجیب زادگان بود، به زبان عرب قریش که منبع مشترک تمام لهجه‌های عرب بود و گسترده ترین زبان در شبه جزیره عربستان شمرده می‌شد، نازل شد.

این زبان عربی زیر رهنمای وارشادات زبان قرآن کریم واقع گردید، وتحت تأثیر مستقیم آن قرار گرفت، خصلت های آن به شدت گسترش یافت ومنتشر شد. اهداف ومعانی آن با مفاهیم وباورهای این دین در محدودهٔ تمدن واصطلاحات علوم، واژه های زبان عربی پیراسته وآراسته گردید، ونیز روش‌های گفتگوی جدید به وجود آمد، وقرآن کریم زبان عربی را با گیرا ترین وشرین ترین محتوای زبانی، نرمی واژه‌ها، ساختارها، دقت در عملکرد، منطق قدرت وثروت را در معانی، وگسترش دایره زبان با استفاده -از اصطلاحات دینی مانند نماز، روزه، زکات، صدقه‌ی فطر، رکوع وسجود در عبادت وسعت بخشید وشگوفا کرد.

در طول آغاز و گسترش تاریخ، زبان عربی توانست الگوی زبانی بسیاری از زبانها قرار گیرد، در حالی که برخی از حرف‌های آن از زبان های دیگر به ویژه زبان های اسلامی گرفته شده است تا که واژه های مستعار را با آن حرف ها بنویسند، از جمله زبان فارسی در ایران و افغانستان و زبان اردو در هند و پاکستان؛ زیرا این دو

۱ـ الدکتور فیصل الحفیان- العلاقة بين اللغة والهوية- شبكة الألوكة- ۲.

زبان عبارت بودند از: زبان های اسلامی که به رسم الخط عربی نوشته می شوند تا اینکه در نتیجه برنامه ریزی دقیق جهت مبارزه با عربی در قرن بیستم رسم الخط عربی رها کرد، که در صف مقدم این زبان ها زبان ترکی قرار دارد، این زبان از سقوط خلافت عثمانی در پیامدهای جنگ جهانی اول حروف خود را به لاتین تغییر داد و به دنبال آن زبان ها در برخی کشور های آسیای اسلامی در منطقه ترکستان که چین واتحاد جماهیر شوروی سابق بر آنان سلطه دارد.

با برنامه ریزی دقیق وانقلاب سی‌ساله علیه میراث وآثار فرهنگی مکتوب به خط عربی، در نتیجه تصمیم به حذف حروف عربی، ممنوعیت نوشتن آن در برخی کشورها، منجر شد. همانطوری که در زبان‌های افریقایی که با حروف عربی نوشته می‌شد، به ویژه زبان مناطق سواحلی در شرق افریقا، که نوشتن آن با حروف عربی ادامه وجریان داشت، چنین اتفاق در سال ۱۹٦٤م، بر ایشان افتاد. وتصمیم بر حذف حروف عربی و جایگزینی آنها با لاتین گرفته شد.[1]

واگر فرزندان ملل اسلامی غیر عرب مایل به دانستن زبان عربی هستند، بخاطری است که این زبان دین اسلام، زبان قرآن کریم است، و دانستن آن از اساسات دین بوده همان طوری که ابن تیمیه می‌گوید: «زبان عربی بخشی از دین بوده و دانستن آن یک فرض واجب است. وبرای فهم کتاب الله وسنت رسول الله ضروری بوده، ودرک وفهمیدن آن بدون تسلط زبان عربی، میسر نیست و آنچه بدون آن واجب اداء نمی شود یک واجب است، قول مشهور است: وما لا یتم الواجب إلا به فهو واجب».

واضح است که قرآن کریم به زبان «عربی مبین» نازل شده است، اما تنها مخاطبش عرب‌ها نیست، وپیامش برای همه مردم دنیاست، و این‌جاست که عباس محمود العقاد در باره می گوید: «بارها گفته شده است که زبان عربی ماندگار است زیرا این زبان قرآن است واین قول درستی است وشکی در آن نیست. ونگهدار این زبان قرآن کریم بوده است زیرا که دین تمام بشریت است. ومقصود از دین یک قبیله یا یک گروه نیست، از آنجا که زبان عبری زبان یک مذهب بود و زبان کتاب بود که یک گروه مدیونش بودند واز جهتی که به یک قوم تعلق داشت ازبین رفت،

۱ـــ الدکتور أحمد درویش- أهمیة اللغة العربیة في المحافظة علی الهویة وتوطین المعرفة- شبکة الألوکة. ۳۱/۷/۲۰۱۰

زبان عبری از دنیا نرفت مگر این‌که انعطاف پذیری را که باعث می شد زبان انسانی انجام دهد از دست داده بود و آن را از دائره تنگ و تعصبی که پیروانش آن را قرار داده بودند خارج کند»[1].

زبان عربی یک مفهوم قومی ونژادی نیست؛ بلکه یک هویت فرهنگی واحد است. زبان عربی نقش حفاظت کننده نسل، میراث دار وی است. وهمچنین بیانگر یک محدودهٔ تمدنی در زمینه معنوی واخلاقی است که ارزش‌های انسانی وریشه های تاریخی آن را تعمیم وتکثیر می بخشد وبا تعدد فرهنگ های دیگر عمیق تر می‌شود. پیشرفت های سریع علمی وفنی ورشد عملکرد آن تا سطح رقابت، عدم رضایت خاطر، انحلال و از بین رفتن برتری نژادی را تمثیل می‌کند. و اگر فرهنگ علاوه بر اکتشافات ومصنوعات مادی، نظام متشکل از اندیشه، باورها، ارزش‌ها، ادبیات و آداب و رسوم است، پس این هویت ناسیونالیسم خانواده‌ی است که خون آن به عنوان "خون زبانی" بر شریان فرزندانش جاری می‌شود، ازین جهت هویت نمادیست شخصیت ساز، زبان ساز، فرهنگ وملی گرایی، یعنی زبان، ذهن و ضمیر بیانگر آنست.

زبان عربی رابطه ی است که گذشته وحال را به عنوان یک فرهنگ متحد کرد و هویت گویندگان خود که در آن نقش می بست عجین ساخت. پس نسلی را تربیه کرد که فرهنگ ملت ما از بدو تأسیس تاکنون با آن ادامه داشته است و این طنابی است که ملت عرب را با وجود متفرق شدن فرزندانش در کشوره ها؛ در یک محدوده ی زبانی متحد می کند. خدا بیامرزد امیر شاعران -احمد شوقی- را وقتی می گوید:

ويجمعنـــا إذا اختلفـــت بـــلاد   بيـــان غـــير مختلـف ونطـــق

ترجمه: اگر کشورها در بیانیه وتلفظ غیر متفاوت با یکدیگر اختلاف داشته باشند، متحد خواهیم بود.

همان طوری که دکتور عبد الکریم یافی -رحمه الله علیه- می گوید:

مهــما تقاربــت الأقطــار أو بعــدت   فنسبة الضاد عندي أشرف النـسب

۱- احمد محمد جمال- اللغة العربية لسان وكيان- مجلة البحوث الإسلامية- العدد الأول ص۹۱.

ترجمه: مهم نیست که کشورها چقدر با هم نزدیک یا چقدر دور هستند، نسبت لغت الضاد به من نجیب ترین واشرف النسب است.

این زبان عربی ما است که ما را در طول زمان با تاریخ امت‌های گذشته ما متصل می کند، و این حلقه وصل ما در سراسر دنیا با سخن گویان خویش در هر سرزمین است بدون این‌که در مرزها یا بندها متوقف شود. این فراتر از زمان و مکانست تا در هر گوینده‌ی که درک کند که او یکی از یک افراد ملت و یک جماعت است. این اعراب را با احساس تعلق به هر کسی که در گذشته آن را صحبت می کرد و هر کسی که در حال حاضر با آن صحبت می کند و هر کسی که در آینده با آن صحبت خواهد کرد؛ پر می کند. احساس ملی چیزی نیست که جز با پر کردن فرد با روحیه ی ملی به میان آید وعربی روحیه ملی است، تا وقتی که عربی روح ملت و زبان مادری فرزندان ما باشد، آیا فرزندان به مادرشان نیکو کار می‌شوند؟ آیا از آن مراقبت و محافظت کرده می‌توانند؟

گر به واقعیت زندگی که ما در آن هستیم خوب دقت کنیم از قراین مواردی هویدا می‌شود که دشمنان ما سخت در تلاشند تا وحدت ملت عرب را از بین ببرند. شخصیت عربی که عمده ترین شاخص عربی وفناوری آن را از همه متمایز می‌کند ومحور اصلی این فرهنگ را تشکیل می دهد، وقتی آن را به سختی، رکود، عقب ماندگی و همگام نبودن با روح عصر متهم کنند، معلوم می‌شود که در تضعیف آن سعی دارند. هنگامی که این لهجه عامیانه را به عنوان زبان زندگی ترویج می دهند وزبان فصیح را به صفت زبان زندگی قرار نمی دهند، وهنگامی که خواستار فراگیری علوم به زبان اجنبی (انگلیسی) می شوند. به بهانه کوتاهی زبان فصیح از کاروان نهضت علمی. واضح است که اهداف بلند مدت این فراخوانی‌ها، متفرق وپارچه پارچه شدن ملت عرب و تحکیم جدایی در بین کشورهای عربی و فاصله گرفتن از گذشته خود در زمان حال است تا که عامل مثبتی برای ایجاد خلاقیت و نوآوری (برای پیمودن مسیرها) نباشد[1].

۱- الدکتور محمود السید - أثر اللغة في المكون العربي - مؤتمر العروبة والمستقبل - دمشق ۲۰۱۰ص۸۷.

ناگفته نماند که یکی از اهداف اشغال عراق توسط آمریکایی ها ایجاد یک عراق غیر عرب بوده است، این نظریه را صادقانه "کنعان مکنیة"، یکی از نظریه پردازان اشغال عراق توسط آمریکایی ها بیان کرد. آمادگی برای این هدف از قبل وجود داشت تا که در سال ۱۹۹۱ میلادی، ایالات متحده در هنگام تعیین دو منطقه امن در شمال و جنوب این کشور، هویت عراق را دوباره تعریف کرد. این کشور را - بر اساس قومیت و مذهب - به سه منطقه تقسیم وتعریف کرد: یک منطقه‌ی کردنشین (شمالی)، دوم؛ منطقه سنی نشین (منطقه وسطی)، وسوم؛ منطقه شیعه نشین (جنوبی) در بین این هویت ها انکار هویت عربی عراق است.[۱]

قابل توجه است که دشمنان امت می خواهند شخصیت عرب را از منطقه عرب دور سازند پروژه‌های مشکوک آنها شامل ایجاد خاورمیانه جدید، مشارکت یورو مدیترانه ی، تبعید وبه حاشیه راندن زبان عربی از نظام آموزش ومدیریت و متهم کردن آن به توسعه نیافتگی است. با توجه به اینکه این افراد از همه آگاه هستند، طبیعی است که این طرفندها از دشمنان امت سرچشمه می‌گیرد آنان به این باور اند که زبان عربی پیوندی است که فرزندان ملت عرب را در همه جای متحد می کند ودور نگهداشتن فرزندان عربی از زبان عربی منجر به چند دسته شدن پیوندهای این ملت و فاصله آن با گذشته‌ی ایشان می شود.

شنیدن این سروصداها از این افراد جای شگفتی نیست؛ اما اینکه پرچم این فراخوان توسط گروهی از اعراب در دو بخش مهم جامعه عرب، رسانه ها وآموزش وپرورش بر افراشته شده است ناراحت کننده، بی قرار کننده و دردناک است، گویا که آنچه استعمار از انجام اجرای آن عاجز بوده گروهی از فرزندان ملت با دستان خود آنرا انجام می دهند.[۲]

برای دور نگهداشتن زبان عربی از تحصیلات عالی وتحقیقات علمی، ودور سازی زبان عربی از علوم وتکنالوژی تلاش‌های است که دشمنان انجام می‌دهند، برخی روشنفکران آن را از علوم جدا می‌کنند ودانش را در جهان عرب از بین می‌برند

۱ـ الدکتور فوازطرابلسي- العروبة والإیدیولوجیا القومیة - مؤتمر العروبة والمستقبل- دمشق ۲۰۱۰ص٥٤.

۲ـ الدکتور محمود السید- أثر اللغة في المکون العربي- مؤتمر العروبة والمستقبل- مرجع سابق ص.۸۷

وآن را به واردکننده (مستهلك) تبدیل می‌کند که ما فقط می توانیم آنچه صاحبانش می خواهند از ما به دست بیاورند به دست آوریم، وچه وقت عرب‌ها پی می‌برند که پوهنتون‌های آنها به زبان آنها نیست. [۱]

گسترش پوهنتون‌های خارجی در کشورهای عربی، از مراکش تا خلیج فارس، تا آنجا که هیچ کشور عربی از تعدادی پوهنتون‌های خارجی، آمریکایی، فرانسوی و سایر پوهنتون ها پوشیده نیست، موضوعی که در سال‌های اخیر افزایش یافته است.

این پوهنتون های خارجی کارخانه‌هایی برای نسل های فارغ التحصیل هستند که بر فرهنگ آموزش و زبان آنها تأثیر می پذیرند، از آنچه من آموختم، ایشان مراکز عجیبی برای حمله به ذهن نسل‌های عرب هستند وتأثیرات گسترده‌ی بر امنیت قومی، مذهبی وملی ما خواهند داشت، زیرا آنها از استقلال در زمینه آموزش وبرنامه‌های درسی وجذب افراد خارجی تحت چتر ملی پوهنتنون استفاده کنند.

فارغ التحصیلان این پوهنتون‌ها در کشورهای عربی کسانی هستند که با اراده خود تحت کنترول ایشان در می آیند، ایشان به خواسته وتمایل خویش بطرفی سوق داده می شوند که هدایت وراهنمایی می‌شوند.[۲]

ودر اینجا فریادی از کشورهای حاشیه خلیج فارس بلند می شود که در آن نویسنده، محمد علی الهرفي، نسبت به جدی بودن وضعیت هشدار داده ومی‌نویسد: «بدبختی ما در کشور ما در مرز پوهنتون‌های که به زبان انگلیسی تدریس می‌کنند متوقف نمی‌شود. آنها به سختی چیزهایی در این باره می‌دانند وهمه چیز مربوط به فرهنگ کشوری می‌شود که وی در آن زبان تحصیل می‌کند و دور شدن از فرهنگ باعث دور شدن از دین، هویت و وابستگی واقعی در سطح ملی می شود وشما می‌توانید تصور کنید که سر نویشت فرزندان این کشور چه‌خواهد شد.[۳]

۱ـ الدکتور فوازطرابلسي- العروبة والإيديولوجيا القومية - مؤتمر العروبة والمستقبل- دمشق ۲۰۱۰ص. ۵.
۲ـ المرجع السابق ص. ۳۵۲.
۳- محمد علي الهرفي- صحيفة الوسط البحرينية- العدد ٤٢٦ الثلاثاء ۲۸نيسان «أبريل»۲۰۰۹

او ادامه می دهد: این فاجعه در کشورهایی رشد می کند که زبان انگلیسی را در مکاتبات خود و در شرکت‌های سهامی مورد تطبیق قرار می‌دهند، ودر قرار داد های داخلی و در بین فرزندانشان خیانت روا می دارند –هرچند تعداد این افراد کم باشند- مانند: قرار داد اجاره خانه، مثلاً: گویا که زبان آنها قادر به حلّ این مسائل نیست.

در مورد هوتل ها، این هوتل‌های زینتی که ظاهراً هیچ مشکلی برای آنها وجود ندارد، ولی همه کاریگران آن به زبان عربی صحبت نمی کنند در هر منطقه که با هوتلی از کشور را در نظر بگیرید، سعی می کنند با شما به زبان مراجعین سخن بگویند که این روش غیر از زبان شماست! علاقه ی به آن دارید؟ آیا شما دیده اید که هیچ کشوری در جهان همان کاری را انجام دهد که ما در تمام کشورهای عربی خود انجام می دهیم؟[1]

گر به نقاشی‌های که فضای خیابان ها را پر کرده است توجه کنیم، خواهیم دید که زبان انگلیسی غالباً در خط مقدم است، گویی همه افراد جامعه فقط این زبان را می دانند، پس نظر به لوحه ها کرده همانند آن از کشورهای جهان، فرمایش مطرح می کنند، پس واژه های زبان عربی در لوحه های ایشان کمتر دیده می شود.

پس این سوال مطرح می شود: آیا زبان عربی با ویژگی های منحصر به خودش؛ توانایی همگام سازی با روح معاصر را دارد؟

آیا زبان عربی با آن ویژگی‌های منحصر بر فردی را که دارد، همگام با روح، علم وتکنالوژی نیست؟ درحالی‌که یگانه زبانی است که میراث دار گنجیه های علم وحکمت در روی زمین بوده است! آنچه پژوهشگر مشهور "احمد محمد جمال" در این باره می نویسند چه زیباست: «زبان عربی، زایشگر مهربان، غنی و سخاوتمند، در پیشبرد مسیر علم مدرن ناتوان نیست، بل فرزندان نافرمانش عاجز وناتوان است وآنان خانه‌های خود را با دستان خود خراب می‌کنند. ونور تمدن اسلامی خویش را با دهان شان خاموش می‌نمایند»[2]، در زمانی که می‌بینیم گروهی

۱ـ المرجع السابق.

۲ـ الدکتور أحمد محمد جمال- اللغة العربیة لسان وکیان- مرجع سابق ص۹۱.

از فرزندان ملت ما آگاهانه یا ناخودآگاه برای دور نگهداشتن زبان عربی از زندگی کار می‌کنند، رکود زبان آنها درطول زندگی از دست خودشان است و باعث می‌شود زبان‌های خارجی در آموزش وپرورش غالب شوند. تا که این حاکمیت بر تمام امکانات جامعه ما ادامه پیدا کند تا که این حاشیه رانی وعقب نشینی زبان عربی را در درجه پایین در تمام مناطق عرب نشین قرار بدهد. در مدونه «لغتي هويتي» دکتور وائل عزیز؛ اشاره می کند که یک سرشماری در دبی از حیث زبان گفتار؛ انجام شده است وزبان عربی در رتبه چهارم قرار گرفته است. اعلامیه‌های اول به زبان اردو، دوم انگلیسی، و سوم زبان که ترکیبی از عربی، اردو، انگلیسی و روسی است که ابتکار ساکنان شهر دبی برای برقراری ارتباط در مغازه ها وتاکسی‌ها، فراهم شده وچهارمین زبان گفتگو عربی است.

در اکثر کشورهای عربی، به ندرت می توان اعلان یک شغل معتبر را که به زبان عربی نوشته شده باشد؛ را یافت. در حقیقت برای همیشه پیش شرط صلاحیت متقاضی شغل و ترجمه آن انگلیسی (خواندن و نوشتن) را یافت وعربی صحبت کردن یک ویژگی اضافی است.

برخی از آنها اشاره می‌کنند که متناقض است، در زمانی که زبان عربی وحروف آن در بیشتر کشورهای جهان عرب مورد توهین قرار بگیرد، چون برخی از کشورهای غیر عربی هنوز به رسم الخط عربی در نوشتار خود (ایران، پاکستان، افغانستان) پایبند هستند و مردم آنجا آن را به صفت زبان شریف می‌شناسند چون که زبان قرآن است. پس اگر زبان تعبیر از هویت باشد پس این سوال به میان می‌آید.

زبان کارگذاران سایت وشبکه های "انترنیت" پر از الفاظ رکیک، لهجه عامیانه ورمزهای لاتینی دور از زبان عربی فصیح را به کار می برند، هویت ایشان چیست؟

احترام به زبان، احترام به خویشتن است واین مظهر افتخار ماست با این عملکرد زبان وطن ما شکست نمی خورد. بلکه ما هستیم که شکست می‌خوریم، واز مسوولیت‌های خویش شانه خالی می‌کنیم، جای شگفتی هم نیست، تعجب آن است که بسیاری از مراکز وموسسات جامعه موقف بی طرفی را در مقابل این قضیه،

اختیار کرده اند که «الانتحار اللغوي» است[١] با وجود آن کسانی هستند که همزمان می‌بینند که وخامت اوضاع زبان عربی حقیقتی نیست مگر بیان شکست متمدنانه زبان عربی در برابر عصر، چنانچه قبلاً گفته شد: تحریف زبان نشانه یک وضعیت انحرافی است که اگر درست باشد، بنا بر تعبیر، فهمی هویدی[٢] نشان می دهد که مشکل در بیان سختی وپیچیدگی زبان نیست که اوضاع آن وخیم است، بلکه تسلیم به دنبال خواهشات عصری وتسلیم در برابر آن شکست است. سرانجام برماست که ضمن مشاهده واقعیت زبان و هویت، باید به برخی از پروژه های جدید برای طمس الهوية مراجعه کنیم:

اهداف جدید از بین بردن هویت عرب:

١- پروژه هایی که هدف شان حذف اصطلاحات عربی ، عرب گرایی، میهن عرب و ملت کشورهای عربی مانند پروژه خاورمیانه جدید و پروژه مشارکت یورو مدیترانه ی ... وغیره.

٢- پروژه هایی که برای دور ساختن زبان عربی از بین زبان های بین المللی طبق برنامه های سالانه کار می کنند وسازمان های وابسته به سازمان ملل متحد وفروعات آن، محرومیت از آزمون گواهینامه مدارس متوسطه به عنوان زبان دوم در فرانسه، وتصویب لهجه‌های بومی مناطق عربی منطقۀ المغرب، منطقه مصر وسودان، منطقۀ شام و عراق، منطقه ی خلیج عربی؛ عربی را می خواهند نابود کنند.

٣- پروژه هایی با هدف تشویق گویش های محاوره‌ی در جهان عرب و پشتیبانی از آن، که پژوهندگان در تلفظ گویش‌ها محدودیتی دارند.

٤- پروژه‌هایی که برای آموزش معارف جدید وعصری به زبان انگلیسی در نهادهای خصوصی کار می‌کنند و پوهنتون‌های خصوصی که در کشورهای حوزه خلیج عربی، وزبان فرانسه در المغرب، زبان عربی، در تلاش برای ارتقای لهجه‌های بومی در کانال های ماهواره ی عرب و شبکه انترنیت می‌باشند.

١ـ فهمي هويدي- لغتي هويتي- مدونة تعنى بشؤون اللغة العربية- أهوتك إيه؟ مايو ٢٠٠٩.

٢ـ المرجع السابق.

۵- پروژه هایی با هدف پنهان سازی تمدن عربی اسلامی وتحریف تاریخ عرب و جعل آن، که خواستار قطع رابطه با میراث است "به قول مدافعان آن پدر کشته شود".

٦ - فراخوانی که به زبان عربی حمله می کنند وآن را به سختی، عقب ماندگی وهمگام نبودن متهم می کنند. وعدم هماهنگی روح عصر، جذب علوم معاصر، فراخوان پذیرش زبانهای غیر جهانی وعربی یکی از زبانهای جهانی محسوب می شود.

۷- پروژه هایی که خواستار خالص سازی برنامه های درسی آموزشی در جهان عرب هستند وآن را می خواهند از ارزش هایی چون واژه های: جهاد، مبارزه، شجاعت، آزادی واستقلال را فرا می خواند مبارزه با دشمنان واشغال گران، پاک کنند.

۸- تماس هایی که به عمود شعر قدیمی عرب حمله می کنند وبرنامه های درسی را از آن خلاصه می کنند و شعر جدید را بجای شعر قدیم مدرنیزه می کنند که در کتاب های درسی جایگاه خود را دارد.

چهارم، از تجربیات دیگران

فلاسفه و اندیشمندان غربی به نقش ملّی زبان مادری در زندگی ملت ها پی برده اند، از اینجاست که فیلسوف آلمانی "هایدگر" می گوید: «زبان من محل زندگی من است، آن خانه و محل زندگی من است. این مرزهای جهان صمیمی من، شناسه ها وجلوه های آن، از پنجره های آنست، واز طریق روشندان چشم او به بقیه جهان وسیع نگاه می کنم». چنانچه فیلسوف فرانسوی پاسکال می گوید: «بدرستی که زبان من وطن من است»، وهمچنان: رئیس جمهور "دوگل" همیشه ارزش این جمله را تحسین وبیان کرده است.

واینجا فرانسه است که در حال حاضر به شدت به سالم بودن زبان خود علاقه مند است و از فرهنگستان زبان فرانسوی به سختی محافظت می کند وهوای آنرا در سر دارد.

این فرهنگستان باید اصطلاحات واژه های جدید را قبل ازسرایت واژه های خارجی در زبان مکاتبه و قلم ها در فرانسه بیان کند و ما نمی توانیم قطعنامه مصوب مجلس ملی فرانسه در سال ۱۹۹٤م را فراموش کنیم، که انگلیسی زبانان را از اجازه دادن کلمات علمی بر روی زمین فرانسه منع می کند، و همچنین عدم استفاده کلمات علمی واستعمال آن در زبان رسانه و تبلیغات [۱].

پس از انتخاب "خوزه لوئیس زاپاترو" به عنوان رئیس دولت اسپانیا در ١٤ "مارچ" ٢٠٠٤ نمایندگان پارلمان با او ملاقات کردند و نمایندگان منطقه "کاتالونیا" سعی کردند از زبان محلی در زیر حمایت پارلمان استفاده کنند، اما آنها از امتناع شدید رئیس مجلس "مانوئل مارین" تعجب کردند، که مانع درخواست آنها شد، استفاده از زبان محلی به دلیل خطری که زبان رسمی اسپانیایی را تهدید وگوشزد نمود: [۲] او با استناد به اصل ۳ قانون اساسی، بیان می کرد که اسپانیایی فقط زبان رسمی است که همه مردم باید آن را به کار ببرند.

این متفکر "مولود قاسم نایت بلقاسم" در کتاب "إنیۀ وأصالۀ" خود اظهار داشت که قاضی در آلمان فیصله کرد که یك شاگردان دختر آلمانی را که علیه کمیته امتحانات اعتراض کرده بود، برای اینکه به غیر از زبان فرانسوی در تمام مضامین کامیاب شده بود را ناکام، رای دادگاه با بیان اینکه "هیچ شهادت نامه ثانوی با ضعف در زبان آلمانی صادر نمی شود" را اعلان کرد.[۳]

هنگامی که انقلاب روسیه سفید رخ داد، "لنین" از مردم تعهد بر یادگیری وتسلط بر زبان مردمش کرد که همه مردم مسئول بر حفظ زبان هستند.

در ویتنام "هوشی مینه" رهبر ویتنامی با این شعار گفت: زبان سلاح شعور، عزت و غرور وبزرگواری مردم در برابر دشمنان است و می گوید: «ما نمی توانیم

۱ـ لجنة تمکین اللغة العربیة برئاسة الدکتور محمود السید- خطة عمل وطنیة لتمکین اللغة العربیة والحفاظ علیها والاهتمام بإتقانها والارتقاء بها ـ ط ۱ـ دمشق ۲۰۰۸ص ۸ .

۲ـ المرجع السابق ص ۹.

۳ـ مولود قاسم نایت بلقاسم- إنیة وأصالة- منشورات وزارة التعلیم الأهلي والشؤون الدینیة- قسنطینة- الجزائر۱۹۷۵.

در مقابل دشمن پیروزی شویم مگر با بازگشت به فرهنگ ملی و زبان مادری ویتنامی خویش».[۱]

وی اعضای جامعه خود را مخاطب قرار داده می گوید: «زبان خود را صاف نگهدارید همانطور که چشم خود را تمیز می کنید. از استفاده کلمه خارجی در مکانی که می توانید از یک کلمه ویتنامی استفاده کنید خود داری نمایید.» [۲]

ما خیلی دور نرویم و در اینجا اسرائیل را در نظر بگیریم: وجود خود را در احیای زبان عبری ثابت می کند، همانطوری که اکثر مهاجران یهودی که به سرزمین فلسطین آمده اند به طور کلی از آلمان، اتریش، روسیه، لهستان واروپای شرقی هستد وزبان خودشان را دارند واین زبان ادبیات خود را داشت، اما آنها زبان و ادبیات خود را برای احیای زبان دیگری ترک کردند که عملا دو هزار سال قبل درگذشته است واو زبان عبری است.[۳]

نیازی به دلیل نیست که زبان عبری یک زبان مرده است واین زبان قبل از تأسیس رژیم صهیونیستی وجود نداشته است، اما صهیونیست ها فهمیدند که آنها بدون زبانشان هیچ چیز نیستند ومی گویند: خدا به زبان عبری سخن گفته است (بر اساس عقیده آنها)، این یک زبان مقدس است. بنابرین آنها به دلیل تعداد کم این زبان مرده را زنده کردند واین زبان را به زبان آموزش در پوهنتون های خود تبدیل کردند وآنها هزینه زیادی برای ترجمه از زبانهای دیگر به زبان خود کردنده اند. وآنها به زبان دیگری روی نیاوردند تا جایگزین زبان خود شان شود، واین زبان باعث می شود آنها با ملت ومذهب خود ارتباط برقرار کنند وشامل هویت ملی ایشان شود، ودر نتیجه در انواع علوم سرآمد شدند، وآنها از بسیاری از ملت ها پیشی گرفتند.[٤]

١ـ المرجع السابق ص٧٦.

٢ـ عثمان السعدي- العبرنة الشاملة والتحكم بالتكنولوجيا المعاصرة في الكيان الإسرائيلي- الكويت- جامعة الكويت-كلية التربية- قسم أصول التربية ص ٥.

٣ـ الدكتور محمود أحمد السيد- تعليم اللغة بين الواقع والطموح- دار طلاس بدمشق- الطبعة الأولى ٢٥٤ ص١٩٨٨.

٤ـ محمد علي الهرفي- اللغة والهوية الوطنية- الوسط البحرينية- العدد ٢٨- ٢٤٢٦أبريل٢٠٠٩.

آنان اذعان می کنند که ما می توانیم برای احیای زبان عبری، از دوستان ودشمنان خود درس وعبرت بگیریم که مردهٔ دو هزار سال پیش وزنده کردن آن برای تصدی موقعیت عالی یهودیان، درسی است برای کسانی که می خواهند مورد توجه قرار گیرند، زیرا زبان عبری در عبادت خانه ها ودر برخی عبارات گفتگو وادب در میان یهودیان که بیش از صد کشور جهان متواری بوده اند است؛ وجود داشته است، تا جایی که هر گروه از آنها به زبان کشوری که در آن زندگی می کردند صحبت می کنند. در اواسط قرن نزدهم، عبری یک زبان مذهبی مرده بوده است. وهنگامی که ایده تأسیس میهنی برای یهودیان آغاز شد، یکی از متفکران آنها، "الیازر بن یهودا" شعار مهمی را مطرح کرد: «زندگی نیست برای امتی که زبان ندارد» و تصمیم گرفت تلاش کند تا عبری را از سطح نوشتن، و وسیلهٔ گردآوری دانش وارتباطات در زندگی روزمره انسانان به یک زبان زنده تبدیل کند، این هدف اگر چه برای خود یهودیان دشوار به نظر می رسید، اما او علی رغم تمسخر دوستانش به ایده خود پایبند بود وتصمیم گرفت در سال ۱۸۸۱م با همسر وخانواده اش به فلسطین مهاجرت کند واولین خانه یهودی را تأسیس کند زبان عبری را در همه امور زندگی به عنوان زبان ارتباطات ومکالمه لازمی قرار گیرد واعضای خانواده وی در این امر به او کمک کردند. با وجود تمسخر همه مردم او به عقیده خود پایبند بود وتلاش می کرد تا این زبان را به موفقیت برساند تا چهل سال متوالی فعالیت کرد، تا جایی که او یک انجمن عبری زبان را در فلسطین تأسیس کرد و خانه او به مجلسی تبدیل شد که در آن گفتگو به زبان عبری انجام صورت می گرفت، واو روزنامه ی را به زبان عبرینشر وپحش کرد و بخشی از آن را به کودکان اختصاص داد، او خیلی حریص بود وسعی می نمود نامهای قهرمان قصه های عربی را به عبری تغییر دهد واو در تهیه یک فرهنگ لغت بزرگ در زبان عبری واختراع اصطلاحات جدید در تمام زمینه های دانش با استفاده از میراث یهودی و زبان های سامی کار کرد، و او توانست ۹ جلد از آن را کامل کند تا در زمان حیات وی نشر شود، تا که محصلانش آن را به شانزده جلد رساندند، وفراخوان وی منجر به گسترش آموزش وتألیف عبری در فلسطین شد. در عبری به تمام برنامه های درسی و سپس به برنامه های تعلمی پوهنتون راه یافت که همه رشته ها از جمله طب، انجنیری به آن تدریس می شود. وعلوم مختلف

به زبان عبری، کنفرانس‌ها در بالاترین سطح برگزار می‌شوند سطح این زبان، با بهره مندی از آموزش سایر زبان‌ها می باشد، زیرا آنها به خوبی از تفاوت بین یادگیری زبان‌های خارجی -که یک امر ضروری برای هر تمدن و پیشرفت است- وآموزش به زبان‌های خارجی آگاهی درست دارند. که در طولانی مدت شخصیت و زبان عربی را از بین می برد وهمانطوری که کارشناسان زبان می‌گویند وتجربه ثابت ساخته است: به محلی سازی دانش ملی عربی کمک نمی‌کند.

پنجم: از روش‌های حفظ زبان و هویت

چالش هایی که زبان عربی ما در سطح داخلی وخارجی با آن روبرو است، بنا بر ساحه ملی گرای عربی زیاد می‌شود، لازم می باشد یک سلسله اقدامات عملی برای تقویت زبان عربی انجام شود. از جمله اقداماتی که برای حفظ ملت و زبان، آن نیاز به اجراء دارد، و آن را تعبیر می‌کند:

۱- افزایش آگاهی زبانی وتعلق خاطر به ملت و زبان مادری "فصیح" آن، یکپارچه ومتحد کننده، هیچ چیز به جز زبان فصیح، اعراب را به هم پیوند نمی دهد، زیرا لهجه‌های محاوره‌یی عاملی هستند تمایز بین مردم ملت، در حالی که فصاحت یک عامل وحدت بخش است، و"کانتینو" خاورشناس فرانسوی به مطالعه ژرفای بیش از ده لهجه‌ی عربی بطور عمیق و دقیق پرداخته است، واو در مورد تجربه خود می‌گوید:

«اختلاف زبانی یک شرّ است ووحدت زبانی خیر بزرگ است و به ویژه در مورد عرب‌ها، من همه‌ی احوال آنان را درک کرده وتوصیه می‌کنم حقیقت است که عرب‌های دور افتاده، یکدیگر خود را درک می‌کنند وبر محور یک زبان واحد جمع می‌شوند، این رمز وحدت روحی عرب است، واین زبان واحد به غیر زبان عربی فصیح دیگر هیچ زبانی نمی‌تواند باشد».

هاکسلی نویسنده انگلیسی می‌گوید: «نوشتن علم و ادبیات به لهجه عامیانه (زبان بازار) استعدادهای علمی را ضعیف می‌کند ملکه نوشتار زبان فصیح را از بین می برد، بنابرین ما باید این کار را انجام دهیم تا ذهن مردم را به درک زبان علم

وادبیات جهانی و نه مراجعه به دانشمندان و نویسندگان ارتقا در سطح عمومی ارتقا می دهیم». یقینا که این یک‌پارچگی نمی باشد مگر در زبان فصیح.»

آگاهی درک زبانی نه تنها به توضیح خطر لهجه‌های عامیانه و بومی اعتنا نمی کند، بلکه به فعال کردن آن اعتنا می‌کند خطر خیزش زبان انگلیسی در کشورهای عربی خلیج فارس وفرانسوی‌ها در کشورهای عربی المغرب با توجه به جهانی شدن زبان انگلیسی؛ خطر بزرگی متوجه زبان عربی است. و ایستادگی در برابر این تجاوز فقط می‌تواند با تقویت مصؤنیت زبانی مادری ممکن باشد.

۲- احترام به قانون اساسی در تمام کشورهای عربی، که می‌گویند زبان رسمی در این کشورها عربی زبان رسمی است وسیاست مداران باید در سخنرانی‌ها، مصاحبه های مطبوعاتی ودر سایر کشورها از زبان عربی استفاده کنند.

۳- صدور اصول و قوانینی که از مرزهای زبان و مرزهای میهن محافظت کند.

٤- ایجاد یک سیاست زبانی قومی وملی وبرنامه ریزی زبانی با توجه به آن، و باید سیاستمداران دولت با اطمینان در این مسئله مداخله کنند زیرا زبان آنها توسط لهجه‌های زبان های خارجی وضعف امکانات موجود تهدید می‌شود وتوانایی‌های یادگیری و آموزش رسانه‌ها محدود می‌شود.

خط مشی زبان باید برای تعیین موقعیت باشد:

الف- زبان‌های خارجی در سیستم آموزشی.

ب - تدریس به زبان خارجی در مدارس خصوصی و پوهنتون های خصوصی.

ج - زبانها و دسته‌های خاص در سرزمین عرب.

د – لهجه‌های عامیانه وشعر نبطی.

هـ– قرار دادن زبان عربی در حاشیه مضامین درسی پوهنتون‌های خصوصی خارجی در سرزمین عرب.

و- لهجه‌های آسیایی در بازار، محل کار و خانه در کشورهای عربی خلیج فارس.

ز –گردهمایی‌ها، کنفرانس‌ها وهمایش‌هایی که در خاک عرب به زبان خارجی برگزار می‌شود.

ح - پذیرش زبان خارجی توسط نمایندگان کشورهای عربی در مجامع بین المللی علی رغم پذیرش زبان عربی به عنوان زبان رسمی در میان شش زبان بین المللی در سازمان ملل متحد و کنوانسیون‌های آن.

ط - اجازه کارگران در خاك عرب تا زمانی که دوره های زبان را طی نه کرده اند و تأثیرات منفی مستقیم آنها بر واقعیت زبان عربی برای کاهش در خانواده‌ها و کودکان در سال‌های اولیه زندگی.

ی - الزام شرکت‌ها و کارخانه‌های خارجی که با آنها معامله می‌کنند نام تمام سامان آلات، موادها و نوشته ها را ترجمه نمی‌کنند، تبلیغات وشفاف سازی های مربوطه قبل از واردات و ورود به بازارهای عربی به زبان عربی ترجمه شود، همانطور که در برخی از داروهای وارداتی از خارج از کشور استفاده می شود.

ك - حذف توهمات بر دشواری قواعد زبان عربی، این که در قلب فرزندان ما است ودر ذهن ایشان است خارجی‌هایی که مایل به یادگیری آن هستند ومی‌توانند به سهولت یاد بگیرند.

ل - رفع توهمات که زبان عربی مانع رشد وپیشرفت و باعث تأخیر در صنعت می شود محتوای عربی از نظر فورم حروف، حرکات و موارد دیگر کهنه است. در حالی که زبان های دیگر مشکلات بیشتری دارند، اما آنها موانع را پشت سر گذاشته و محتوای خود را در انترنیت تبلیغ وثبت می‌کنند و نرم افزار خود را توسعه می‌دهند.

م - رد کردن فراخوان‌های آموزش موضوعات علمی به زبان‌های جهانی، به زعم آنان عربی از جمله زبان های بین المللی به شمار نمی‌آید ونمی دانند که عربی یکی از زبانهای جهانی است، در کنار آن‌که زبان انگلیسی وفرانسوی به معنای آنست، بدون توجه به این که زبان عربی در روند تمدن بشری سهمی داشته باشد ویکی از زبان‌های جهانی در تمدن بشری محسوب شود.

و اگر زبان انگلیسی جهان را فراگرفته است و در میان زبان‌های جهانی که رتبه اول را به خود اختصاص داده است به صفت زبان دوم در کشورهای مختلف جهان تدریس می‌شود، اما هیچ کشوری را به غیر از جهان عرب نداریم که قدیمی تر باشد یا حتی فکر کرده باشد تا در زمینه تدریس دروس علوم و ریاضیات غیر از زبان ملی

خود به فرانسه یاچین مدیون نباشد، جاپان، برازیل، کوریا، آلبانی، ویتنام واسرائیل ... وغیره درین زمینه کار کرده اند.

با وجود دشواری نوشتن زبان جاپانی، چینی یا ویتنامی، ونه به اندازه برخی کشورهای کوچک اروپایی، فقر برخی از کشورهای آسیایی، کمبود میراث به زبان ترکی ومرگ زبان عبری در طول قرن بیست، همه مانع از وجود این زبان شدند ملی گرایی زبان آموزش این سایت ها است.

٥- فعال سازی ترجمه از عربی به زبان های دیگر، و از خارجی به زبان عربی.

٦- احیای میراث گذشته از وجایب ملتی است که با درک دیدگاه علمی عینی وانتقادی که نکات مثبت را افزایش می‌دهد واز منفی‌ها فاصله می گیرد، با درک زمان حال وعبور از مشکلات آن در جهت گیری به طرف آینده استفاده می‌کند.

٧- ارتباط مهاجران عرب در دیار هجرت، میراث ومسائل آن وآموزش زبان به فرزندان شان عربی به منظور حفظ هویت خط عربی هم آن را حفظ می کند وهم شخصیت خود را از حل شدن نجات دهد.

٨- مسئله عربی سازی حل شده ما را کفایت کرده ودر آینده هم خواهد کرد.

٩- اجرای پروژه پیشرفت زبان عربی به منظور حرکت به سمت جامعه متنور که من آن را به اجلاس عربی که در سال ٢٠٠٨م در دمشق جمهوری عربی سوریه برگزار شده بود ارایه کردم، وتوسط کنفرانس تصویب شد، از ابتکار عمل جمهوری عربی سوریه برای راه اندازی این پروژه تشکری کرد.

١٠- توانمند سازی برنامه اقدام ملی سوریه برای تقویه زبان عربی که بر اساس فرمان شماره ٤ ریاست جمهوری سوریه در سال ٢٠٠٧م تدوین شده است.

فهرست منابع فصل اول

١ـ ابن منظور المصرى ـ لسان العرب ج٢٠، المكتبة الميرية ببولاق مصر ط١ـ ١٣٠٠هـ.
٢ـ أحمدمحمد جمال ـ اللغة العربية لسان وكيان ـ مجلة البحوث الإسلامية ـ العدد الأول.
٣ـساطع الحصرى ـ أبحاث مختارة في القومية العربية ـ مركز دراسات الوحدة العربيةـ بيروت ١٩٨٥م.
٤ـ الدكتورعبدالحسين شعبان ـ العروبة والدولة المنشودة ـ مؤتمرالعروبة والمستقبل ـ دمشق ٢٠١٠م.
٥ـ عثمان السعدي ـ العبرنة الشاملة والتحكم بالتكنولوجياالمعاصرة فى الكيان الإسرائيلى ـ جامعة الكويت ـ كلية التربية ـ قسم أصول التربية.
٦ـ الدكتورفواز الطرابلسي ـ العروبة والإيديولوجياالقومية ـ مؤتمرالعروبة والمستقبل ـ دمشق ٢٠١٠م.
٧ـ الدكتورفيصل الحفيان ـ اللغة والهوية إشكاليات المفاهيم وجدل العلاقات ـ مجلة التسامح ـ العددالخامس ـ مسقط.
٨ـ الدكتورمازن المبارك ـ العربية نسب وهوية ـ مجلة مجمع اللغة العربية بدمشق ـ المجلد ٨٥ ج٢ ـ ٢٠١٠م.
٩ـ الدكتورمحمدعابد الجابري ـ الموسوعة الفلسفية العربية ـ معهد الإنماء العربى ـ بيروت ١٩٨٦م.
١٠ـمحمد علي الهرفي-اللغة والهوية الوطنية-الوسط البحرينية -العدد ٢٤٢٦ أبريل ـ ٢٠٠٩م.
١١ـ الدكتور محمود السيد- أثر اللغة في المكون العربي- مؤتمر العروبة والمستقبل- دمشق ـ ٢٠١٠م.
١٢ـ الدكتور محمود أحمد السيد- تعليم اللغة بين الواقع والطموح- دار طلاس بدمشق ـ ١٩٨٨م.
١٣ـ الدكتور محمود أحمد السيد- في طرائق تدريس اللغة العربية- جامعة دمشق.

١٤ـ الدكتور محمود أحمد السيد- خطة عمل وطنية لتمكين اللغة العربية والحفاظ عليها والاهتمام بإتقانها والارتقاء بها- دمشق ـ ٢٠٠٧م.
١٥ـ الدكتور محمود أحمد السيد- اللغة العربية وتحديات العصر- الهيئة العامة السورية للكتاب- دمشق ٢٠٠٨م.
١٦ـ مركز دراسات الوحدة العربية- ساطع الحصري ثلاثون عاماًعلى الرحيل معهد البحوث والدراسات العربية بالقاهرة.
١٧ـ مولود قاسم بلقاسم- إنية وأصالة- منشورات وزارة التعليم الأهلي والشؤون الدينية- قسنطينة- الجزائر١٩٧٥م.
١٨ـ ميشال عاصي- مترجم كتاب «دراسات لغوية في ضوء الماركسية»- دار ابن خلدون- بيروت ١٩٧٩م.

١٩- Encyclopedie la grande- Art: Parole.

٢٠- Social sciences Encyclopedia. Article language

فصل دوم
زبان عربی وجهانی سازی زبانی

محتویات فصل:

اول: مفهوم جهانی سازی.

دوم: جهانی سازی زبانی.

سوم: جهانی سازی عربی.

چهارم: روش‌های روبرو شدن با آن

فصل دوم
زبان عربی وجهانی سازی زبانی

در این فصل مختصر سعی ما بر آنست تا به مفهوم جهانی سازی به طور کلی وجهانی سازی زبانی بطور خاص آشنا شویم، واقعیت زبان عربی در پرتو جهانی شدن و راه های بهبود آن را مرور می کنیم.

یکم ، مفهوم جهانی شدن

مدت طولانی است که اصطلاح "جهانی سازی" در صحنه جهانی رد وبدل می شود، اصطلاحی که از کلمه "Global" انگلیسی ترجمه شده است. و متفکران عرب تلاش زیادی کردند تا گلوبلایزیشن را به جهانی سازی وجهان وطنی گرایی ترجمه کنند، این اصطلاح اغلب همراه با اصطلاح "دهکده جهانی" همنوا شده است.

منظور از دهکده جهانی شدن چیست؟

آیا تفاوتی بین جهانی شدن وجهانی سازی وجود دارد؟

شخصی از سقراط پرسید: از کجا آمدی؟ سقراط جواب او را آتن نه گفت، بلکه به او گفت: از جهان، زیرا کسی که تخیل وسیع و غنی دارد، جهان را شهر خود می داند، و دانش، جامعه و علاقه خود را به تمام بشر گسترش می دهد.

از اینرو تفاوتی بین جهانی سازی وجهانی شدن وجود دارد. جهانی سازی اصطلاح انسانی است که فرد گرایش انسانی خود را به عنوان یک واقعیت عملی ویک رفتار پر جمع وجوش در برخورد با همه انسانها مجسم می کند، وایستادن در

کنار آنها و تلاش برای بهتر شدن اوضاع بطرف بهترین ودراز کردن یک دست کمک ومساعدت به انسان بدور از رنگ، هویت جنسیت ووابستگی شود.

این نظریه جهانی تمدن عرب واسلامی ما را تأیید کرد، وبه آن علامت تأیید گذاشت چون پیام تمدنی بطرف تمام مردم جهان بود. و«خطاب به همه مردم است در نزدش بلال حبشی، سلمان فارسی وصهیب رومی برابر بود، وارزش یک شخص در آن در عمل و گرایش انسانی او اختصاص داده شد، نه در اعتبار ونفوذ او، یا پولش، یا ملیتش... وغیره، پس مقتضای آن طابع ذات انسانی جهانی بود که در همه جا بهترین انسان دیده می شود در جای که باشد». [1]

واگر جهانی سازی گشودگی نسبت به جهان وفرهنگ های دیگر باشد با حفظ ویژگی‌های آن فرهنگ‌ها، همان‌گونه که تمدن عرب اسلامی در احترام گذاشتن به فرهنگ‌های دیگر وبهره مندی ازآنها در افاده، جذب، انتخاب وخلاقیت پس از آن، ایجاد کرده است، جهانی شدن در زندگی معاصر غربی ما به معنای "نفی دیگران" وجایگزینی نفوذ فرهنگی به جای ایدئولوژیک است. تعارض نفوذ فرهنگی مبتنی بر مجموعه‌ی از توهمات است که هدف از آن عادی سازی با هژمونی، وقف پیروی از تمدن، تخلیه هویت جمعی از همه مطالب وسوق دادن آن به پراکندگی وتکه وپارچه شدن است تا افراد را به جهان بی ملیت، بی امتی و بی دولتی، وآنها را در کوره جنگ داخلی فرو ببرید. [2]

با این حال طرفداران جهانی سازی معتقدند که تأثیر مثبت زیادی در سطح جهانی ایجاد کرده اند. این تمدن مردم وکشورها را با عبور از عامل جغرافیایی، تبدیل به یک دهکده جهانی، آزادسازی انسان از محدودیت ها وقید وبندهای محیط -در مناطق مختلف جهان- به لطف گسترش رسانه‌ها و قرار گرفتن در صفحه نمایش جهانی، هر انسانی را با هم پیوند داده ونزدیک ساخته است. بنابرین طلایه داران جهانی سازی از آنچه در جهان اتفاق می‌افتد آگاه هستند و می‌دانند که در اعماق

١- الدكتور محمود أحمد السيد- مقالات في الثقافة- الجزء الأول- منشورات وزارة الثقافة- دمشق ٢٠٠٤ ص١٧٩.

٢- الكلام للدكتور محمد عابد الجابري ورد في كتاب ما العولمة؟ للدكتور صادق جلال العظم والدكتور حسن حنفي- دار الفكر بدمشق ٢٠٠٢ص ٣٦.

فرهنگ‌ها جای باز کرده اند. ودر معرض نمایش، انتشار وتعامل جهانیان قرار گرفته اند.

همچنین جهانی سازی - به گفته طرفداران آن - برای رفع موانع جوامع انسانی تلاش زیادی کرده است. گشودگی فرهنگ‌ها نسبت به یکدیگر، از بین بردن اختلافات بین جوامع بشری از طریق انقلاب ارتباطات، اطلاعات، تبلیغ ارزش های مشترک انسانی که به هدف جمع کردن مردم از طریق یک نظریه ی جامع انجام می شود که شعار آن "سرنوشت واحد" بشریت واحد "و" زندگی تمام جهان هستی در یک کشتی" است.

این شعار از نظر انسانیت درخشان به نظر می رسد، أمّا آنطور که توسط این تحقیق نشان داده می شود، از نظر جهانی شدن واقعیت ها و رویداد ها در مقیاس جهانی یکی از موارد قدرتمندی است که می تواند مفاهیم خود را به دیگران منتقل کند. این غرب است که در رأس آن آمریکا قرار دارد، غربی که در طول تاریخ خود یا در حال حاضر خویش مگر چیزی در راستای منافع خود و ترویج مفاهیم خود انجام نه داده است.

از جمله اشکال جدیدی که غرب در دنیا جهت تحکیم سیطره وقدرت خویش افراز کرده است «جهانی سازی، جهان تک قطبی، پایان تاریخ، درگیری تمدن ها، انقلاب ارتباطات، جهان یک دهکده ، دهکده جهانی... وغیره».

همه ی آنها مفاهیم بی موردی هستند که سیطره مرکز جهانی را بر بالای تاریخ علم جدید آشکار می کند.[١]

جهانی شدن در یک شکل یا یک بُعد آشکار نمی‌شود، بلکه دارای چندین ابعاد و وجه است: جهانی سازی سیاسی، جهانی سازی اقتصادی، جهانی سازی رسانه ها، جهانی سازی علمی و فنی (تکنالوژی) وجهانی سازی فرهنگی؛ ظاهر می‌شود.

خطر در کل موضوع اینست که هیچ یک از این وجه ها مستقل نیستند وجهانی سازی فرهنگی، بدون جهانی سازی سیاسی واقتصادی وجود ندارد، گاهی راه را

١ـ الدكتور صادق جلال العظم والدكتور حسن حنفي- ما العولمة؟- دار الفكر بدمشق ٢٠٠٢ص.٤٧

برای آن با ترس، رعب و زورگویی وباز می‌کند در مواقعی دیگر با تشویق ونیکو جلوه دادن تحمیل می‌کند.

با توجه به همه‌ی اینها، لازم است به جهانی شدن نگاهی انداخته شود، وبه عنوان نظامی از اصول سیاسی واقتصادی، مفاهیم اجتماعی وفرهنگی، رسانه‌ی وسیستم های اطلاعاتی، الگوهای رفتاری وشیوه های زندگی مورد توجه قرار گیرد، هدف اینست که کل جهان را مجبور به درهم پیچیدن کند که با هم یکجا کار و در ومحدوده‌ی آن زندگی کنند.

دید مردم نسبت به جهانی شدن متفاوت ومتباین است، زیرا برخی از آنها از ذات هویت فرهنگی واصالت هویت خود دفاع می‌کنند در حالی‌که روی زمین جامد ایستاده اند و برخی دیگر آن ها از مصؤنیت قوی برخوردار نیستند، واز بسیاری از ویژگی‌های خود ونژاد، رنگ و فرهنگ خود عاری هستند تا به بهانه‌ی فرهنگ جهانی سازی در یک بعد فرهنگی و در گرو یک زبان حل شوند.

دوم، جهانی سازی زبانی

از آنجا که جهانی شدن ابعاد متعددی دارد و بعد فرهنگی یکی از آنهاست و زبان در محور بعد فرهنگی مطرح می‌شود وزبان نه تنها مُعبر جنبه های مادی و معنوی آنست، بلکه ملت ها و مردم گذشته در ادوار مختلف تاریخ به ضرورت وحدت زبانی میان مردم پی برده بودند، بنابرین در هر دوره تاریخی یک زبان مشترک به وجود می‌آمد، این بود که چند نفر در یک زمان و سپس به عنوان یک زبان مشترک در میان چند ملت به میان می‌آمد وسپس نا پدید می‌شد. همانند: زبان بابیل اکادی وزبان آشور، که در حوزه‌ی دریاهای دجله و فرات به وجود آمدند، وبرای مدتی آن جهان قدیمی را سازماندهی کردند، سپس این زبانها-یکی بعد از دیگری- جهان را سیادت کردند: آرامی، یونانی، لاتین سپس عربی آمد، وسرانجام در دوران جدید فرانسوی وانگلیسی به رهبری جهان برخواستند. هر یک از این زبان ها در حد توان خود سعی در تسلط و تبدیل شدن به زبان غالب -همه مردم- نفوذ وسیطره داشته است.

بنابرین زبانها در کشمکش هستند وبه سختی مبارزه می کنند تا بر همدیگر غلبه حاصل کنند، و زبانهای قدرتمند دنیا در میان غالبترین آنهاست. بسیاری از زبانهای آفریقایی، آسیایی وآمریکای لاتین توسط قدرت حمله به زبانهای اروپایی در دوران گسترش استعمار پس از انقلاب صنعتی مورد تاخت وتاز قرار گرفتند، به ویژه زبان فرانسوی، انگلیسی، هسپانیایی، پرتگالی وآلمانی بصورت عموم، و زبان‌های انگلیسی وفرانسوی بصورت خصوص در برابر انقلاب فرهنگی مقاومت کردند، ودرین تاخت وتاز بسیاری از زبانهایی از میان رفتند که سازمان بین المللی آموزش، علوم وفرهنگ "یونسکو" «المنظمة الدولية للتربية والعلوم والثقافة «یونسکو» این ها را به بیش از ۳۰۰ زبان تخمین زده بود. در ردیف دیگران ضعیف شده، وسازمان خویش را از دست دادند، ودر برابر بسیاری از کمزوری ها وسقوط قرار گرفتند، که فرزندان همین زبانها بر متحقق شدن این هدف کمک کرده بود ومتاسفانه زبان عربی هم در ردیف همین گروه اخیر قرار گرفت، پس از مدت از زمان که برای متحقق شدن هدف کمک کرد، این در حالی بود که فرزندانش این زبان برای رسیدن به هدف که همانا زوال بود، خودشان کمک کردند!.

در دنیای معاصر ما زبانهای بین المللی زیادی وجود دارند که در سطح جهانی جایگاهی عالی را بدست آوردند، مانند: انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، جاپانی، چینی وآلمانی. از ویژگی‌های زبان بین المللی اینست که در بسیاری از کشورها رسمیت نسبی دارند، که جهت ارتقای جامعه وپیشبرد امور زندگی برای خود انتخاب می کنند، به جز زبان جاپانی که فقط وظیفه خود را در داخل کشور مادر (جاپان)، زبان آلمانی در قاره اروپا انجام می دهد، وچینی ها در یک قاره (آسیا).

یکی از ویژگی های زبان جهانی نیز گسترش آن در تمام قاره های جهان است، همانطور که در مورد زبان انگلیسی وجود دارد، زیرا از نظر گسترش در بین زبان های جهان در رتبه اول قرار دارد. این تنها زبانی است که در میان تمام ملل جهان منتشر شده است که به عنوان یک زبان رسمی در تمام قاره های جهان استفاده می شود وتعداد از کشورهایی که انگلیسی را به عنوان زبان رسمی استفاده می کنند به ۵۹ فیصد رسیده است، بیش از دو برابر تعداد کشورهایی است که از زبان بین المللی

دوم که فرانسه است استفاده می کنند، زیرا تعداد آن ۲۸ % بیست وهشت فیصد است.

انگلیسی ۸۰% زبان ارتباطات بین المللی در زمینه انترنیت است. در ویب سایت های انگلیسی زبان، در زمینه های مدیریت و بازاریابی نیز حاکم است، در مقایسه با سایر زبان های بین المللی با اختلاف زیادی از زبان انگلیسی عقب هستند و همچنین تنها زبان دیپلماسی مدرن و در درون سازمان های بین المللی حاکم است...و غیره

قابل توجه است که کمیت واژه های زبان انگلیسی بر واژگان زبان های کوچک‌تر و بزرگ‌تر غالب است در عین حال این فرهنگ آمریکای است که بر شیوه زندگی در سایر محیط فرهنگی تأثیر می گذارد و همین امر باعث می شود که برخی از کشورهای مهم خطر تسلط بر زبان انگلیسی وتأثیر این تسلط بر زبان مادری خویش را احساس می کنند.

در دهه های اخیر تسلط نفوذ زبان انگلیسی با هیمنت اقتصادی ورسانه های امریکایی در سطح جهانی و به دلیل استفاده روز افزون انترنیت دو برابر شد، واین منجر به گسترش استفاده از کلمات و عبارات انگلیسی وفرهنگ آمریکایی وارزش های مصرفی نا متناسب ونابرابری های نژادی و ارزش های قومی که از امت های اصیل وعریق همانند: آلمانی ها، چینی ها وفرانسوی ها شمرده می شوند.

آلمانی ها به زبان خود بسیار افتخار می کنند ودر آلمان دایره فراخوان ها برای ایجاد قوانین گسترش یافته است. برای محافظت از زبان آلمانی از تأثیر زبان های دیگر، به ویژه انگلیسی، برخی از زبان شناسان آلمانی معتقدند که اصطلاحات انگلیسی تهدیدی برای یک‌پارچگی وشفافیت زبان آلمانی آنهاست.

در کشور چین، نگرانی در مورد گسترش زبان انگلیسی در محیط چینی از طریق فیلم های آمریکایی وجود دارد، این همان چیزی است که دولت چین را وادار ساخت تا برای مقابله با خطری که زبان چینی را تهدید می کند، قانون زبان اول را صادر کند. این قانون که از ابتدای جنوری ۲۰۰۱م به اجرا درآمد، رسانه های چاپی وشنیداری را ملزم به رعایت اصول پذیرفته شده زبان چینی بر اساس نوشتن

ساده در چین، به دور از نوشته‌های استفاده شده در مستعمره سابق انگلیس هانگ کانگ را کرد. [1]

در فرانسه فراخوان ایجاد اتحاد تحالف در بین کشورهایی که زبان مبدأ (لاتینی) دارند به صدا در آوردند، چون زبان لاتین برای مقابله‌ی بهتر با تسلط زبان انگلیسی، و فرانسوی در (المنظمة الدولية للتربية والعلوم والثقافة) سازمان بین المللی آموزش، علوم وفرهنگ (یونسکو) از اصل چند زبانی در جامعه جهانی وحق کثرت گرایی فرهنگی دفاع کرد.

اگر این اتفاق در کشورهای پیشرفته مانند فرانسه، آلمان و چین رخ بدهد، وضعیت اعراب در مقابل آن چگونه است چون زبان آنها عربی است؟

سوم، جهان عرب و جهانی سازی

هرکسی که به واقعیت زبان عربی در جهان عرب نگاهی بیندازد متوجه خواهد شد که هنوز هم مسئله عربی سازی در برخی از کشورهای عربی پابرجا بوده و اثرش ازبین نه رفته است، علی الرغم اینکه مردان نهضت عربی خواستار تسلط زبان عربی بر عرصه سیادت جهان عرب در همه زمینه های زندگی از نیمه اول سال گذشته وجود دارد. کشور سوریه درین راستا پیشگام بوده در تطبیق آن از سال ۱۹۱۹م به بعد در دهه اول هزاره سوم، تمایلی به صدور تصمیم سیاسی لازم الاجرا برای عربی سازی در بیشتر کشورهای عربی نیست تا زمانی که برنامه ریزی زبانی برای رشد زبان وجود نه داشته باشد، در زمینه های علمی واطلاعاتی در دنیای تکنالوژی همزمان با تأخیر مواجه هستیم، این مورد منجر به گسترش اصطلاحات خارجی در بین زبان ما می شود حتی اگر گزینه جایگزین عربی توسعه یابد، عدم تمایل به استفاده از آن وادامه استفاده از کلمات خارجی است. همچنین پراکندگی تلاش‌ها وعدم هماهنگی بین کارگران درین زمینه‌ی تخصصی قابل توجه است.

۱- هيثم بن جواد الحداد- العولمة اللغوية- البيان- ملف العولمة مقاومة و تفاعل.
www.albayan.magazine.com/Filles/global/٠٤.t/zm

واگر جهانی سازی سعی در انتشار همه ارزش‌های منفی دارد که ساختار جامعه را از هم بپاشاند ومی کوشد تمام ارزش های مثبتی را که برای پیشرفت وترقی جامعه و زبان عربی در بین آنها که عبارت از قدرت اعراب در اتحاد فرزندان یک ملت، معماران جهانی سازی با اتخاذ زبان بومی از یک طرف است، نظر به دلایل این که این یک عامل تقسیم کننده است، از طرف دیگر صدا بلند کردن به بهانه‌ی این که زبان عربی زبان عقب مانده وهمگام با کاروان تکنالوژی نیست، انگلیسی زبان آموزش در مدارس خصوصی، مؤسسات وپوهنتون های در رشته های علوم انسانی به عنوان زبان تحصیلات عالی است.

این نگرانی در پروسه آموزش پرورش (یادگیری ویاد دهی) مشهود ومحسوس است که خبر از مزاحمت زبان خارجی انگلیسی (در کشورهای حوزه خلیج فارس)، و فرانسوی (در کشورهای حوزه مغرب عربی) حکایت دارد. چون زبان عربی در پروسه آموزش وپرورش، زیر سلطه زبان انگلیسی در آمده وهمه زمینه ها از جمله: قبول در تحصیلات عالی، تدریس، گفتمان رسمی وفعالیت‌های تحقیقاتی را در بیشترین بخش‌های علمی در پوهنتون‌های خلیج فارس فراهم کرده است ونگرش های منفی را در باره دروس ومطالب زبان عربی، وکمبود تقاضا برای آن وبرای امروز و فردای ایشان بار آورده است، به این بهانه که دروس زبان عربی در مقایسه با دروس زبان انگلیسی ودرس های علمی که در آنجا تدریس می‌شود موضوعات اساسی نیستند، که این خبر از برتری زبان انگلیسی بر زبان عربی خبر می‌دهد با این مورد امید های آینده وآمال زیبا برای پذیرش در رشته های تحصیلات عالی، قبول شدن در مشاغل پوهنتون بالا است ومحصلان پوهنتون‌های ما جذاب هستند وآینده ی امیدوار کننده ورویاهای زیبای برای ما خلق می کنند واین جنبه در کشورهای مغرب عربی نیز مشاهده می شود، زیرا در اذهان افراد تحصیل کرده ما این مورد برجسته است که تسلط ایشان به زبان خارجی آنها را برای آینده‌ی روشن آماده می‌کند، چه در اتمام تحصیلات عالی و چه در گرفتن شغل با عوائد گزاف مالی؛ و این همان چیزی است که آنها انگیزه دارند که به زبانهای خارجی روی بیاورند و زبان ملی خود را نادیده بگیرند، پس از «تا که دیدگاه فرانسوی ها در قبال مؤهلین زبان عربی آنانی که واجد شرایط بودند در وظایف برتری استخدام نمی‌شوند و به ایشان با دید عقب

مانده وکهنه فکر می‌نگرند، بنابرین عرب‌ها از آن وظائف ومشاغل و مناصب عالی ترین مؤسسات دولتی وآموزشی که زیر دست فرانسوی ها باشند دور می‌شوند»[۱].

از جمله رویداد جهانی شدن وترویج فرهنگ تک قطبی وزبان انگلیسی آن عبارت است از: دور شدن فرهنگ، تاریخ، ثقافت وتمدن عربی از دروس مدارس وپوهنتون های خارجی که برنامه‌های درسی آنان را مشاورین خارج از جهان عرب تهیه می‌کند، وهمچنان در سرزمین عرب مشاهده می‌کنیم برنامه های آموزشی هیچ ارتباطی با فرهنگ، تاریخ، تمدن جامعه عرب ندارد.

در حالی‌که این مدارس وپوهنتون‌ها بهترین شاگردان را از بین صنوف دوره ثانوی، از میان فرزندان طبقه عالی ومتوسط جامعه، جلب وجذب می‌کنند. چون ایشان با فرهنگ وتاریخ خویش بیگانه اند در سرزمین مادری خود غریبه زندگی می کنند زیرا نمی‌توانند از طریق خواندن وشنیدن در فضای آن مدارس وپوهنتون‌ها با محیط خویش ارتباط بر قرار کنند.[۲]

واگر استعمار در اشکال مختلف آن قبلاً با زبان عربی مبارزه کرده بود، مثلاً استعمار فرانسه در کشورهای مغرب عربی یا کشورهای شام، و استعمار انگلیس در مصر، فلسطین وعراق. پس جنگ زبانها با توجه به جهانی شدن هنوز در کشورهای عربی ما جریان دارد وآنچه استعمار شکست خورده، برای دستیابی به اهداف قبلی خویش در حاشیه راندن زبان عربی از زندگی کنونی کودکان ما هستند و ایشان اذعان می کنند که می توانند با دستان خود این مورد را اجرا کنند تا وقتی‌که ما از زبان انگلیسی در آموزش وپرورش درپوهنتون‌ها ومدارس خصوصی استفاده می‌کنیم وزبان عربی را از آموزش وپرورش دور نگاه میداریم نمی توانیم با تسلط زبان اجنبی مقابله کنیم، وهمچنان تا هنگامی که مدارس وپوهنتون‌های خصوصی کودکان ما را طبقات بالا ومتوسط جامعه جذب می‌کنند وچنین درس هایی را به ایشان ارایه می

---

۱ ـ الدکتور عمار الطالبي- وضع اللسان العربي في الجزائر- مجلة الحياة الفكرية- وزارة الثقافة السورية- العدد الثاني ۲۰۰۹ص۹.

۲ـــ الدکتور یوسف القرضاوي- اللغة العربية في دولة قطربين العناية والشكوى- مجلة الحياة الفكرية -العدد الثاني- وزارة الثقافة السورية- دمشق ۲۰۰۹ص۱۲۶.

دهند وبرای فارغ التحصیلان زبان انگلیسی فرصت‌های بیشماری، و برای فارغ التحصیلان وواجد شرایط زبان عربی کمتر اشتغال زایی فراهم می‌شود، ما نمی توانیم مقابله کنیم.

در اینجا ما هستیم که به برنامه سازان جهانی سازی در اجرای پروژه شان بدون هدف مساعدت خواهیم کرد، جهت فرض شدن زبان جهانی در فرآیند آموزشی (در عملیه یادگیری ویاد دهی) به جای زبان ملی خود به میل خویش کمک می کنیم.

اگر در حوزه رسانه برویم، پس متوجه می شویم که جهانی سازی کاربرد لهجه عربی عامیانه را احترام می گذارد. وبرنامه ها وسریال های ساخته غربی ودوبله شده، به لهجه های عربی را پخش می کنند واین برنامه ها برای ترویج عامیانه به جسد امت عرب آهسته آهسته منتقل شده، وبا مهارت های خاص در جسم وروح عرب نفوذ کرده وبا حیله های غرق کننده اعضای جسد امت را جدا جدا می‌سازند.

استفاده از استعمال زبان عامیانه محدود به سریال های ودرامه های مؤلفه یا دوبله شده نیست، بلکه گسترش گفتگوها، جلسات فرهنگی وبرنامه‌های مذهبی است؛ «ادامه آنست و آمارها نشان می‌دهد که کمتر از شصت فیصد کانال‌های تلویزیونی مذهبی که در فضای عرب نشر می‌شود غالباً گفتمان مذهبی وتبلیغات ارایه می دهند که به بهانه ساده سازی، تسهیل ودسترسی به همه اقشار مختلف جامعه (همانطور که صاحبان آن ادعا می‌کنند) به لهجه عامیانه پخش ونشر می شود»[1].

پدیده ی که در بین جوانان عرب شیوع یافته استفاده از حروف لاتین است، که این حروف جایگزینی برای حروف عربی در نوشتن پیام های تلفن همراه، وکانال های ماهوارهای عربی، به ویژه کانال‌های موسیقی نیز در گسترش این پدیده نقش دارند، زیرا آنها در حال کار برای جایگزینی حروف عربی در نوشتار عربی هستند، و این از طریق پیام های ارسال شده توسط بینندگان جوان به یکدیگر ظاهر می‌شود.

١- الدكتور محمود أحمد السيد- أثر اللغة في المكون العربي- من بحوث مؤتمر العروبة والمستقبل- دمشق ١٥ـ ١٩ أيار ٢٠١٠ ص٨٨.

با توجه به این فضا می‌توان تصور کرد که پس از مدتی نسلی بوجود می‌آید که قادر به خواندن ونوشتن عربی نباشد. مگر نوشتن زبان عربی با حروف لاتین، به منظور دستیابی به این امر، آگاهانه یا نا آگاهانه، از برنامه های استعمار، آنچه که ایشان در طی سالهای اشغال کشورهای عرب تلاش کرده اند انجام دهند ونتوانستند، شکست خوردند، گویا کانال های راه اندازی شده استعمار برای جهان عرب بیش از شصت کانال است، واینها در میدان جنگ فکری ومحاربه با زبان فصیح تواناتر از هر جنگجوی ماهری شد. [1]

اگر زبان عربی در صحنه ملی از اتحاد ویک‌پارچگی زبانی دور باشد، واکثر برنامه های پخش شده توسط رسانه های سمعی وبصری، در کانال های تلویزیونی از جمله: نمایش ها، جلسات، گفتگوها، آهنگ ها پیامهای تبلیغاتی کشورهای عربی وغیره. از سلامت زبانی دور باشد، همچون «بنرهای تبلیغاتی که سقف های اماکن را اشغال کرده است از میادین عمومی گرفته، تا ساختمان های خیابان وجاده های خیابان، وهمچنین تبلیغات پوشش نوشیدنی‌ها، پوشش مواد غذایی، دیوار زمین‌های ورزشی، لباس های کودکان و همه چیزهایی که در انظار عمومی به چشم می خورد و در سبک زندگی نقش داشته باشد»[2]. این تبلیغات یا با لهجه های عامیانه ساخته شده ویا هم با زبان عربی حاشیه‌ی وبازاری پر از اشتباهات ترکیب شده که با کلمات اجنبی مزین شده است وهمه‌ی اینها به تشویه وتحریف زبان عربی کمک می کند و عامل منفی در کسب مهارت‌های زبانی فرزندان ماست، زیرا اگر تصور کنیم که مکاتب آنچه را ارایه می‌دهد، هویت عربی را از بین می‌برد، چون اگر فرض کنیم که این مکاتب زبان سالمی را به روشی مناسب آموزش نمی‌دهند.

ودر سایه‌ی هژمونی اقتصادی، شرکت‌های خارجی در کشورهای عربی در حال ترویج زبان انگلیسی به صفت زبان تجارت، بانکداری وگردشگری هستند. پس زبان عربی از حیطه فعالیت‌های اقتصادی کنار گذاشته شده است، و جنگ

١ـــ الدكتور محمود أحمد السيد- أثر اللغة في المكون العربي- من بحوث مؤتمر العروبة والمستقبل- دمشق ١٥ـ ١٩ أيار ٢٠١٠ ص٨٩.

٢- الدكتور احمد درويش- التحديات اللغوية العامة للعربية المعاصرة- المجعية العربية للضمأن الجودة في التعليم – القاهرة ٢٠٠٩م ص١٨٧.

سختی در گرفته است که موفقیت امتحان زبان خارجی را در راستای صحبت کردن و نوشتن به عنوان شرط انتصاب در بخش های دولتی وخصوصی بسازند وزبان انگلیسی را به صورت طبیعی فرا راه نیاز بسیاری‌ها قرار دهند. فعالیت شرکت‌های دولتی ومؤسسات تجاری در شکل وزندگی عامه، مانند: فرصت‌های کاری طبی ودرمانی به انگلیسی روی آورده اند.

قابل توجه است که صدها واژه و ساختار زبان انگلیسی در بین کارگران در زمینه های اقتصادی نفوذ کرده است، و با افزایش جنبش تجارت و واردات، با پر شدن بازارها با انواع کالاها، وسایل، ابزارها، دستگاه‌ها، تجهیزات خارجی، بازی های ویدیویی، رایانه وسایر مواردی که به همراه خود، نام، شرح، آدرس، تعارف به زبانهای اصلی آنها و از کشورهای هستند که تولید کرده اند به ویژه کشورهای انگلیسی زبان را با خود انتقال داده است.

پدیده دیگری که باعث ترویج و گسترش لهجه‌های عامیانه در کشورهای عربی خلیج فارس است، متمثل در تفاوت تلفظ آنها، عملکرد ورفتار در بین کارگران آسیایی، واین لهجه‌ها دیگر عربی را فقط در بازار ومناطقی که کمتر تهدید می‌کند بلکه حتی در داخل خانه ها نیز تهدید می‌کند، طوری که شما در یک خانه چندین ملیت را پیدا می کنید که با چندین زبان غیر عربی صحبت می‌کنند وتهدیدی است برای عرب‌ها که کودکان خویش را درین سر درگمی بزرگ می‌کنند. مادر عرب او که به ندرت خود را وقف او می کند وپدرش که مشغول کار، تجارت، مصروفیت وحرفه خود ودوستان است وکمتر به آن می‌رسد، واگر به این پدیده گسترش شعر قدیمی به هزینه شعر قدیم عربی را اضافه کنیم، جایی که جشنواره هایی برای او برگزار می شود وجوایز بزرگی به وی اختصاص می‌یابد ما به چالش‌های بزرگی که پیشروی زبان عربی در کشورهای عربی خلیج فارس است، پی می‌بریم[1].

کشورهای مغرب عربی از این چالش‌ها در امان نیستند، زیرا چندین زبان وجود دارد، علاوه بر لهجه‌های مختلف مانند: امازیغی، فرانسوی، اسپانیایی وانگلیسی،

۱- الدکتور یوسف القرضاوی- اللغة في دولة القطر بین العنایة والشکوی- مجلة الحیاة الفکریة- العدد الثاني – وزارة الثقافة السوریة- ۲۰۰۹م ص۱۲۷.

واین ساخته‌ی از زبان ترکیبی است که ناشی از استفاده بیش از یک زبان به هزینه‌ی زبان دیگر ناشی می‌شود.

مردم الجزایر ومراکش بر این باورند که فرانسوی زبان عالی است که فرصت ها را ارایه می‌دهد. پیشرفت و کار در اجتماع وفضای اقتصادی برای کسانی که بر آن تسلط دارند؛ میسر است، واینکه زبان ملی مانعی برای این مزیت مهم است، بنابرین زبان فرانسوی بر بازار زبان تسلط دارد، واین یک عنصر فشار دهنده‌ی است که تسلط نخبگان سخنران را تعمق می‌بخشد و نا برابری اجتماعی، فرهنگی و زبانی را رشد ووابستگی را تقویه می‌کند. یک ارزش اقتصادی که با هزینه تجارت عربی در جامعه ایجاد و افراد عربی آن را بر عهده می‌گیرند و آنانی که به زبان عربی واجد شرایط هستند را از بازار کار دور نگاه می‌دارد.

در حالی که بازار کار برای افراد واجد شرایط در ادارات اقتصادی فرانسوی باز است.

خلاصه‌ی مطلب اینکه جهانی سازی با اهداف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی واجتماعی و رسانه‌ی آن از نظر تسلط آن، تأثیر منفی بر جایگاه زبان عربی انداخته است، واز نظر سیاسی بر وحدت عربی و حس زبان ملی آنها صدمه وارد کرده است وزبان انگلیسی در نظام آموزش وپرورش به جایگزین زبان عربی شده است، واز حیث ترغیب به زبان عامیانه تشویق کرده است وسعی نموده است در رسانه و وسایل جمعی عامیانه رشد قابل ملاحظه داشته باشد و در امور اقتصادی وتجارتی و گشودن اشتغال برای اعضای طبقات بالاتر جامعه نیز زبان برتری زبان انگلیسی را اعلام کرده است و از نظر فراگیری زبان انگلیسی در فنآوری و تکنالوژی و از طریق انترنیت ... وغیره کمک شایانی کرده است.

چهارم، ابزار مقابله

جهانی شدن واقعیتی شده است که روش رد وکنار زدن آن کار ساز نیست بلکه روندی است که با اقتصاد آغاز شده وبه سیاست وفرهنگ رخنه کرده است. وبه واقعیتی تبدیل شده که ما در آن زندگی می‌کنیم و نمی بینیم که بستن پیچ‌های کانال‌های ارتباطی در بین فرهنگ ما وهر فرهنگ دیگری راهی حل موفقیت آمیزی

نخواهد بود، زیرا دیگر جایی برای انزوا و جبران خسارت نمانده، وهیچ راهی برای حل مشکل مردم وجود ندارد.

با توجه به این دلایل، برای مقابله با اثرات منفی آن باید اقدامات مختلفی انجام شود. برای انتخاب جنبه های مثبت آن به روش متناسب با وضع جوی ما، زمین وخاک ما وحفظ هویت ما اقدام شود.

از جمله این اقدامات عبارتند از:

۱ - الزام آوری حل مسئله عربی سازی با صدور تصمیم سیاسی، وتنظیم سیاست زبان وبرنامه ریزی زبانی در پرتوی ارزش ها در سطح قومی و ملی.

۲- فعال سازی ترجمه به زبان عربی در تمام عرصه‌های دانش، به ویژه رشته های علوم و فناوری (تکنالوژی)، زیرا ترجمه علمی وعربی سازی آموزش از جمله این مواردی است که به غنامندی زبان علمی وفنی جهت افزایش نیروی کار است واین زبان مادری در بهبود بازگشت نیروی کار نقش مهمی دارد و باگرایش به اقتصاد ساخته شده ونقش آن در حال افزایش است.

۳-گسترش زبان عربی در میان اقلیت‌های غیر عرب ساکن در کشورهای عربی، بین جوامع عرب ومسلمان مقیم کشورهای عربی و غیر عرب زبانی که مایل به یادگیری زبان عربی هستند.

٤ - به دنبال ایجاد جهانی سازی زبان عربی در میان مسلمانان غیر عرب بود، زیرا که عرب‌ها می‌توانند طرح‌ها و برنامه‌های علمی، فکری، قرآنی ومشروعیت نوشتاری یا شنیداری را درین زمینه ارایه دهند، همه‌ی آنها با فصاحت صدای عربی تدوین شده است، وبا در نظر گرفتن رابطه‌ی نزدیک بین زبان عربی ودین اسلام از یک سو، واز سوی دیگر می‌تواند این موارد منجر به تنزیل لهجه‌های محلی به نفع زبان فصیح عربی تمام شود.

۵- اتخاذ میانه روی و اعتدال به عنوان یک رویکرد علمی وعملی صحیح برای خارج ساختن جامعه از بحران خفقان آوری که آن را فراگرفته، در پرتوی جهانی شدن وپیامدهای منفی آن ورد افراط گرایی وخشونت در گفتمان مذهبی، فراتر از اختلافات فکری، سیاسی واجتماعی قدیم، وکار بر روی آنها نزدیکی بین گروه ها برای رسیدن به وحدت ملی را محقق می سازد.

٦- بهره مندی از میراث عربی ما در ارتقای ارزش‌های انسانی بر روند ارتباط و گفتگو در بین فرهنگ ها، همانند (عشق، گفتگو، مدارا، همدیگر پذیری، صلح ... وغیره) از یک سو وبهره‌مندی از آن در گسترش عربی سازی اصطلاحات در زمینه های مختلف علمی از سوی دیگر.

۷- تمرکز بر روش‌های تفکر علمی در تمام مراحل آموزش تا فرزندان ملت بتوانند با مهارت های تفکر انتقادی عینی خود راگسترش داده، ودروغ را از حقیقت و لاغر را از فربه، در پرتو جهانی شدن تشخیص دهند.

۸- تمرکز اعتماد به نفس و ریشه‌کن کردن احساس حقارت و شیفتگی نسبت به فرهنگ‌های بیگانه، واز بین بردن عقده کوچک انگاری در زندگی فرهنگی وباز کردن گره بدبینی نسبت به تاریخ ومیراث ملت، از نظر تمدن بشری در مسیر دانش وروشن ساختن آنچه ملت عرب و اسلام ارایه داده است.

۹- اهمیت دادن به رسانه ها و اتخاذ زبان فصیح در کانال های ماهواره‌ی وبه ویژه رسانههای که قابلیت خواندن شنیداری ودیداری را دارند.

۱۰- تلاش برای غنی سازی محتوای دیجیتال عربی در انترنیت و اختصاص جوایز برای بهترین سایت هایی که عربی استاندارد را قبول می‌کنند.

۱۱- تقویت همکاری بین اقدامات رسمی وتلاش جامعه مدنی در زمینه پیشرفت واقعیت زبانی و ارتقای آن به دیده قدر نگریسته شود.

۱۲- تلاش جهت تسلط زبان های خارجی علاوه بر تسلط بر زبان مادری "عربی فصیح" و این امر روند عرب سازی را غنی می‌کند.

۱۳- اجرای طرح نامه های پیشرفت زبان عربی برای حرکت به طرف مجتمع دانش بود و من آن‌طرح نامه را در کنفرانس عربی که در ماه مارج سال ۲۰۰۸م در دمشق در جمهوری عربی سوریه برگذار شده بود؛ ارایه کردم، این کنفرانس آن را تصویب کرد و از سوی جمهوری عربی سوری به خاطر ابتکار عمل تشکر کرد واز راه اندازی این پروژه آزمایشی اظهار سپاس گذاری نمود.

فهرست منابع فصل دوم:

١ـ الدكتور أحمد درويش- التحديات اللغوية العامة للعربيـة المعـاصرة- الجمعيـة العربية لضمان الجودة في التعليم- القاهرة ٢٠٠٩م.

٢ـ الدكتورصادق جلال العظم والدكتور حسن حنفي- ما العولمة؟- دار الفكـر بدمشق٢٠٠٢م.

٣ـ الدكتور عمار الطالبي- وضع اللسان العربي في الجزائر- مجلة الحياة الفكريـة- وزارة الثقافة السورية٢٠٠٩م.

٤ـ الـدكتور محمـود أحمـد الـسيّد- أثـر اللغـة في المكـون العـربي- مـؤتمر العروبــة والمستقبل- دمشق ٢٠١٠م.

٥ـ الدكتور محمود أحمد السيّد- مقالات في الثقافة- ج١، منشورات وزارة الثقافة- دمشق ٢٠٠٤م.

٦ـ هارالد هارسان (عالم بابلي) -تاريخ اللغات ومستقبلها- ترجمة سامي شمعون ومراجعة محمد حرب فرزات- المجلس الوطني للثقافة والفنون والدراسات- الدوحة ٢٠٠٦م.

فصل سوم
زبان عربی در فرهنگ و رسانه

مطالب فصل:

نخست: ابعاد زبان عربی

دوم: زبان عربی در فرهنگ

۱-کاهش زبان عربی در پروسه یاددهی- یادگیری

۲- بی میلی به خواندن عربی

۳ -کاستی در فرهنگی کردن کودکان

٤- غلبه لهجه‌های عامیانه در گفتگوی برخی منابع فرهنگی از یک سو، و زبان خارجی از طرف دیگر

۵- عدم ترجمه در بنای فرهنگی ما

٦- کمبود محتوای دیجیتال به زبان عربی در انترنیت

۷- کوتاهی ونقص در زمینه‌ی هماهنگی اصطلاحات به زبان عربی

۸ - بی میلی برای همگام شدن با رویداد های جدید زمانه

۹- آلودگی زبانی در محیط

۱۰- پروژه های متعدد با هدف از بین بردن هویت عرب و تبعید از عرب گرایی

سوم، زبان در رسانه ها

چهارم، راه های پیشرفت

فصل سوم
زبان عربی در فرهنگ و رسانه

این فصل مروری مختصری جهت نشان دادن ابعاد زبان عربی و واقعیت آن در فرهنگ ورسانه دارد. تا که سرانجام برخی توجیهاتی است که برای رسیدن به واقعیت روشن ارایه کنیم، با توجه به این که پرداختن به این موضوع نیاز به تحقیقات گسترده ی دارد تا ابعاد موضوعات روشن شود، ولی از آنجا که هیچ تحقیق واحدی نیست که کلیه موضوع را به طور کامل در بر گیرد، اما آنچه کاملاً مهم وارایه آن لازم بوده وکنار گذاشته نمی‌شود.

نخست: ابعاد زبان عربی

انسان در ذات خود چیزی نیست جز زبان و هویت، زبان اندیشه و هویت اوست و در عین حال وابستگی او نیز است، این همه هویت، حقیقت وحضور او است، وما نمی توانیم یک انسان یا یک جامعه را بدون هویت تصور کنیم، وهیچ هویتی بدون زبان نیست، برخی رابطه ها در بین زبان و هویت وجود دارد ونگهداری یکی از آنها حفظ دیگری نیز است ودر نجات یکی از آنها نجات دیگری است.

زبان هویت یک ملت است ونشانه‌ی از شخصیت واصالت فرهنگی آنست. هر کسی که هویت را حفظ کند شخصیت‌اش را از انحلال واز خود بیگانگی نجات می‌دهد. در صورتی که هیچ ملتی زبان خود را از دست نمی‌دهد مگر این که تاریخ خود را از دست بدهد تا این که حال وآینده‌اش را نیز از دست می‌دهد. و هیچ امتی

نیست علمی را بوجود آورد وبه زبان مادری اش نه باشد، ورشد علمی برای آنان میسر نمی شود مگر به استفاده از زبان ملی و وطنی ایشان.

یک سلسله شواهد بین المللی است که ثابت می‌کند کشورهایی هستند که در زیر چتر صلح وامنیت به مراحل پیشرفته‌ی رسیده اند. ایشان بودند که زبان ملی خویش را در توسعه انسانی وزمینه های پیشرفت وترقی خود استفاده کرده اند. به کشور کوریای جنوبی بنگرید که جایگاه بیست وهفتم را در پله های رشد انسانی به خود اختصاص داده است وتوسط زبان ملی خود به این درجه رسیده است نه به وسیله زبان خارجی، به کشور پاکستان نگاه کنید که این کشور صنعتی با اسلحه‌ی شیمیایی است نهضت خود را توسط زبان ملی خود بنیاد نهاده است نه به وسیله زبان خارجی، ودر اینجا اسرائیل نژاد پرست را ببینید که زبان عبری مرده خود را زنده کرد –که دو هزار سال پیش مرده بود - تا که در همه زمینه های زندگی مورد استفاده قرار گیرد، قسمی که در آموزش رسمی وخصوصی ودر همه ابعاد زندگی خود آن را زنده کرد. و تدریس آن را در پوهنتون ها ومراکز تحقیقات علمی توسعه ولازمی ساخت، ونخستین پوهنتون خویش را بنام «پوهنتون عبری» نام نهاد، ومنسوب ساخت به زبان وفرهنگ خویش، که می‌خواست از طریق تدریس ونوشتن بحث های علمی آن را زنده، پرورش ورشد وتوسعه دهد وخلاصه در کشور اسرائیل حتی یک مکان تعلیمی وتحصیلی وجود ندارد که به غیر از زبان عبری تدریس کند.

وظایف عمومی زبان به طور کلی در تفکر، برقراری ارتباط وبیان خلاصه می شود، زیرا زبان واندیشه دو روی یک سکه است، واندیشه ها وایده ها منتقل نمی شوند مگر با استفاده از نمادهای کلامی، ودر زبان فرد از فرهنگ جامعه خود در گذشته، حال وآینده می آموزد، و او از تجربه های دیگران یاد می گیرد، مانند او دیگران را از تجربیات خود وفرهنگ ملت خود آگاه می کند وبا زبانی فکر می کند، می آموزد، بیان می کند، می فهمد ومی آموزاند تا که احساسات ودرک خود را آشکار می کند، وتجارب زندگی خود را توسعه می دهد وبا دیگران ارتباط برقرار می کند.

با این حال، زبان عربی ما علاوه بر همه ی این موارد، دارای ابعاد دیگری نیز است که در ابعاد دینی وقومی نمایان می شود. چون این عربی فصیح زبان قرآن

کریم است که روح الامین (جبرئیل علیه السلام) آن را به عنوان نشانه رسالت پیامبر اعظم بر قلب آنحضرت نازل کرد، از دعوت او حمایت کرد، وآن را قانون اساسی برای ملتش قرار داد.

اما بعد قومی آن اینست که زبان عربی فصیح ضمن اینکه زبان یکپارچه است رمز وحدت عرب ها در سطح دنیای عرب نیز است. در زمانی که لهجه های های عامیانه در بین فرزندان ملت فرق بوجود می آورد، وحتی در بین فرزندان یک کشور تفرقه می اندازد ایشان را متحد می کند، و خداوند امیر شاعران احمد شوقی را بیامرزد که می‌گفت:

ویجمعنـــا إذا اختلفـــت بـــلادٌ　　بیـــانٌ غـــیر مختلـــفٍ ونطـــقُ

ترجمه: در صورت که کشورها با هم اختلاف داشته باشند با یک جمله و تلفظ غیر متفاوت متحد می شویم.

زبان عربی ما حامل فنون تمدن عربی واسلامی است که آمیخته با فرهنگ عرب، روح و تاریخ ملت عرب، ویاد داشت‌های از آغوش گرم و مهربان و لطیف آنست و همچنان آخرین سنگر اتحاد اندیشه در میان فرزندان امت و حفاظت کنندهٔ کیان و هویت آنست.

تا زمانی که زبان عربی در این حال است، پس جایگاه آن در فرهنگ ورسانه چیست؟

دوم: زبان عربی در فرهنگ

اگر طبق قانون اساسی کشورهای عربی، زبان رسمی در کشورهای عربی، عربی فصیح باشد ما متذکر می شویم که بین آنچه قانون اساسی وضع کرده وآنچه که در واقع وجود دارد و مقامات وحمایت آنها از روی زمین اعمال می شود، فاصله ی وجود دارد، زیرا اگر آنها می خواستند زبان عربی جایگاهی راکه شایسته آنست در همه اشکال فرهنگی را به دست آورد، تصمیم سیاسی لازم را برای عربی سازی آنها صادر می کردند که شامل رشد ونشر زبان عربی وگسترش آن در همه سطوح ودر همه سیستم ها می بود، از جمله سیستم فرهنگی، درین صورت منزلتی برای زبان عربی در سرزمین عرب حاصل می شد.

اگر نگاهی به واقعیت عربی در نظام فرهنگی ن بیندازیم، موارد زیر مرتب می شود:

۱-کاهش زبان عربی در فرایند یادگیری و یاد دهی

برخی کوتاهی و کم میلی به تسلط بر زبان عربی فصیح در روند یادگیری- یاددهی شده از جمله سیطره زبان فرانسوی درپوهنتون ها و مؤسسات مغرب عربی، وتسلط زبان انگلیسی در پوهنتون‌ها ومؤسسات دولتی خلیج عرب و مؤسسات وپوهنتون‌های خصوصی وحتی مدارس خصوصی بیشتر دروس خود را به زبان‌های خارجی، حتی در حوزه علوم انسانی تدریس می‌کنند.

در نظام آموزش تحصیلات عالی کشور های مغرب عربی وخلیج عرب، استادان ومدیران خارجی اشراف دارند وتا هنوز از سلطه زبان خارجی نجات پیدا نه کرده اند، وآنها در برابر زبان عربی ایستادند و به تدریس افراد واجد شرایط واهل عربی در آن مانع می شوند، وآنها را به عقب گرایی توصیف می کنند، و وانمود می کنند که تحصیلات عالی به قلعه مستحکم آموزش زبان فرانسوی در کشورهای مغرب تبدیل شده است و این ویژگی برای زبان انگلیسی در کشورهای عربی خلیج فارس صدق می‌کند.[١]

دروس علوم تجربی در دولت قطر در مراحل آموزش عمومی به زبان انگلیسی تدریس می شود برای تدریس آنان معلمان انگلیسی وآمریکایی گماشته شده اند تا زبان انگلیسی وعلوم ریاضیات و انفورماتیك را در مراحل آموزش عالی تدریس کنند، تدریس مضامین کمپیوتر وعلوم وتکنالوژی حتی در پوهنحی شرعیات، علوم انسانی وعلوم اجتماعی به زبان انگلیسی ارایه می‌شود. در امارات متحده عربی، علوم وریاضیات به زبان انگلیسی نیز تدریس می‌شود.

زبان انگلیسی از صنف اول تا صنف دوازدهم، در همه رشته ها در تحصیلات عالی سیطره دارد، و آن را به رشته اختصاصی زبان عربی گسترش داده اند، تا جایی که برخی از دوره ها در آنجا به زبان انگلیسی تدریس می‌شود.

١ـ الدكتور محمود أحمد السيّد- اللغة العربية واقعاً وارتقاء- وزارة الثقافة السورية- دمشق ٢٠١٠ص٤٤.

وزارت آموزش و پرورش عربستان سعودی فیصله نمودند که به مدارس خصوصی اجازه بدهند تا علوم وریاضیات را به زبان خارجی آموزش دهند. [۱]

هیچ مشوقی برای معلمان زبان عربی از نظر حقوقی، ارتقا و آموزش وجود ندارد. ومعلمان انگلیسی برای تدریس ترجیح داده می شوند. ودر استخدام وظایف به فرهنگی مآب انگلیسی به دید عالی نگریسته می‌شود.

در جلسات والدین در مدارس خصوصی در برخی از کشورهای عربی تدریس به زبان خارجی درخواست می شود وحتی والدین محصلان ترجیح می دهند برای صحبت با فرزندانشان در خانه استادان خانگی به زبان خارجی تدریس کند.[۲]

تسلط برخی بر زبان انگلیسی گزینه‌ی برای قبولیت، تدریس وگفتمان رسمی است وفعالیت های تحقیقاتی در اکثر بخش‌های علمی در پوهنتون های خلیج عرب چنین است، به این ترتیب گروه های طبی، علوم درمانی، علوم طبیعی وپژوهشی فقط کسانی پذیرفته می‌شوند که در دانش انگلیسی برترند وبا مهارت‌های مختلف آن آشنا هستند. در مورد مهارت‌های زبان عربی، شرایط هیچ فرصتی از آنها ذکر نه شده است، زیرا آنها در چنین بخش هایی فقط در محدودهٔ معاملات وتدریس چند موضوع تکمیلی حاشیه‌ی استخدام می‌شوند، واین باعث کاهش عملکرد آنها در میان افراد وابسته به این بخش هاست. ودر نهایت به افرادی در جامعه مبدل می شوند که بسیاری از مهارت‌های راکه از مضامین ودانش های آن آموخته اند فراموش کنند ودر نهایت آنها وادار می‌شوند تا با توجه به این که مواد غیر ضروری هستند، تخصص این رشته ها را از احساس بی اثر بودن کنار بگذارند، ودر آینده در مقایسه با زبان انگلیسی که ویژگی‌های آن امیدوار کننده به آینده، تعالی رویاهای زیبا، نوید

۱ـ الدكتور محمود أحمد السيّد- اللغة العربية واقعاً وارتقاء- وزارة الثقافة السورية- دمشق ۲۰۱۰ص۴۵.

۲ـ الدكتور أحمد درويش- التحديات اللغوية العامة للعربية المعاصرة- الوثيقة الإقليمية لمناهج تعليم وتعلم اللغة العربية- الجمعية العربية لضمان الجودة في التعليم- القاهرة ۲۰۰۹ص۱۸۵.

موقعیت های شغلی بالا ودرآمد مالی جذاب را می‌دهد مهم نباشد، این مورد اغلب وفاداری آنها را نسبت به عربی و فرهنگ آن ضعیف می‌کند. [۱]

تمام این رویه ها وعمل‌کردها نشان می دهد که آنچه استعمار در محروم کردن و به حاشیه راندن زبان عربی نتوانسته است در گذشته به دست آورد، توسط فرزندان این زبان-آگاهانه یا ناآگاهانه- هنگامی که وابستگی آنها کاهش یابدوعلاوه بر کنار گذاشتن ملیت ایشان- به دست می آورد. انحلال از وابستگی مجموعه‌ی است که اثرات آن شروع به دنبال کردن وتکثیر می کند ودر نتیجه ضمن این که انسان خود را از دست می دهد، هویت وملیت خویش را هم از دست می دهد.

در بعضی از سایت‌ها که روند یادگیری-یاد دهی از عربی فصیح استفاده می کنند، می توانید بیشترین استفاده را از واژه های عامیانه و کلمات خارجی پیدا می‌کنید که اغلب اشتباهات زبانی در مکالمه، خواندن ونوشتن، و کاستی در بیان زبان رونما می‌شود، و همچنان در تعبیر های زبانی کوتاهی های زیاد به چشم می خورد چنان که این زبان مناهج درسی عالی را دنبال نمی‌کند ومعلمانی به آموزش گماشته می‌شوند که در سطح توان بخشی کافی نیستند، ودر وحشتناک‌ترین روشها به شاگردان تدریس می‌کنند و کاملاً بین جدایی شاگردان با اهل این زبان موانع مختلف ایجاد می شود که این یک زبان مرده در زندگی روزمره ایشان بوده و هیچ توانایی در متون آن به مشاهده نمی رسد[۲]، ومتن‌های جدید آن همواره از پیچیدگی و لا معقول و نا هماهنگی ساختاری حکایت دارد تا که از متن های شعر به ویژه متن های پهلوانی بیکاره وگوشه گیر جدا از ذوق هنری بسازند، و تلاش برای چیدن واژه های نفرت انگیز در متون عربی دوام دارد. [۳]

---

١ ـ الدكتور أحمد محمد المعتوق- التحديات التي تواجهها اللغة العربية المعاصرة في تعلمها والتعليم بها في دول الخليج العربي- المملكة العربية السعودية نموذجاً- اللغة العربية والتعليم- رؤية مستقبلية للتطوير- أبو ظبي ٢٠٠٨ص٣٤.

٢ــ الدكتور أحمد ضبيب- أزمة اللغة العربية في التعليم- مجلة الحياة الفكرية- العدد (٢)ــ وزارة الثقافة السورية- دمشق ٢٠٠٩ص٢٦.

٣ـ المرجع السابق ص٢٧.

۲- بی میلی به خواندن

سیستم آموزش و پرورش عرب نتوانسته دانش آموخته ممتاز در راستای خواندن عربی که آنچه در بین خطوط و آنچه در پشت خط باشد را درک کند و شمّی تحلیل وانتقاد عینی داشته باشد کامیباب نه بوده است. چنانچه در راستای کسب مهارت های یادگیری خودی، که پایه یادگیری مادام العمر است، نیز کامیاب نه بوده است.

چنین دانش آموختهی نه تنها یک شهروند بروز با روح زمانه محسوب نمی شود تا مادامی که خواننده خوبی در زمینه تخصص زبان عربی نباشد، تا مادمی که به طور کلی در عرصه فرهنگی ممتاز نه باشد.

قابل توجه است که در بین فارغ التحصیلان مدارس آموزش عمومی تمایلی به مطالعه وجود ندارد. ما این مسئله را در سایر مردم مشاهده نمی کنیم، زیرا آمارها نشان می دهد که یک کتاب خوان غربی هر سال چهل کتاب می خواند، واسرائیلی سی وپنج کتاب وسنگالی چهار کتاب می خواند، در حالی که در جهان عرب متوجه می شویم که متأسفانه هشت نفر تنها یک کتاب می خواند، وآینده ناگوار برای خواندن امت عرب است !!

۳- کمبودها در فرهنگ کودکان

نسل آینده هر ملت متعلق به فرزندان آنست و تا آنجا که به آنها اهمیت می دهیم آیندهی درخشان ملت ما را تضمین میکند. مطالعات وتحقیقات تأیید می کند که دوران طلایی فراگیری -خود به خودی- زبان در اوایل کودکی (دبستان کودک) است.

واقعیت نشان میدهد که این گروه سنی در میهن عرب ما فراموش شده است، زیرا فیصدی کودکان ثبت نام شده در ریاض الاطفال (دبستان کودک) ۱۳٪ است و مربیان این مرحله به سطح مهارت های تحصیلات عالی در سطح پوهنتون مجهز نیستند. ضمن این که فقر وفاقه در موضوعات فرهنگی که به طور کلی متوجه

کودکان است؛ نیز وجود دارد[1]، زیرا آمارها نشان می‌دهد که در جهان عرب حدود ٥٢٠ روزنامه، جریده و هفته نامه وجود دارد که تعداد نشریات آن معادل تعداد نشریه های کشور در حال توسعه مانند: پاکستان است، تا جایی که تعداد روزنامه های آن ١٩٥ وتعداد هفته نامه های آن به ٣٥٦ می‌رسد.

در مورد مجلات اختصاص داده شده به کودکان در جهان عرب، ٦٢ مجله وجود دارد که فقط ١٠-١٢ مجله در سطح کشورهای عربی نشر و توزیع می گردد وبقیه به صورت محلی توزیع می‌شوند. این تعداد کمتر از نصف تعداد نشریه هایی است که اختصاص داده شده به کودکان در یک کشور کوچک مانند دانمارک، که بیش از پنج میلیون نفر جمعیت ندارد، جایی که تعداد نشریه ها برای کودکان در آن به ١٨٠ روزنامه، هفته نامه وماهانه می رسد.

خاطر نشان می‌شود که فضای عمومی فرهنگی از کمبود امکانات آموزشی در دسترس کودکان حکایت دارد همچون: کتابخانه‌ها، سینماها، دستگاه‌ها، کتاب‌ها و مجله‌ها، علاوه بر این که برخی از نشریه های صادر شده به زبان عربی عناوین، مطالب و قهرمانان داستان خارجی همانند: میکی، تاتان وسوپرمان وغیره ... را نشر می کنند.

اگر به اسباب بازی‌های کودکان در جهان عرب نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که آنها از کشورهای غربی ویا شرق دور وارد شده اند، واینکه زبان آن اکثرا انگلیسی است و بسیاری از این بازیچه ها با نمادها ومودل هایی که قدرت غرب وقهرمانانش "بازی های جنگ" آنان را ستایش می کنند؛ ساخته شده است. بازی های غیرجنگی تأثیر فرهنگی مخرب کمتری نسبت به بازی های جنگی دارد، زیرا عروسک‌ها وحیوانات، خانه ها وابزارها همه دارای نمادها و ویژگی‌های هستند که از غرب الگو ونمونه می سازند (عروسک های بلوند با چشم ولباس آبی غربی)[2].

آنچه جای تأسف دارد اینست که بازی‌ها در بیشتر قسمت‌های زبان جامعه توسعه یافته را پذیرفته اند این بازی ها ممکن است با هزینه زبان مادری، "عربی

١ـ الدكتور محمود السيّد- في قضايا الطفولة- وزارة الثقافة السورية- دمشق ٢٠٠٥ص٢٢.

٢ـ المرجع السابق ص٣١.

فصیح" انجام شود، تا زمانی که گزینه عربی وجود نه داشته باشد، بسیاری از این بازی‌ها ارزش‌های غربی را منتقل می‌کنند، از جمله ارزش مصرف آسان (قیمة الاستهلاك السهل) در ازای ارزش سعی و ساخت وساز آنست، واینکه بسیاری از آنها هیچ گونه چالش ذهنی را نشان نمی دهند ویا به مهارت خاصی نیاز ندارند.

٤ـ غلبه لهجه های عامیانه در برخی منابع فرهنگی از یک سو و از سوی دیگر منابع زبان های خارجی

نمایش نامه‌ها وفیلم‌های رسانه‌ی وسیله‌های برای انتقال فرهنگ هدفمند وملتزم به شمار می‌روند. وگر کسی به نمایشنامه‌هایی که به مخاطب عام نمایش داده می شود و فیلم های سینمایی را که نگاه می‌کنند که لهجه‌های عامیانه بر آن تسلط وهیمنت دارد وتا زمانی که برخی از آنها به دلیل استفاده‌ی بیش از حد از زبان عامیانه برای دنبال کردن آنان خود داری کنند، چون بسیاری از واژگان و اصطلاحات موجود در آنها نیاز به توضیح دارند، و ارایه با آن توضیح همراه خواهد بود.

پیرامون کنفرانس هایی که در سرزمین های عرب برگزار می‌شود و برخی از آنها در مورد قضایای زبان عربی بحث می کنند، وشرکت کنندگان زبان خارجی به جای استفاده از عربی فصیح زبان عامیانه را بکار می برند، از جمله نمایندگان کشورهای عربی در سازمان ملل وسازمان های وابسته به آن از زبان خارجی به جای زبان مادری خود "عربی فصیح" استفاده می کنند، حتی اگر زبان آنها در میان شش زبان مورد تأیید سازمان ملل باشد ودر ویب سایت های رسمی بکثرت منتشر شده باشد، یکی از ما بپرسد: «تا زمانی که ما به زبان ملی خویش احترام نگذاریم چگونه می خواهیم دیگران به هویت و فرهنگ ملت ما که در زبان مادری ما تمثیل می شود، احترام بگذارند»؟

٥- کمبود ترجمه در بنای فرهنگی ما

ما همیشه از نارسایی آنچه از زبان‌های خارجی به عربی ترجمه شده و از عربی به زبان‌های دیگر برگردان می‌شود، شکایت داشته و داریم. چون در صحنه‌ی ملی به طور گسترده‌ی گزارش شده است که تعداد کتاب های ترجمه شده (از زبان های

خارجی به عربی) از دوران آل مأمون تا کنون حدود ده هزار کتاب است واین تعداد کمتر از ترجمه به زبان اسپانیای در یک سال است، وآنچه متناسب است به زبان برازیلی که در چهار سال ترجمه می شود.

زبان های که مورد ترجمه واقع می شوند برخی از آنها تحت تأثیر عجله، سرعت وسر درگمی در اصطلاحات واشتباهات دستوری زبان؛ قرار گرفته واصلیت خویش را از دست می دهند.

ترجمه ماشینی به زبان عربی می تواند در میدان ترجمه نقش بزرگی در زمینه ترجمه فوری، وهمچنان ازعربی به زبان های دیگر داشته باشد، به شرطی که زبان مورد ترجمه، قبل از نشر مورد بازنگری، ویراستاری و بررسی قرار گیرد.

٦- کمبود محتوای دیجیتال به زبان عربی در انترنیت

آمار بررسی انجام شده روی وضعیت زبان‌های مختلف در انترنیت نشان می دهد که: زبان انگلیسی در میان زبان‌های استخدام شده، مقام اول را گرفته وفیصدی استفاده از آن به ٨٠% می رسد، در حالی فیصدی کاربرد زبان عربی از ٢% فراتر نمی‌رود وتعداد کاربران عرب در شبکه انترنیت کمتر از ٢% است، با وجود آن که تعداد عرب زبانان در جمعیت جهان به ٥% جمعیت می‌رسند.[١]

شواهد ضعف محتوی زبان عربی اینست که مطالب دائرة المعارف رایگان عربی از نظر اندازه ونه محتوا، تقریباً یک چهارم محتوای مصاحبه سوئدی آنست، با توجه به این که سوئدی زبان ها این کار را نمی کنند بیش از نه میلیون است، در حالی که جمعیت عرب زبان ها از ٣٠٠ میلیون بیشتر است، وتعداد مقالات رایگان عربی منتشر شده در انترنیت به ٧,٧٠٠٠ مقاله می رسد در مقایسه با تعداد ١٩٠،٠٠٠ مقاله به زبان سویدنی می باشد.[٢]

١ــ الدكتور منصور فرح- اللغة العربية على الإنترنت- المؤتمر الوطني الأول لــصناعة المحتــوى الرقمــي العربي بدمشق- حزيران٢٠٠٩.

٢ـ الدكتور نور الدين شيخ عبيد ـ المحتوى الرقمي العربي صورةٌ لحقيقة ـ المؤتمر الوطني الأول لصناعة المحتوى الرقمي العربي ـ دمشق ـ حزيران.

٧-کاستی در روند هماهنگی اصطلاحات به زبان عربی

کاستی در نهادینه ساختن اصطلاحات زبان عربی بجای اصطلاحات زبان های خارجی، این یك رخنه یا شکاف در وضعیت کنونی زبان عربی است، چون کاربرد اصطلاحات واحد نه تنها در رشد وتقویه زبان عربی مؤثر است بلکه برای تحکیم روابط اشتراکات زبان با دید واضح، قابل درك، آشکار وقابل عمل کمك می‌کند. ازینجاست که معلمان مدتهاست از هرج ومرج ونا هماهنگی در ساحه‌ی کاربرد اصطلاحات شکایت دارند، ونبود نصاب گفتاری واحد برای تعیین وتولید اصطلاح، عدم هماهنگی در بین ادارات مسؤول تنظیم اصطلاحات دوران جدید، وعدم شناخت نویسندگان آن اصطلاحات، همه حکایت از کاستی روند نا هماهنگی اصطلاحات به زبان عربی دارند، علاوه بر دیگرگونی روش های ارایه اصلاحات در بین نویسندگان، بی‌اطلاعی از اصطلاحات سنتی ومدرن، زمینه های مختلف فرهنگی وزبانی مترجمان و عدم تعهد دقیق وژرف نویسندگان ومترجمان به مجموعه از اصطلاحات که در هماهنگی با برخی مردم در سطح ملی تهیه شده است.

٨- بی میلی برای همگام شدن با رویداد های جدید وعصری

دورانی که ما در آن زندگی می‌کنیم عصر علم وفناوری است واین دورانِ انفجار دانش است. علی الرغم این که منبع دانش در گذشته ها صد سال برای تکثیر وتولید نیاز داشت، اما در دنیای ما در عرض چند ماه منفجر و دو برابر می شود.

در سر زمین مرتفع عرب قابل توجه است که یك سلسله بی میلی وکمکاری در روند همگام شدن با روحیه دوران وجود داشته ودارد، واگر زبان عربی ما می خواهد همگام با پیشرفت عصر در همه زمینه های دانش وتکنالوژی شود، باید پوهنتون های عربی، فرهنگستان های زبان عربی، مراکز تحقیقاتی وسازمان های عربی ومنطقه ی همگام با روح عصر شوند، باید همه نام ها واصطلاحات به زبان عربی نام‌گذاری شود در برابر اصطلاحات خارجی شبیه سازی شود، با توجه به این که زبان عربی زبان مادری وزاینده ویژگی‌ها و صفاتی است که از قبل داشته است.

۹- آلودگی زبانی در محیط

اگر به محیط آموزشی (پروسه یادگیری - یاد دهی) خویش متوجه شده باشیم می بینیم که شفافیت زبانی مشخصه ی آن نیست، واین آلودگی در محیط عمومی به وضوح قابل مشاهده است، زیرا تمایل استفاده از کلمات عامیانه ومحلی در زمینه های مختلف زندگی وجود دارد، وبرجستگی نام های خارجی ونام های عامیانه در لوحه های دوکان ها، مغازه ها، رستورانت ها، هوتل ها، کارخانه ها وشرکت ها بوضوح دیده می شود وهمچنان در بنر های تبلیغاتی که در خیابان ها و فروشگاه های عمومی قرار دارد و رشد وتوسعه این زبان عامیانه وزبان مختلط با زبان های خارجی در بروشرها، پوستر ها، لوحه ها، آگهی نامه ها وغیره.

دلیل برآلودگی زبانی در محیط است که همانند آتش سوزی آهسته آهسته بر پیکر زبان عربی سرایت می کند.

۱۰- پروژه های متعدد با هدف از بین بردن هویت عرب و سرنگونی جهان عرب

برخی از این پروژه ها به شرح زیر است:

الف - به استثنای اصطلاحات عرب گرایی، عربی سازی، میهن عرب وملت عرب و پیش نویس پروژه های مشارکت خاورمیانه و یورو-مدیترانه یی.

ب - تلاش برای حذف زبان عربی از بین زبان‌های بین المللی مورد تأیید سازمان ملل متحد، وزیر سازمان های فرعی آن وجایگزینی لهجه های عامیانه در گفتگو های عربی به عنوان زبان دوم در کشور فرانسه به جای زبان عربی فصیح در امتحان گواهینامه دوره ثانوی از زبان عامیانه برای کودکان جامعه عرب استفاده می شود.

ج- تشویق به لهجه‌های عامیانه در گفتگوی روزانه در جهان عرب، در انترنیت ودر کانال های ماهواره یی وپشتیبانی مالی از نویسندگان که با لهجه های عامیانه می نویسند.

د - خفه شدن تمدن عرب واسلام، تحریف، جعل تاریخ عرب، وخواستار قطع روابط با میراث "قتل پدر" است.

هـ - حمله به عرب‌ها ومتهم ساختن آنان به کهنه فکری، عقب ماندگي وهمگام نبودن با روح عصر، وفراخواندن زبان‌های جهانی "انگلیسی، فرانسوی" در آموزش های عمومی، گویا که زبان عربی از جمله‌ی زبان های جهانی حساب نمی‌شود.

و- پاک کردن برنامه های درسی آموزشی از ارزش‌ها ومیراث گذشته‌ی امت عرب که این شیوه مبارزه با دشمنان واشغالگران را تشویق می‌کند.

ز - حمله به عمود شعر عرب باستان، رفع برنامه‌های درسی از آن و قرار دادن شعر جدید به جای آن.

ح - استفاده از زبان عامیانه در گفتار ونوشتار در برخی از عناصر ادبی، مثل: نمایشنامه، رمان، قصه وغیره.

ط- احیای برخی از زبان‌های باستانی به بهانه‌ی حفظ حقوق بشر وحمایت از اقلیت های قومی وگسترش آنها در جامعه به عنوان رقیب عربی در منطقه.

اینها تنها اشاره به برخی از کاستی ها- بطور نمونه- در راستای حفاظت از زبان عربی ماست، و اگر برخی از شکاف‌های مربوط به موقعیت زبان عربی را در سیستم فرهنگی خود نشان داده ایم، نمی‌توانیم از برخی نقاط روشن رشد زبان عربی در سطح ملی غافل باشیم، زیرا تلاش های خوبی جهت رشد زبان و فرهنگ در کشور های عربی صورت گرفته است، برخی از آنها توسط مؤسسات خصوصی ومراکزی مانند: مؤسسه عالی علوم کاربردی در دمشق، بنیاد عبد العزیز بن سعود الباطین برای رشد خلاقیت شاعرانه در کویت، بنیاد جمعه آل مجید در امارات متحده عربی، تلاش‌های ملك عبد العزیز برای درج محتوای عربی در پادشاهی عربستان سعودی، سعی مؤسسه محمد بن راشد آل مکتوم نیز در امارات متحده عربی به انجام رسیده است.

برخی از این تلاش ها توسط نهادهای ملی مانند منظمومه عربی برای آموزش وفرهنگ وعلوم در کشور تونس، انجام شده است، از جمله آنچه فرهنگستان‌های زبان شناسی در جهان عرب واسلام انجام داده اند، از جمله آنچه پوهنتون ها انجام داده اند، واز جمله این تلاش‌ها آنچه در جهان عرب وبرای تلاش‌های در خارج آن انجام شده است.

با این حال، تنوع این تلاش‌ها به طور خود جوش نقشه‌ی پر از برنامه‌ها را پیشروی ما به تصویر می‌کشد. برخی برنامه‌های مشابه وبرخی بهم پیوسته که نشان دهنده‌ی ادغام، تلاقی وعدم ادامه کار، منطقه گرایی وملی گرایی در بین آنها، مشکلات جزئی و کلی آن، وسعت و باریک بودن آن، احتیاط وتکانه آن تا جایی که یافتن وحدت دربین آنها غیر ممکن می‌نماید[1] و این آشکار کننده عدم وجود سیاست زبان و برنامه ریزی زبانی در پرتو آن در سطح ملی است.

سوم، زبان در رسانه‌ها

ناگفته نماند که رسانه‌ها وسائلی بی‌طرفی هستند که ممکن است برای باور کردن عقل، ذوق وسلیقه استفاده شوند. ممکن است برای تشویه وتشکیک عقل وسلیقه مورد استفاده منفی قرار گیرند، ونقشی که در هر دو مورد بازی می‌کند به ماهیت شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی وتمدنی وزمینه‌هایی که در آن فعالیت می کنند مربوط می‌باشد.

مطبوعات عرب در قرن اخیر تأثیر بسزایی در توسعه‌ی زبان عربی داشته اند. بسیاری از ایشان از جمله روزنامه نگاران هم‌عصر نویسنده بودند. با این حال قضیه‌ی ظهور تلویزیون بر سر زمین عرب در دهه پنجاه قرن گذشته، وسپس انفجار رُخ دادهای جهان عرب با ابتدای سال ۱۹۹۰م متفاوت بود، واز آنجا که در طول تاریخ تاکنون تعداد کانال های ماهواره‌ی عربی دو برابر شده و به بیش از ٦۰۰ کانال در ماهواره های مختلف رسیده است.

قابل توجه است که شبکه‌های تلویزیونی عرب نقش بسیار منفی در برابر توسعه زبان عربی داشتند، این امر در انتخاب نام برخی از آنها مشهود بوده است که در سال ۱۹۹۱م، شبکه تلویزیونی MBC ظاهر شد، ودر سال ۱۹۹٤ دسته شبکه‌های ART وگروه کانال Orbit ظاهر شد، وانتخاب نام این تلویزیون‌ها نشان دهنده‌ی برای سوژه‌ها وتأثیرات بر عقل مسؤلان و ضمیرهای آنها در مقابل مُدرنیته و ما بعد

۱ـ الدكتور شكري فيصل- المؤتمرات والندوات التي عقدتها المنظمات والهيئات العربية حول تعريب التعليم الجامعي في مجالات المصطلح والترجمة والتأليف- عرض ودراسة ۱۹۸۲ص ۵۰.

مدرنیته سیطره داشته است که با خواسته های جهانی شدن و پیامدهای آن و تسلط زبان انگلیسی بر زبان عربی در آنها مشهود می باشد.

آسیب زبان عربی در پذیرش لهجه های محلی و عامیانه آشکار شد. ومعلوم است که گفتگوی عمومی ابزاری برای از بین بردن بافت فرهنگی سر زمین عرب است، در حالی که فصاحت فاکتور وحدت بخشی است- همانطوری که قبلاً ذکر شد- ودر اینجا بیشتر برنامه‌ها وسریال‌ها به زبان عامیانه، به صورت مطبوع، ودوبله ومتنوع پخش شده، وجود دارد، اینها ثابت می کند که گویا شهروندی عرب یک عبارت است. واین برنامه ها وبا ترویج وپذیرش لهجه های عامیانه به بدنه عرب می خزند واعضای آن را جدا می‌کنند.

اگر به گفتمان مذهبی در شبکه‌های ماهواره ی بپردازیم، آمارها حاکی از وجود حد اقل شصت کانال تلویزیونی مذهبی است که در سر زمین عرب فعالیت می‌کنند وآنها اغلب گفتارهای مذهبی وتبلیغاتی خویش را به بهانه ساده سازی و دسترسی به زبان عامیانه ارایه می دهند، در حالی که زبان فصیح دارای سویه های مختلف است وانتظار می رفت که گفتمان دینی با زبان فصیح باشد چون قرآن کریم نقطه اوج وحافظ آن با زبان عربی فصیح است.

پدیده‌ی دیگری که در بین جوانان عرب شیوع یافته است استفاده از حروف لاتین است که جایگزینی برای حروف عربی در نوشتن پیام های تلفن همراه و کانال های ماهواره یی عربی است، به ویژه کانال های موسیقی که در گسترش این پدیده سهیم هستند، زیرا آنها در تلاشند تا حروف عربی را با حرف لاتین بیامیزند. واین ارزیابی از طریق پیام هایی که به بینندگان جوان از طریق نوار پیام وکانال به یکدیگر ارسال می کرده اند، آمار گرفته شده است.

در این فضا می‌توان تصور کرد که دیری نمی‌گذرد که ما شاهد نسلی عرب زبانی می‌باشیم که با زبان عربی، خواندن ونوشتن آن بلد نیستند. پدیده‌ی که استفاده از حروف لاتین در بین جوانان عرب شیوع یافته است. وبرای رسیدن به آنچه که استعمار طی سال های اشغال سر زمین عرب تلاش نمود، انجام دهد ونتوانست، گویا که بیش از شصت کانال آواز عربی توانایی مبارزه با فصاحت استعمار را بیشتر کرده

اند. در عین حال نمی توانیم فراموش کنیم که به کمبودی های موجود در زمینه اشاره می‌کنیم.

برخی از تلاش‌های خوبی که در زمینه گسترش زبان عربی فصیح صورت گرفته است، در میز گردهای فرهنگی وبرنامه های رادیو وتلویزیون است که در گفتگو ها وبحث‌های خود از زبان عربی استفاده می کنند وهمچنان در زمینه ترجمه ودوبله برخی از سریال ها وفیلم ها به عربی استفاده می‌شده است. وبرخی از این فیلم ها در اجرای برخی از برنامه های و سریال های تاریخی ومستند فرهنگی برای کودکان هدفمند است. و به زبان عربی ساده وآسان فورموله شده است همانند بولتین‌های خبری ... وغیره.

با این حال این حق زبان عربی ماست که با یک استراتیژی روشن موارد مثبت زبان را ترویج دهیم، واز موارد منفی جلوگیری کنیم.

چهارم – راه‌های پیشرفت

اگر کشورهای عربی در پیشرفت زبان خود وارتقا وحفظ آن جدی هستند، اجرای این پروژه برای پیشرفت زبان عربی برای حرکت به سمت جامعه دانش که جمهوری عربی سوریه در کنفرانس اجلاس سران عرب که در دمشق در سال ۲۰۰۸ برگزار شد و مورد تأیید قرار گرفت؛ اشتیاق بی حد نشان داد. جای دارد از ابتکار عمل کشور سوریه برای راه اندازی این پروژه تشکری کرد که سازمان تعلیم و تربیت عربی را به این مهم اختصاص داده است و با هماهنگی کمیته های تشکیل شده در آن برای این منظور در کشورهای عربی فعالیت می کنند و این یک پروژه‌ی جامع برای کلیه مؤلفه‌های نهضت زبان بوده است.

تا زمانی که ما در حال پژوهش پیرامون زبان عربی در فرهنگ ورسانه هستیم، می‌توانیم یک دسته از توصیه‌ها ارایه دهیم، در میان این توصیه ها که به هدف بهبود واقعیت زبان در این دو زمینه انجام می‌شود، موارد زیر است:

- ✓ صدور تصمیم سیاسی لازم برای عربی سازی، همانند برنامه‌های ملت های زنده‌ی که به زبان های ملی خود توجه دارند وبه آینده انداختن عملکرد آن نه باید بسنده کرد.

✓ تدوین سیاست زبانی در سطح ملی و برنامه ریزی زبانی با توجه به آن.
✓ هماهنگی در میان همه سازمان‌های مربوط به تنظیم اصطلاحات ورعایت اصطلاحات استاندارد.
✓ فعال کردن ترجمه به زبان عربی واز آن به زبان های خارجی در پرتوی یک طرح کلی برای ترجمه و حمایت از مراکز عربی سازی، ترجمه، تألیف و انتشار به آدرس سازمان مرتبط در سطح ملی برای ایفای نقش ترجمه ، به ویژه ترجمه کتاب های علمی وحمایت از پوهنتون های عربی آن.
✓ فعال سازی کتابخانه‌های عمومی، در مدارس، تهیه کتاب‌های متنوع و متناسب با آنها در زمینه های مختلف دانش، به منظور پاسخ گویی به خواسته ها و نیازهای جوانان و برآورده ساختن گرایش ها و علایق آنها، پیرامون عشق کتاب، و اصرار کردن آنها به مطالعه، پاداش برای خواندن ومرور کردن، به شرط آنکه معلمان الگوی مناسبی برای آنان باشند.
✓تجدید نظر در برنامه های درسی برای آماده سازی معلمان و متخصصان رسانه وبرنامه های آموزشی آنها، به گونه ی که برنامه آنها کاربردی وعملی باشند و بیشتر از جنبه های نظری بر جنبه های عملی تمرکز کنند.
✓ پرداختن به امور زبان شناختی ومسائل آن با استفاده از روش های علمی وتجارب میدانی، وکافی بودن تجربیات شخصی وداشته های مردمی خود، اعتماد کنیم.
✓ تلاش برای افزایش محتوای دیجیتال عربی در انترنیت صورت گیرد و به دارندگان بهترین ویب سایت‌ها وبهترین محققانی که در این زمینه از زبان عربی استفاده می‌کنند تقدیر و جوایزی برای ایشان در نظر گرفته شود.
✓فعال سازی برنامه های متنوع وگوناگونی برای کودکان است و به زبان عربی ساده وآسان تنظیم شده باشد.
✓تسهیل از طریق رسانه‌های مختلف ومتنوع، وروان بودن بسیاری از شعارها وآهنگ ها فورموله شده با زبان عربی.

✓توجه به زبان شناختی (دبستان کودک) ، و لُزوم توجه به پرستار بچه ها، برنامه های درسی وبازی های زبانی آن، به شرط آنکه صلاحیت علمی این پرستارها در سطح تحصیلات عالی و پوهنتون باشد.

✓ تقویت آگاهی وتعلقات زبانی در تمام جنبه های زندگی ما، بر این اساس که عربی خانه‌ی معنوی فرزندان ملت است.

✓ تدوین برنامه هایی با هدف پیوند دادن فرزندان جوامع عرب مهاجر بازبان وفرهنگ ملی آنها وتأمین هرگونه حمایت مادی لازم برای دستیابی به این مهم در هماهنگی با سایر کشورها.

✓ زیاده کاری در تولید نمایشنامه ها، فیلم های سینمایی وسریال های رادیویی و تلویزیونی به زبان عربی.

✓ جلوگیری از ارایه ی برنامه های مذهبی وارشادی از طریق رسانه هابه زبان عامیانه، وتلاش برای بهبود زبان عربی فصیح، نه اینکه مبلغان به بهانه نزدیك بودن به پرداختن به آن، زبان فصیح قرآن را به لهجه های محاوره رها کنند.

✓ فعال سازی عملکرد فرهنگستان‌های زبان شناسی عربی مطابق با روح عصر، دانش، فناوری بر گزینش نام‌های عربی در برابر نام‌ها وکلمات بیگانه وجهد بی سابقه نمودن برای رشد وتوسعه دانش در زمینه های مختلف.

✓ لزوم پای بندی استفاده از اصطلاحات یکپارچه در سر زمین عرب برای جلوگیری از سردرگمی و آشفتگی استعمال اصطلاحات و کلمات.

✓ حمایت انجمن های که برای رشد از زبان عربی در جهان عرب کار می کنند و ایجاد انجمن ها وکمیته های برای حفظ زبان، به شرطی که جامعه مدنی نقش خود را در کنار مقامات رسمی مربوط به رشد وارتقای زبان بازی کند.

✓ فعال کردن کار داوطلبانه در تصفیه محیط از آلودگی زبانی، به شرطی که هر فرد تحصیل کرده اصلاح کننده زبان باشد و مشتاق استفاده از زبان خود برای امنیت زبانی، فارغ از اشتباهات آشکار و در عین حال هشدار به استفاده صحیح از عملکرد زبانی داده شود.

در واقع عمق گرایش خاطر ما به ملت عرب وزبان عربی ما، آدرس هویت ما، حافظه وخاطره ما ومیهن روحی که برای فائق آمدن بر مشکلات کمک می کند،

واز انحلال وذوب شدن جلوگیری می کند، با توجه به اینکه مسئولیت بیداری توسط زبان عربی ما حساب شده باشد، این مسؤلیت بر عهده همه فرزندان ملت است وچه خوب است که کودکان توسط مادران خود تربیه شوند وبه آنها وفادار بمانند، زیرا چیزی همانند نافرمانی نیست!

زبان مادری عربی ما، کودك، مهربان، ثروتمند وسخاوت مندانه، نا توان به همگام سازی با روح عصر و علم مدرن نیست. اما کودکان نافرمان آن عاجز ودرمانده اند وآنها هستند که خانه های خود را با دستان خود خراب می‌کنند. آنان نور تمدن خود را با دهان خویش خاموش می‌کنند وبا نظریات انحرافی ویژگی‌های شخصیت خود را از بین می برند.

این مورد در فقه اللغة ثعالبی آمده است که: «کسی خدا را دوست دارد پیامبر برگزیده عربی او را دوست بدارد، و کسی که پیامبر عرب خود را دوست می دارد، زبان عرب را دوست بدارد، و آن کسی که عرب را دوست می دارد زبان عربی را دوست دارد، وکسی که عاشق زبان عربی است به آن می رسد، که در راستای تعلیم آن استقامت کند و توانایی وانرژی خود را صرف آن می کند.»

بناء عشق و دلبستگی زبان عربی تحت هیچ شرایطی نباید به تعصب زبانی تبدیل شود، ما به همه زبان ها احترام داریم، همانطوری که ملت عرب قبلاً این گونه بودند به دور از هرگونه تشنج یا تعصب، اما در عین حال ما در مقابل حق زبان مادری خود غافل نیستیم واز مرزهای آن دفاع کنیم، همانطوری که وطن مرز دارد به همانطور زبان هم مرز دارد، وباید زیر سلطه متجاوزان وظالمان گذاشته نه شود و اگر تعصب یک عمل نا شایست است پس زیاده روی زبانی غیر قابل قبول است!

فهرست منابع فصل سوم

١ـ الدكتور أحمد درويش- التحديات اللغوية العامة للعربية المعاصرة- الوثيقة الإقليمية لمناهج تعليم وتعلم اللغة العربية- الجمعية العربية لضمان الجودة في التعليم- القاهرة٢٠٠٩م.

٢ـ الدكتور أحمد الضبيب- أزمة اللغة العربية في التعليم- مجلة الحياة الفكرية- وزارة الثقافة السورية- دمشق٢٠٠٩م.

٣ـ الدكتور أحمد محمد المعتوق- التحديات التي تواجهها اللغة العربية المعاصرة في تعلمها والتعليم بها في دول الخليج العربي- اللغة العربية والتعليم- رؤية مستقبلية للتطوير- أبو ظبي٢٠٠٨م.

٤ـ الدكتور شكري فيصل- المؤتمرات والندوات التي عقدتها المنظمات والهيئات العربية حول تعريب التعليم الجامعي في مجالات المصطلح والترجمة والتأليف- عرض ودراسة- دمشق١٩٨٢م.

٥ـ الدكتور محمود أحمد السيّد- اللغة العربية واقعاً وارتقاء- وزارة الثقافة السورية- دمشق٢٠١٠م.

٦ـ الدكتور محمود أحمد السيد- في قضايا الطفولة- وزارة الثقافة السورية- دمشق٢٠٠٥م.

٧ـ الدكتور منصور فرح- اللغة العربية على الإنترنت- المؤتمر الوطني الأول لصناعة المحتوى الرقمي العربي بدمشق-٢٠٠٩م

فصل چهارم
صلاحیت های زبانی محصلان دوره‌ی پیش از پوهنتون

مطالب فصل:

نخست، مفهوم کفایت

دوم، صلاحیت های زبان عربی برای محصلان دوره‌ی پیش از پوهنتون

- کفایت خواندن
- کفایت بیان گفتاری ونوشتاری
- کفایت گوش کردن
- کفایت انتقادی
- کفایت ذوق ادبی
- کفایت دستور زبان (نحو)
- حفظ کافی شواهد شعری ونثری
- کفایت خودآموزی

سوم: واقعیت شایستگی های زبانی از نظر سنجی

۱- واقعیت مربوط به امیال وگرایش های محصلان نسبت به زبان عربی

۲ - واقعیت مربوط به زبان اعتماد در پروسه آموزش (یاددهی- یادگیری).

۳-کوتاهی کافی در فهمیدن

٤- کوتاهی در کفایت خواندن

٥ –کوتاهی کفایت بیان عملی

٦- عدم صلاحیت نحوی (دستوری)

۷ -کوتاهی ذوق ادبی

۸- عدم استفاده از فرهنگ لغات

۹ - عدم کفایت حفظ

۱۰- کمبود فعالیت های فوق برنامه

۱۱- عدم استعداد در زمینه زبان و ادبیات

۱۲- کمبود در یادگیری وخود آموزی

۱۳- نقص در ساخت برنامه های درسی زبان

١٤- عدم گذراندن دوره های صلاحیت دبیران

۱۵ کاستی در کفایت استفاده از فن آوری های آموزشی

١٦ نقص در خلوص محیط پیرامون فراگیران

چهارم، روش‌های بیداری برای پیشبرد واقعیت

فصل چهارم

صلاحیت های زبانی محصلان دوره‌ی پیش از پوهنتون

در این فصل سعی می‌شود مفهوم کفایت را شناسایی وبیان شود و بر صلاحیت‌های ویژه زبان عربی در آموزش دوره‌ی پیش از پوهنتون مکث کرده در صورت آشکار بودن این شایستگی ها در بین محصلان دوره‌ی پیش از پوهنتون؛ وروشنی بیاندازیم تا در نهایت به تعدادی از پیشنهادها در راستای پیشرفت وارتقای نهضت عربی مؤثر است نایل شویم.

نخست، مفهوم کفایت

پروسه‌ی آموزش (یادگیری- ویاد دهی) برای زبان آموز جهت کسب معلومات که تجربه ایشان را افزایش و آنان را در امور زندگی خود رهنمایی‌کند تا در مورد محیطی که با آن تعامل دارند واز آن تأثیر می‌پذیرند؛ بیشتر بیاموزند. چون دقیق ایستادن بر روی بنیاد، تهیه، ترتیب وسازماندهی برای مسیر دهی پردازش معلومات ترکیز صورت گیرد و بر نتایج آموزش عمل شود، این نتایج نه تنها برای درمان آنچه معلم ارایه می‌دهد مفید است، بلکه برای آنچه متعلم و یادگیرنده انجام می‌دهد، الگو و راهنماست.

مهم‌ترین ویژگی‌های تعامل در پروسه‌ی آموزشی در پرتوی رویکرد شایسته منعکس می‌شود. در نکته های زیر نمایان می‌شود:

۱- تمرکز بیشتر در پروسه‌ی آموزش (یادگیری ویاددهی) به یاد گیرنده است، نه به آموزنده.

۲- کار بر روی ایجاد یادگیری با محوریت آمادگی‌های ذهنی یادگیرنده وآنچه می‌تواند انجام دهد. با توجه به اینکه بتواند به جای تمرکز روی دستاورد های گذشته، این کار را در آینده انجام دهید.

۳-کار بر آموزش متحرك به سمت مهارت‌های عملی، مهارت‌های تفکر، گزیدن راهکارها و مسیرها، به جای یادگیری پیرامون معارف آماده، طوری که روی روش ها تمرکز می‌شود. در مورد پروسه یادگیری، برای دستیابی به حقایق واحکام، به جای این که نتایج مستقیما به او ارایه شود؛ تلاش های فراگیرنده انجام می شود.[1]

زمان درازیست که مفهوم کفایت در ادبیات تربیوی ما تکرار می‌شود، مفهوم آن چیست؟

تعریفات متعددی از کفایت وجود دارد و «دینویت D`hainaut » کفایت را متمثل در توانایی انجام یك کار ذهنی شناختی به یك امر درونی ونامرئی مرتبط می دانند، در حالی که «جیلی Gilly» معتقد است که کفایت یك نظام از مجموعه‌ی متعارف مفهومی (ذهنی) ومهارت های عملی است که در روش هایی درونی شکل می گیرد تا ما را قادر به انجام عمل سازد!

سه نوع کفایت است:

۱- کفایت عمومی: کفایت عمومی به عنوان بسیج کننده مجموعه‌ی از توانایی های استوار شده از دانش مهارت ها، نگرش ها صرف نظر از اختلاف زمینه های گوناگون دانش واختلاف مضامین درسی در و نشاط‌های آموزشی تعریف می‌شود، زیرا کفایت افقی است که در آن همه زمینه های دانش شرکت می کنند وسقفی ندارند.

۱ـ الدكتور محمد بن فاطمة والأستاذ محمود وناس- دليل مرجعي لتدريب الأطر التربوية المعنية بالكفايات العامة اللازمة لخريج التعليم الثانوي العام في الوطن العربي- المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم- تونس ۲۰۱۰ص۱۳.

«کری Curi » به نُه شایستگی کلی محصلان دوره‌ی پیش از پوهنتون به آن نیاز دارند، اشاره می کند واین شایستگی های زیر را بر می شمارد.[۱]

- روش های گوناگون تحلیل و تجزیه.
- انعطاف پذیری مبتنی بر مهارت های چندگانه.
- ارتباط با دیگران.
- برقراری ارتباط به عنوان زبان های مختلف به صورت شفاهی، نوشتاری، رمزی، ساختاری وموسیقی ... وغیره.
- برنامه ریزی پروژه ها.
- مدیریت زمان.
- داشتن انگیزه هنگام اقدام.
- پیش دستی وپیش قدمی در ابتکار ونوآوری.
- کار در یک تیم یا گروه.

«فورز Fourez» معتقد است که هفت کفایت کلی برای شاگردان وجود دارد که شاگردان باید داشته باشند، این کفایت ها عبارتند از:

- تعبیر کردن با استفاده از مناسب ترین وسیله برای اطمینان از برقراری ارتباطات.
- تحلیل داده ها(معلومات).
- اتخاذ روش نمونه جهت کار برای اطمینان بهتر اثربخشی.
- استفاده از ابزارها وفنون مدرن فن آوری.
- کفایت تکمیل کردن پروژه.
- برقراری ارتباطات برای زندگی با دیگران وکار با آنها.
- استخدام تفکر انتقادی.[۲]

۱ـ المرجع السابق ص٤٢.

۲ـ المرجع السابق ص٤٢.

اگر ما یک کفایت عمومی را در نظر بگیریم، وبگذاریم تعلیم وتربیه بر اساس تابعیت باشد، توجه می‌کنیم که این کفایت ها در محصلی آشکار می‌شود که قادر واهل آنست:

- وظایف خود را بصورت درست انجام می‌دهد واز حقوق خود حمایت می کند.
- او به وحدت ملی به عنوان ضرورت پیشرفت باورمند است.
- او برای منافع عمومی ارزش قائل است، وآن را بر منافع خود مقدم می داند وبرای منافع مشترک ایثار وفداکاری می کند.
- او به کثرت گرایی در چارچوب وحدت ملی معتقد است.
- او به کشورش افتخار می کند.
- مسئولیت را به عهده می گیرد، و روش های منطقی تفکر وگفتگو را اعمال می کند.
- او با یک روحیه تیمی کار می کند، ودر زندگی خود با تیم خویش داوطلبانه تمرین می کند.
- در تصمیم گیری و مشارکت اعمال انتقاد می کند.
- نظریات دیگران را می پذیرد و از آن قدردانی می کند وبه عقاید دیگران فارغ از هرگونه تعصب احترام می گذارد.
- کارش را بصورت درست انجام می دهد.[۱]

۲- کفایت مربوط به یک زمینه خاص دانش یا یک میدان معین، همانند: رشته های علوم، رشته ی زبان ها ورشته ی زیبایی شناسی ... وغیره.

«چامسکی Chomsky» معتقد است که شایستگی زبانی یک رفتار نیست بلکه مجموعه ی از قواعد وقوانینی است که رفتارهای زبانی را میسر می سازد و آنها را هدایت می کند بدون اینکه فرد از آنها آگاهی داشته باشد. واین یک سیستم ثابت از اصول که تولید تعداد بی نهایت جملات وتشخیص خودکار آنها را امکان پذیر

۱ـ الدكتور محمود السيد- التربية على المواطنة-محاضرات الموسم الثقافي في مجمع اللغة العربية بدمشق لعام -۲۰۰۸مطبوعات المجمع-۲۰۰۹ص۱۲۵.

می سازد. وشناسایی پس زمینه‌ی تعدادی از آنها توصیه می‌شود در صورتی که یادگیرنده قبلاً آنها را آموزش نه دیده باشد.[۱]

۳- کفایت ویژه‌ی مربوط به یک مضمون درسی واحد، مانند مضمون زبان عربی، ریاضیات، یا تاریخ ... وغیره.

دوم، کفایت وشایستگی‌های زبان عربی محصلان دوره‌ی پیش از پوهنتون:

کفایت های زبان عربی با کفایت های همه زبان های این رشته مشترک است. واگر یکی از اهداف کلی آموزش ویادگیری زبان عربی نشر وپخش واستعمال زبان عربی فصیح باشد که استعمال آن بر زبان‌ها و قلم‌ها آسان است، واز ویژگی های آن: آسانی در ساحه‌ی زبان شناسی، دوری از دشواری وپیچیدگی از نظر فهم، درک، وتمرین، بصورت نوشتاری وگفتاری وحریص بودن در راستای تمسک زبانی، در اصل واساس، وفروعات آن، بصورت عموم وخصوص بر اختلاف سویه ها وعملکرد های نوشتاری، آوایی، صرفی، فرهنگی زبان، واژگانی، دستوری، بلاغی، اخلاقی ومعنایی است.[۲]، پس کفایت وصلاحیت های زبان عربی برای محصلان دوره‌ی پیش از پوهنتون، عبارتند از:

کفایت خواندن: آنست که شاگردان صلاحیت های زیر را داشته باشد:

- تلفظ صحیح حروف وکلمات واستقلال در شناخت آنها.
- دقت در خواندن (بدون خطا).
- سرعت شایسته وشروع در بلند خواندن.
- رنگ آمیزی خواندن با توجه به شرایط.
- درک سطوح مختلف آن (درک معانی واژگان، درک هجا وپاراگراف‌ها، درک این که چه چیزی در بین سطور است، درک فراتر از خطوط، درک معنی وهدف).
- شناخت فکر اساسی وفرعی وتمائز در بین آنها.

۱ـ المرجع السابق ص١٤.

۲ـ محمد صالح بن عمر- فرحات الدریسي- دلیل مرجعي لتنمیة الکفایات اللغویة لدی مدرسي اللغة العربیة بالتعلیم العالي- المنظمة العربیة للتربیة والثقافة والعلوم- تونس ۲۰۱۱ص۱۸.

- تعادل در بین ایده های جدید وتجربیات قبلی مربوط به آنها.
- شناخت گرایش ها و ارزش های موجود در متون خوانده شده را بشناسید.
- درک نواحی زیبای شناسی.
- به کارگیری قرائت در زندگی عملی و بهره مندی از آن در شرایط بیان.
- علاقه به مطالعه، گرایش به آن و علاقه به مطالعه آزاد.
- انتخاب مواد قابل خواندن.

کفایت نوشتن: آنست که شاگردان صلاحیت های زیر را داشته باشد:

- نوشتن با خطی روشن و آراسته ادبی.
- نوشتن درست و سالم، خالی از اشتباهات املایی و دستوری.
- داشتن فکر روشن به روش سالم.
- توظیف منطقی فکر و اندیشه و ادامه‌ی آن بی وقفه.
- استفاده از شواهد و نقل قول ها و ارجاعات در جایش.
- استفاده صحیح از علائم نگارشی (کامه، نقطه، شارحه، علامت تعجب، علامه سوالیه، علامه جمله معترضه، علامه تنصیص یا قوس ریز ناخنك... و غیره)
- نظر گرفتن حاشیه و تقسیم وسازماندهی پراگرافها.

کفایت بیان گفتاری و نوشتاری: آنست که شاگردان صلاحیت های زیر را داشته باشد:

- بیان احساسات، و مشاعر و آنچه که تحت حواس او قرار می گیرد، چه به صورت کلامی باشد و چه به صورت نوشتاری، یا به روش واضح ومنظم باشد.
- صلاحیت وی معبر تجارب و نظریات خود به روشی سالم که با شفافیت ایده‌ها، صحت وسازماندهی آن مشخص شده باشد.
- صلاحیت عمل‌کردی گفتاری و نوشتاری برای تأمین نیازهای خویش که پاسخ‌گوی خواسته‌های او در تعامل با جامعه‌ی وی باشد (از حیث گفتگو ومناقشه، روایت خبرها، اعطای توصیه های آموزشی وتوجیهات وراهنمایی‌ها باشد وهمچنان صلاحیت درمناسبات گوناگون، نوشتن صورت جلسات و تهیه خلاصه‌ی از آنها، تقدیم و نوشتن یاد داشت ها، نوشتن جزوه های درسی، نوشتن نامه دیوان ودفتر، نوشتن بروشرهای، تبلیغاتی و بنرها، نوشتن کارت های دعوت نامه و عذرنامه، پر

کردن فورم ها و پرسشنامه ها، روش پیشکش کردن درخواست ها ...وغیره را داشته باشد).

- تعبیر کردن آنچه می خواند به روش خودی.
- تعبیر کردن ادبی ویژگی‌های یک نویسنده یا یک عصر تاریخی ... وغیره.

کفایت شنیداری: آنست که شاگردان صلاحیت های زیر را داشته باشد:

- معانی کلمات را درک کرده و معانی کلمات نامفهوم را از سیاق متن ومحتوای شنیداری برداشت کند.
- پی بردن به هدف سخنگوی.
- فهمیدن افکار و درک روابط در بین آنها.
- سازماندهی و طبقه بندی ایده ها.
- تحلیل فهم گفتار سخن گوینده و قضاوت بر سخن آن.
- ارایه‌ی چکیده نظریات ارایه شده.
- گرفتن معلومات مهم کلام گوینده با اتمام و کمال.
- استعمال برخی ایده‌ها در شرایط تعبیر.

کفایت انتقادی: آنست که شاگردان صلاحیت های زیر را داشته باشد:

- تعیین هدف نویسنده وفهمیدن چیزی که در بین سطور است و چه چیزی در پشت سر آن قرار دارد.
- اتصال افکار به یکدیگر و درک رابطه در بین آنها.
- تمیز در بین واقعیت ها و نظریات.
- تمایز در بین حقایق که با موضوع ارتباط ناگسستنی دارد و واقعیت هایی که مربوط آن نیستند.
- ارتباط اسباب نتیجه و ارایه خلاصه نتیجه گیری از مقدمه های عرض شده.
- تمییز در بین وجه شبه و تفاوت های فکری وعبارت های نوشته شده.
- آگاهی از نحوه برخورد نویسنده با موضوع خود مانند توانایی انتخاب موضوع، چیدن اندیشه ها، و تمرکز بر اطلاعات اساسی و درجه موضوعی بودن آن.

- درک این که آیا متن نتیجه گیری نویسنده را توجیه می‌کند.
- پی بردن به مهمترین عناصر زیبایی در زمان خواندن.
- توضیح دهنده‌ی انگیزه‌ی نویسنده باشد.
- منطقی و معقول بودن وقایع را تعیین کند.
- آگاهی از زبان مجازی در متن خوانده شده وآگاهی از کلماتی که شور انگیز است.
- قدرت کشف اغراق ها و ادعاهای دروغین را داشته باشد.
- ارزیابی صلاحیت معلومات وارده و درجه مفید بودن آن.

کفایت وصلاحیت ذوق ادبی: آنست که شاگردان صلاحیت‌های زیر را داشته باشد:

- شاگردان فضای روان شناختی و حرکت روانشناختی را در متن نشان دهد.
- انتخاب عنوانی که بیانگر احساسات نویسنده باشد.
- گزیدن بیت شعری را که شامل ایده اصلی شعر است.
- انتخاب نزدیک ترین معنای بیت های شعر به یک قصیده خاص.
- درک وحدت موضوع در بین ابیات شعر و ارتباط متقابل دربین ایده ها.
- فهم مؤلفه های تصویری شاعران و توانایی آن در بیان احساسات شاعران.
- آگاهی از مؤلفه‌های تصویر شاعران و میزان موفقیت آنان در ترسیم شخصیت‌ها.
- استخراج خصوصیاتی که نویسنده از طریق آنها خود یا دیگران را توصیف می کند.
- تعیین ارزش های اجتماعی که در متون خوانده شده شیوع یافته است.
- انتخاب درست ترین بیت های بیانگر احساسات شاعر و آنهایی که نزدیک به واقعیت هستند.
- درک آنچه از اوصاف سرکشی در موسیقای ابیات است.
- پی بردن به زیبایی ابیات شعر و تأثیر قافیه درآن.
- پی بردن به زیبایی تصاویر بیانی در متن ها و هدف بلاغی آنها.
- تنظیم وترتیب اشعار و ابیات شعری متناسب با کیفیت آنها.

- درك شناخت تعادل دو شعر با یك هدف مشخص با آنچه از ارزش های اجتماعی وخلقی وجمالی وظروف تاریخ موجود در آن باشد.

- دانستن وچیدن هنرهای ادبی از جمله: داستان، شعر، مقاله، خطبه ها، نمایشنامه ها و ...

کفایت دستور زبان (نحو): آنست که شاگردان صلاحیت های زیر را داشته باشد:

- دانش اصطلاحات نحوی.

- کاربرد مباحث نحوی در کلمات و جملات.

- شناخت رابطه متقابل بین مباحث نحوی و معناشناسی (معنایی که از آن تعبیر می کند).

- قدرت تشکیل وحرکت دادن کلمات عربی.

- شناخت ودانستن اعراب.

- پیوند دادن تحقیقات دستوری به پوهنحی‌های آن.

- آشنایی به نظام نحوی که شامل کنترول اواخر کلام وصرف و آوا شناسی، اصوات، عملکرد، ساختارهای زبانی، ساختار جمله های فرعی، اساسی وقابل معنی بودن باشد.

کفایت ذهن سپاری شواهد شعر ونثر: آنست که شاگردان صلاحیت های زیر را داشته باشد:

- نقل آیات قرآن و احادیث شریف نبوی برای تأیید نظر و موضع گیری یا روشن شدن برای حس زیبایی شناسی.

- استناد به ابیات شعری در سطح ملی و بین المللی که زیبایی در آنها موجود است.

- استناد به مودل های نثر در سطح ملی و بین المللی که زیبایی در آنها وجود دارد.

- استناد به مودل های شعری سطح ملی و بین المللی که حکمت در آن موجود است.

- استناد به مودل های نثر و ضرب المثل هایی که حکمت در آنها وجود دارد، در سطح ملی و بین المللی.

کفایت خودآموزی: آنست که شاگردان صلاحیت های زیر را داشته باشد:

- حل تمرین ها، تدریب ها و سوالات.
- مقایسه درست در بین پاسخ های خود در مقابل پاسخ‌های صحیح.
- تصحیح اشتباهات زبان شناسی، نحوی و املایی.
- قدرت جستجو در فرهنگ ها ومعاجم برای جستجو معنای کلمات.
- انتخاب مضمون مناسب برای خواندن.
- چانش وحوصله مندی برای مطالعه‌ی آزاد.
- همگام با خواسته های عصری در سطح محلی، ملی وجهانی.

سوم: واقعیت صلاحیت های زبانی با توجه به نظر سنجی

تعداد پرسشنامه هایی که توسط بنیاد اندیشه عرب (مؤسسة الفكر العربي) برای محصلان در پایان مرحله ارسال دوره‌ی پیش از پوهنتون ارسال کرده است، به **٤٧٤٧** پرسشنامه می رسد. این نظرسنجی شامل توزیع جغرافیایی همانندکشورهای: لبنان، سوریه، اردن، فلسطین اشغالی، عربستان سعودی، مصر، تونس، مراکش، قطر، موریتانی، سودان، سومالی و عراق می شود. [1]

در صد نمونه بازجویی شده از هر کشور همانطور که در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول شماره (۱)

درصد نمونه مصاحبه شده از هر کشور

کشورها	تعداد محصلان مورد نمونه	نسبت فیصدی
لبنان	**٣٤٨٧**	**٧٣,٤٦**
أردن	**٣١**	**٠,٦٥**
فلسطين	**١**	**٦,٦٤**

۱- مؤسسة الفكر العربي- استطلاع رأي طلاب ما قبل التعليم الجامعي- بيروت: ٢٠٠١م.

عراق	۲	۰,۰۲
سورية	۳۵٦	۰,۰٤
المغرب	۱٤٥	۷,۵۰
تونس	۵	۳,۰۵
مصر	۲٤۰	۰,۱۱
موريتانيا	۲	۵,۰٦
صومالی	٤	۰,۰٤
سودان	۱۳٤	۰,۰۸
سعودي	۲۱	۲,۲۸
قطر	٤	۰,٤٤
بی جواب	٤	۰,۰۸
مجموع نمونه	٤۷٤۷	۱۰۰

از آنجا که تعداد فیصدی محصلان مورد نمونه وقابل بررسی در کشور به ۱٪ نمی رسد، از اینرو می توان بی‌اعتنا یود زیرا که نمونه تمثیل کننده نیست. در این حالت ترتیب کشورها را می توان با توجه به اندازه نمونه با ترتیب نزولی در مقابل حجم نمونه به ترتیب زیر قرار داد:

جدول شماره (۲)

فیصدی محصلان جواب شده به ترتیب نزولی کشور های مورد نمونه

کشورها	**تعداد محصلان قابل نمونه**	**نسبت فیصدی**
لبنان	۳٤۸۷	۷۳,٤٦
المغرب	۳۵٦	۷,۵۰
فلسطین	۳۱۵	٦,٦٤
موریتانیا	۲٤۰	۰,۰٦
تونس	۱٤٥	۳,۰۵
سعودي	۱۳٤	۲,۸۲

دیده می شود که سه چهارم حجم محصلان نمونه تقریباً از لبنان است، در حالی که سه حصه ی باقیمانده از پنج کشور دیگر همچون: مراکش، فلسطین، موریتانی، تونس و عربستان سعودی است. فلسطین و یکی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس عربستان سعودی است.

چنانچه اگر به دقت نگریسته شود سه کشور دیگر مغرب عربی همچون تونس، المغرب وموریتانیا ودو کشور از کشورهای شام همچون لبنان وفلسطین ویکی از کشورهای خلیج عرب همچون عربستان سعودی درین نمونه شامل هستند.

و اگر نگاهی به واقعیت بخش آموزشی از نظر کیفیت آن (دولتی یا خصوصی) بیندازیم، پس ما دیده میتوانیم که فیصدی محصلان وابسته به هر بخش به ترتیب در جدول شماره (۳) نشان داده شده است.

جدول شمار (۳)

فیصدی محصلان جواب شده از نظر نوع بخش های دولتی وخصوصی مورد نمونه

نسبت فیصدی	تعداد محصلان مورد نمونه	بخش آموزشی
دولتی (رسمي)	۲۹٦۰	٦۲,٦۳
خصوصی	۱۵٤۹	۳۲,٦۳
بدون جواب	۰۲۳۸	۵,۰۱
مجموع نمونه	٤۷٤۷	۱۰۰

در جدول دیده می شود که بیش از یک سوم نمونه مربوط به نوار غزه است. شایان ذکر است که مقرراتی که در مدارس خصوصی تطبیق می شود، گاهی با مقررات مدارس دولتی متفاوت است. این تفاوت بر نگرش و گرایش شاگردان تأثیر می گذارد و در اینجا هنگام تجزیه و تحلیل پرسشنامه باید این جنبه را در نظر گرفت.

پس از تجزیه و تحلیل پرسشنامه ها و یافتن پاسخ آنها، موارد زیر یافت شد:

۱- واقعیت مربوط به امیال و گرایش های محصلان نسبت به زبان عربی:

فیصدی ٥٦,٢ شاگردان دوره متوسطه اظهار داشتند که به اختیار خود دوره فرع علمی را به جای رشته ادبي برای بدست آوردن گواهی‌نامه‌ی دوره ثانوی انتخاب کرده اند، ودلیل این انتخاب تمایل به ادامه تحصیل را در رشته دلخواه در پوهنتون عنوان کرده اند که فیصدی ٤٩,٨٪ است.

پاسخ های آمار نشان می دهد که تقریباً نیمی از شاگردان زبان عربی را دوست ندارند، زیرا فقط ٥٣,١٪ از شاگردان عشق خود را به زبان مادری خود، "زبان عربی فصیح" ابراز می کنند، و این زنگ هشدار برای واقعیت محصلان ما نسبت به زبان ملی آنها بسیار خطرناک است.

فیصدی ٦٥/١٪ شاگردان اظهار داشتند که مایل به یادگیری مضامین علوم، ریاضیات و سایر دروس مقطع متوسطه به زبان عربی نیستند و همچنین گزارش دادند که اگر گزینه پاسخگویی به سوالات دروس علوم و ریاضیات به صورت نوشتاری و گفتاری برای آنها باقی بماند آنها زبان خارجی را بیشتر از زبان عربی انتخاب می کنند، زیرا فیصدی کسانی که زبان خارجی را انتخاب می‌کنند به ٦٥,٤٪ رسیده است، در حالی که فیصدی آنانی که زبان عربی را انتخاب می کنند ٣١,٣٪ فیصد است.

۲- واقعیت مربوط به زبان قابل اعتماد در پروسه یاددهی ویادگیری:

مشخص شد که زبان قابل اعتماد در مدارس برای تدریس مضامین علوم و ریاضیات زبان اجنبی است، چنانچه فیصدی ٤١,٤٪ از شاگردان اظهار داشتند که انگلیسی زبان مورد تایید آنهاست و فیصدی ٣٣,٥٪ زبان فرانسه مورد تأیید آنهاست، در حالی که فیصدی کسانی که هر دوزبان را تأیید کردند به ٨/٦ درصد می‌رسند.

همچنین مشخص شد که امتحانات دروس مضامین علوم و ریاضیات به زبان انگلیسی با فیصدی بالاتری انجام می شود، فیصدی آن ٤٣,٩٪ ، وفیصدی زبان فرانسوی ٣٣,٥٪ و فیصدی زبان عربی در جایگاه سوم با مقدار ١٩,٩٪ قرار دارد.

وفیصدی ٩٣,٤٪ شاگردان گفتند که اجازه پاسخ دادن در مورد سوالات مضامین علوم ریاضیات به زبان عربی بصورت نوشتاری و گفتاری را ندارند.

اما در مورد زبان قابل اعتماد در مدرسه برای توضیح دروس علوم و ریاضیات، ترکیبی از زبان خارجی وعامیانه بوده است که فیصدی آن مقدار ٤٧,٥ است، وفیصدی زبان های خارجی با مقدار ۱٥,۸ درصد و فیصدی زبان عامیانه مقدار ۸,۷ درصد و فیصدی زبان عربی فصیح با مقدار ٤,۳ درصد در آخرین رتبه قراردارد.

این فیصدی‌ها نشان می‌دهد که واقعیت سیستم های بکار رفته در مدارس برای استفاده محصلان از زبان خارجی بسیار مفید بوده است، نگاه می کنیم تا زمانی‌که دروس ایشان به زبان خارجی توضیح داده شده می‌شود، وامتحانات به آن زبان اخذ می گردد، به شاگردان اجازه‌ی شرکت به زبان عربی را در امتحانات خود نمی‌دهند.

واگر به زبان مناقشه وبحث‌های زبانی در ارتباطات فی ما بین معلمان ومحصلان نگاه کنیم به وضوح می یابیم که زبان عربی فصیح بسیار کم استفاده می شود که فیصدی مقدار آن ٤٤,۸٪ می رسد، در حالی که فیصدی ۳٤/٤ از شاگردان اظهار داشتند که در برقراری ارتباط بین دو طرف از زبان عربی فصیح استفاده نمی شود.

در مورد دلیل عدم برقراری ارتباط با معلمان با زبان عربی فصیح، مقدار ۳۱,٤٪ از شاگردان علت آن را ترس از اشتباه ومقدار ۳۰/۳٪ از آنها دلیل آن را دشواری و پیچیدگی زبان عربی می دانند. بسیاری اشتباهاتی است که هنگام تمرین با زبان عربی فصیح مرتکب می شوند.

پس اینست زبان عامیانه در ارتباط بین شاگردان در مدارس و صنف غالب می باشد، زیرا فیصدی استفاده از آن به ۸۱/۳٪ می رسید، در حالی که فیصدی استفاده از دوزبانه (زبان عربی فصحه و عامیانه) ٦/۲۲٪ است و فیصدی استفاده از دوزبانه (اجنبی و فصیح) بمقدار ٦٪ فیصد می باشد. وزبان عربی فصیح در آخرین رتبه استفاده کنندگان با مقدار ۳,٥٪ قرار گرفت.

۳- کوتاهی در صلاحیت فهم:

کفایت فهم شامل درک معانی واژگان، شناسایی ایده‌های اصلی و فرعی و دانستن خطوط بین سطور، وفراتر از سطور، فهم معنای داخلی و مراد اصلی آنست.

بیش از نیمی از محصلان مصاحبه شده اظهار داشتند که درک بسیاری از کلمات متون قدیم مانند: معلقات واصمعیات دشوار است، فیصدی این تعداد به ۵۳,٦٪ می رسد ومقدار ۵۷/۷ فیصد از شاگردان دشواری در راستای فهم واژگان شعر عربی مدرن را احساس می کنند، ومقدار ۳۰/۹ فیصد درک اصطلاح علمی در زبان عربی را دشوار می دانند، در حالی که ٤٥,١ فیصد آنها گاهی اوقات مشکل دارند.

نقص در درک مطلب فقط به متون قابل مطالعه در قرائت های شفاهی جهری و خُفیه محدود نمی‌شود، بلکه به کورسهای وعدم درک آنچه محصل در سخنرانی ها و درسها استماع می نماید نیز گسترش می‌یابد. بسیاری از محصلان خجالتی هستند مفهومی را که نمی فهمند از معلم خود سوال کنند ودرین باره در مقابل هم صنفیان خود با حرج مواجه اند.

قابل توجه است که در مدارس کوتاهی شنیداری در مقابل گوش گرفتن وجود دارد، زیرا معلمان علی رغم نیاز به زندگی واقعی، به اندازه کافی در آن آموزش ندیده اند.

٤-کوتاهی در صلاحیت خواندن:

اگر در صلاحیت خواندن کوتاهی وجود داشته باشد، در کورسهای خواندن، درک وحفظ واژه ها، در فکر واهداف خواننده تمثیل می‌شود، کمبود دیگری که از همه بیشتر چشم‌گیر است، عدم دقت در زمان خواندن واشتباه خوانی در شرایط خواندن است، زیرا شرایط خواندن اغلب باعث می‌شود که همانند: (عمل تعجب، علامه پرسش، آشکار خوانی، وباشوق ورغبت خوانی... وغیره) در نظر گرفته نمی شود.

۵-کوتاهی در کفایت بیان عملی:

در صورتی که بیان عملی، چه گفتاری و چه نوشتاری، برای فارغ التحصیل این مرحله مهم باشد، «مرحله آموزش های دوره‌ی پیش از پوهنتون» در تعامل او با جامعه خود به منظور تأمین نیازها و اجرای ضرورت ها آن نقش مهمی را ادا می کند، دیده می شود که کمبود این صلاحیت ها در میان فارغ التحصیلان این مرحله و حتی در میان فارغ التحصیلان پوهنتون ها وآموزشگاه ها نیز هست. و دلیل این

کمبودی بنا بر عدم آموزش وتدریب کافی برای تمرین این تعبیرها در محوطهٔ مدارس، مؤسسات وپوهنتون هاست، با توجه تسلط بر روش پیش آگهی درست در مفردات درسی که بیشترین موارد مناقشه وگفتگو وعدم تعهد جایگاه عملی ومتولی امور شدن در زندگی عملی آنست، «عدم توجه به آموزش‌ها ورهنمایی‌ها، ارایه سخن در مناسبات گوناگون نوشتن یادداشت ها، تهیه صورت جلسات و خلاصه کنفرانس‌ها، نوشتن آگهی، تبلیغات وبنرها، نوشتن کارت دعوت نامه وعذرنامه، ویرایش نامه‌های مدنی، پر کردن فورم‌ها، انجام مصاحبه‌ها، ارسال برنامه‌ها.. وغیره».

قابل توجه است که توجه بیشتر به مباحث توصیفی بیشتر از موضوعات عملی که خواسته های جامعه و مورد نیاز زندگی است ، چنانچه برخی از خطاهای زبانی، نحوی ودستوری و املائی است که شاگردان در تعبیرات خود مرتکب می‌شود.

٦- عدم صلاحیت نحوی (دستوری):

این کوتاهی وعدم صلاحیت در بین شاگردان در ایجاد خطاهای نحوی (دستوری) در تعبیر های گفتاری ونوشتاری ایشان مشهود است، زیرا مقدار ۵۳,۱ فیصد از آنها پاسخ دادند که بعضی اوقات اشتباه می‌کنند و ۱۹,۸ فیصد آنها به اعراب وحرکت گزاری بلد نیستند چه رسد به خطاهای زبانی در زمان خواندن.

محصلان مورد بازجویی اشاره کردند که در برخی مباحث نحوی ودستوری که در جریان تحصیل آنها با مشکلات مواجه شده اند، واین مباحث به شکل نزولی، چنین ترتیب شده اند: «نائب المفعول المطلق، لا النافية للجنس، المفعول المطلق، المسند والمسند إليه، نائب الفاعل، إسناد الفعل الصحيح، الاسم الموصول، المجرور بالإضافة، الظرف، نصب المضارع، المجزوم بلم، جزم المضارع، الحال، إن وأخواتها، نوعا الجملة، كان وأخواتها، أدوات الربط، حروف العطف، أنواع الضمير، النعت، المبتدأ والخبر، اسم الإشارة، الضمير».

۷- کوتاهی ذوق ادبی:

بیش از نیمی از شاگردان مورد نمونه، از انواع هنرهای ادبی، مانند: داستان کوتاه، رمان، مقاله و نمایشنامه لذت نبردند، زیرا مقدار فیصدی آنها ۵۷/۷ می رسد،

ادبیات مدرن و آشکار است که مقدار ۷٦,۳ فیصد از آنها به جانب بلاغی متون هنری، و تصویری را درک نمی‌کنند، چنانچه مقدار ۷۳,۲ فیصد هنرهای ادبی ومدارس ادبی عصر جدید را نمی شناسند وچنانچه مقدار ٦۱,۲ فیصد از سهم های هنری متون ونواحی زیبایی وهنری آن وروش های ترکیب کلام بی بهره اند، علاوه بر این که اکثر شاگردان علم عروض را نمی پسندند، وزن های ابیات شعر را نمی دانند و تفاوت وزن و اختلاف موسیقی را احساس نمی کنند.

۸- کاستی در استفاده از فرهنگ نامه ها:

در استفاده از فرهنگ لغت وجستجوی معنای کلمات در آنها کمبود زیادی وجود دارد، اگرچه این موضوع در عناوین مفردات درسی موجود است، و برنامه های درسی را شامل می شود، اما آموزش در آن برای نو آموزان زبان آموز کنونی معمولاً ناقص هست، ما دانش آموخته را داریم که حتی یک کلمه را در فرهنگ نامه نمی تواند پیدا کند.

قسمی که ملاحظه می شود فقط مقدار ٤۰٪ از معلمان اظهار داشتند که مدرسه ی ایشان دارای فرهنگ لغت است، در حالی که ۸۳,۸٪ معلمان اظهار داشتند که کتابخانه به چنین فرهنگ نامه هایی نیاز دارد.

۹- کوتاهی در کفایت حفظ:

تا زمانی که شاگردان قبل از دوره متوسطه ولیسه، برخی از شعر و نثر های زیبا را حفظ نه کنند، همان‌طوری که بیش از نیمی از شاگردان مورد پرسش گزارش کردند که شعر یا نثر را حفظ کرده نمی توانند، و این مقدار به ۵۵,۲٪ فیصد می رسد و این بیماری به فارغ التحصیلان دوره پوهنتونی نیز گسترش یافته است. وحتی در بیشتر موارد فارغ التحصیلان دیپارتمنت زبان وادب عربی – در غالب- که اشعار دوره‌های مختلف ادبیات عرب را حفظ نمی‌کنند.

۱۰-کوتاهی در نشاط های زبانی (الأنشطة اللاصفية[1]):

ناگفته نماند که وصف نشاط‌های زبانی علاوه بر نقش زیادی که در آشکار کردن استعدادهای ادبی و سپس رشد و بکارگیری آنها در موقعیت‌های زندگی دارد، نقش اصلی را در ارتقای مهارت‌های زبانی نیز دارد، فلهذا ترجیح داده می‌شود تا استعدادهای آنها ازین طریق برجسته شود.

مشخص شد که کمبود نشاط‌های زبانی در برنامه وجود دارد. فقط نیمی از شاگردان پاسخ دادند که در نوشتن مجله مدرسه مشارکت دارند ومقدار ۵۰,۷٪ و ۴۱,۱٪ فیصد پاسخ دادند که در تهیه برنامه های رادیویی مشارکت دارند و ۳۸,۳٪ که می نویسند افکار و خاطرات ایشان، و۴۲ ٪ در شعرخوانی و مسابقه های سخنرانی یا اجرای تآتر شرکت می‌کنند و فقط ۳۵,۸ فیصد از آنان در بحث میزگردها شرکت می‌کنند.

۱۱- عدم استعدادیابی در زمینه زبان و ادبیات:

وقتی نشاط های زبانی آرزوها محصلان، گرایش‌ها، علایق وخواسته های ایشان را برجسته می‌کند پس استعدادهای آنها را در مسابقه ها، بحث ها و مصاحبه هایی که توسط معلمان انجام می‌شود، ودر آشکار کردن استعدادهای زبانی و ادبی ورشد آنها نقش دارد، موثر است. و مقدار ٤٨/١٪ فیصد از معلمان پاسخ دادند که برای انتخاب شاگردان برجسته یا استعدادهای ادبی و زبانی، مسابقات نوشتاری یا گفتاری موارد مشابه انجام نمی دهند.

۱۲- نقص در یادگیری خودی:

قسمی‌که در صفحات گذشته اشاره کردیم بیشتری از شاگردان و اهتمام حس باروری آنان بنا بر طبیعت زمان جهت همگام شدن با تغییرات زمان رُشد می‌کند از اینکه ما در عصر انفجار دانش زندگی می کنیم بر نظام آموزشی لازم است تا مهارت های یادگیری خود را به زبان آموزان طبق اساس یادگیری مادام العمر ارایه دهند.

۱- الَّلاصِفُ- اسْم للإثمْد الَّذِي يُكْتَحل بِهِ فِي بعض اللُّغَاتِ. یعنی: نوعی از سرمه سنگی است که به آن واژه های برخی زبانها سرمه کرده می شود.

با این حال مهارت‌های خودآموزی مورد تمرین وتدریب باشد تا جهت به دست آوردن تمام مهارت های زبان، وتعیین تکلیف برای اصلاح اشتباهات، تکیه بر تصحیح خودی دارد، وتعیین تکلیف جهت جستجو در فرهنگ‌ها، ومطالعات آزاد وخلاصه نگاری آثار مطالعه شده... و غیره؛ برای محصلان داده شود.

در حالی که مقدار ٦٢,٥ فیصد شاگردان (مورد نمونه) پاسخ دادند که برای اصلاح اشتباهات خود به معلم زبان عربی وابسته هستند و کسانی که مطالعه آزاد را انجام نمی‌دهند مقدار ٥٤,٣ فیصد می‌رسد، چون ایشان می خواهند در سیاحت وچکر، وتماشای سینما و تلویزیون سرگرم شوند، وآنها تماشا وسیاحت وچکر را به مطالعه ترجیح می‌دهند.

۱۳-کوتاهی در ساخت برنامه های درسی زبانی:

نویسندگان برنامه‌های درسی بدون در نظر گرفتن نیازهای محصلان و در نظر گرفتن تمایلات و علایق آنها از طریق پرسشنامه‌هایی که به آنها جهت بررسی گرایش ها و نیازها و انتخاب محتوا بر اساس آن مطالب درسی را برنامه ریزی می کنند. این کوتاهی بزرگ در راستای مفردات درسی است، چنانچه این مفردات درسی ساحه‌ی عمل و فرصت‌های کاری را در انتخاب کردن بسیاری از محتوای درسی، لحاظ نمی کند. چون اکثراً معیار شیوع و نشر در شرایط زندگی بستگی به استفاده فعالیت‌های زبانی قابل استعمال دارد.

چون که ساختار درست و صحیح برنامه درسی به دید جامع و کامل نگاه کردن در تدوین مفردات درسی به عنوان یک محصول انفعال وتعامل با جامعه در مجموعه‌ی از عوامل درهم تنیده بستگی می داشته باشد که جامعه را با فرهنگ، فلسفه و مشکلات خود درگیر می‌کند وفراگیرنده از ویژگی های طبیعت و چشم انداز آنست. و زبان آموز می‌فهمد چه ویژگی ها و ضرورت ها، و نیازهای، ماهیت آن و روش های یاددهی و روش‌های یادگیری آن در جامعه چگونه بوده وچطور بر مراد آن خود را وفق دهد. این دوره شامل دوره‌ی است که وی با برنامه‌ها و فعالیت‌های

خود زندگی می‌کند، بنا برین وی از اهداف اصلی مورد از نظر کمک به آنها وهمچنان کمک برای تعامل موفق با جامعه، برای یادگیرنده را انتخاب می‌کند. [۱]

با این حال اعتماد بر یک منبع در ساخت مفردات درسی کار درستی نیست، زیرا هم شاگردان و هم جامعه از پایه‌هایی اساسی برنامه‌های درسی هستند که در بین اینها -جهت ساختن برنامه درسی- تعارض ایجاد نشود وهمه سهیم باشند. اگر بالفرض در بین وضعیت فعلی شاگردان به صفت یادگیرنده وجامعه به صفت کارفرما، از یک طرف در سویه آن واز طرف دیگر سویه مورد انتظار ما، تعارض واقع شد که آرزو همگام شدن با عصر علم و فناوری را در زندگی خود داریم؛ راه حل اینست که با وضعیت یادگیرنده برای تدوین مفردات درسی شروع کنیم تا هدف مطلوب بدست آید، انکار موقعیت فعلی شاگردان در بیانات، علایق و نیازمندی آنها، به معنای فاصله گرفتن ما از واقعیت جامعه است و دیگر هیچ منفعتی در آنچه می‌توانیم بدست آوریم، نداردچون ما به علایق محصلان خود نمی رسیم، همانطور که شروع با واقعیت شاگردان و نیازهای آنها برای تحقق یک هدف نامشخص بر وفق خواسته های مضمون ومراد توسعه جهانی نه بوده، ونه بر اساس خواسته‌های جامعه و الزامات آن پرداخته نشده، ونه هم به معنای شروع صحیح برای آینده بوده است، که در کل دنباله روی بطرف ضرر وضیاع است. [۲]

قسمی که دیده می‌شود برخی نفرت ها در راستای آموزش زبان عربی برای شاگردان پیدا شده است، به دلیل دوری از زندگی پر جوش وخروش وجود دارد، وآنچه زبان آموزان می‌آموزند نسبت به آنچه در محیط با آن سرو کار دارند چیزی عجیبی است که هیچ ارتباطی بین آن و زندگی وجود ندارد، وهیچ ارتباطی بین ذهن وعقل شاگردان، احساس و شعور ایشان وجود ندارد.

اگر به یک دید جامع، واحد جهت تنظیم برنامه های درسی معاصر تصمیم اتخاذ شود، وانتخاب محتوی از متون جالب وجذاب که نیازهای محصلان، گرایش

۱- الدكتور محمود أحمد السيد- دراسات تربوية- وزارة الثقافة - الهيئة العامة السورية للكتّاب- دمشق- ۲۰۱۰م ص۱۲۷.

۲- الدكتور محمود أحمد السيد- في طرائق تدريس اللغة العربية- وزارة الثقافة – منشورات جامعة دمشق- ۲۰۱۰م ص۲۰۵.

ها و خواسته های آنها را برآورده کند و عواطف، احساسات و ضمیرهای آنان را بر انگیزد، در موفقیت این برنامه های درسی نقش مهمی دارد.

۱٤- عدم سپری کردن دوره های صلاحیت برای معلمان:

در پروسۀ آموزش برای دستیابی به اهداف تعیین شده به آمادگی معلم کاملاً وابسته است، چون تسلط معلم بر موضوع خود تأثیر زیادی در موفقیت پروسه دارد و روش های تدریس نیز تأثیر بسزایی درین روند دارد، وبرای شاگردان یک نمونه خوب و یک مثال عالی است.

از آنجا که تحولات در روش‌های آموزشی در زمان انفجار دانش و تغییرات بزرگ فراوان مادی در ماهیت عصر است، قرار دادن معلمان تحت دوره های آموزشی مستمر کاری است که به دلیل ماهیت آن برای موفقیت در عملکرد لازم است.

از این که نظرسنجی پیرامون مشارکت معلمان در دوره های آموزشی نشان می‌دهد که ۲,٤٤٪ فیصد از آنها در هیچ دوره آموزشی شرکت نکرده اند، و کسانی که در دوره‌های آموزشی شرکت کرده اند که دوره‌ی آنها کمتر از ده روز بوده است، ومقدار ۸٦٪ فیصدی آنها نسبت به تجربه و تکرار دوره تأهیلاتی برای یک یا دو سال رغبت یکبار را دارد ومقدار۵٤,۲٪ فیصد از آنها معتقدند که امکان پذیری دوره های تأهیلاتی برای موفقیت وپیشرفت نیاز به ارزیابی مستمر دارد.

۱۵- عدم استفاده درست از ابزار پیشرفته فناوری های آموزشی:

اگرچه عصری که ما در آن زندگی می کنیم عصر علم و فناوری (تکنالوژی) است، اما فناوری های آموزشی در کشورهای پیشرفته راه خود را درجلسه‌های درسی باز کرده اند و اتکا به آنها در روند آموزشی بسیار زیاد شده است. در حالی که ما می بینیم که کمبود استفاده از این ابزارها در پروسه آموزش و یادگیری زبان عربی وجود دارد واین کمبود در عناوین درسی منعکس میشود از قبیل: «منابع ومراجع درسی، دائرة المعارف، روزنامه ها ومجلات، مواد چاپی، مواد برنامه های الکتروني، تصاویر متحرک، برنامه های تلویزیونی، برنامه‌های رادیویی، ضبط کننده‌های

شنیداری، لوحه های تزینی، نقشه های گرافیکی واشکال درسی، سلایدها ومینوها، فیلم های درسی، نقشه ها، پوسترها، انیمیشن ها، مودل ها مرتبط به درس...و غیره».

همچنین کمبود تجهیزات آموزشی از قبیل «پروژکتور، ضبط کننده، نور پرداز صفحه نمایش، فیلم آموزشی، تلویزیون، آزمایش خانه زبان، کامپیوتر، حقیبه های آموزشی ... وغیره» وجود دارد.

۱۶–کوتاهی در خالص سازی محیط محصلان:

اگر محیط پیرامون محصلان از نظر زبانی آلوده باشد این عامل ناکامی کسب مهارت برای زبان آموزان است، با وجودی که باورمندیم که این کار صحیح در کارهای عمومی جامعه ی آنهاست، لیکن این امر فاکتور مخربی در کسب مهارت های زبان آموزی آنها خواهد بود علی الرغم دقت نظر معلمان در تسهیل روند تحصیل و تمرینی که اجراء می‌کنند.

مورد دیگر تماشای روزمره‌ی افراد تحصیل کرده که ساعتها را برای نگاه کردن سریال‌های تلویزیونی که به زبان عامیانه پخش ونشر می‌شود سپری می‌کنند؛ وهمچنین ساعت‌ها را برای تماشای نمایش نامه‌ها واجراهای تئاتری که به زبان عامیانه نیز نمایش داده می‌شوند؛ صرف می‌کنند.

این کاستی در نوشتار های تزینی که مملو از اشتباهات زبانی و کلمات عامیانه و واژها های بیگانه می باشد مشهود است، از جمله در بنرهای تبلیغاتی و لوحه های فروشگاه های تجاری، خدماتی وگردشگری وغیره. همچنین این کمبود این وسایل در برنامه های تلویزیونی که به زبان عربی ساده و آسان در دسترس کودکان است، یک امر معمول ومشهود است. ونبود صنایع فرهنگی برای نو جوانان و وجود خطاهای زبانی در برخی تصمیمات و واعلامیه های صادر شده ومکاتبه های برخی ارگان های رسمی در بین ادارات و نهادهای دولتی، مشهود است. [1]

۱- الدكتور محمود أحمد السيد- اللغة العربية واقعا وارتقاء- منشورات وزارة الثقافة – الهيئة العامة السورية للكتّاب- دمشق - ۲۰۱۰م ص۱۴۳.

چهارم : راه‌های پیشرفت واقعیت و بهبود آن

پیشرفت واقعیت و ارتقای آن نیاز به گذر از تئوری به عملکرد اجرائی زیر دارد:

۱- تهیه نقشه مشکلات آموزش و یادگیری زبان عربی و شناسایی نواقص وصلاحیت های زبان.

۲- انجام تحقیقات علمی میدانی برای رفع مشکلات آموزش (یاد دهی و یادگیری) زبان عربی با استفاده از روش های علمی و آزمایش های میدانی.

۳- به کارگیری نتایج تحقیقات میدانی در زمینه آموزش (یاد دهی و یادگیری) زبان عربی.

٤- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای بحث در مورد آموزش و یادگیری زبان عربی در جهان عرب به صورت عمودی و افقی، به شرطی که تدوین این کارگاه های عملی راهنما، برنامه و استندارد باشد. از جمله پیشنهادهایی که این کارگاه ها به منظور ارتقا و پیشرفت واقعیت زبانی مورد توجه قرار می‌دهند:

الف - نظارت بر رایج‌ترین و پرکاربرد ترین تحقیقات دستوری در زمینه های علوم و ارزیابی روش نویسندگان عرب قدیم و معاصر به منظور تمرکز بر آنها در برنامه‌های آموزشی زبان شناسی در جهان عرب وبهره‌مندی از مطالعه انجام شده توسط سازمان عربی آموزش، فرهنگ وعلوم(المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم)، که عنوان شعار آن «رشد وتوسعه منهج دستوری (نحوی) و روش‌های تعبیر در مرحله آموزش‌های عمومی برای جهان عرب است» [1]، که در آن ذکر شده است: مباحث دستوری که مقدار آن در یک نمونه از ۱٪ فصید از روش های نویسندگان باستان زیاد باشد، به ترتیب نزولی زیر مرتب شده اند:

الفعل، المضاف إليه، حروف الجر، الفاعل، المجرور بالحرف، حروف العطف، المفعول به، المبتدأ والخبر، النعت، فاء الإستئناف، الظرف، الاسم الموصول، إن وأخواتها، اسم إن وخبرها، الممنوع من الصرف، لا النافية».

۱- الدکتور محمود أحمد السيد- تطوير مناهج القواعد النحوية وأساليب التعبير في مراحل التعليم العام في الوطن العربي - منشورات المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم - تونس – ۱۹۸۷م.

ومباحث دستوری (نحوی) که مقدار آن به سبک وروش نویسندگان قدیم کمتر از ۱٪ باشد، به ترتیب نزولی زیر مرتب می‌شوند:

اسم كان وخبرها، أسماء الإشارة، حروف النصب، البدل، حروف الجزم، أدوات الشرط غير الجازمة، قد، نائب الفاعل، أدوات الشرط الجازمة، الأسماء الخمسة، واو الحال، الحال، التمييز، المنادى، نون الوقاية، الاستثناء، ما النافية، الاستفهام، الفاء الرابطة لجواب الشرط، إلا للحصر، المفعول المطلق، اتصال إن بـ «ما»، أي التفسيرية، التوكيد، إن الوصلية، لام المزحلقة، حتى الابتدائية، اللام في جواب القسم، إذا الفجائية، اللام في جواب لو، المفعول لأجله، لكن الاستدراك، لام الابتداء، المفعول معه، اللام في جواب لولا، ألا الاستفتاحية، أسماء الأفعال، أحرف الجواب، هلا، ضمير الفصل، لاسيما، إن التفسيرية، كذا، أسلوب المدح والذم.

اما مباحث نحوی که نسبت شیوع آن به سبک های نویسندگان معاصر زیادتر از ۱٪ باشد، به ترتیب نزولی زیر مرتب می شوند:

«الفعل، حروف الجر، المجرور بالحرف، الفاعل، المضاف إليه، حروف العطف، النعت، المفعول به، المعطوف، المبتدأ والخبر، الظرف، إن وأخواتها، اسمها وخبرها، كان وأخواتها، اسمها وخبرها، اسم الإشارة، حروف النصب، الاسم الموصول، البدل».

ومباحث نحوی و دستوری فراوانی که آنها به سبک روش نویسندگان معاصر کمتر از ۱٪ بود ، به ترتیب نزولی زیر مرتب می شوند:

حروف النصب، العدد، نائب الفاعل، قد، أدوات الشرط غير الجازمة، حروف النفي، المفعول المطلق، فاء الاستئناف، التمييز، حروف الجزم، الممنوع من التنوين، أدوات الاستفهام، الفاء الرابطة لجواب الشرط، التوكيد، المفعول لأجله، إلا للحصر، أدوات الشرط الجازمة، المنادى، الأسماء الخمسة، اتصال إن وأخواتها بـ «ما»، أي التفسيرية، لام الابتداء، لكن الاستدراك، إذ، حروف الجواب، إن الوصلية، الاستثناء، إذن، اللام في جواب لو ولولا، التنازع، غير أن، إلا أن، ما الزائدة، أسلوب التعجب، إذا الفجائية، المفعول معه، ألا الاستفتاحية، كم الخبرية،

مع أن، بما أن، همزة التسوية، طالما، بيد أن، الندبة، التحذير، بله، على أن، هلا، ما إن.

آنچه به ملاحظه می رسد که در اکثر برنامه های تربیوی ما مواردی از مباحث دستوری و تحقیقی کاربردی با توجه به فضای کاربردی، در روشنای موقعیت های استعمال وشیوع فراوانی آن در زندگی مراعات نه شده است. یکی از معیارهای عملکردی انتخاب موضوعاتی است که موقعیت استعمال آن زیاد بوده وترتیب آن به ترتیب در مقایسه با شیوع وپخش آن در جامعه است، آن که استعمال آن زیاد باشد کاربردی نامیده می‌شود و آنچه استعمال آن کم باشد غیر کاربردی نامیده می‌شود، از جهت آن که ترکیز بر اساسیات ودوری از مماحکات وتاویلات می‌شود، واستثناهای زبانی که بر شاگردان نفرت می‌انگیزد.

ب - نظارت بر خطاهای زبانی توسط شاگردان در عبارات شفاهی و کتبی مرتکب شده اند و تنظیم آنها به ترتیب نزولی و اهمیت دادن به مباحث دستوری که مربوط تمرین وتدریب وآموزش است. از جمله مباحث دستوری که اشتباهات آن در عبارت نوشتاری که مقدار آن ۵٪ فیصد فراتر رفته اند: همزتا الوصل والقطع، الفعل، استعمال حروف الجر، الضمير، المفعول به. تحقیقاتی که در آنها خطاها بیش از ۱٪ و کمتر از ۵٪ فیصد باشد: فعل با فاعل، النعت، اسم كان وخبرها، المبتدأ والخبر، التذكير والتأنيث، العدد، فتح همزة إن وكسرها، الاسم الموصول، اسم إن وخبرها، الفاعل. در مورد تحقیقات دستوری که فیصدی آنها کمتر از ۱٪ باشد، این موارد عبارتند از: المنقوص في حالتي الرفع والجر، المضاف إليه، العطف، أسلوب الشرط، المجرور بالحرف، الحال، جمع التكسير، اسم الإشارة، المفعول المطلق، الأسماء الخمسة، الظرف، التمييز، المصدر القياسي، صوغ اسم الفاعل، صوغ اسم المفعول، المنادى، الممنوع من الصرف، المفعول لأجله.

از جمله موضوعاتی که فیصدی خطاهای آن در بیان شفاهی از ۵٪ فصید فراتر رفته است: فعل، مفعول به، اسم کان وخبر آن ، ضمیر، صفت است.

موضوعاتی که در آن فیصدی آن در بین ١٪ و کمتر از ٥٪ بود، عبارت است از: فاعل، مجرور به حرف، مضاف الیه، اسم إن وخبر آن ، اسم عدد، اسماء الخمسه، مبتدا وخبر، مفعول مطلق، حال واسم موصوله.

تحقیقاتی که در آن فصیدی کمتر از مقدار ١٪ می رسید به شرح زیر ترتیب نزولی ترتیب داده می شود: اسم اشار، حذف یای منقوص، ممنوع من الصرف، فتحه همزه أن وکسر آن، همزه وصل، اسم ظرف، متعدی به حرف، جمع مونث سالم، نائب فاعل، بدل، مفعول لأجله وتاکید.

ج- نظارت بر خطاهای نفوذ کرده به زبان فصیح از طرف زبان عامیانه وانجام تمرینات و برنامه های معالجوی که باعث آگاهی به این خطاها، آشکار سازی وجلوگیری از آنها شود. از جمله این خطاها عبارتند از: إسناد الفعل المعتل إلى الضمائر، الأمر المعتل الوسط، إفراد الفعل أمام الفاعل المثنى والجمع، إسناد الفعل إلى نون النسوة، تأنيث الفعل وتذكيره، الأفعال الخمسة في الرفع والنصب والجزم، الأسماء الخمسة... وغیره.

د - تهیه راهنمایی برای انواع بیان عملی را نشان دهد و برگزاری دوره های آموزشی برای معلمان در مورد نحوه استفاده از این نوع رهنمایی ها با توجه به آن.

هـ - تهیه راهنمائی برای نشاط زبانی خارج از برنامه، به شرطی که یکی از معیارهای این فعالیت ها تنوع در پاسخگویی به تمایلات شاگردان باشد: «تهیه روزنامه های دیواری و مجلات مدرسه، رادیو مدرسه، اجرای نمایش های هدفمند، ارایه سخنرانی پیرامون مناسبت های اجتماعی وملی، بحث درباره محتوای سریال های تلویزیونی، وفلم های تلویزیونی، خلاصه نگاری کتابها ومناقشه آن، برگزاری نمایشگاه ها، بحث ها ومناظره ها، مصاحبه ها وغیره. به شرطی که این فعالیت های مختلف با تشویق وشور انگیزه برای تأمین نیازهای شاگردان، اجراء گردد و (نیاز به شناخت، نیاز به کسب دانش ، نیاز به تحقیق و نیاز به عمل و ...» ترتیب شود. و باید به شاگردان انگیزه ی اجرای به صورت جمعی و با همکاری یکدیگر انجام شود تا مسئولیت اجرای تفکر خلاق واتمام کار را به عهده بگیرند و افراد مستعد را کشف کنند و اوقات فراغت خود را سرمایه گذاری کنند و در پرتو آن کارگاه های آموزشی راه اندازی نمایند.

و- تدوین راهنمای استفاده از وسایل تربیوی در آموزش و یادگیری زبان و تمرینات در پرتو آن.

ز- تهیه راهنمائی برای تدریب معلمان برای سنجش مهارت های زبانی و میزان دستیابی به اهداف تعیین شده، راهنمایی برای آموزش معلمان در زمینه تنظیم امتحان‌های عینی در خواندن، متون، دستور زبان، املاء و ذوق ادبی برای تهیه مطالعه انجام شده توسط سازمان عربی آموزش، فرهنگ و علوم در این زمینه قابل استناد است [1].

ح - ایجاد یک راهنما برای آموزش شاگردان بنا بر روش‌های خودآموزی «جستجو در فرهنگ ها، تصحیح اشتباهات، مطالعه‌های آزادانه، جستجو در انترنیت برای داده ها واطلاعات... و غیره.

ط - تهیه راهنما برای ارزیابی مفردات درسی «اهداف محتوا، نوشتار، روش های تدریس، فعالیت های زبانی، روش های ارزیابی... وغیره» با توجه به معیارهای هر یک از مؤلفه های مفردات درسی تنظیم شده باشد.

ي - تبدیل محتوای کتاب ها به طور جزئی یا کلی، در قالب‌های دیگر غیر از قالب‌های سنتی مدون، مانند: بصورت برنامه‌های الکترونی صوتی یا ابزاری درسی دی ها شنیداری یا الکترونیکی در کمپیوتر، یا فیلم ها یا حقیبه های آموزشی... وغیره.

ك - ایجاد راهنمای تدریب برای معلمان پیرامون استفاده از روش‌های مؤثر در پروسه آموزش (یاددهی-یادگیری) به منظور حرکت از آموزش به یادگیری، تمرکز بر نحوه‌ی یادگیری، و تلقین به اشتراک مثبت وحرکت در راستای فراگیری دانش و کسب دانش تا میدان عمل، از تحجر تا انعطاف پذیری و از گوش دادن به تمرین تا حفظ کردن وذهن سپاری واز تفکر کلیشه‌ی تا تنوع در آن (مبتکرانه، مفهومی، انتقادی، علمی، استشرافی، آینده نگری، گزینه نگری، وجامع نگری ... وغیره) تا تعیین معیارهایی برای قرائت انتقادی را مراعات کرده باشند.

۱- الدكتور محمود أحمد السيد والدكتورميطانوس ميخائيل – نماذج من الاختبارات الموضوعية في اللغة العربية للمرحلة الإعدادية- المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم - تونس – ۱۹۸۹م.

ل - ایجاد کتابچه‌های رهنما که شامل اساسات زبان، قواعد زبان، املائی، استفاده از علائم نگارشی باشد، تا عمومیت بخشیدن به دوره‌های آموزشی که توسط معلمان و کارگزاران رادیو و تلویزیون در همه امور جامعه اجرا ومنتشر می‌کند که برای آموزش اساسات زبان یک مسئولیت اجتماعی است.

م - انتخاب متون در مفردات درسی بصورت نمایش‌نامه‌ی ومسلسل، و فورموله کردن آنها به روش های جالب تا برای سر زمین عرب پخش شود.

ن- ایجاد وتهیه راهنماچه داستان های محلی مناسب که چاپ آنها در تصاویر رنگین به زبان عربی نگاشته شده باشد تا در سر زمین عرب پخش شود.

س- انتخاب متن هایی که زیبایی شناسی زبان عربی را فراهم می‌کند و انتشار آنها از طریق دکلمه های صوتی، تصویری و چاپی، به هدف تنظیم متن های متنوع وجالب، چه از نظر میراث فرهنگی و چه از نظر ادبیات معاصر باشد باید آن را استخراج و چاپ نمود تا در آماده سازی برای انتشار آنها در سر زمین عرب فراهم شود. این انتخاب برای گسترش زبان در دو قالب زمانی و مکانی انجام می‌شود، زیرا تمایل می‌رود که در قالب مکانی از منطقه محلی به منطقه ملی گسترش یابد. و سپس به حلقه‌ی انسانی که برنامه درسی ویژگی های واقعیت محلی را بدون جدا شدن از واقعیت ملی به دست می آورد؛ نشان دهد، و سپس از همه‌ی آن به افق گسترده انسانی فراتر رود تا با تجربه انسانی در زمینه ارزشهای عالی زیبایی شناختی و دستاوردهای تمدنی مشترک آن ذوب شود. [1]

ع - انتخاب گزیده ی از متون بین المللی که ذوق زیباشناسی و ارزش شناسی را فراهم می‌کند، وبرای شاگردان دوره عمومی ودوره‌ی پیش از پوهنتون معرفی شود.

ف- برگزاری مسابقات حفظ شعر، وتمرین سخنرانی وفن بیان، قوانین دستوری و املائی در یک مدرسه و همچنان در بین مدارس همان ولایت و سپس در بین

۱- الدکتور نهاد موسی- استعراض تجربتي عمان واليمن في تعليم اللغة العربية – اللغة العربية والتعليم رؤية مستقبلية للتطوير- مركز الدراسات والبحوث الإستراتيجية- ابوظبي- ۲۰۰۸م ص۴۰۵.

ولایت های دیگر در سطح زون وسپس برگذاری مسابقات در سطح کشور واعطای جوایز به برندگان جهت تشویق وترغیب استعداد آنان.

ص - تدوین راهنما و برنامه های که مربوط به تربیت خانواده (پدران و مادران) برای رسیدگی به امور کودکان در زمینه زبانی می شود.

ومن الله توفیق

فهرست منابع فصل چهارم

١- الدكتور طه حسين- في الأدب الجاهلي- مطعبة المصرية- القاهرة.

٢ـ محمد صالح بن عمر- فرحات الدريسي- دليل مرجعي لتنمية الكفايات اللغوية لدى مدرسي العربية بالتعليم العالي- المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم- تونس ٢٠١١م.

٣ـ الدكتور محمد بن فاطمة والأستاذ محمود وناس- الكفايات العامة اللازمة لخريج التعليم الثانوي العام في الوطن العربي- المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم- تونس ٢٠١٠م.

٤ـ الدكتور محمد بن فاطمة والأستاذ محمود وناس ـ دليل مرجعي لتدريب الأطر التربوية المعنية بالكفايات العامة اللازمة لخريج التعليم الثانوي العام في الوطن العربي- المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم- تونس ٢٠١٠م.

٥ـ الدكتور محمود أحمد السيّد- دراسات تربوية- وزارة الثقافة السورية- دمشق ٢٠١٠م.

٦ـ الدكتورمحمود أحمد السيّد- في طرائق تدريس اللغة العربية- منشورات جامعة دمشق ٢٠١٠م.

٧ـ الدكتور محمود السيد- التربية على المواطنة- محاضرات الموسم الثقافي في مجمع اللغة العربية بدمشق لعام٢٠٠٨-مطبوعات المجمع ٢٠٠٩م.

٨ـ الدكتور محمود أحمد السيّد- اللغة العربية واقعاً وارتقاء- وزارة الثقافة السورية- دمشق ٢٠١٠م.

٩ـ الدكتور محمود أحمد السيد- تطوير مناهج القواعد النحوية وأساليب التعبير في مراحل التعليم العام في الوطن العربي- المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم- تونس ١٩٨٧م.

١٠ـ الدكتور محمود أحمد السيد والدكتور مطانيوس ميخائيل- نماذج من الاختبارات الموضوعية في اللغة العربية للمرحلة الإعدادية- المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم- تونس ١٩٨٩م.

١١ـ مؤسسة الفكر العربي- استطلاع رأي طلاب ما قبل التعليم الجامعي- بيروت ٢٠١١م.

۱۲ـ الـدكتور نهـاد موسـى- اسـتعراض تجربتـي عـمان والـيمن في تعلـيم اللغـة العربية- اللغة العربيـة والتعليم رؤيـة مـستقبلية للتطـوير- مركـز الدراسـات والبحوث الاستراتيجية- أبوظبي۲۰۰۸م.

فصل پنجم

مفاهیم و روایات روش شناختی آموزش زبان عربی به نسل دوره‌ی پیش از پوهنتون

مطالب این فصل:

یکم: زبان یک مفهوم کافي اکتسابی است.

دوم - چشم اندازهای روش شناختی آموزش زبان عربی به نسل پوهنتونی.

۱- ایجاد یک محیط زبانی خالص در پروسه یاددهی ویادگیری:.

۲- اعتماد بر زبان واحد و وروش متکامل در آموزش.

۳- تمرکز بر ساحات فرصت های کاری وسودمندی اجتماعی آن در محتوا و تمرین.

٤- یکنواخت سازی اصطلاحات.

۵- اتخاذ انعطاف پذیری در روش های تدریس.

٦- اتخاذ انواع روش های ارزیابی.

سوم: آموزش زبان عربی به عنوان یکی از مقتضیات پوهنتون.

چهارم ، توصیه ها.

فصل پنجم

مفاهیم و روایات روش شناختی آموزش زبان عربی به نسل دوره‌ی پیش از پوهنتون

سعی می کنیم در این فصل کوتاه، با مفهوم زبان به عنوان عنصر اکتساب زبان آشنا شویم وهمچنان برخی از دیدگاه های روش شناختی را در آموزش زبان عربی به افراد غیر تخصصی نسل‌های خود که در انتخاب جهت‌گیری عملی و مصلحت اجتماعی برای قشر پوهنتونی حفظ کنیم، با توجه به تعهد تمرین وتدریب محاوره ونشاط های زبانی، آسان سازی سختی ونرم کردن در استفاده از روش های تدریس، و اندازی معلمان از روش ها ومهارت های جالب در زمان تدریس ویاد گیری شاگردان که این روش پایه ی برای یادگیری مستمر ومادام العمر است، وکمک گرفتن از تکنیک‌های آموزشی وبکارگیری آن، و دقت در روش‌های ارزیابی وامتحان که سویه های کسب و فراگیری به ویژه تعبیرهای گوناگون در آن انجام می‌شود، سرانجام ما مودلی را از پوهنتون های عرب خلیج فارس ارایه می دهیم که عربی را به عنوان یک نیاز پوهنتونی آموزش می‌دهند تا به تعدادی از توصیه های زیر نایل شویم.

یکم: زبان یک مفهوم کافی اکتسابی است:

لغة یعنی زبان از فعل لُغَا، به معنای گفتن گرفته شده است وفعل مضارع آن یلغو است وبر وزن "فعلة" لغة یا لغوة می‌آید، حرف واو آن حذف شده است و

جمع آن لُغات ولُغُون است واللغو است و گفته می‌شود که این زبان ایشان است وبه آن نطق وتکلم می‌کنند.

در دائرة المعارف بزرگ فرانسه آمده است که زبان در اول امر «کشیدگی برای نشاط‌های بدنی است، از جمله زیبایی‌ها ونشانه‌های آن اندام‌هاست که این کشیدگی در پرتوی آن به تدریج رشد می کند تا به شکل‌های پراکنده وانتزاعی از گفتار می رسد وآنها را به یک کل متصل تبدیل می‌کند. [(١)]

در بخش‌های دائرة المعارف وعلوم اجتماعی انگلیس بیان شده است که «زبان اصوات نسبت به بقیه اشکال دیگر زبان برتری دارد، مانند: نوشتن، اشاره ها و غیره...، واین اشکال دیگر بدون جایگزینی کامل آن، زبان گفتار را تکمیل می کنند». [(٢)]

در لسان العرب آمده است که «زبان آوزهای است که هر انسان اهداف خود را با آن بیان می کنند»[(٣)].

«میلر Miller» زبان را چنین تعریف می‌کند: در آمریکا زبان را به معنای استفاده از واج‌های هجایی برای بیان اندیشه تعریف کرده است، وبه همین مفهوم «جون کارول Carroll John» تعریف آن را در پوهنتون هاروارد در آمریکا بیان کرد که زبان یک سیستم متشکل از اصوات توافق کلامی و توالی این صداهاست که در تماس متقابل گروهی بین مردم استفاده می‌شود.

اگر میلر و کارول هر دو زبان را محدود ومقید به اصوات کرده اند، پس «هورلوک Hurlok» معتقد بود که این زبان شامل همه اشکال بیان است و این بیان با اصوات هجایی فقط یک شکل از زبان است.[(٤)]

در حقیقت مفهوم زبان مفهوم گسترده وجامع است و فقط به زبان گفتاری محدود نمی‌شود بلکه علامه‌ها، حرکات و حالت‌های چهره را شامل می‌شود که

١- Art: parole (١٨٨٥-١٩٠١) Encyclopedia La Grande).

٢- Social Sciences, Encyclopedia, Article, Language.

٣- ابن منظور المصري- لسان العرب- ج ٢٠- الطبعة الأولى- المطبعة الكبرى الميرية ببولاق مصر- ١٣٠٠ـ ص١١٦.

٤- الدكتور محمود أحمد السيد-في طرائق تدريس اللغة العربية-منشورات جامعة دمشق- ٢٠٠٨ص ١٠.

معمولاً با رفتار گفتاری و زبان نوشتاری همراه است. با این حال زبان گفتاری یا کلامی بیشترین اهمیت را در میان سایر جنبه های مورد اشاره دارد و زبان نوشتاری فقط یک زبان گفتاری است که در یک سیستم نوشتاری اصطلاحی وآشنا ثبت شده است. از این رو با اهمیت ترین، راحت ترین، رایج ترین و پر کاربرد ترین وسیله‌ی ارتباط در بین زبان شناسان معاصر از ویژگی‌های زبان مورد اشاره است.

چارلز هاکت آمریکایی سعی کرد خواص زبان را مطالعه کند وی اصطلاحی بودن یا فروتن بودن زبان را از مهم ترین ویژگی های زبان انسانی دانست که واژگان آن اشاره به موارد ملموس در دنیای واقعی و عملی دارد. اعمالی است که توسط انسان یا موجودات دیگر انجام می‌شود، بیانگر ذهنیت انتزاعی و باورهای اوست. واین که اکثری این خصلت‌ها از گذشتگان به ارث رسیده، اشاره به چیزها و رویداد های دور از کلام در حیطه زمان ومکان دارد، علاوه بر همه این ها شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی های زبان انسان توانایی پدید آوردن و ایجاد نو آوری باشد.[۱]

اما پیرامون مفهوم زبان واکتساب و فراگیری آن، مانند همه عادت هایی است که فرد در زندگی خود بدست می آورد وبه صفت یک عادت تلقی می‌شود. و از آنجا که عادت ها فقط از طریق تمرین مداوم بدست می آیند، کسب زبان تفاوتی با عادت‌های دیگر ندارد، مانند: راه رفتن، جست وخیز، خواب، رانندگی با موتر..وغیره.

این مفهوم نظریه‌ی که در ابتدای قرن گذشته پیرامون نظریه آموزش زبان به عنوان مجموعه‌ی از حقایق رایجی که معلم آن را به شاگردان می‌آموزد، وبر دیگری لازم است که آن را حفظ کند وسپس بیان کند، و به هر اندازه ی که حفظ کند به همان اندازه ماهر زبان محسوب می‌شود.

با این حال پروسه آموزش معاصر بر اینست که رسیدن وفراگرفتن به زبان یک عادت تبدیل می شود، باید اکتساب آن بر مهارت زبانی مقدم باشد، زیرا یکی از اشتباهات رایج در آموزش و یادگیری زبان اینست که فکر می‌کند مجموعه‌ی از

---

۱ ـ Charles Hocket: the problem of universal in language (Cambridge, Mass: mit press) 1968 p1-29

واژگان، قواعد نحوی، قواعد صرفی واصطلاحات بلاغی را به شاگردان معمولاً مانند: همه عادات های که از محیط پیرامون خود کسب می کند؛ آموزش دهد.

همانطوری که مفهوم مهارت زبان از حیث تلاش به درک مراد مخاطب و صرفه جویی در وقت، در یک عملکرد عالی نشان داده می شود ، پس اینجاست که آموزش زبان از حفظ به پالایش تغییر می کند ، یعنی ارایه مهارت های زبانی در صحبت کردن، گوش دادن، خواندن و نوشتن به شاگردان فراهم می شود، که به کسب مهارت کمک می کند:

۱- تمرین و تکرار، به شرط آنکه تکرار مبتنی بر درک و تمرین در شرایط زندگی به طور طبیعی باشد.

۲- راهنمائی: این امر به منظور جلب توجه شاگردان جهت تصحیح اشتباهات آنها در عملی ساختن و اجرا ونشان دادن نقاط قوت و ضعف و معرفی آنها به بهترین روش های عملیاتی است.

۳- مثال خوب: با توجه به مشاهده شاگردانی که در حین عملیه اجراء، از معلمان یا همکاران خود یا از طریق آزمایشگاه های ضبط و زبان ... و غیره کسب مهارت می کنند.

٤ - تشویق و تقویه مثبت منجر به پیشرفت می شود و بهترین نوع تقویت داخلی نه ترس است و نه حرص، بلکه عشق و خوشبختی است که شاگردان را به تمرین عملی سوق می دهد.

برای تعیین میزان فراگیری مهارت‌های زبانی شاگردان، لازم می‌شود صلاحیت های زبانی را که پس از طی کردن عملیه‌ی آموزشی وآموزندگی در دسترس بود؛ اندازه‌گیری کرد. کسانی هستند که در بین صلاحیت زبانی که توانایی انجام وظایف زبانی است، تفاوت قائل می‌شوند و این یک مفهوم نظری است که به طور مستقیم قابل مشاهده نیست و برای سنجش شایستگی زبانی باید از یک عملیه‌ی خاص جهت شناختن صلاحیت زبانی استفاده شود، یعنی مهارت‌های که شاگردان پس از

تعامل با یک برنامه خاص کسب کرده و از طریق رفتار زبانی یا عملکرد زبانی سنجیده می شود.[۱]

اینها برخی مفاهیم متعلق به زبان به عنوان یک مفهوم، اکتسابی، مهارتی و کفایتی است و ما در مورد چشم اندازهای روش شناختی زبان عربی به فرزندان خود در سطح پوهنتون ها با توجه به این مفاهیم بحث خواهیم کرد.

دوم: چشم اندازهای روش شناختی آموزش زبان عربی به نسل پوهنتونی

برخی از چشم اندازهای روش شناختی در آموزش زبان عربی به فرزندان غیر متخصص آن در مرحله دوره‌ی پیش از پوهنتون است، می توان آن را به صورت زیر خلاصه کرد:

۱- ایجاد یک محیط زبانی خالص در پروسه یاددهی ویادگیری:

مربیان معاصر بر این باورند که کسب هرگونه مهارت های زبانی مستلزم قرار دادن شاگردان در یک حمّام زبانی است، به این معنا که فضای پیرامون شاگردان، عامل کمکی و دل گرم کننده برای سرعت در راستای فراگیری زبان باشد.

از این رو معلمان زبانشناسی مجبورند به زبان عربی فصیح سخن بگویند، و باید چون تا فضای تسلط زبان فصیح بر فضای مختلفی که زبان آموز با آن در تعامل است، غالب باشد، مانند: روزنامه ها، مجلات، سمینارها، جلسات...وغیره. واین که معلمان برای آماده کردن چنین فضایی تلاش کنند، تا شاگردان فعال، عملگرا، فکرمند و نو آور شوند واحساس رضایت وراحت کنند.

فضای سخنرانی ها متعهد به زبان فصیح باشد، و محصلان تحت نظارت، راهنمایی و تشویق استاد، سخن بزنند وانجام تمام نشاط ها وفعالیت ها در محدوده روند آموزشی و یادگیری به زبان فصیح اجراء شود، همه اینها کمک می‌کند تا یک جو زبانی تمام عیار ساخته شود که این واقعیت را تحت تأثیر قرار دهد.

۱- الدکتور مهدي العش- مفهوم الکفاءة اللغویة واستخدامه في تعلیم العربیة للناطقین بها وبغیرها وفي تقییمها-ورشة «تدریس اللغة العربیة لأبنائها»-جامعة جورجتاون-قطر- الدوحة-نیسان «أبریل»۲۰۱۱م.

لازم به ذکر است کتابخانه که دارای انبوه از کتاب های مصادر و مراجع عربی است، در ارضای نیازهای محصلان و تأمین نیازهای آنان و در افزایش مهارت‌های زبانی آنها نقش بارزی دارد.

۲- اعتماد بر زبان واحد و وروش متکامل در آموزش:

زبان یک واحد یکپارچه ومتکامل است و در پروسه آموزش وياد دگيری، عمليه جدايی در بين شاخه های آن فقط به عنوان يک امر ساده وميسور است که ضعف برنامه ها باعث جدايی آن می شود و وحدت زبان در پروسه از بين می رود، زيرا که جدايی در شرايط زندگی به زبان خدمت نه می کند، و استفاده از روش تکاملی مستلزم ايجاد برنامه های درسی زبانی بر اساس وحدت و وابستگی متقابل است ، زيرا برنامه های درسی چيزی نيست مگر نتيجه تعامل عضوی مداوم از عوامل در هم تنيده در يک مجموعه که فرهنگ، فلسفه و مشکلات آن شامل جامعه می شود، وهمچنان شامل شاگردان از نظر نگاه به ماهيت و درک ويژگی‌های رشد وتوسعه روش های يادگيری و تعامل با دورانی که در آن زندگی می‌کند، می‌شود.

در پروسه تدوين مفردات درسی به اين مؤلفه‌ها در چارچوب روابط بهم پيوسته نگاه می شوند، زيرا برنامه های درسی در وقتی ساخته می‌شوند که با تعريف علمی مبانی واساسات موضوع شروع شوند، و سپس از نظر کمک به شاگردان در بين اصل ها مفيد ترين موارد را برای شاگردان جهت حلّ مشکلات جامعه و مواجهه با مشکلات زندگی خصوصی آنان، وارضا کردن نيازها و رشد تمايلات شخصی آنان، انتخاب می شوند. سپس ايجاد شرايط و قابليت های مناسب برای رسيدن به اهدافی که اين برنامه های آموزشی برای آنها تدوين شده است.

قابل توجه است که دربين مضامين زبان شناسی وادبيات شناسی تهيه شده‌ی معلمان به زبان فصيح، انزوا وجود دارد و اين انزوادر بين علوم زبان شناسی همانند: جدا کردن نحو از معانی است و هيچ ارتباطی در بين برنامه های درسی ادبيات وعلوم انسانی مختلف ندارد، مانند: تجزيه و تحليل نفسی، علم جامعه شناسی نفسی، علم روان شناسی زبانی وعلم زبان شناسی مدرن... وغيره.

وحدت ویک‌پارچگی زبان معلمان را وادار می‌کند تا در بین مهارت های زبانی و شاخه‌های آن تعادل و هماهنگی برقرار کند، زیرا تمرکز توجه به یک طرف فقط به عنوان یک هدف و ترک بقیه جنبه ها اشتباه است، زیرا شاخه های علوم عربی از نظر عضوی با یکدیگر مرتبط هستند و همه ی آنها به دنبال دستیابی به هدفی هستند که برقرار کننده ی ارتباط زبانی است.

اسلاف ما این دیدگاه جامع و یکپارچه را در مورد زبان درک کردند و از یک روش متکامل در پروسه آموزش پیروی کردند، زیرا آنها تلاش کردند متن ادبی را به مرکز بررسی و تحقیق چندین شاخه، و از طریق تفسیر جملات و متن در متن تبدیل کنند، پس آموزش دستور زبان و بلاغت عربی در پرتوی تعریفات انتزاعی صورت می گرفت.

حتی در ساحه‌ی تخصص در سطح پوهنتون، تنها روش واحد برای تدریس روش تکامل باقی می‌ماند، زیرا در تدریس ادبیات، تحلیل وتجزیه پدیده‌های آن، فقط ادبیات بر وفق فنون دیگر تدریس نمی‌شود و نه فقط بر وفق اقلیم ها، و نه فقط بر وفق عصرهای زمانی، بلکه به همه اینها به نظر شمولیت وتکامل نگاه می‌شود.

ادبیات فقط دیگر بر وفق روش بلاغی تحلیل نه می‌شود، و نه فقط با روش روان شناختی، و نه فقط با توجه به روش اجتماعی، و نه فقط با توجه به روش ساختاری، بلکه با توجه به همه این رویکردها در چارچوب وحدت وتکامل در میان آنها تحلیل می‌شود.

۳- تمرکز بر ساحات فرصت های کاری وسودمندی اجتماعی آن در محتوا و تمرین:

از آنجا که اگر یادگیری در تعامل با جامعه برای تأمین نیازها و تأمین علایق خود، منافع و فوایدی برای یادگیرنده نه داشته باشد فراگرفتن آن هیچ فایده ی ندارد چون گر این موضوع، در انتخاب محتوای زبان پر جمع و جوش نه بود. تعامل دور تشدد زبانی که شاگردان دارند از یک سو با آن، سختگیری زبانی از طرف دیگر، واستثناها، نادره ها، مماحکات و تأویلات از طرف سوم.

بسیار خوب است که زبانی که شاگردان با آن تعامل دارند یکی از تخصص های آنها در مرحله پوهنتون باشد و تمرینات و فعالیت ها با توجه به آن انجام می شود، بنابرین متن های تخصصی روان شناسی با آن، متن های تخصصی جامعه شناسی به همان زبان ارایه می شود، و متون طبی ودرمانی... وغیره.

تمرکز بر مبانی واساسات اولیه به شاگردان کمک می کند تا با آنها تعامل داشته باشد، زیرا تمرکز بر اصول، مطالعه و به خاطر سپاری مطالب را تسهیل می کند و با دوره افزایش دانش و سرعت تغییر آن متناسب است. همچنین به درک روابط در بین آنها کمک می کند تا حقایق، مفاهیم و زمینه های بهتر آن که به استفاده‌ی مناسب آن همت کرده است، گامی در راستای تکامل دانش و وحدت آنست.

از این لحاظ خواستار تجدید نظر در قوانین دستور زبان هستیم که در پوهنتون های عرب تدریس می‌شود تا بتوان آن را از بحث و تفسیرهایی که منجر به عدم تمایل ودل سردی کودکان به آن می‌شود؛ نجات داد. و بر اصول مورد نیاز شاگردان جهت نوشتن متداول ترین موضوعات درسی و شناسایی مباحث دستوری مورد استفاده در میدان آموزش اقدام کرد.

با وجود آن که زبان گفتاری بیشتر رایج و در بیشتر موارد زندگی مورد استفاده قرار دارد، از ناحیه گفتگو ومحاوره غفلت وجود دارد، چون پیرامون آموزش محاوره باید گفت که اگر محصل حتی از پوهنتون هم فارغ التحصیل شود به تمرین آن توجه نمی کند، وقتی می خواهد صحنه گفتگو را در یک جلسه یا یک مناسبت، یا در راهنمایی کردن ویا دستور العمل‌ها... وغیره، یا یک جلسه را مدیریت کند؛گیج وسراسیمه می شود.

بسیار دیده شده است که فارغ التحصیلان پوهنتون‌ها از نظر مهارت‌های بیان حرفه ی در امور زندگی (ارایه درخواست ها، پر کردن فورم‌ها، نوشتن نامه‌ها، نوشتن صورت جلسه‌های محفل، نوشتن گزارش‌های علمی و یادداشت ها... وغیره) کوتاهی‌هایی در صلاحیت فارغ التحصیلان پوهنتون وجود دارد.

این نقص فقط به دلیل عدم آموزش کافی، در آموزش دوره‌ی پیش از پوهنتون و در آموزش پوهنتونی نیست، بلکه برای حاصل کردن مهارت‌های بیان عملی، چه بصورت بیان نوشتاری و چه بصورت بیان گفتاری، تلاش بی شائبه کرد.

از آنجا که پروسه‌ی آموزش (یاد دهی و یادگیری) مبتنی بر انگیزه است، تحریک انگیزه محصلان برای علاقه به یادگیری موضوع ضروری است وایجاد انگیزه نمی‌کند مگر اینکه متون گزیده بطور دقیق ومتخصصانه برای شاگردان باشد، انتخاب شده باشد.

از جمله موانعی که در آموزش زبان پوهنتون‌های عرب خلیج فارس با آن مواجه است، اینست که ۵۰٪ فیصد شاگردان از مدارس خصوصی که برنامه درسی خارجی را تطبیق می کنند و علاقه‌ی به آموزش زبان عربی فصیح ندارند؛ می باشد. و برخی از محصلان زبان عربی را به عنوان زبان دوم می‌خوانند و تعداد ساعات زبان عربی در پوهنتون‌ها جز ساعاتی شده است که مقدار ۱۰٪ فیصد از مجموعه‌ی ساعات‌های درسی محصلان را تشکیل می دهد. [۱]

خاطر نشان می‌شود که برخی از محصلان تمایل زیادی به یادگیری زبان عربی بخاطر سختی و دشواری زبان عربی وعدم توانایی آنها در تسلط بر یک طرف وجود دارد، علاوه بر این ایمان دارند که پس از فارغ التحصیل شدن از زبان عربی در زمینه های خود استفاده نمی‌کنند، همانطوری که از ایشان در معاملات و داد و گرفت خویش از زبان انگیسی استفاده می‌کنند، وهمچنان آینده عملی ایشان تضمین شده فراهم شده برای کار بوده و به آنها کمک می‌کند تا همانطوری خواهش دارند تحصیلات عالی خود را در پوهنتون‌های خارجی به انجام برسانند.

٤- یکنواخت سازی اصطلاحات:

اگر در جریان آموزش زبان عربی به فرزندان خود در پوهنتون‌های عربی، رویکرد دیگری اتخاذ کنیم، متوجه خواهیم شد که در برخی از اصطلاحات سر درگمی وجود دارد و تفاوت زیادی دربین آنها موجود می باشد که در ذهن افراد تحصیل کرده، آشفتگی و سر درگمی را منعکس می‌کند پس در پوهنتون‌های دمشق از اصطلاح "وسیط" در حالی که مجمع اللغة العربیة در قاهرة اصطلاح "حفّاز" را به کار می‌برند.

۱- الدکتور صلاح الدین درواشة- تدریس اللغة العربیة في مرحلة التعلیم العالي- جامعة زاید نموذجا- ورشة تعلیم اللغة العربیة في الجامعات العربیة- جامعة جورجتاون بقطر- الدوحة-نیسان۲۰۱۱م.

ومجمع اللغة العربية در دمشق این اصطلاح را از ترجمه "Catalyseur" قرار داده است، بنابرین اصطلاح پس استخدام کلمه "حفّاز" یا عامل "حفاز" در تعریف فرهنگستان چنین معنا می‌شود: به عنوان هر ماده ی که معمولاً سرعت واکنش را افزایش دهد.

در سوریه ، اصطلاح "قرینة الانکسار" در مقابل اصطلاح خارجی " Ludice de réfaction" ، و پس دلیل انکسار گاهی واقع می شود ودرین اواخر فرهنگ طبی استفاده از کلمه"منسب" را پیشنهاد کرده است، این اصطلاح را از ترجمه "Retrogreesion" قرار داده اند. که نام گذاری شده از نام های زیر هستند «تقهقــر ، نکــوص ، ارتــداد وإدبــار» درین اواخر فرهنگ طبی استخدام «رجوع» را قرار داده است.[۱]

۵- اتخاذ انعطاف پذیری در استفاده از روش های تدریس:

تسلط معلم بر مضمون خود تأثیر بسزایی در موفقیت پروسه‌ی یاددهی ویادگیری می‌داشته باشد، پس روش تدریس در تحقق اهداف تعیین شده برای موضوع تأثیر بسزایی دارد، زیرا معلم فقط بغیر از تخصص خود تدریس نمی کند، بلکه بیشتر با روش یاددهی ویژگی ها و مواصفاتش تدریس می کند.

از این رو برای موفقیت معلم در کار خود، لازم است که در موضوع خود تبحر داشته واعتماد داشته باشد، واز روش مناسب و جالبی برای ارایه درسی که متناسب با متعامل با فضای محیط وی انعطاف پذیر باشد و در نهایت انعطاف پذیری جلسه درسی تقدیم گردد.

ناگفته نماند معلمی که خود را در چارچوب روشی که خود به آن پای‌بند است در تمام حالات دروس خویش را با شرایط خاصی که در همه حالت در نظر می گیرد؛ محکوم به شکست است، بلکه کسی است که آن را مطابق با مواد و روش هایی که تعامل دارد ایجاد و سازگار می‌کند.

در آموزش‌های زبان عربی که به محصلان در پوهنتون‌های ما مشاهده می شود از روش‌های آموزش خود به خودی و ابتدایی استفاده می‌شود که در مرحله متوسطه

۱ـ الدکتور محمود أحمد السید- تعليم اللغة بين الواقع والطموح- دار طلاس- دمشق ۱۹۹۲ص۲۰۹م.

دنبال می شود و این منجر به بیگانگی محصلان وعدم علاقه آنها در تعامل با مطالب می‌شود، در حالی که استعمال انعطاف پذیری در انتخاب سویه و روش‌های تعامل با محصلان سودمند بوده وبا توجه به این که این شاگردان در دستیابی به اهداف تعیین شده برای آموزش زبان تأثیر می‌گذارند ، مشروط بر این که اتخاذ انعطاف پذیری در روند آموزشی تقویت شود. چنین روش‌های آموزشی جالب و جذاب در ارایه مهارت های یادگیری خود به شاگردان که پایه‌ی برای یادگیری مداوم برای زندگی است،« نظریه بهتر در پروسه یادگیری اینست که هیچ روش بهتر از روش آموزش خود به خودی نیست.»[۱]

همچنین اشاره شده است که در استفاده از فنون آموزشی در یاددهی و یادگیری یک زبان و در شفاف سازی برنامه های درسی آن کاستی وجود دارد و بین آموزش زبان‌های خارجی به فرزندان و آموزش زبان عربی به نسل جوان فاصله‌ی زیادی وجود دارد. عدم اعتماد به فناوری های مدرن و شفافیت محتوای که محصلان درس را در یک فضای هیجان و اشتیاق فرا بگیرد.

لازم به ذکر است که منطق عصر به یک توسعه زبان شناختی جامع نیاز دارد که با بهره گیری از فناوری های مدرن در عصر اطلاعاتی که در سایه ی آن بسر می بریم، به آنهای که امکان دسترسی به درس زبان شناسی را به روش مدرن؛ ارایه می دهد که از شیوۀ زبان گفتاری آن می توانند شاگردان تقلید کنند. از این نتیجه می شود که درس زبان شناسی به صورت سیستماتیک و علمی آغاز می شود، علاوه بر جنبه های زیبایی شناختی زبان، و تأثیر مؤثر آنها در تصفیه وجدان واحساسات، در تمام سطوح اصوات، مورفولوژی، دستور زبان و معناشناسی نیز سرو کار دارد.

٦- اتخاذ روش های ارزیابی چندگانه:

هر کسی به روش‌های ارزیابی مورد استفاده برای بررسی عملکرد زبانی در پوهنتون‌های عربی ما نگاهی بیندازد، متوجه خواهد شد که آنها فقط مستوی اول دانش را در حفظ، یادآوری و بازیابی، سطح یاد شده را به معنای عام آن ارزیابی

۱- الدكتور محمود أحمد السيد- اللسانيات وتعليم اللغة- دار المعارف للطباعة والنشر- سوسة- تــونس ۱۹۹۸ ص۱۳۷.

می کنند. ودر مرحله دوم، به عنوان نتایج آزمون علاوه بر این استفاده‌ی بیش از حد و اسراف از استعمال روش‌های مُتممی که در برخی از پوهنتون‌های جهان عرب معمول بود، این مسئله را پشت سر گذاشتند ازین جهت آموزش زبان موفقیت آمیز و مؤثر تلقی نمی‌شود، مگر اینکه این عبارت در استفاده درک و بازنمایی بیان، وسپس بیان کلامی ونوشتاری، ودر خوانش زبانی جایگاه شایسته‌ی پیدا کند.

از این لحاظ لازم است که روش های ارزیابی که تمام سطوح دانش را با حفظ، به خاطر سپردن، درک، تجزیه و تحلیل، به کارگیری و ارزیابی اندازه می‌گیرند، قیاس کنیم، درین صورت این روش ها محدود به اندازه گیری بیشتر سمت نوشتاری زبان باقی نمی‌ماند، بلکه بیشتر به سمت شفاهی توجه می‌کند.

سوم: آموزش زبان عربی به عنوان یک شرط برای شامل شدن در پوهنتون

زبان عربی در پوهنتون‌های خلیج عرب به عنوان یک مضمون قابل نیاز تدریس می شود، و به عنوان معارف یک زبان ودانش رشته‌های پوهنتونی که به زبان انگلیسی تدریس می‌شود؛ نیست. اگر پوهنتون شیخ زاید در شهر ابوظبی – امارت متحده عربی را به عنوان یک الگو در نظر بگیریم[1]، توجه خواهیم داشت که در سمستر اول دو دوره وجود دارد، دوره اول برای محصلانی که کمتر از ٥٠٪ فیصد در آزمون جای گذاری را در دوره آمادگی به زبان عربی کسب کرده اند، ودوم: برای شاگردانی که آزمون ٥٠٪ فیصد را گذرانیده اند این یک دوره مفاهیم عربی است. در سمستر های دوم و سوم، محصلان تمدن اسلامی را می‌خوانند و در سمستر چهارم یک دوره اختیاری وجود دارد که اجباری نیست و شامل ادبیات سفر و شاهکارهای ادبیات عرب است.

هدف از دوره مفاهیم عربی در سمستر اول ارتقای مهارت‌های زبانی محصلان در نوشتن، خواندن و گفتار در چارچوب برخورد انتقادی با متن‌های منتخب از حوزه های مختلف دانش است. پس از اتمام این دوره، شاگردان می توانند توانایی های مختلف نوشتن را مانند: نوشتن وتعبیر یک سطر، دوجمله، و نوشتن یک مقاله

١ـ الدكتور صلاح الدين درواشة- تدريس اللغة العربية في مرحلة التعليم العالي- جامعة زايد نموذجاً- مرجع سابق.

پوهنتونی را داشته باشند درین صورت آنها می‌توانند خواندن انتقادی ومتن‌ها و سایه های خود را با استفاده از درک عمیق تر تمرین کنند، متونی که محصلان در خواندن با آنها تعامل دارند. متون عربی است که از زمینه های مختلف سطح دانش، قدیم ومعاصر، خلاقانه و پوهنتونی انتخاب شده است و شامل ژانرهای مختلف ادبی همانند: داستان، نمایش، شعر، مقاله؛ به عنوان الگوهایی برای آموزش مهارت های اساسی زبان و مهارت های نوشتن پژوهش های پوهنتونی است.

خواندن این متون انتخاب شده یک خوانش انتقادی است، زیرا نوع متن، زمینه دانش آن، ایده اصلی آن، معنای آن، انگیزه و احساساتی را که ایجاد می‌کند که واقعیت‌ها سبک نویسنده را از نظرات، دلایل نتایج و مشخص کردن ویژگی‌های کلی آن تعیین می‌کند.

در زمینه فعالیت‌های نوشتاری، بر مهارت‌های اساسی زبان (مورفولوژی، دستور زبان، املاء) و نحوه نوشتن جملات از انواع مختلف و پاراگراف نویسی از نظر ساختار آن تمرکز دارد: جمله اصلی آن، جزئیات آن، مثال ها، شواهد، براهین واستدلال هایی که از ویژگی ها وخصوصیات آن ناشی می‌شود. از نظر بیان مجدد بهتر خواهد بود استفاده از کلمات آشنا، فصیح به جای کلمات عجیب و غریب، وآزادی در تنظیم ایده‌ها و نوشتن مقاله، در حالی که به ایده‌های اصلی، فرعی و ضمنی پای‌بند هستید.

در آموزش مهارت مکالمه، استفاده از زبان ساده عربی متمرکز است و از واژگان مناسب برای موضوع، توانایی بیان روشن فکر، توالی منطقی در انتقال از یک ایده به ایده دیگر، تعادل عاطفی، وضوح لحن صدا، مخاطب و سرعت مناسب در نظر گرفتن. و عدم خواندن مقاله و عدم وجود حرکات منحرف کننده است.

فعالیت‌های آموزش مکالمه از نظر اجرای شفاهی، میزگرد، سخنرانی، بررسی کتاب و اظهار نظر درباره یک فیلم مستند بعد از مشاهده و تماشای آن متفاوت است.

معیارهایی برای ارزیابی ارایه شفاهی در آموزش مهارت گفتاری وجود دارد و این معیارها عبارتند از:

از نظر محتوا و تنظیم:

- صلاحیت ارایه ایده های موجود در متن،
- مستند سازی وپشتیبانی از ایده ها با منابع خارجی (کتاب ها، مجلات، انترنیت).
- انتقال منطقی از یک ایده به ایده دیگر.

از نظر زبان:

- استفاده از زبان معیاری و استاندارد.
- تنوع واژگان متناسب با موضوع ارایه.

از نظر ارایه:

- تماس چشمی با همه شرکت کنندگان و هیچ حرکتی نیست که باعث جلب توجه محصلان نشود.
- تسلط به گفتار، سرعت مناسب، لحن، مکث.
- اعتماد به حافظه و نه خواندن از روی یادداشت ها یا اسلایدها.

در فن آوری های اسلاید:

- تعداد و طرح اسلایدها مناسب و حرفه ی است: زبان صداست، اندازه قلم قابل خواندن است.
- تعداد خطوط موجود در اسلایدها مانند: کلمات مناسب است.

هیکل ارایه:

- مقدمه، محورها و نتیجه گیری برای ارایه وجود دارد.
- گشودن درب بحث و پاسخگویی به سوالات محصلان.
- معیارهای ارزیابی پانل های بحث در آموزش مهارت گفتاری عبارتند از:

محتوا:

- ایده ای که او ارایه می دهد را به وضوح ارایه دهید، نشان دهنده میزان درک آن است.

- با مشاهده برخی منابع خارجی از این ایده حمایت کنید.
- با اظهار نظر در مورد همکاران و مداخلات آنها ، پاسخ دادن و بحث در گفتگو مشارکت کنید.

زبان:

- استفاده از زبان استاندارد.
- انواع واژگان متناسب با موضوع بحث.

ارایه:

- برقراری ارتباط با نگاه کردن به محصلان، نخواندن از روی نت ها و وضوح صدا.

ادبیات گفتگو:

- تعهد به اخلاق گفتگو: گوش دادن، پاسخ دادن، اظهار نظر کردن، سوال کردن، قطع نه کردن کلام و احترام گذاشتن به نظرسخن دیگران.

سازمان دهی وتنظیم:

- وجود مقدمه‌ی که زمینه را برای موضوع هموار می‌کند، مضامین این قسمت را برجسته می‌کند و نتیجه‌ی که مهمترین نکات را خلاصه می‌کند.
- محورهای بحث را به طور حرفه‌ی بین صحبت کنندگان توزیع کنید و منطقاً از یک ایده به ایده دیگر بروید.

کار گروهی:

- آماده سازی خوب و پیشرفته توسط گروه، توزیع نقش ها و کارگردانی خوب.
- هماهنگی قبلی با معلم و اطلاع وی از مراحل آماده سازی.
- شروع بحث و پاسخ به سوالات مخاطبان.
- اگر ما به دوره زبان عربی در زمینه تخصص‌های محصلان "مدیریت تجارتی، آموزش، علوم انسانی، سیستم‌های اطلاعاتی، هنرها، علوم بهداشتی" برویم، متوجه می شویم که.

مهارت خواندن بر ویژگی‌های زیر ترکیز می کند:

- خواندن متون به زبان عربی در زمینه تخصص.

- مهارت های خواندن انتقادی را تمرین کنید.
- مهارت های تحقیق پوهنتونی را تمرین کنید.
- دستیابی به منابع مختلف به زبان عربی در زمینه تخصص (کتاب‌ها، مجلات تخصصی، ویب سایت های علمی و مراکز تحقیقاتی).
- اصطلاحات را در زمینه تخصص بدانید.

مهارت نوشتن بر ویژگی های زیر ترکیز می کند:

- تمرین نوشتن درفرهنگستان‌های عملی، با در نظر گرفتن تکنیک‌های نوشتاری که در شرح هر مهارت قید شده است.
- به کارگیری صحیح اطلاعات، و تکمیل مستندات آن.
- تکنیک های چاپ و قالب بندی را رعایت کنید.

مهارت گفتگو بر ویژگی های زیر ترکیز می کند:

- بیان به زبان عربی صوتی (فصیح و آسان) یک موضوع خاص در زمینه تخصص.
- استفاده از اصطلاحات و واژگان علمی متناسب با تخصص
- تبحر در مهارت های گفتاری، سرعت مناسب، لحن، مکث و ارتباط مخاطب.

در زمینه سلامت زبانی، موارد زیر را در نظر بگیرید:

- درست نویسی املای، نحوی وصرفی: ساخت جملات و ساختارها ، ایمنی املاء، دستور زبان و مورفولوژی.
- روش ها: انتخاب واژگان و روش های مناسب برای بیان ایده به روشی دقیق، روشن و صحیح.
- علایم نگارشی: از آنها در مکان های مناسب خود استفاده کنید.

چهارم: توصیه ها

سر انجام ارایه‌ی برخی از توصیه‌های که می‌تواند به پیشرفت آموزش زبان عربی به فرزندانش در سطح پوهنتون کمک کند را ارایه کنیم، توصیه‌های زیر است:

۱- ضرورت تعیین معیارها برای ارزیابی ارایه‌های زبانی در پروسه آموزش ویادگیری زبان عربی برای فرزندان آن در پوهنتون‌های عرب و برای افراد غیر عرب زبان، از حیث اهداف، محتوا، واژه ها، فعالیت ها، روش ها، شیوه ها و ارزیابی ها.

۲- ضرورت تنظیم معیار هایی برای سنجش عملکرد زبانی ومهارت های زبان، مشابه به آنچه در زبان انگلیسی دنبال می‌شود.

۳- تنوع در استفاده از روش های ارزیابی عینی وآزمون های معیاری در اندازه گیری عملکرد زبانی، در حالی که از آزمون های مقاله در اندازه گیری مهارت بیان غافل نیستید.

٤- توجه به آموزش مهارت‌های بالاتر ذهنی مانند: درک، تجزیه وتحلیل، تفسیر، اعمال ادبی، ارزیابی و بیان دیدگاه ها در پروسه آموزش.

٥- تمرکز بر مصلحت عملی واجتماعی در انتخاب محتوای دوره با توجه به تخصص‌های محصلان، برای تحریک انگیزه، ارضای علایق و رفع نیازها.

٦- توجه به خودآموزی که مبنای یادگیری مستمر مادام العمر، یادگیری مشارکتی و یادگیری متقابل است.

۷- دور ماندن از تعمق زبانی، سخت گیری، استثناآت، مشاجرات و تعابیر در پروسه‌ی یاد دهی- یادگیری.

۸- بهره‌مندی از میراث عربی در آموزش و یادگیری زبان عربی (رویکرد تلفیقی در آموزش زبان ، تمرکز بر الگوهای زبانی، شکل گیری مهارت های زبانی که منجر به عادت های زبانی می شود).

۹- ضرورت رشد فهم زبانی و افتخار زبان عربی در قلب فرزندان امت به عنوان یک زبان جهانی که به کاروان تمدن بشری کمک می‌کند و برای باز گردانیدن اعتماد به نفس آنها، ریشه کن کردن عقاید تحقیرآمیز و استکبار ستیزی از رویه‌ی آنها.

۱۰- مبادله تجارب در بین پوهنتون‌های عرب در آموزش زبان عربی به فرزندان آنها و همچنین به افراد غیر عربی.

فهرست منابع فصل پنجم

١ـ ابـن منظـور المـصري- لـسان العـرب- ج ٢٠ط -١المطبعـة الكـبرى الميريـة ببـولاق مصر ١٣٠٠هـ.

٢ـ الـدكتور صـلاح الـدين درواشـة- تـدريس اللغـة العربيـة في مرحلـة التعلـيم العـالي- جامعـة زايـد نموذجـا - ورشـة تعلـيم اللغـة العربيـة في الجامعـات العربيـة- جامعـة جورجتاون بقطر- الدوحة- نيسان ٢٠١١م.

٣ـ الـدكتور محمــود أحمــد الـسيد- تعلــيم اللغــة بـين الواقــع والطمــوح- دار طــلاس- دمشق ١٩٩٢م.

٤ـ الدكتور محمود أحمد السيّد- اللسانيات وتعليم اللغة- دار المعارف للطباعة والنشر- سوسة- تونس ١٩٩٨م.

٥ـ الـدكتور محمـود أحمـد الـسيد- في طرائـق تـدريس اللغـة العربيـة- جامعـة دمـشق -٢٠٠٨م.

٦ـ الدكتور مهدي العش- مفهـوم الكفـاءة اللغويـة واسـتخدامه في تعلـيم اللغـة العربيـة للناطقين بها وبغيرها وفي تقييمها- ورشـة »تـدريس اللغـة العربيـة لأبنائهـا- جامعـة جورجتاون- قطر- الدوحة ٢٠١١م.

٧- Encyclopedia la grande- Art: parole.

٨- Charles Hocket: The problem of universal in language (Cambridge, mass: mit press) ١٩٦٨.

فصل ششم
تدریس مضمون نحو در بین آسانی و سخت‌گیری

محتویات فصل:

نخست - مشکلات تدریس نحو

دوم ـ طرفداران وفادار به آموزش نحو

سوم ـ طرفدارن آسان گیری

چهارم- چراغی بر فراز راه

فصل ششم
تدریس مضمون نحو دربین آسانی وسخت‌گیری

در این فصل سعی می‌شود مشکلات فرا راه تدریس مضمون نحو[1] (دستور زبان) را شناسایی کنیم آنچه را که تندروها در در راستای آموزش آن تمسک می جویند و آنچه را که داعیان آسان گیری در راستای آموزش مضمون نحو مطرح می‌کنند و به برخی از نکات مهم تلاش‌های آسان گیران اشاره می‌کنیم تا در نهایت برخی از نقاط قوت را در زمینه بهبود واقعی آموزش آن ترسیم می‌کنیم.

نخست: مشکلات تدریس نحو

به هیچ شاخه‌ی از شاخه‌های زبان عربی در مرحله آموزش‌های عملی آنقدر توجه واهتمام نه شده است که به دستور زبان (قواعد نحو) توجه واهتمام شده است. در حالی‌که کنفرانس‌ها و سمپوزیوم هایی برگزار شده وکمیته‌هایی زیادی برای تحقیق در مورد آموزش نحو در مقاطع مختلف تحصیلی، چه در دوره پیش پوهنتونی یا در دوره تحصیلی پوهنتونی، برگذار شده است.

و اگر تعدادی از محققان براین عقیده باشند که زبان بر قواعد آن مقدم است و نسل‌های گذشته قبل از وضع قواعد زبان آن را فرا می گرفتند ویکی از وسایل آن اکتساب گوش دادن، تقلید از الگوها وقالب ها وساختارهای زبانی آن در فضایی از

۱- مضمون النحو العربي معنای معادل آن دستور زبان است. مترجم

زبانست، پس اگر شاگردان در فضای آن قرار گیرد، محیط زبانی بر شاگردان غالب می شود، از سلامت فضای زبانی متأثر می شود وآن زبان را فرا می گیرد، همانطور که اجداد عرب قدیم ما عادت داشتند، این کار را زمانی انجام دهند که فرزندان خود را به نجد در وسط جزیرة العرب می فرستادند، جایی که فضای صاف زبانی قائم بعید از آلودگی زبانی است.

این امر توسط روان شناسان زبان تأیید شده است که هدف آنها غوطه ور ساختن محصل در حمام زبانی است، طوری که معلمان فقط به زبان عربی فصیح صحبت کنند و زبان آموزان و یادگیرنده ها فقط به عربی فصیح گوش می‌دهند، مهم نیست که دان آموز چقدر قواعد زبان را حفظ دارد، پس آن بی نیاز از کاربر زبان عربی فصیح نیست، تا وقتی که زبان سالم را در موقعیت های زنده گفتگوی عربی (سخن گفتن، گوش دادن، خواندن و نوشتن) را تمرین نکرده باشد.

صاحبان این گرایش در آموزش زبان عربی به قواعد دستوری تکیه نمی کنند. وبرخی از آنها خواستار باطل کردن نقش إعراب وحرکت هستند، وهمچنان خواستار باطل ساختن نقش قواعد النحو، ساکن کردن اواخر کلام، واستاذ امین الخولی آرزو داشت: «تمام مکالمه عربی خالی از حرکات: رفع، نصب وجر باشدوحرکات برآن ظاهر نه شود». [1]

بلکه گروهی از محققان برین باورند که در فراگیری زبان نمی توان از آموزش دستور زبان بی نیاز بود واز آن صرف نظر کرد وهمه زبان ها قوانین و نظام دستوری خاص خود را دارند و زبان عربی نیز از جمله‌ی آن زبان هاست واز مشکلات زبانی مصؤن نیست و در عین حال برخی از آنها دریافتند که آموزش دستور زبان از یک طرف نیازمند کاهش مطالب دستوری است که یادگیرندگان جوان می‌آموزند و همچنین به روش‌هایی متفاوت از روش های قدیم در آموزش آن نیاز است. به فرض اگر این امر محقق شود در آموزش و فراگیری زبان کارآمد خواهد بود.

---

١ ـ أمين الخولي - هذا النحو! - مجلة كلية الآداب - نشر كلية الآداب بجامعة القاهرة يوليو ١٩٤٤ ص ٢٩ ـ ٦٨.

دوم: طرفداران وفادار به آموزش نحو

از آنجایی که هر زبان سیستم دستوری خاص خود را دارد، مردم این زبان وکسانی که مایل به یادگیری آن از معلمان غیر عرب هستند، باید این سیستم را بشناسند و تطبیق عملیه‌ی آموزش آن را در عملکرد زبانی، گفتاری، شنیداری، خواندن نوشتن بهتر تمرین کنند، تا بطور درست ومنظم آن را با افکار و مشاعر صحیح خود، احساسات ودر رؤیای خود به زبان سالم درك و فرا بگیرند، چون عملیه‌ی اعراب گذاری در زبان عربی جز بیان ووضوح نیست، چون کلمه اعراب مصدر فعل بوده ودر فرهنگ زبان به معنای بیان وآشکار می‌آید.

واعراب در زبان عربی جهت فهم معنی از اهمیت زیادی برخوردار است، و در میراث عرب ما احمد بن فارس درکتاب خود (الصاحبي في فقه اللغة) ذیل بخش (ذکر ما اختصت به العرب) به این مطلب اشاره کرده است: «از آنجا که چه بهتر آشکار است که اعراب در گفتگوی عربی، یگانه عملیه فرق گذاری در بین معنی ولفظ است که با آن خبر شناخته می‌شود ازین جهت اعراب مبدأ کلام است و بدون آن فاعل از مفعول جدا نمی شود و مضاف از موصوف، وتعجب از استفهام، و صدر کلام از مصدر ونه صفت از تاکید شناخته می شود»[1].

مسلم بن قتیبه اشاره می‌کند: «خداوند اعراب را نگهبان الفاظ زبان عربی و زینت نظام آن قرار داده و فرق گذار در برخی از حالت ها در بین دو کلام مشابه با معناهای مختلف قرار داده است همانند: فاعل و مفعول اگر حالات‌های شان مساوی باشد در ممکن بودن فعل، پس متمایز نمی شود مگر به اعراب، اگر کسی بگوید: «هذا قاتلٌ أخي» با تنوین، ودیگر بگوید: «هذا قاتلُ أخي» به اضافت، این جمله با تنوین معنای آن این می‌شود که قاتل نیست، وبا حذف تنوین معلوم می‌شود که قاتل آنست»[2].

۱ـ أحمـد بـن فـارس- الـصاحبي في فقـه اللغـة وسـنن العـرب في كلامهـا- تحقيـق الـدكتور مـصطفى الشويمي- مؤسسة أ. بدران- بيروت ١٩٦٤ص٥٧.

٢- ابن قتيبة- تأويل مشكل القرآن- شرح وتحقيق السيد أحمد صقر- دار إحياء الكتب العربيـة- عيـسى البابي الحلبي وشركاه- القاهرة ١٩٥٤ص١١.

ابن خلدون در مقدمه خود علم نحو را از مهم ترین علوم لسان دانسته است چنانکه می گوید: «ارکان علوم زبان چهار است: زبان و نحو و بیان و ادب، و از همه مهمتر ومقدمتر در میان آنها نحو است، زیرا مبدأ اهداف را به وسیله معناشناسی نشان می‌دهد، فاعل را از مفعول و مبتدا از خبر به وسیله آن شناخته می‌شود و اگر او نبود از مبدأ غافل می‌شد» سپس افزود: «علم نحو مهمتر از زبان است، زیرا در جهل او کلاً فهم معنا مختل می شود و زبان چنین نیست»[1].

و (احمد بن فارس)، (مسلم بن قتیبه)، (ابن خلدون) و دیگران، همانند عبد القاهر جرجانی در میراث قدیم ما، بر اهمیت نحو و اعراب در فهمیدن و فهمانیدن تأکید کرده، برخی از متفکران معاصر به تعقب مذهب ایشان رفتند واز جمله‌ی ایشان استاد عباس حس را می‌تواند نام برد که در کتاب خود (اللغة والنحو بین القدیم والحدیث) می نویسد: مقایسه‌ی ارزش نحو در علوم زبانی است برابر بر ارزش قانون اساسی در عصر حاضر است. علم نحو از ستون های اصلی علوم عربی وقانون عالی آنست. و او اصلی است که از آن کمک می‌جوید و روح آن الهام می گیرد و در مسائل بزرگ و فروع به آن مراجعه می‌شود وهیچ علمی همانند علم نحو آنقدر مستقل نیست نمی توان از کمک های آن مستغنی بود و یا غیر از او نور وهدایت زبانی جست»[2].

موضع گیری زبانی عباس حسن بسیار زیباست که در ادامه سخنانش از اهمیت نحو (که همزمان موقف سوال کننده وپاسخ دهند را به خود می‌گیرد) می پرسد: «این زبانی که ما وسیله‌ی معاشرت وتفاهم گفتاری ونوشتاری برای مستعرب ها قرار داده ایم، واز آن به عنوان یک وسیله سواری تحت خدمت برای آشکار سازی مشاعر درونی استفاده می کنیم، کی برای ما آماده کرده؟ وکی نخستین عرب جزیرۀ العرب را قادر بر انجام آن کرده بود؟ و کی در درون ما نظم و نثر آن را قرار داده؟ وکی زبان ما را در دوره های گوناگون تاریخ بطور درست وفصیح به ادای آن آزاد گذاشته

۱ـ ابن خلدون- مقدمة ابن خلدون- دار إحياء التراث العربي- بيروت ص۵۴۵.

۲ـ عباس حسن- اللغة والنحو بين القديم والحديث- دار المعارف بالقاهرة ۱۹۶۶ص ۶۰.

است؟ که ما زبان خود را در حدود مضبوط و درست می چرخانیم ومانند گزشتگان خود سخن می گویم، واگر گزشتگان چنین سرشتی داشتند ما هم بدان سرشتیم؟[۱]

پاسخ از خود پرسشگر می‌آید: «آن علم نحو است که وسیله مستعرب (عربی سازی) است، وذخیرگاه زبانی نیز است، ستون بلاغت نیز است، واز جمله ابزار مجتهد وشارع است، ودریچه‌ی برای همه علوم عربی و اسلامی است»[۲].

در واقع این نظریه به اهمیت حقیقی آموزش دستور زبان (نحو) است، در کسب مهارت های زبانی، در عملیه‌ی فهمیدن و فهمانیدن در هر یک از آنها محدود به زبان عربی نبود، بلکه در زبان های انگلیسی و فرانسوی نیز است. پس این زبان شناس امریکایی "چامسکی" براین نظر است که «نحو در زبان شناسی به منزله قلب در جسم انسان است، ما نمی توانیم زندگی هیچ انسانی را بدون قلب متصور باشیم»[۳].

در مقدمه‌ی کتاب (گرامر زبان فرانسه) که توسط استادان (رابرت و شازل) تالیف شده است، در ذیل تعلیق پیرامون نظر نویسنده فرانسوی (برناردان دوسان پیر) آمده است: «یقینا که ما زبان را به واسطه‌ی قواعد زبان فرا نه گرفته ایم همانند آن که راه رفتن را به شیوه‌ی قانون توازن فرا نه گرفته ایم». دیگر نویسندگان می گویند: «در واقع دانستن قوانین مهم نیست، بلکه مهم رعایت آنست، زیرا هرکه قوانین تعادل را زیر پا می گذارد، حرکت کرده می تواند، اما به ناچار می افتد و هر که قواعد نحو را زیر پا بگذارد سخن گفته می تواند، اما بد حرف می‌زند. چون نحو قواعد گفتار را نه می‌آفریند، بلکه آنها را کشف وساختار آن را صورت بندی می‌کند و با تلاش مجدانه توضیح می‌دهد و موهبه‌ی برای خلق استعداد نویسنده یا مؤلف خوب ندارد، پس موهبه چیزی است که کسی نمی تواند بفهمد مگر بدون علم نحو، چون

۱ـ المرجع السابق ص ٦٠.

۲ـ المرجع السابق ص ٦١.

۳ـ الدكتور محمود أحمد السيد-في طرائق تدريس اللغة العربية- مطبوعات جامعة دمشق ٢٠٠٨ص٩٦.

از امور متفق علیه اینست که سخن گفتن درست، صفت لازم برای هر نوشته‌ی خوب است»[۱].

در تاریخ عرب آمده است که ترس اعراب از اشتباه خواندن قرآن کریم چیزی است که آنان را بر آن داشت تا قوانین و معیارهایی را جهت صحیح خواندن آن، تنظیم کنند که بر اساس آن گفتار خود را کنترول نمایند و آنها این قوانین را از لابلای اشعار قدیم و قرآن کریم استنباط کردند، مگر این‌که تفاوت لهجه‌های عرب، دوران جاهلیت در شعر ونثری که جمع آوری شده آشکار ونمایان شد. این قواعد بر همه‌ی آنچه در زمینه زبان شناسی بود، بردیگران قابل تطبیق دانسته نه شد و روش‌های متعدد اعراب گذاری ایشان را حیران ساخت تا این که اختلافاتی پیش آمد و مدارس نحوی زیر پدیدار شد: «مدرسه کوفه، مدرسه بصره، مدرسه بغداد...وغیره».

در زمانی که طرفداران افراط گرایی به آموزش تمام مباحث نحوی متعهد بودند، تاویل ها زیاد شد و فریادهایی به گوش می رسید که ایشان خواستار تسهیل آموزش نحو، مطالب و روش آن بودند تا آنچه باعث سختی آن می شد از آن صرف نظر کرد، ویا هم از مباحث نحوی حذف شود. وآنان معتقد بودند که هیچ یک از آنها را نمی توان به بهانه‌ی این که همه‌ی آنها کاربردی هستند حذف کرد. و اگر از باب فراموشی انجام شده پس نمی توانیم مخالفت برخی از استادان پوهنحی دار العلوم قاهره و برخی از استادان پوهنتون الازهر را در پایان دهه شصت قرن گذشته (۱۹) به دور از هیچ مشکلی، فراموش کنیم؟.

این استادان معتقد بودند که در آموزش صرف و نحو، همه‌ی مباحث نحوی ضروری هستند ونمی توان از آن صرف نظر کرد و روشی که در آموزش باید رعایت شود، همان روش گذشتگان در ساحه‌ی تعلیم است.

سوم، طرفداران تسهیل

زبان شناس نحوی دکتور عباس حسن، با این موضع سخت گیرانه همراهان خود مخالفت کرد و خاطر نشان ساخت که این موضع گیری آنها باعث ضعف

۱ـ محمد سليم بركات- نظرات في تدريس القواعد النحوية- الدورة التدريبية للموجهين التربويين في الابتدائي- دمشق ۱۹۷۵ص ۱۰.

می‌شود، چنانچه می‌گوید: «مثال آنها همانند سخت‌گیرانی است که همانند ما در مقابل یکی از آنها، او را بعد از سپری کردن نا امیدی وانتظار زیاد ملاقات می‌کند، با بسیار دل سردی از آن محافظت می‌کند، از ترس آسیب آن را از آفتاب و هوا می پوشانید، آن را در تاقچه های آشپزخانه ها وکافه ها از ترس ضعف و پژمردگی نگاه میدارد. وآن در لباس های فراوانی می پیچد بخاطر احترام وعزت یا بخاطر مبالغه در نگهداری، پس از آنچه می ترسید که ضعف و تباهی را در پی دارد، در میان آن می شود»[1].

دکتور طه حسین در سخنرانی خود با عنوان "زبان فصیح و آموزش مردم" که در سال ۱۹۵٦ در پوهنتون سوریه ایراد کرد، توضیح داد که ما همچنان زبان عربی را در مدارس و مؤسسات خود تدریس می کنیم، همانطور که گذشتگان بیش از هزار سال، آن را آموزش می دادند. ما آن طوری آموزش می دهیم که مُبرّد واستاذ آن مازنی وپیروان ایشان در مساجد بصره آموزش می دادند، چنانچه سال‌ها پیش، کسایی و الفراء در مساجد کوفه یا مساجد بغداد تدریس می‌نمودند.

وی توضیح داد: تفاوت بسیاری در بین مذهب ابتدائی که در اعماق روستاها ایجاد کردیم با مسجد بصره یا مسجد کوفه یا مسجد بغداد، وجود دارد و تا زمانی که این علما به روش قدیم زندگی می کنند این تفاوت در بین قرن بیستم و قرن هشتم یا نهم بسیار زیاد است.

هیچ کس گمان نمی‌کند که طه حسین خواستار هجران روش قدیم است، بلکه خواهان توسعه آنست که می گوید: «...شما را اصلاً به هجران داشته‌های قدیم دعوت نمی‌کنم، شاید من از جمله شدیدترین مردم برای محافظت از تراث قدیم باشم به ویژه در ساحه ادبیات وزبان شناسی، لیکن چرا نحو قدیم، سبک نوشتار قدیمی و بلاغت قدیمی و همه‌ی این علوم عربی در عصری غیر از دورانی که ما در آن زندگی می‌کنیم تأسیس شده اند. چرا پیشرفته و رشد یافته نه باشد؟ قسمی که زبان شناسی پیشرفت کرده است، آثار قدیم را برای درس های تخصصی پوهنتون ها وآموزشگاه ها حفظ می کنیم، و برای میلیون ها نوجوان وجوانان، موادی فراهم

۱ـ عباس حسن- اللغة والنحو بين القديم والحديث- مرجع سابق ص٦٦ـ ٦٧.

می کنیم که آنان به آسانی و به زودی بیاموزند، شاید از میان آنها کسانی فارغ التحصیل شوند که بر ثروت قدیم بیفزاید وبیش از آن که ما آن را تحسین می کنیم به ارتقای آن بپردازد. و بیش از آنکه ما آن را احیا کنیم این میراث کهن را زنده کند؟[1]

کسانی هستند که فکر می‌کنند نحویّان می‌کوشند زبان فصیح را به آنچه در ابتدای قبل از اسلام و دوران بنی امیه بوده و حائل در بین آن و وصل رشد و پیشرفت و تنوع جامد رشد و توسعه واقع شود، وزبان عربی فصیح را از ثانیه های گرم زندگی دور کند، که درین مورد "مراد کامل" می نویسد: « ما در مقابل زبان منافقت و خدعه می کنیم وقتی که ما قدسی بودن تقلبی را از آن دور می کنیم، در مسیر کاروان پیشرفت از توسعه منجمد می‌کند و مانع راه‌اندازی آن می‌شود و وقتی آن را از نسلی به نسل‌های آینده انتقال و وضعیت متحجرانه‌اش را یاد می‌دهیم، به آنها هشدار می‌دهیم که از حد خود فراتر نروند، زیرا ما آنها را مجبور می‌کنیم به طور غیرمستقیم از آن فرار کنند. و آن را به زبان شان بسپارند که مستقیماً نیازهای شان را برآورده کند، وبا آنها نمی رویم، وآنان را به رفتن فرا نمی خوانیم »[2].

برخی از محققان برین عقیده اند که کتاب سیبویه، کتاب ابن جنی والفیه ابن مالك، صحت گفتار و درستی زبان را نمی آموزاند برای سیبویه آروز نمودند که در مقدمه‌ی خود کاش چنین نوشته بود: «من مرد دانایی هستم که فقط به فهم آنچه به من عرضه می‌شود توجه می‌کنم، و خلیل بن احمد فراهیدی نیز چنین بود، همه چیزها را به حساب پاسخ می‌داد، واتفاق می‌افتد که ما همه زبان خود را حوزه‌ی فکر کنیم که در آن تمایل علمی خود را نشان می‌دهیم و هدف این کتاب راهنمایی مردم به گفتار فصیح وشیوا نیست، بلکه هدف من شناخت نظام زبان شناسی است و از دوری خود با آن ها غافل نمی شوم که آن را توضیح می دهد، یا این که به تفاصیل آن تعمق کند و ابهامات آن را بیان نماید، مردم به وسیله‌ی آن به صحت گفتار هدایت می‌شوند و درك زبان را افزایش نمی دهد».

١ـ الدكتور طه حسين- اللغة الفصحى وتعليم الشعب- مجلة المجمع العلمي العربي بدمشق- الجزء الأول- المجلد الثاني والثلاثون -١٩٥٧ص٥٤.

٢ـ الدكتور مراد كامل في مقدمة كتاب-اللغة العربية كائن حي لجرجي زيدان- دار الهلال-القاهرة ص١٥.

ای کاش ابن جنی می‌گفت: «من پیش ازین که زبان شناس باشم فقط یک فیلسوف بودم وهدفم از این کتاب‌ها یافتن توضیحی برای قواعد زبان است که فیلسوفان یونان با همه علوم انجام می دادند، و نیست برای آنانی که می‌خواهند درستی نواحی زبان را درین تعلیلات بشناسند، اگرچنین می کنند هیچ فایده‌ی برای آنان نه دارد».

ای کاش مردم به ابن مالک می‌گفتند: «کتاب الفیه‌ی شما در زمینه‌ی نحو معماست واین کتاب بر توانایی های برتر شما در راستای بیان نظمی که ترتیب درستی نه دارد، دلالت می‌کند و هیچ سودی از آن جز این نیست که افسون ها را برای برخی از مردم وبعضی کسانی که این رنگ نویسندگی را وسوسه می کنند ممکن ساخته و آنها را شگفت زده بسازد بدون این که کسی صحت گفتار را از آن بیآموزد»[1].

تجدد گرایان بر آسان سازی مضمون نحو متمرکز شده اند، زیرا آموزش آن همانطور که گذشتگان ذکر کرده اند باعث مشکل در فهم می‌شود، چنانچه دکتور طه حسین از معلم نحو سوال کرد: وقتی می‌خواهید مضمون نحو را به شاگردان آموزش دهید پس این مثال را چه‌گونه به آنان را می فهمانید (قُرِئَ الکتابُ) بناء این فعل مجهول است و "کتاب " نائب فاعل است، چون که فاعل بخاطر عرض مهمی که در علم المعانی ذکر است حذف شده است، ودر علم نحو بجای آن مفعول مقدر و نائب فاعل قرار گرفته است. پس چگونه می خواهید یک شاگردان مصری، سوری یا عراقی که هنوز به سن دوازده سالگی نه رسیده است این کلمات را بفهمد؟ این چه فاعلی است که حذف شده است؟ این چه مفعولی است که به جای آن قرار گرفته است؟ این کدام مجهولی است که فعل برای آن ساخته شده است؟»[2].

دکتور طه حسین، اعراب تقدیری را که علمای نحو در اعراب به کار می برند به شدت مورد انتقاد قرار می دهد و نمونه ی از تقدیر آنها ارایه می‌دهد که می فرماید: «شما اگر می خواهید که مراد این قول الله متعال را شاگردان بفهمند: ﴿إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ﴾ ترجمه: «و

۱ـ الدکتور محمد کامل حسین- العربیة المعاصرة- دار المعارف بمصر- القاهرة۱۹۷۵.

۲ـ الدکتور طه حسین- اللغة الفصحی وتعلیم الشعب- مرجع سابق ص۴۹.

اگر یکی از مشرکان از تو پناه بخواهد. به او پناه دهید تا سخن خدا را بشنود» برای شاگرد گفتی: ﴿إِنْ أَحَدٌ﴾ در فرموده الله متعال: ﴿إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ﴾ احدٌ فاعل است برای فعل حذف شده وتقدیر آن اسْتَجَارَكَ است وتقدیر آیه کریمه: ﴿إِنْ اسْتَجَارَكَ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ﴾ است، پس شاگرد سوال می‌کند: این اسْتَجَارَكَ اول در کجاست واز کجا بیاوریم؟ وسبب تکرار دوبار فعل درین آیه چیست؟ وچرا به یک فعل اکتفا نه کنیم قسمی که قرآن کریم به یک فعل اکتفا کرده است؟ پس چه گونه جواب می دهید؟[1]

او این رویکرد را که نحویان در منهج خود برای اعراب، توجیه می‌کنند در آن تعلیل می کنند ونحویان قدیم در قواعد خود حرف «إنَّ» را از جمله‌ی حروف ناصبه شمرده اند که بجز فعل در چیزی دیگری عامل قرار نمی گیرد، و وقتی نمونه مثال های از قرآن کریم وکلام عرب داریم که «إنَّ» و سپس یک اسم، به آنچه نحویان گفته اند، چنین نه شده است ودر کلام عرب (نثری وشعری) چنین نه شده است. پس آنان خواستند قرآن کریم را پیروی قواعد خود ساخته‌ی خود کنند، وفلسفه‌ی ایشان نشان داد تا در نحو تصرف کنند، وتا توانستند برآن تحمیل کردند وتا توانستند با گفته های خود سنگینش کردند و نحویان معاصر هم بر مسیر ایشان رفتند.

در واقع احساس خشکی مضمون نحو ناشی از عصر حاضر نبوده است، زیرا این احساس مصادف با بسیاری از فرضیه ها، تقلیدها، گفتارها، تفاسیر و اختلاف نظرهای فراوان بین مدارس نحوی بوده است که برخی از آنها را به گلایه شکایت ها، ناهنجاری ها و مستثنیات برانگیخته است. پس این «دماذ» صاحب ابو عبیده به شیخ نحویان بصره: ابو عثمان بکر المازنی شکایت می‌کند آنچه از مشکلاتی که در فهم موضوع «واو المعیۀ» و «فاء السببیۀ» به آن برخورد می کند، آنچه بعد از هر دو می آید ب«أن» پنهانی منصوب بودن آن واجب است.

فراخوان‌های نظری و تلاش‌های عملی برای آسانی و تخفیف قواعد نحوی وجود داشت، پس جاحظ در یکی از نامه‌های خود خواستار محدود کردن آموزش موضوعات اساسی نحوی برای کودکان شد که منجر به صدمه زدن سلامت زبانی

١ـ المرجع السابق.

ایشان از نظر واژه‌های ناپسند وباعث جهالت مردم عوام می‌شود. مردم در کتابی که او نوشته و احساس کرده است بنا به تعبیر جاحظ شرح نحو پیچیده او در معاملات کار نمی کند و لازم نیست در چیزی به کار رود»[۱].

ابن مضاء القرطبی پس از آن که از کثرت فرضیات و تفاسیر نحویان نا امید شد، بر ضد آنها قیام کرد و گمان نمود که باید هر کاری را که انسان بدون دانستن تلفظ اعراب در زبان آنها می تواند انجام دهد، از نحو حذف شود. زیرا که «حالت های آخر کلام مانند حالت های ابتدای زبان ساده است و علم آنها نیازی به سختگیری و تفسیر وتوضیح بسیاری ندارد»[۲].

در مورد تلاش‌های عملی برای اکتفا به آموزش مباحث نحوی ابتدایی، برخی از آنها در عنوان از مقدمه‌ی بر نحو خلف بن حیان الاحمر بصری نوشتند و در کتاب نحو ابو جعفر النحاس «التفاحة في النحو» تجلی یافته است.»[۳] واین رسالة مشتمل است بر آنچه مقدمه‌ی بر موضوعات نحوی اساسی مشتمل است که شاگردان نیازمند آن می باشند تا اصلاح زبان شان از طریق آن درست شود ویا نوشتن و ارایه وشعر گفتن خود را درست کند ویا پیامی می نویسد درست بنویسد بر اساس تعبیری که پشت سر خود می نویسد.

پیرامون دوران معاصر نیز باید گفت که تلاش‌های متعددی برای تسهیل مباحث صورت گرفت که اکنون ذکر تمام آن مناسب نیست، اما به برخی از آنها اشاره می کنیم، نخستین تلاشی که جهت تسهیل مضمون نحو صورت گرفت تلاش‌های کمسیون آسان سازی دستور زبان عربی در دهه‌ی سی سده گذشته بوده است. بطور مثال: در زبان شناسی مبتدا، فاعل ونایب فاعل را در یک باب به نام «منسوب» و لغو عامل ضمیر پنهان بطور جایزی و واجبی لغو قرار داده است.[٤]

۱ـ الدکتور محمود السید- في الأداء اللغوي- وزارة الثقافة السورية- دمشق ۲۰۰۵ص۱۷٤.

۲ـ ابن مضاء القرطبي- الرد على النحاة- مطبعة لجنة التأليف والترجمة والنشر- القاهرة۱۹٤۷.

۳ ـ أبو جعفر النحاس النحوي- التفاحة في النحو- تحقيق كوركيس عواد- المجمع العلمي العراقي بغداد۱۹٦٦.

٤ـ وزارة المعارف المصرية- تقرير لجنة تيسير قواعد اللغة العربية -۱۹۳۸ص۱(مكتبة وزارة التربية والتعليم بمصر- علوم عربية نحو رقم ۲۱٦).

این تلاش در دهه پنجاه قرن گذشته در کنفرانس بازرسان زبان عربی - قاهره در سال ١٩٥٧م انجام شد و حاضران دریافتند که تمام گفتار عربی از جمله ها، متمم ها و سبک ها تشکیل شده است و هر جمله دارای دو رکن اساسی است. که عبارتند از مسند ومسند إلیه. اما متمم جمله؛ کلمه‌ی است که به معنای جمله اصلی مفهوم می افزاید که آن را کامل می کند، واما روش ها؛ تعبیرات ویژه‌ی هستند که اعراب سخن گفتن وبه همان شکل به ما رسیده است، به همان شکل حفظ، مقایسه واستعمال می کنیم.

با توجه به مباحث دستور زبان که گذشته وبر اساس روش های گوناگون معنی که در پیرامون آن می چرخد، هر آنچه که مربوط به معنای واحد قواعد دستوری باشد در یک فصل به نام «سبک شناسی» طبقه بندی می شود وبه همین ترتیب: اسلوب یک‌پارچگی نفی؛ اطلاق بر حرف نفی وفعل نفی واسم نفی می شود، ودر برگیرنده‌ی نفی در زمان گذشته، حال وآینده نیز است، چون هر چه اثر قابل نفوذ ناشی از ابزار باشد[1].

این تلاش ها در زمان اتحاد کشورهای سوریه و مصر در سال ١٩٥٨م عملاً به برنامه‌های درسی آموزشی راه پیدا کرد، تا جایی که اصطلاحات نحوی از میدان عمل دور شد، همچون: «فاعل، نایب فاعل، مبتداء» به اصطلاح «مسند الیه» اعتماد صورت گرفت، وبه جای اصطلاح فعل و خبر «مسند»، مورد اعتماد و کاربرد واقع شد.

پس از جدایی سوریه و مصر در اوایل دهه‌ی شصت قرن گذشته، این کاربرد معکوس شد و سوریه به استفاده از اصطلاحات «فاعل، مبتدا، نایب فاعل وخبر» مبادرت ورزید بر نحوی که قبل از وحدت رایج بود.

تلاش برای تسهیل نحو پس از آن تاریخ متوقف نه شد. در دهه هفتاد قرن گذشته، اتحادیه زبان‌شناسی علمی عرب نظارت بر کنفرانس «تسیر تعلیم اللغة

١ـــ الاتجاهات الحديثة في النحو العربي(مجموعة المحاضرات التي ألقيت في مؤتمر مفتشي اللغة العربية بالمرحلة الإعدادية) يونيو -١٩٥٧مطبعة دار المعارف بمصر- القاهرة١٩٥٨.

العربیة» را که در سال ۱۹۷٦ در الجزایر برگزار شد، بر عهده داشت. این کنفرانس با توصیه‌هایی با هدف تسهیل دستور زبان به پایان رسید:

از جمله این توصیه ها:

۱- پیوند علم نحو و مفهوم معناشناسی و دانش درک معنایی.

۲- استخراج شواهد و مصادیق از قرآن و حدیث و متون ادبی کهن و جدید.

۳- محدود کردن مباحث نحوی به آنچه شاگردان در زندگی خود تا حد امکان استفاده می‌کنند.

٤- حفظ عبارات اختیاری و محلی بدون توجیه و در نظر گرفتن توانایی شاگردان در انتخاب قواعد دستور زبان.

٥- بررسی برخی از ساختارهای نحوی، کاوشی که معانی آنها را تعیین می‌کند و پایان آنها را کنترول می‌نماید، بدون مواجهه با عبارات مفصل آنها مانند: صیغه های قسم، تعجب، انذار، وسوسه، انکار، تأیید، تفضیل و مانند آن.

٦ –کنار گذاشتن مطالعه آن قواعد نحو (دستور زبان) که در موارد شاذ ونادر می باشد، مانند: تنازع و اشتغال استفاده می شود.

۷- مواظب بود تا اصطلاحات نحوی را که قبلاً شناخته شده بودید، مانند: فاعل، مفعول، مبتداء و خبر بر ن اعتماد شود، زیرا بیش از اصطلاحات پیشنهادی، گویای معانی آنهاست.

۸ - اصیل شمردن تمام علامه های اعراب بدون تمایز در بین اصلی و فرعی آن.

۹- توجه واهتمام به گفتگوی عربی و بررسی همه جانبه اصوات.

۱۰- محدود کردن آسان گیری در قواعد به مرحله آموزش عمومی.

۱۱- گزیده از درس ها در کتاب های نحو (دستور زبان) ضمیمه شود تا شاگردان به استفاده از روش های مختلف مانند: اسالیب تعجب، نفی، تاکید و تفضیل آموزش یابند.

۱۲-گنجاندن برخی از مسائل صرفی همراه مسائل نحوی با در نظر گرفتن رابطه در بین آنها، چون اوزان فعل بطور بهتر بررسی می شود ومعلوم می شود که در هنگام انتساب ضمایر در یک فعل چه اتفاقی می افتد.[۱]

لازم به ذکر است که فرهنگستان زبان عربی در دمشق یادداشتی را به سمپوزیوم پیرامون تسهیل آموزش زبان عربی در الجزایر ارایه کرده بود که در آن آمده است: «رویکرد عربی ما برای زمانی تنظیم شد که نتوانستیم مطالعه و تسلط بر آن ایجاد گرامر یک ساختار منسجم، قوی و فشرده را ترتیب دهیم. اما قدم زدن در مسیرهای آن فقط برای عده کمی ممکن است و ما فقط به نیمی از قوانین آن نیامندیم که دست ما را بگیرد تا متون قدیم و جدید را بخوانیم، خواندنی درست که به درک معنای آنها کمک کند. و نیازی به فراگیری قواعدی که شاگردان در خواندن به آن نیاز ندارند، نباشد تا نصوص قدیم و جدید و یا تلقین رهنمودها به آنها توسط استادان رهنمایی می شود».[۲]

تلاشی که پروفسور دکتور شوقی ضیف در دهه‌ی هشتاد قرن گذشته انجام داد، در کنفرانسی که توسط سازمان عربی آموزش، فرهنگ و علم در پوهنتون اسلامی امام محمد بن سعود در ریاض برگزار شد، با مخالفت شدید روبرو گردید.

هجده فصل از فصل‌های نحو حذف و فصل‌های پیشنهادی برای حذف عبارتند از: فصل کاد وأخواتها، فصل ظن وأخواتها، فصل أعلم وأخواتها، فصل التنازع، فصل الاشتغال، فصل الصفة المشبهة، فصل اسم التفضيل، فصل التعجب، فصل أفعال المدح والذم، كنايات العدد، الاختصاص(ودر فصل التمييز به اعراب این شش صیغه اکتفاء شده است)، باب التحذير-الإغراء-الترقيم-الاستغاثة- الندبة است.

از بین بردن اعراب های تقدیری و محلی: در جمله «هذا زيد» به اعراب رفع اکتفا شود، طوری که می گوییم: «هذا» مبتدا است و نیازی به گفتن این نیست که بگوییم «هذا» اسم اشاره مبنی بر ساکن در جای رفع جای نشین مبتدا است.

۱ـ اتحاد المجامع اللغوية العلمية العربية- سجل ندوة الجزائر -١٩٧٦تيسير تعليم اللغة العربية-القاهرة ١٩٧٧.

۲ـ المرجع السابق ص١.

وهمچنان خواستار لغو تقدیر مربوط به ظرف و جار و مجرور شد وکنار گذاشتن عمل «إنّ» مصدری در فعل مضارع که بصورت تقدیر و پنهانی، پس از فاء السببية حرف واو المعية آورده می شود، وهمچنان خواستار غلو علامه‌های فرعی در اعراب نیز شدند.

اعراب گذاری جهت درست تلفظ نمودن: خواستار لغو اعراب «لاسیما»، و برخی از حروف استثناء، و«کم» خبریه واستفهامیه وحروف شرط اسمی و لغو اعراب گذاری «أن المخففة» از «أنّ الثقيلة» و«كأن المخففة» شدند.

وضع محدودیت جهت تعاریف دقیق برای برخی از ابواب نحو که قادر به یک تعریف صحیح نبودند، همانطوری که در مفعول مطلق، مفعول معه و حال مورد ذکر است.

حذف بسیاری از موضوعات اضافی مانند: حذف شرط‌های اشتقاق اسم تفضیل، شرط‌های فعل تعجب، قوانین اسم آله، شرط‌های صیغه های تصغیر وقوانین پیچیده‌ی آن، و حذف قوانین پیچیده‌ی اسم نَسَب.

اضافات متفرقه، مانند قواعدی که برای تلفظ صحیح کلمات عربی و حروف آن لازم است که آن قواعد از علم تجوید به استعاره گرفته شده است تا نو آموزان از صفات برخی حروف‌ها، حرکت‌ها، و موضوع لین و تشدید، و تنوین، ومدّ، و همزه‌ی قطع و وصل، و ادغام برخی حروف‌ها، و ابدال، آشنا شوند.

قسمی که فصلی از حروف زایده از حروف اضافه، ممنوع من الصرف، وباب ذکر و حذف برخی از عناصر جمله، و باب تقدیم و تأخیر در آنها، واقسام جمله... وغیره اضافه شده است. (۱)

شایان ذکر است که دعوت هر دو سمپوزیوم برای تسهیل آموزش زبان عربی و دکتور شوقی ضیف، در راستای تجدید صرف و نحو، هیچ یک از آنها اتکای به برنامه‌های درسی آموزشی در سطح منطقه نداشتند و همچنان تلاش‌هایی که برای تسهیل نحو عربی انجام شد، دیده می‌شود که اثر تسهیل عربی محدود است. برخی بدین نظرند: «تلاش‌های که در راستای تسهیل نحو عربی انجام شده است، در

۱ـ الدكتور شوقي ضيف- تجديد النحو- دار المعارف- القاهرة ۱۹۸۲م.

راستای تسهیل عربی در مفردات کتاب‌های درسی، چیز جدیدی معرفی نه کرده و کاری نه کرده است. انتظار می رفت، قوت و تازگی خود را به درس نحو باز گرداند، اما چیزی را اصلاح و روشی را مشخص نه کرد و جز اصلاح در ظاهر و ظرافت خروجی چیز جدیدی به ارمغان نمی‌آورد. و قواعد به همان قسم باقی ماند، اما در مورد موضوعات طوری باقی ماند ما آنها را به ارث بردیم، حتی در تغییر نمونه ها سهم کمی از نوآوری را تحت تأثیر آنها قرار نه گرفت».[1]

و امور به همان حالت باقی ماند، و در زمینه آموزش نحو سردرگمی و سراسیمگی در بین کسانی که به تدریس آن به روش دوران قدیم وگذشته، پایبند بودند؛ ایجاد کرد، و نیاز به تسهیل و آسان سازی در مطالب نحوی بود، در روشی که قبلاً وجود داشت، باید پیرامون موضوع مورد بحث دیدگاهی را بیان می‌شد و این همان چیزی است که در سطور بعدی بدان می پردازیم.

١ـ مهدي المخزومي- في النحو العربي- منشورات المكتبة العصرية (صيدا- بيروت)١٩٦٤ص٤٤.

چهارم، چراغی بر فراز راه

اکنون که با برخی از اتفاقات در زمینه آسان گیری موضوعات نحو آشنا شده ایم، می بینیم که مشعل هایی وجود دارند که ما را در زمینه آموزش نحو، می توانند راهنمایی کنند. می توان آنها را به شرح زیر خلاصه کرد:

۱ - قواعد نحو به مشکلات ذاتی ندارد، زیرا همه زبانها قوانین، اصول و مقررات خاص خود را دارند و زبان عربی در زمینه‌ی آوایی ناهماهنگ نیست و فرزندان امت عرب قوانین ریاضی و فیزیک و کیمیا را فرا می گیرند و آن را به درستی تطبیق می کنند. «گمان برده نمی شود که در قواعد نحو عربی آسان تر از موضوعات فعل، و فاعل و مفعول سراغ شود، چون فرآیند حسابی در فواید ساده و مرکب ممکن است پیچیده تر از ضوابط مبتدا وخبر، واضافت، واستثنا باشد، و با این کار در می یابیم که شاگردان مسائل حسابی را حل می کند و پس از گذرانیدن مرحله‌ی متوسطه می تواند جمله‌ی از فعل وفعال، مبتدا وخبر را به صورت صحیح و درست بخواند».[1] اگر ما روش درست وسالم مباحث نحوی را برای معلمان ومدرسین شناسانیده باشیم، که با انگیزه و نیازهای ایشان هم خوانی داشته باشد و وظیفه معلمان برای ایجاد انگیزه و برانگیختن آنها در این نیازها واضح باشد، چنان که سایر موضوعات علمی را تمثیل می کند با وجود در نظر گرفتن نیازمندی ایشان و موانع و چالش‌های که در مسیر راه ایشان است. وظیفه‌ی معلمان است موانع را بردارند و عرضه را مطابق نیاز تنظیم کنند، واما شانه خالی کردن از تدریس نحو به بهانه‌ی این که نحو زبان نمی آموزاند، امر غریب وبعید است.

۲ - اهداف تعیین شده برای آموزش صرف و نحو در ذهن کسانی که زبان عربی را آموزش می‌دهند از نظر دور شدن از دیدگاه قواعد نحوی به عنوان یک هدف، بلکه به عنوان وسیله‌ی برای صحت سبک و سالم سازی ترکیب ها، وبرابر سازی قلم و زبان از کجی واشتباه، وکمک کردن شاگردان بر فهم آنچه می‌شنود ودرست خواندن، درست فهمیدن، درست نوشتن، درست تعبیر کردن به صورت

۱ـــ الدکتورة عائشة عبد الرحمن «بنت الـــشاطئ»- لغتنـــا والحيـــاة- دار المعـــارف بمـــصر- القـــاهرة ۱۹۷۱ص۱۹٦.

شفاهی و چه به صورت نوشتاری، و یاد دهی برای نو آموزان قضاوت صحیح، دقت مشاهده، تیزکردن ذهن ایشان بر تفکر منظم، تلقین برخی مفاهیم و کار بر روی شکل‌گیری گرایش‌ها از طریق روش‌ها و متونی که با آن‌ها تعامل دارند، به منظور دستیابی به وحدت زبان و کمک برای شکل‌گیری شخصیت ایشان، انجام شود.

تا زمانی که قواعد هدف نیستند، نه باید برای یادگیری تاویل‌ها، تقدیرها، واستثنائات تلاش کرد، چون می‌توان از خواندن متون درس بگیرید نه قضاوت بیاموزند، زیرا زبان از قواعد خود قدیمی تر و از فرهنگ لغت خودگسترده تر است. پدیده طبیعی و سیستم آن ساده و پیچیده است اما نشان نمی دهد که قواعد پیچیده و بی عارضه است و هرگز زبان از گویندگان آن پیشرو نبوده است، چون پیچیدگی وسختی قواعد نخستین فایده آن را که هدایت گوینده بر مسیر درست است؛ از دست می دهد. بنابر ین قواعد به محدودیت ها و موانعی تبدیل می‌شود که گویندگان را با شکست مواجه می‌کند و در نتیجه مانع از روان شدن بیان آن می‌شود.

۳- آسان گیری در آموزش نحو یک کار خوب است و تسهیل در تمرکز بر موضوعات مضمون ذکر شده، طبق مباحث نحو کاربردی که در زندگی به شیوه نویسندگان جدید و قدیم استفاده می شود و کثرت آن ها زیاد جلوه می کند. و بر روی تحقیقاتی که مورد استفاده محققین نوظهور و برخی دیگر نیز می باشد. معیار کارکردی در مباحث نحوی پخش شونده ودوام‌دار است، آنچه مکرر استفاده می شود کاربردی تلقی می شود و آنچه به ندرت استفاده می شود به متخصصان واگذار می شود و در برنامه های درسی آموزش عمومی به آن توجه نمی شود. در این راستا می توان به مطالعه انجام شده توسط سازمان عربی آموزش، فرهنگ و علم با عنوان «تازه وپیشرفته سازی برنامه های درسی آموزش مبانی نحو و روش های بتعبیر در مراحل آموزش عمومی در جهان عرب» اشاره کرد. [۱]

٤- آسان گیری در روش‌های آموزش نحو یک کار خوب دیگر است، و این امر در کار ارایه‌ی برخی مهارت‌های نحوی به جوانان در کودکستان و حلقه‌ی اول آموزش مقدماتی با همسان‌سازی قالب‌ها، ساختارها و بدون استفاده از الگوهای

---

۱ - الدكتور محمود أحمد السيد- تطوير مناهج تعليم القواعد النحوية وأساليب التعبير في مراحل التعليم العام في الوطن العربي- المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم- تونس- ۱۹۸۷.

زبانی، آشکار می‌شود. با وجود عدم ارایه اصطلاحات، همانند آموزش مطابقت در استفاده از اسم اشاره، اسم موصول، ضمیر، حالت مفرد، حالت تثنیه، و حالت جمع، مذکر و مؤنث، آموزش انتساب افعال به ضمایر و موقعیت های استفهامی آن وغیره.

و در حلقه‌ی دوم مرحله آموزش مقدماتی، اصطلاحات زبانی نحوی که برای جوانان نام آن نا آشناست معرفی می‌شود، سپس به مراحل بعدی می‌رویم و سعی می‌شود کارکردهای آنها و فرآیندهای ذهنی مرتبط به آن را درک کنند.

۵- تسهیل مستلزم گذار از مرحله آموزش زبان بطور نا شعوری به شعور و احساس است واز عدم درک به کنه درک رسیدن نیز است: ناگفته نماند که کودك هنگام ورود به مدرسه تعادل زبانی دارد که با تقلید از اطرافیان به دست آورده بود. و کودك از الگوهای زبان اطراف خود به صورت بزرگ و ناخودآگاه استفاده می کند که با او در تعامل است. در فرآیند آموزشی، نقطه شروع تعادل زبانی کودك است، مشروط بر اینکه از مرحله گذار ناخودآگاه به احساس وشکیبایی، کندی و دقت مشخص شود، زیرا به کودك اطلاع می دهد که آنچه را که استفاده می‌کند برخی از عربی فصیح است. اصلاح جزئی اعتماد به نفس خود را القا می کند و منجر به دستیابی سریع او به الگوهای زبانی جدید می‌شود.

شایان ذکر است که «گذر از ناخودآگاه به خود آگاه و احساس و از عدم درک به درک نخستین گام در شکل‌گیری ساختارهای زبانی است و گام دوم عبور از محسوس به کار های نا محسوس است».[1]

راه طبیعی برای یادگیری زبان مادری، رعایت فورمول ها و الگوهایی است که کودکان به صورت خودجوش و بدون تظاهر وتکلف به زبان می آورند. از طریق راهنمایی هوشمندانه معلم، به طور دیداری، و نظارت و گذار از عدم درک به آگاهی منتهی می‌شود، تا جایی که نقش واژه ها را در ساختارها، بیانگر فورمول ها و کارکردهای ذهنی به آنها نشان می دهد، مشروط بر این‌که این شفاف سازی ناشی از تلاش خود شاگردان و سپس علاقه و اشتیاق ایشان باشد.

۱ـ الدكتور محمود أحمد السيد- شؤون لغوية- دار الفكر بدمشق-۱۹۸۸.

نیاز است که قبل از قواعد زبان، الگوهای زبان، ساختارها، اشکال گوناگون و قالب‌های مختلف آن را بشناسند، به شرطی که آن قالب‌ها، فورمول‌ها و الگوها همان باشند که تغییراتی در برخی از آن ها استفاده می کنند، اما در برخی دیگر استفاده نه می‌کنند.

اگر از این روش برای یادگیری زبان مادری استفاده شود، فاصله ی که زبان آموز هنگام یادگیری زبان خود احساس می کند برطرف می شود پس با دل راضی به آموزش آن مبادرت می ورزد.

٦- تسهیل وآسان سازی در دور شدن از تقعر و واژگون شدن سخت‌گیری در آموزش زبان نیز نمایان است: معلم نقش بزرگی در جذب جوانان و عشق‌ورزی ایشان به زبان یا بیزاری آنها از آن دارد. اگر روش آموزش آن بصورت طبیعی، مرغوب، وشایسته‌ی مضمون زبان شناسی باشد وهم فراهم کننده‌ی نیاز، آرزوها وهماهنگ با ابزاری توجه افزا ورغبت آور باشد، در راستای تعبیر گشایش داشت و وضاحت معنی را تمثیل می‌کرد درین صورت شاگردان به دروس آموزش زبان جذب می‌کند. واگر میلان بطرف تقعر و واژگونی در کاربرد کلمات غریب وصیغه ها وقالب ها داشته باشد، لازم است از ناهنجاری در قوانین و استثنائات بپرهیزیم و اجازه دهیم فرزندانمان احساس کنند زبانی که در بیان نیازها و احتیاجات و علایق خود صحبت می کنند و استفاده می کنند بیشتر زبان فصیح است. از نگاه تحقیرآمیز شیوه‌های مورد استفاده شاگردان دور شوید، زیرا این امر باعث دلسردی آنها و فرونشاندن اشتیاق آنها می شود، مشروط بر اینکه با مهربانی و شکیبایی در تمام این روش ها به طبع فصاحت آغشته کنیم.

۷- دقت در تمرینات علاجی و در تمریناتی که در کتاب‌های درسی موجوداست، وبر ایرادات روش‌های جدید، به ویژه روش‌هایی که به صورت فصیح در زبان عامیانه درز کرده است، مانند: اسناد فعل معتل به ضمایر، وفعل امر معتل در میانی، استخدام فعل مفرد در مقابل فاعل تثنیه و جمع، مؤنث ومذکر سازی فعل، وفعل‌های پنجگانه در حالت رفع، نصب وجزم، وانتساب فعل به نون النسوة... وغیره.

این تمرکز در مورد اسم صریح مفرد، تثنیه، و جمع و در حالت های رفع، نصب وجر آسان می باشد، در مباحثی که شامل اسم صریح می شود، مانند: فاعل، نایب فاعل، مبتدا و خبر، اسم إنّ و خبر آن، اسم کان و خبر آن، مجرور به حرف جر، ومضاف إلیه، مفعول به، و حال، نعت، و بدل، و تاکید، و معطوف، و نام‌های پنجگانه... وغیره، اعمال می شود.

مثلاً در مبحث مفعول به موارد اسم صریح توجه می کند، از حیث این‌که نصب آن به فتحه در حالت مفرد یا جمع تکسیر می آید، نصب آن به کسره به عوض فتحه در حالت جمع مؤنث سالم می آید، و نصب آن به حرف الف در حالت اسماء پنجگانه می‌آید، و نصب آن به حرف یاء در حالت‌های تثنیه و جمع مذکر سالم می‌آید.

توفیق دهنده الله است

فهرست منابع فصل ششم

١ـ ابن خلدون ـ مقدمة ابن خلدون ـ دارإحياء التراث العربى ـ بيروت ـ د.ت.

٢ـ ابن قتيبة ـ تأويل مشكل القرآن ـ شرح تحقيق السيد أحمدصقرـ دار إحياء الكتب العربية ـ عسى البابي الحلبي وشركاه ـ القاهرة ١٩٥٤م.

٣ـ ابن مضاء القرطبي ـ الردعلى النحاة ـ مطبعة لجنة التأليف والترجمة والنشر ـ القاهرة١٩٤٧.

٤ـ أبوجعفرالنحاس النحوي ـ التفاحة فى النحوـ تحقيق كوركيس عواد ـ المجمع العلمي العراقي ـ بغداد١٩٦٦م.

٥ـ أحمد بن فارس ـ الصاحبي فى فقه اللغة وسنن العربية فى كلامهاـ تحقيق الدكتورمصطفى الشويمي ـ مؤسسة أ. بدران ـ بيروت ١٩٦٤م.

٦ـ الاتجاهات الحديثة فى النحوالعربى (مجموعة المحاضرات التي ألقيت فى مؤتمرمفتشي اللغة العربية بالمرحلة الإعدادية) يونيو١٩٥٧ ـ مطبعة دارالمعارف بمصر ـ القاهرة١٩٧٧م.

٧ـ اتحادالمجامع اللغوية العلمية العربية ـ سجل ندوة الجزائر١٩٧٦ـ ندوة تيسير تعليم اللغة العربية ـ القاهرة ١٩٧٧م.

٨ـ أمين الخولي ـ هذا النحو! ـ مجلة كلية الآداب ـ نشركلية الآداب بمجامعة القاهرة، يوليو١٩٤٤م.

٩ـ خلف بن حيان الأحمرالبصري ـ مقدمة فى النحوـ طبعة مديرية إحياء التراث القديم بوزارة الثقافة السورية ـ دمشق ١٩٦١م.

١٠ـ الدكتورشوقي ضعيف ـ تجديدالنحوـ دارالمعارف ـ القاهرة١٩٨٢م.

١١ـ الدكتور طه حسين- اللغة الفصحى وتعليم الشعب- مجلة المجمع العلمي العربي بدمشق- الجزء الأول- المجلد الثاني والثلاثون-١٩٥٧م.

١٢ـ الدكتورة عائشة عبد الرحمن «بنت الشاطئ»- لغتنا والحياة- دار المعارف بمصر- القاهرة١٩٧١م.

١٣ـ الدكتور عباس حسن- اللغة والنحو بين القديم والحديث- دار المعارف بمصر- القاهرة١٩٦٦م.

۱۴ـ محمد سليم بركات- نظرات في تدريس القواعد النحوية- الدورة التدريبيةللموجهين التربويين في الابتدائي- دمشق۱۹۷۵م.
۱۵ـ الدكتور مراد كامل في مقدمة كتاب- اللغة العربية كائن حي لجرجي زيدان- دارالهلال- القاهرة.
۱۶ـ الدكتور محمد كامل حسين- العربية المعاصرة- دار المعارف بمصر- القاهرة۱۹۷۵م.
۱۷ـ الدكتور محمود أحمد السيد- تطوير مناهج تعليم القواعد النحوية وأساليب التعبير في مراحل التعليم العام في الوطن العربي- المنظمة العربية للتربية والثقافة والعلوم- تونس-۱۹۸۷م.
۱۸ـ الدكتور محمود أحمد السيد- شؤون لغوية- دار الفكر بدمشق-دمشق۱۹۸۹م.
۱۹ـ الدكتور محمود أحمد السيّد- في الأداء اللغوي- وزارة الثقافة السورية- دمشق۲۰۰۵م.
۲۰ـ الدكتور محمود أحمد السيّد- في طرائق تدريس اللغة العربية –منشورات جامعةدمشق-۲۰۰۸م.
۲۱ـ الدكتور مهدي المخزومي- في النحو العربي- منشورات المكتبة العصرية (صيدا-بيروت)۱۹٦٤م.
۲۲ـ وزارة المعارف المصرية- تقرير لجنة تيسير قواعد اللغة العربية- القاهرة-۱۹۳۸م.

فصل هفتم
شیوه‌های تطبیقی در آموزش دستور زبان

مطالب این فصل:

اول، وظایف زبان

دیدگاه هالیدای پیرامون زبان

دیدگاه سیپوک پیرامون زبان

دوم، موقعیت در حوزه زبانی و آموزشی

سوم: کارکرد آموزش دستور زبان

فصل هفتم
شیوه‌های تطبیقی در آموزش دستور زبان

در این فصل سعی ما بر اینست که با شیوه های تطبیقی زبان به طور کلی آشنا شویم و سپس بر شیوه‌های کارکردی زبان در حوزه‌ی آموزش وتربیه‌ی زبانی وروش‌های تطبیقی در آموزش نحو بپردازیم.

اول، وظایف زبان

کسانی هستند که وظایف زبان را در سه کارکرد تفکر، برقراری ارتباط، تعبیر وبیان محدود کرده اند. چون زبان وسیله‌ی است که هر فرد برای کنترول محیط خود از آن استفاده می‌کند، زیرا همین زبان وسیله‌ی بیان تفکر داشته‌های اوست و از طریق آن احساسات، عواطف و افکار خود را بیان ونیازهای خود را برآورده می‌سازد، وبوسیله‌ی آن خواسته‌های خود را اجرا می‌کند و به اهداف خود در جامعه می رسد. تعامل اجتماعی و آمیختگی فکری بین افراد جامعه و ملت به گونه‌ی که زبان شناسان معاصر بر این نظریه توافق دارند که وظایف زبان جهت تقویه‌ی روابط بین اعضای جامعه است.

برخی از گروه‌های انسانی هستند که این کارکردها را مبین تشخیص و جذابیت در وظایف زبان می‌دانند، در مورد اول توجه به انتقال احساسات و نیازهای سخنگو، در مورد دوم به درک واقعیت آن و در مورد سوم بر تأثیرگذاری دیگران معطوف است.

و اگر «بوهلر Buhler » نشان داده باشد که کارکردهای زبان عبارتند از: کارکرد عاطفی، وظایف ندایی و وظایف مرجعی، و این مطابق با مدل مثلثی است که تمثیل گر: «گوینده یا فرستاده شده» یا «مخاطب ویا مستقبل» و «غایب یا رویداد چیزی» استیزی که از آن سخن زده می‌شود. و«هالیدای Halliday» وظایف زبان در هشت کارکرد است که عبارتند از: [1]

١- وظایف سودآور:(Instrumental function)

این زبانی است که به کاربران خود اجازه می دهد تا نیازهای خود را برآورده و خواسته های خود را بیان کنند، این وظایفی است که به آن اطلاق مثال: (من می‌خواهیم) می‌شود.

٢- وظایف تنظیمی

از طریق زبان است که فرد می تواند رفتار دیگران راکنترول کند که این عمکرد به عنوان کارکرد زبانی شناخته می‌شود بفرض مثال: (این کار را انجام نده! و این کار را نکن!) و این بدان معنی است که زبان عملکرد خود را دارد.

٣- وظایف بین فردی

در این شیوه زبان از عامل مؤثری در وجود تعامل اجتماعی با دیگران استفاده می کند، کارکردی که می‌توانیم آن را (من و تو) بنامیم و این کارکرد بر این نکته تمرکز دارد که انسان موجود اجتماعی است ونمی‌تواند از خانواده واجتماع جدا باشد. چون زبان عنصر اساسی در فرآیند تعامل اجتماعی است و آنرا از طریق استفاده از زبان برای رشد هر نوع نشاطات برملا ساختن کنش‌های ادب و مهربانی در رویدادهای اجتماعی نشان داده می شود.

٤- وظایف شخصی

فرد می تواند احساسات و تمایلات خود را نسبت به موضوعات متعددی بیان کند که از طریق آن هویت و ماهیت شخصی خود را ثابت کند و افکار و احساسات متفاوت خود را از خوشی، شادی، غم و عصبانیت و ... بیان نماید.

١ـ د حاتم علو الطائي- الوظيفة اللغوية والرمز اللغوي في الحياة الاجتماعية-الحضارية -٢٠٠٩ معهد الأبحاث والتنمية الحضارية. www.alhadharia.net/dataarch/dr-igtemaai/index106.htm

۵- وظایف اکتشافی

این کارکردی است که فرد برای شناخت و درک محیط اطراف خود شروع به استفاده از آن می‌کند و به آن کارکردی پرسشی می‌گویند.

٦- وظایف تخیلی

این کارکرد زبانی است که به فرد اجازه می دهد از واقعیتی که در آن زندگی می‌کند فرار کند.

۷- وظایف نمادین

این یکی از کارکردهای مهم زبان شناسی است، زیرا زبان نوشتاری نمادی از داشته های موجود در دنیای بیرون است و میراث شفاهی را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند و از طریق کودگذاری آن را از حذف شدن نگهداری می‌کند.

۸- وظایف خبری

درین گزینه هر فرد اطلاعات خود را به دیگران و نسل های آینده منتقل می‌کند. ورومن جاکوبسون «Roman jakobson» چهار وظایف زبان را شناسایی کرد:

۱- وظایف بیانی یا عاطفی، ۲- وظایف استنتاجی،۳- وظایف ارجاعی و ٤- وظایف استمرای [1]، در حالی‌که «سیپوکSebeok » آن را در شش کارکرد معرفی می‌کند: [2]

۱- وظایف عاطفی

احساسات درونی گوینده یا نویسنده را از طریق کلماتی که به کار می‌برد یا لحنی‌های پیش از صدا در مورد گفتار شفاهی بیان می‌کند.

۲- وظایف تأثیری

هدف آن اینست که رفتار خاص در مخاطب ایجاد کند، یعنی او را وادار شود تا به شکلی که انتظار می رود عمل کند یا ما از او بخواهیم این کار را انجام دهد.

۳- وظایف نسبی

۱ـ میشال زکریا- الألسنية (علم اللغة الحديث) المبادئ والأعلام- المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع- بيروت ۱۹۸۳ص ٦۰.

۲ـ Sebeok,T.A-Stylein language, wiley and san.N.Y1960 p350-314.

این مربوط به نحو ارجاع اشیا از طریق صورت‌بندی‌های زبانی مورد استفاده است.

٤- وظایف ماورای زبانی

مربوط به آن چیزی است که بعد از گفتار از نظر مطابقت گفتار با قانون زبانی از نظر ساختار و معنا، مطابقت اسامی با دلالت آنها، نحوه درك شنوندگان از گفتار و درك فراتر از خطوط و نبودن آنها می آید. محدود به آنچه بین آنهاست.

۵. وظایف شاعرانه

تنها به پیام شفاهی و از نظر زیبایی، تأثیر آن بر روح گوینده، ساختار و زنگ موسیقی آن که احساس انسان را به تصویر می‌کشد، مربوط می‌شود.

٦ - وظایف استمراری

به حفظ ارتباط مداوم بین گوینده و شنونده توجه دارد، همانطوی که با صداهایی که گاهی اوقات معنی ندارد؛ نشان داده می‌شود.

اینها برجسته‌ترین کارکردهای زبان هستند که توسط تعدادی از محققین اشاره شده است، و شایان ذکر است که زبان به عنوان سیستمی از نمادها، دو کارکرد مکمل را انجام می دهد، که اولین کارکرد ارتباطی است که در آن زبان به عنوان واسطه‌ی عمل می کند. تعامل بین افراد برای دریافت آن و شکل‌گیری اطلاعات و انتقال زبان به آن‌ها ایده‌هایی که واقعیت را انتزاعی می‌کنند و آن را به صورت نمادها تقلیل می‌دهند، انسان را قادر می‌سازد تا آن را تا حد زیادی درك و کنترول کند و به عبارت دیگر، کارکرد زبان با ارتباط وتعمیم و آنچه بین این دو کارکرد وجود دارد (که زندگی ما را غنی می کند) تعیین می شود.

و اگر وظایف ارتباطی زبان برای دریافت پیام‌های زبانی، انتقال و حفظ آنها، تأثیرگذاری بر دیگران و رویدادهای بیرونی، جهت دادن به دیگران ورویدادهای آن، تأثیرگذاری بر فرآیندهای فیزیولوژیکی درون بدن و تغییر نتایج جدید در یك‌پارچگی و درهم تنیدگی آنها متجلی می شود. ساختن رویدادهای گذشته و پیش بینی آینده بر اساس آنها، وظایف ارتباطی زبان کار ساده‌ی نیست.

دوم: موقعیت در حوزه زبانی و آموزشی

ریشه‌های کارکردگرایی به زمان‌های قدیمی باز می‌گردد، زیرا قدامتی به اندازه تفکر اجتماعی انسان دارد، چون کنفوسیوس می‌دید که کارکرد دین و آیین‌های دینی تأیید اهمیت روابط اجتماعی و سازماندهی آنها و تعیین نحوه‌ی معاملات در بین آنها و در بین انسان‌هاست. وافلاطون درگیری‌های بین قوای روح و از طریق روابط اجتماعی را تعبیر می‌کند، وبه هر طبقه شغلی مطابق ظرفیت آن را اختصاص داده می‌شد، بنابرین طبقه حاکم حکومت می‌کند، طبقه سرباز می‌جنگد و طبقه‌ی کارگر کار می‌کند.[۱]

ایمیل دورکایم را پدر مشروع کارکردگرایی در جامعه شناسی می دانند، زیرا او یکی از برجسته‌ترین چهره‌های مکتب کارکردگرایی در جامعه شناسی است، او تحقیقاتی در حوزه نظم جامعه (اقتصاد، دین وقانون دارد) که برای تنظیم جامعه بهتر می داند آن نظمی که در خلال ادای وظیفه، انسان مؤظف آن را به درستی انجام می دهد.[۲]

در حوزه‌ی آموزش زبانی، بعد از این که زبان به عنوان مجموعه‌ی از حقایق، احکام و قواعدی که ضرورتاً آموزش داده می‌شود، به زبان تغییر نگاه کرده است و معلم فقط باید آن را مطابق به سویه‌ی زبان آموز بیاموزد و تنها زبان آموز آن را فرا گیرد و به خاطر بسپارد و با به خاطر سپردن آن از پشت زبان، آن را به عنوان مجموعه‌ی از مهارت هایی که شاگرد باید کسب کند، دیده می‌شود و معلم باید در این اکتساب به زبان آموز کمک کند تا مهارت های لازم را فرا گیرد. این مهارت‌ها در گفتار، گوش دادن، خواندن و نوشتن نشان داده می‌شوند و این مستلزم بررسی عملکرد زبان و کاربردهای آن در زندگی روزمره، و شناسایی مهارت‌هایی است که در موقعیت‌های زندگی رایج‌تر، گسترده‌تر و متداول‌تر است و باید در برنامه‌های درسی آموزشی روی آن تمرکز شود.

۱ـ ماجد علم أبو حمدان- الوظيفية- الموسوعة العربية برئاسة الجمهورية- المجلد الثاني والعشرون- الطبعة الأولى- دمشق ۲۰۰۸ص ۲۸۱.

۲ـ المرجع السابق ص۲۸۲.

بدین لحاظ عمل‌کرد زبان در زمان آموزش به مفیدگرایی، کاربردی و اجتماعی تبدیل می‌شود، زیرا یاد گیری هر موضوع در تعامل با جامعه‌ی که در آن زندگی می‌کند هیچ فایده‌ی برای شاگرد ندارد چون نوعی از ارتباط است. مطالعات انجام شده در برخی از کشورهای توسعه یافته به بررسی نگرش‌های فعالیت زبانی پرداخته است تا مشخص شود کدام یک از این نگرش‌ها در موقعیت‌های زندگی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

هدف این بود که برنامه‌های درسی زبان‌شناسی را بر اساس آن موقعیت‌های زندگی بسازیم تا یادگیرنده احساس کند مطالبی که با آن تعامل می‌کند انگیزه‌های او را برانگیخته، وعلایق و نیازهایش را برآورده وتأمین می‌کند، بنا برین با رغبت و اشتیاق آن را پذیرفته وفرا می گیرد.

تحقیقات علمی که در این زمینه در آمریکا انجام شده است نشان می دهد که در زندگی نُه مرکز کاربردی وجود دارد: گفتگو، بحث رسمی، بحث گروهی، نوشتن یادداشت، نوشتن گزارش، نوشتن نامه، سخنرانی در مناسبت‌های مختلف، داستان گویی، کارگردانی، دستور العمل ها و تحلیل‌های لوایح[1]. در پرتو این روند، اصطلاح «بیان تطبیقی» و «دستور زبان تطبیقی» به کار می‌رفت و منظور او از بیان تطبیقی عبارتی است که در تعامل با جامعه، در خدمت انسان بوده و نیازهایش را برآورده می‌کند. و خواسته های خود را با درک جنسیت خود از طریق کلام گفتاری و نوشتاری، یعنی از طریق بیان کلام اجرا می کند. منظور او از دستور زبان کاربردی، اصول دستور زبان است که باید در اختیار زبان آموز قرار گیرد تا به او کمک کند، آنچه را که می‌شنود و درک وباز نمایی می کند، تا به درک صحیح و خواندن، افکار و خواسته های خود را چه به صورت شفاهی و چه کتبی به زبان سالم بیان کند.

محققان دریافته اند که کسب تجربه توسط یادگیرنده با دریافت اطلاعات و ریختن آن در ذهن حاصل نمی‌شود، بلکه بیشتر با برخورد با محیط حاصل می

۱- R.L.Lyman. Summary of investigations relation to grammar language, and composition, Supplementary educational monographs.
Chicago- LIlinois.p132.

شود، زیرا انگیزه هایی وجود دارد که انسان را به تعامل با محیط اجتماعی خود و تماس با دیگران برای ملاقات سوق می‌دهد. نیاز دارد و به اهدافش می‌رسد.

باید موضوع برای دانش‌آموز ارسال شود تا با در نظر گرفتن علایق، نیازها، آمادگی و مقتضیات محیط و زندگی فراگیر، مطالب درسی را به صورت روان‌شناختی تنظیم وفرا گیرد.

این رویکرد از اهمیت مطلب نمی کاهد، بلکه مقدار مناسب وقبل از نیاز را در زمان مناسب و به شیوه‌های مناسب به شاگردان ارایه می‌کند و مطالعه‌ی مطالب و بهره مندی از تجربیات گذشته را وسیله‌ی زندگی ورُشد مطابق با اصول روانشناختی فرا می گیرد.

در مورد مقدار مناسب از مطالب که گرفته می شود محتویات مناسب محدود به مبانی باشد، زیرا مبانی مطالب در اکثر مواقعی که فرد در تعامل با محیط خود در معرض آن قرار می گیرد، مفید است و اهمیت آن را در زندگی خود و جامعه اش درک می کند.

سوم: کار کرد آموزش دستور زبان

دیدگاه دستور زبان (نحو) چه در زبان‌های اروپایی و چه در زبان عربی ما تغییر کرده است. زبان شناسان در غرب در نیمه‌ی اول قرن گذشته دیدند که قواعد سنتی برای رشد زبان های مدرن اروپایی معتبر نیستند. اساساً مبتنی بر قواعد زبان های یونانی و لاتین با دو معنای متفاوت آنهاست، معنای امروزی که از برخی مظاهر دستور زبان (نحو) خلاصه می شود برای بیان تغییرات صرفی در کلمه به ابزارهای دیگری وابسته است. علائم دستوری بین کلمات در جمله، که آنها را بکار می گیرند تا دوباره قوانین زبان خود را بدون تأثیر قوانین قبلی کشف کنند، آنقدر مؤثر نیست.

یونانیان تحت تأثیر مکتب رفتاری روانشناسی بودند که مطالعه خود را به مظاهر بیرونی رفتار انسان محدود می کردند. مطالعه زبان شناسان زبان های امروزی آنها را توصیفی و بر اساس کلماتی می داند که مردم در واقع به کار می برند، نه کلمات هنجاری پیوسته با قوانین سنتی وبنا یافته به آنچه که بر روی متون صدها سال پیش نوشته شده است.

تأثیر دیگری مطالعه زبان‌های بومی آمریکا این بود که هرگز قوانین آن‌ها نوشته نشده و مشخص نبود، این انگیزه‌ی شد برای دانش‌آموزان تا روش علمی برای توصیف زبان‌ها و وضع قوانین خود بر روی صفحه ابداع کنند.

با توجه به عواملی که زبان‌شناسان معاصر در غرب از آن متأثر شده‌اند، زبان گفتار در عصر کنونی در میان زبان‌شناسان معاصر اهمیت زیاد پیدا کرده است، زیرا زبان نوشتاری دیگر زیستگاه و پایه زبان نیست و قواعد هنجاری برای کنترول آن دیگر وجود ندارد، بلکه زبان در وضعیت کنونی حاکم بر آن شده تا برای شناخت کنترول‌هایی که دید قداست به زبان‌های باستانی نیز تغییر کرده، و تمرکز بر استفاده در موقعیت‌های زندگی، کارکرد ارتباطی و بافت اجتماعی زبان به چیزی تبدیل شده که نظریه "دستور زبان تطبیقی" را از سایر نظریه هایی که بر رویکرد رسمی به قواعد دستوری متمرکز هستند؛ متمایز می‌کند، در حالی که کارکردگرایی در دستور زبان محدود به ارایه‌ی تحقیقات دستوری اساس است که به یادگیرنده کمک می‌کند تا به طور مثبت در جامعه برای رفع نیازهای خود و برای ارضای تمایلات و علایقش، تعامل داشته باشد.

گرایش به رویکرد شغلی در آموزش صرف و نحو عربی محصول عصر کنونی ما نبود، بلکه جاحظ قبلاً در یکی از آثار خود به آن اشاره کرده که آموزش بسیاری از موضوعات صرف و نحو را برای خود امری ضروری نه دانسته و اتلاف وقت، کار وقت گیر می‌باشد.

دانشمند مشهور ابن مضاء القرطبی اندلسی (هسپانیه امروزی) در کتاب «الرد علی النحات»[1] فراخوانده است که هر آنچه را که انسان برای دانستن تلفظ اعراب در زبان آنها از آن صرف نظر می کند، از دستور زبان حذف و خواستار لغو آن شد. چون نظریه عامل، علت دوم و سوم دارد.

می‌دانیم که تلاش‌های عملی در میراث عرب ما وجود دارد که - تا آنجا که می دانیم - در «مقدمة فی النحو»[2] نوشته خلف فرزند حیان احمر بصری و کتاب

۱ـ ابن مضاء القرطبي- الرد على النحاة- مطبعة لجنة التأليف والترجمة والنشر- القاهرة۱.

۲ـ خلف بن حيان الأحمر البصري- مقدمة في النحو- طبعة مديرية إحياء التراث القديم بوزارة الثقافة السورية- دمشق ۱۹٦۱.

«التفاحة في النحو»[1] از ابو جعفر نحاس نحوی است که شامل دو فصل دستوری است، زبان آموز میل به درک و بیان صحیح و فارغ از تطویل و استثناآت دارد.

در عصر مدرن و امروزی همین فراخوان تکرار می‌شود که قواعد دستوری را از تفاسیر، تحلیل‌های مبتنی بر هوس و موضوعات غیرکاربردی جدا کند و شیوه‌ی کاربردی را حفظ نماید تا به نفع زبان‌آموز در فرآیند ارتباط زبانی کمک کرده باشند. از جمله این فراخوان های نظری، فراخوان استاد امین خولی برای بازگشت به مبادی زبان است که دستور نویسان با در نظر گرفتن کاهش استثناها و به هم ریختن قواعد، از آن قواعد را استخراج کرده اند، و آنچه در زندگی زبانی ما مورد استفاده ما است را گزیدند. [2]

دکتور ابراهیم مدکور پیرامون انتخاب موضوع مباحث دستوری با توجه به معیارها توجه کرده و گفت: «برای اینکه زبان عربی دلایل گسترش خود را کامل کند و معیارهای زبان های بین المللی برای آن در دسترس باشد باید در انتخاب خود از دستور زبان ثابت و آنچه به خاطر سپردن آسان است از آن پیروی کند، و ما معتقدیم که دستور زبان برای افراد غیرمتخصص، علمی نیست گرچه زبان شناسی را حوزه‌ی مطالعه خود را در نظر گرفته باشد، بلکه به عنوان وسیله‌ی از ابزار تقویه‌ی قلم و زبان می‌تواند باشد».[3]

دکتور صبحی صالح هدف از بهترین خدمتی را که برای زبان عربی انجام می دهیم «تنظم کردن کتاب هایی دستور زبان و زبان شناسی بر ویژگی های: وضوح، ساده سازی و سهولت را در آن مد نظر ومقدم در نظر گرفته شود تا با دنیای عملی مطابقت داشته باشد، یعنی توافق بر سر تدوین قوانین و ولوایح بر استانداردهایی که باید در کلمات و ساختارها معین وحفظ شود».[4]

۱ـ أبو جعفر النحاس النحوي- التفاحة في النحو- تحقيق كوركيس عواد- مطبعة مجمع العلمي العربي بغداد-١٩٦٦.

٢ـ أمين الخولي-مناهج تجديدفي النحو والبلاغة والتفسير والأدب- دار المعرفة-القاهرة ١٩٦١ص٤٥.

٣ـ الدكتور إبراهيم مدكور- محاضرة بعنوان «العربية بين اللغات العالمية الكبرى»- جامعة بيروت العربية- بيروت- نيسان «أبريل» ١٩٧٣ص ١١.

٤ـ الدكتور صبحي الصالح- مقدمة كتاب «النحو العربي: نقد وبناء» للدكتور إبراهيم السامرائي- دار الصادق بيروت ١٩٦٨ص٦.

تا زمانی که در سمینارها و کنفرانس‌هایی که برای پرداختن به آموزش دستور زبان برگزار می‌شود، تردید وجود داشته باشد، نیاز به در نظر گرفتن رویکرد آموزشی مطابق نیازها و گرایش‌های زبان‌آموز باشد. چون پرسش‌کننده ممکن بپرسد: چه رابطه بین نیازها وگرایش های زبان آموزان و رویکرد دستوری آن وجود دارد؟ پس چه مطالبات زبانی و دستوری مبنایی در ساختن برنامه‌های درسی دستور زبان محسوب می شود؟

در واقع باید در نظر داشت که رویکرد دستور زبان باید به نیازها به صفت انگیزه یادگیری توجه کرده شود، زیرا زبان آموز نیاز به تسلط زبان و یادگیری روش های صحیح آن را احساس می‌کند و بیان زبانی ذاتاً به طرف او می شتابد تا ارتباط مستقیم با برآورده شدن نیازهای روانی و تجربیات شخصی او بر قرار کند.

با توجه به خشک بودن قواعد دستوری، ممکن است در نگاه اول به نظر برسد که آنها با ماهیت نیازمندی ها و علایق زبان آموزان مطابقت نه دارد، اما دقت نظر حاکی از فساد این ایده است. زیرا واضح است که شاگردان در داخل و خارج از مدرسه واقعات بسیار را در زندگی پشت سر می‌گذارند که خواستار درك و فهم آنها می باشد و نیاز به تسلط بر کاربردهای زبانی در آنها احساس می‌شود.

اما در حین بیان خطاهای زبانی زیادی را مرتکب می شوند و این اشتباهات تنها بیانگر نیاز آنها به یادگیری روش های صحیح است.

در رویکرد دستور زبان باید به گرایش شاگردان جهت روش یادگیری صحیح توجه شود، زیرا بدون شك هر شاگردانی که تمایل به خواندن صحیح و بیان درست دارد و بیان صحیح و سالم را برای دستیابی به مجموعه‌ی اهداف آموزش زبان کمك مؤثری می‌کند.

از این رو، تنظیم کنندگان مفردات درسی دستور زبان باید سویه‌ها وخواسته های شاگردان را بشناسند تا قوانین را به آنها طوری پیوند دهد که این شاگردان احساس کنند آنچه از قوانین می‌آموزند در صحت روش‌ها و یك‌پارچگی عبارات آنها مساعدت می‌کند. یکی از دلایلی مهم که ممکن است باعث عدم تمایل شاگردان به مطالعه می‌شود اینست که احساس می‌کنند هیچ نیازی به مطالعه درس پیدا نمی‌کنند.

هدف مستقیمی‌که دانش‌آموزان احساس نیازمندی مطالعه قواعد دستوری را کنند، مانند: احساس‌دهی آنها به اهداف مستقیم دروس عملی می‌باشد، مانند: طراحی و ویراستاری آثار و علوم ... اما اگر قواعد زبان با روش‌های بیان روزانه و تجارب نوظهور به شدت مرتبط باشد، در این صورت معلم می‌تواند به شاگردان خود احساس دهد که قوانین هدفی والایی دارند که آنها آن را احساس می‌کنند.

مطالعه‌ی وجود دارد که نشان می‌دهد که یکی از دلایل تنفر محصلان از مطالعه‌ی محتویات درس های روزانه، ودوری برنامه‌های درسی از زندگی عملی شان و روشن نبودن فایده‌ی آنست واین مورد را از لابلای تجربه ها می‌توان به دست آورد[1].

این همان چیزی است که برخی را بر آن داشت تا بگویند که ممکن است در فرآیند تحقیق در مورد روش‌های عادی و کاربردی زبان، موارد قابل تمرینی بطور مکرر انجام تحقیقات علمی برای شناسایی موضوعات دستوری که کارکردهای زبانی لازم در زندگی افراد را انجام می دهند و شناسایی خطاهای رایج مفید باشد. و آنچه ما می توانیم پیرامون زبان ها مطالعه کنیم و موضوعات آن را بر اساس کارکرد حیاتی آن سازماندهی نماییم آنست که نیازهای شاگردان را شناسایی ودر تعاملات زبانی با اعضای جامعه به روانشناسی آنها توجه کنیم.[2]

روش مفیدی را جستجو وانتخاب کنیم که در پرتوی آن موضوعات دستوری تعیین می شود که کارکردهای زبانی را در زندگی شاگردان انجام می‌دهد، در می یابیم که تشکیل کمیته هایی از متخصصان این موضوع بوده باشد و این متخصصان در ابتدا مشتاق بودند تا گرامر و قواعد دستور زبان در حدی که متقدمان ترسیم کرده اند، پر رنگ نباشد. و این همان چیزی است که برخی از آنها را بر آن داشت تا بگویند: «ما هنوز بر اساس آنچه علمای قدیم صرف و نحو و زبان شناسی بعمل کرده زندگی می‌کنیم. و بلاغت بجا مانده است و هنگامی که برخی از ما ادعای

۱- الدکتور الدمرداش سرحان- تلامیذ المدارس الثانویة أمانیهم ومیولهم ومشکلاتهم- دارالکتاب العربي- القاهرة- ص۱۱۸.

۲- الدکتور حسین سلیمان قورة- تعلیم اللغة العربیة- دراسات تحلیلیة ومواقف تطبیقیة- دار المعارف بمصر- القاهرة ۱۹۹۰ص۲۵٤.

بدعت می کنیم در واقع جامه آفرینش دوخته می‌شوند تا اینکه همانند: رقصان در غل و زنجیر به یادمان می افتند و تذکره نویسان برای ضربه زدن به زبان بینوایان یک پیسه خرج می‌کنند». [۱]

و این روش دنبال شده منجر به تحمیل بسیاری از مباحث دستوری پیرامون زبان می شود که به باور متخصصان برای زبان آموزان در زندگی آینده‌ی آنها صرف نظر از زمان حال آنها ضروری است، در حالی که آمادگی برای حال و آینده قابل ادامه نیست.

در واقع کار این متخصصان در کمیته‌های تدوین‌کننده مفردات درسی مبتنی بر تجربه ذهنی اعضای آن خواهد بود، زیرا برخی از آنها مسئله تمییز اعداد را دشوار می‌دیدند و پیشنهاد می‌کردند آن موضوعات کنار گذاشته شود یا از یک سمستر به سمستر دیگر منتقل شود.

لازم به ذکر است که در موضوعات دستوری که کمیته‌های تخصصی (نصاب) تصمیم گیری می‌کند، آمادگی ذهنی برای برخی از زبان آموزان لحاظ نمی‌شود، چون کسانی که آمادگی‌ها و تمایلات آنها با مطالب ارایه شده به آنها قابل انطباق است، بدون علاقه زبان آموزان به آن قادر به یادگیری هستند. ولیکن شرایط مناسبی را برای فرآیند یادگیری مؤثر ایجاد نمی‌کند و رُشد مناسب شخصیت را به خطر می اندازد، زیرا بسیاری از شاگردان را در موقعیت هایی قرار دارند که سطح بلوغ آنها اجازه نمی دهد و همین امر باعث می‌شود که آنها کارهایی را انجام دهند که از نظر آنها منطقی نیست، مانند: مضامین جامد ومشکلی را که بزرگسالان به آنها تحمیل می‌کنند منجر به یادگیری تطبیقی نمی‌شود، چون درس معلم در پرتو این رویکرد مناسب به تجربه معلم سازگار نمی باشد، زیرا از اندیشه ودید معلم موضوعات مثبت ارایه میشود، و از طرف شاگردان منفی پنداشه می‌شود، گرچه تا زمانی که درس برای آموزنده در راستای تجربه و احساس بصورت مثبت اندیشی و با نشاط ارایه نه شود مؤثر تمام نمی‌شود.

---

۱ ـ الدكتور محمد مندورفي مقدمة كتاب «منهج البحث في الأدب واللغة» لانسون ماتيه-دار العلم للملايين- بيروت ۱۹٤٦ص۱۲.

قابل توجه است که بسیاری از شاگردان عادت دارند بسیاری از قوانین را به خاطر بسپارند و بسیاری از عبارات کلامی زیادی را بدون داشتن معنای واقعی تکرار کنند.

ما همیشه اعراب «إذا» از حروف شرط غیرجازم است و حرف «ما» که از حروف تعجب است را در عبارات زیر تکرار می کنیم:

إذا : ظرف است تا وقتی که به اسقبال زمان برود، شامل معنای شرط می شود که مربوط به جواب آن می‌باشد.

ما از حروف تعجب: نکره تام است به معنای چیزی، مبنی بر سکون در جای رفع، مبتدا است. و فعل بعد از آن می آید فعل ماضی برای ایجاد تعجب است و فاعل آن ضمیر پوشیده‌ی واجب است که بر خلاف اصل آن تقدیر آن «هو» است.

ما معانی «خافض لشرطه متعلق بجوابه» را متوجه نشدیم، ونه معانی «الفاعل ضمیر مستتر فیه وجوبًا علی خلاف الأصل»، و نه معانی «نکرة تامة بمعنی شئ»... و غیره.»

با توجه به جهت گیری تطبیق در آموزش دستور زبان، روش های متعددی در تسهیل برنامه های درسی دستور زبان در نیمه‌ی دوم قرن بیستم اتخاذ شده است که از جمله:

۱- حذف موضوعات یا بخش هایی از موضوعاتی که شاگردان در تصحیح زبان خود به آنها نیازی ندارند، چون از دید اعضای کمیته هایی که برنامه های درسی قواعد دستوری را تهیه می‌کنند، در اولویت نبودند و نمونه هایی از جمله: مبنی ها با تمام اقسام آن، مانند مبنی های فعل ماضی وافعال امر وفعل مضارع در برخی از حالات ومانند: نام‌های اشاره ونام‌های موصوله وضمایر... وغیره.

۲- لغو عبارات تقدیری و محلی در مفردات و جملات به دلیل اینکه تأثیری در صحت تلفظ یا درک معانی ندارد، بنابرین نیازی نیست وقت شاگردان و معلمان را به آن تلف کنیم.

۳- تخفیف آوردن در عمل حروف، چون مطالعه آن فایده نداردبه تجربه‌ی برخی ها، و شاید اولین چیزی که با آن شروع شود، عدم رجوع به «أنَّ» ضمیر واجب یا جواز بودن آن است. چون این حرفی است که فعل مضارع را منصوب می کند،

و همچنان حروف دیگر همانند: لام جحد و لام تعلیل و فاء السببیة، چون عرب ها به این روش‌ها سخن گفتند، همانطور که در قرآن کریم و در حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به ما رسیده است.

٤-تمام علائم اعراب اصلی پنداشته شود، واز تقدیری بودن آن صرف نظر شود؛ چون الف علامه رفع در تثنیه است و قایم مقام «ضمه» نمی شود و حرف «یاء» که جمع مذکر سالم را منصوب می کند و قایم مقام «فتحه» نمی شود و حرف «واو» علامه رفع در جمع مذکر سالم است و قایم مقام «ضمه» نمی شود... وغیره.

۵- تکمله جمله آنچه است در کلام ذکر می شود، و جزء اساسی جمله نیست وهمیشه منصوب می باشد مگر اینکه بر آن اضافت شود یا بر آن حرف «جر» مقدم باشد.

٦- روش ها: موضوعات آن را بدون قرار گرفتن در معرض جزئیات اعرابی که شاگردان به راحتی بتوانند بدانند، از جمله: اشکال تعجب، الإغراء، التحذیر، المدح والذم، والاختصاص... وغیره را مطالعه کنیم.[۱]

با توجه به جهت گیری کاربردی در آموزش دستور زبان، تلاش هایی نیز برای تولید کتاب‌هایی با محتویات دستوری صورت گرفته است که به باور نویسندگان کتاب‌هایی هستند که باید در فرآیند آموزشی روی آنها دقت کرد تا به محصل جهت دستیابی به زبان سالم کمک کرده شود.

از جمله کتاب‌هایی که در نیمه‌ی دوم قرن گذشته در این زمینه نگاشته شده است، «**النحو الوظيفي**» از عبد العلیم ابراهیم است و «قواعد اللغة العربية لتلاميذ المدارس الثانوية» از حفني ناصف ودیگران است و«النحو الواضح فی قواعد اللغة العربية» از علی جارم و مصطفى أمين است، و کتاب الكفاف از یوسف الصیداوی ... وغیره»[۲]

۱ـ الاتجاهات الحديثة في النحو العربي (مجموعة المحاضرات التي ألقيت في مؤتمر مفتشي اللغة العربية بالقاهرة) - دار المعارف بمصر ۱۹۵۸ص ٦٤ـ٧٦.

۲ـ عبد العليم إبراهيم- النحو الوظيفي- دار المعارف بمصر- القاهرة ۱۹٦۹م.

- حفني ناصف وآخرون- كتاب قواعد اللغة العربية لتلاميذ المدارس الثانوية- القاهرة ۱۹۵٦م.
- علي الجارم ومصطفى أمين- النحو الواضح في قواعد اللغة العربية- دار المعارف بمصر- الطبعة الثالثة والعشرون ۱۳۸۵هـ- ۱۹٦۵م.

اگر کتاب «الکفاف» یکی از آخرین کتاب‌هایی است که نگاشته شده است، پس باید سعی کنیم روش نگارش این کتاب را جویا شویم تا مروری کوتاه بر مسیری که نویسنده در تکمیل کتاب خود طی کرده است، ارایه شود.

نویسنده‌ی کتاب «الکفاف» را به عنوان کتاب خود که گزیده آن را در دو بخش تدوین نموده است، بر این اساس که کتاب او شامل قواعد زبان عربی به شکل جدید و نزدیک به تخفیف تنظیم شده است، و با بسیار اختصار صورت گرفته تا در ذهن شاگردان ثابت ومستحکم شود و بر اساس کلمات زبان شناسی تنظیم شده هیچ مباحث اساسی زبان شناسی باز نمانده است. چنانچه الأبیرد اللغوی می سراید:

ألا ليــت حظــي مــن غدانــةأنــه   يكــون كفافــاً لاعــلي ولاليــاً

ترجمه: آیا نباید از غدانا بهره‌ی می بردم که معیشت بالا و پایین است.

نویسنده موضوعات کتاب خود را به ترتیب لغوی تنظیم کرده و هر یک را با مثال‌هایی تطبیقی وقابل استعمال در قالب شیوا از کلام بلیغ استفاده نموده است، و مقدمه‌ی کتاب خود را چنین عنوان داده است «بين يدي الكتاب» در آن توضیح داده است که نحو چیزی است و قواعد نحو ودستور زبان چیزی دیگری است، وهر دانشمندی معلم نیست وهر نحوی زبان را نمی‌داند. و در آن تصریح کرده است که قاعدهٔ قانون زبان شناسی است، و نحو سفر ذهنی و چکر زدن پیرامون قاعده است در صورتی که عقل واندیشه در آن اعمال شود، پس نحو قاعده نیست گرچه شامل چند قاعده‌ی باشد قاعده آنست که مثال از گفتار عرب ها وتبیان از ساختار و احکام عربی در آن باشد پس قاعده اینست، وازینجا معلوم می‌شود که قاعده چیزی دیگر است ونحو چیزی دیگر؛ قواعد گرفته شده ازین مثال «هكذا قالت العرب» وایستادن ضمن این مثال «هذا لم تقله العرب» گرفته شده است. واما نحو چکر وپرسه زدن فکری پیرامون این قواعد است، وفکر واندیشه چیزی نیست که نیست.[1]

- محمود أحمد السيّد- أساسيات القواعد النحوية مصطلحاً وتطبيقاً- دار دمشق-۱۹۸۷م.
- يوسف الصيداوي- الكفاف- دار الفكر بدمشق-۱۹۹۹م.

۱ـ يوسف الصيداوي- الكفاف- المرجع السابق.

کتاب «الکفاف» خلاصه‌ی از قواعد زبان نیست، بلکه قواعد خود زبان بشکل تام است، در واقع، تلاش‌های نویسندگان برای انعکاس برداشت‌های ایشان در نتیجه آزمایش‌ها وشیوه‌های آموزشی مورد علاقه‌شان، که به نوعی بیانگر صداقت خاصی ایشان پیرامون مشکلات آموزش دستور زبان و برخی از جنبه‌های عینی آنست.

با این حال عصر ما، عصر علم، وتکنالوژی معلوماتی است، دیگر نمی‌تواند به اتکا بر خود گمان‌ها یا تلاش‌های شخصی بدون حمایت از آنها با مشاهده عینی و تحقیقات علمی واقعی و جدی ادامه داشته باشد.

از آنجایی که تعبیر و بیان یکی از نیاز های مهم در فرآیند ارتباط زبانی است، ازین لحاظ بیشتر توجه به آن معطوف شده است تا در شناخت خواسته های زبانی و دستوری زبان آموزان، از طریق شناخت اجزای آن به صورت گفتاری و یا شفاهی توجه شود. به صورت مکتوب از بررسی های گرامری و سپس دانستن اشتباهاتی که زبان آموزان نه در بیان، مرتکب می‌شوند، می توان تنها عبارات و اشتباهات زبان آموزان را محدود کرد تا موضوعات دستوری موجود در مفردات درسی آموزش دستور زبان را شناسایی کرد، زیرا لازم است موضوعات رایج در فرهنگ جامعه را بشناسید تا شاگردان نیز برای درک به آنها مجهز شوند.

تکیه بر مطالبات زبانی زبان آموزان بدون توجه به خواسته‌های جامعه، پشتوانه ناقصی است، زیرا ممکن است کاستی‌ها و خلاهایی وجود داشته باشد، مطالبات زبانی زبان آموزان ممکن است محدود و معدود باشد و به خودی خود برای تأمین شاگردان کافی نباشد. با کمک‌های اجتماعی که در آن به فرهنگ درسی نیاز خواهند داشت که در آن بیاموزند و در آن بتوانند درک کنند. نیازمندی مسائل دستور زبان را ممکن است همین اکنون احساس نه کند و به آنها اهمیتی ندهد، اما از ارزش و اهمیت آنها بیشتر بعدا روشن می‌شود.

همچنین تکیه بر خواسته‌های جامعه و بدون در نظر گرفتن سویه وسن نو آموزان، گرایش‌ها و نیازهای آنان یک اقدام خودسرانه است که در تعامل فراگیر با جامعه به اهداف بهینه تعلیم و تربیت دست نمی توان یافت، زیرا مبتنی بر واقعیت خود فراگیران آن نیست و ممکن است منجر به سوال‌های شود که ممکن است برای آنها قابل قبول نباشد، وتلاش ها را پراکنده و سود یادگیری را هدر دهد.

با همه این ملاحظات، مفردات درسی کاربردی آموزشی باید شامل مبانی مواد دستوری باشد به‌گونه‌ی که خواسته‌های زبان آموزان را از طریق عبارات شفاهی یا نوشتاری آنها در جستجوی بررسی‌های دستوری که در آن عبارات به کار می برند و از سوی دیگر اشتباهات دستوری را که شناسایی می‌کنند، بصورت فوری اصلاح کنند.

همچنین شامل موضوعات دستوری است که توسط نویسندگان معاصر در زمینه‌های مختلف دانش مورد استفاده قرار می‌گیرد، کاربردهای دستوری را که بزرگ سالان شاغل در بخش‌های مختلف جامعه انجام می‌دهند، شناسایی مشکلات زبانی را که با فعالیت زبانی کارگران با آن مواجه اند، مورد بررسی قرار دهند.

ممکن است کسی بگویید: آیا بین نیازهای تحصیل کردگان و نیازهای جامعه تناقضی وجود دارد؟! در واقع نگاه همه جانبه به این جنبه ها در کنار هم قادر است بر کاستی‌ها و خلاهایی که ممکن است اینجا و آنجا ظاهر شود فائق آید. وراه حل این باشد که از موقعیت فراگیران شروع شود تا به هدف مورد نظر برسد انکار موقعیت واقعی فعلی فراگیران به این معنی است که ما خود را از واقعیت جدا کرده ایم و دیگر رسیدن به آن فایده‌ی ندارد زیرا با فراگیران خود به آن نه خواهیم رسید.

همچنین شروع با واقعیت فراگیران و گرایش‌های کنونی آنان به هدفی نامشخص نه می تواند رسید و نه بر اساس مطالب و توسعه جهانی آن و نه بر اساس جامعه و مقتضیات آن در آینده، به معنای آغاز درست، فکر می‌شود باعث عدم هماهنگی در نحو تطبیقی وحواس‌پرتی یا پراکندگی تلاش‌ها می شود، بلکه برعکس تلاش های شما در آن سیستم پیوسته دوام می‌یابید که مکمل یکدیگر هستند، و ساختار فشرده‌ی می شوند همدیگر را پشتیبانی می‌کنند.

فهرست منابع فصل هفتم

۱ـ الدكتور إبراهيم السامرائي- النحو العربي نقد وبناء- دار الصادق- بيروت۱۹٦۸م.

۲ـ الدكتور إبراهيم مدكور- العربية بين اللغات العالمية الكبرى ـ جامعة بيروت العربية- بيروت۱۹۷۳م.

۳ـ ابن مضاء القرطبي- الرد على النحاة- مطبعة لجنة التأليف والترجمة والنشر- القاهرة۱۹٤۷م.

٤ـ أبو جعفر النحاس النحوي- التفاحة في النحو- تحقيق كوركيس عواد- مطبعة المجمع العلمي العربي بغداد-۱۹٦٦م.

٥ـ الاتجاهات الحديثة في النحو العربي (مجموعة المحاضرات التي ألقيت في مؤتمرمفتشي اللغة العربية بالقاهرة) دار المعارف بمصر القاهرة ۱۹٥۸م.

٦ـ أمين الخولي- مناهج تجديد في النحو والبلاغة والتفسير والأدب- دار المعرفة- القاهرة۱۹٦۱م.

۷ـ حاتم علو الطائي- الوظيفة اللغوية والرمز اللغوي في الحياة الاجتماعية-الحضارية- معهد الأبحاث والتنمية الحضارية ۲۰۰۹/۸/۸م.

۸ـ الدكتور حسين سليمان قورة- تعليم اللغة العربية- دراسات تحليلية ومواقف تطبيقية- دارالمعارف بمصر- القاهرة-۱۹۹۰م.

۹ـ حفني ناصف وآخرون-كتاب قواعد اللغة العربية لتلاميذ المدارس الثانوية- القاهرة۱۹٥٦م.

۱۰ـ خلف بن حيان الأحمرالبصري- مقدمة في النحو- طبعة مديرية إحياء التراث القديم بوزارة الثقافة السورية ـ دمشق۱۹٦۱م.

۱۱ـ الدكتور الدمرداش سرحان- تلاميذالمدارس الثانوية أمانيهم وميولهم ومشكلاتهم- دار الكتاب العربي- القاهرة.

۱۲ـ عبد العليم إبراهيم- النحو الوظيفي- دار المعارف بمصر- القاهرة ۱۹٦۹م.

۱۳ـ علي الجارم ومصطفى أمين- النحو الواضح في قواعد اللغة العربية- دارالمعارف بمصرـ۱۳۸٥ هـ ۱۹٦٥م.

۱٤ـ ل.فيجوتسكي- التفكير واللغة- ترجمة الدكتور طلعت منصور- القاهرة مكتبة الأنجلو المصرية۱۹۷٥م.

۱٥ـ لانسون ماتية- منهج البحث في الأدب واللغة- دار العلم للملايين- بيروت۱۹٤٦.

۱۶ـ ماجد علم أبو حمدان- الوظيفية في الموسوعة العربية برئاسة الجمهورية- المجلدالثاني والعشرون- ط۱ ۲۰۰۸م.

۱۷ـ الدكتور محمود أحمد السيّد-أساسيات القواعد النحوية مصطلحاً وتطبيقاً- داردمشق-۱۹۸۷م.

۱۸ـ الدكتور ميشال زكريا- الألسنية(علم اللغة الحديث) المبادئ والأعلام- المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع- بيروت ۱۹۸۳م.

۱۹ـ يوسف الصيداوي ـ الكفاف ـ دار الفكر بدمشق ـ دمشق۱۹۹۹م.

20- R.L.lyman. Summary of investigations relation to grammar language, and composition. Supplementary educational monographs. Chicago- Lllinois.

21- Sebeok, T.A- style in language, wiley and san-N.Y 1960.

فصل هشتم

نقش مسؤلان در گسترش وتوسعهٔ زبان عربی در نهادهای مربوطه شان

مطالب فصل:

اول: مفهوم مسؤلیت

دوم: زبان محور فرهنگ است

سوم: نقش مقامات در توسعه‌ی زبان عربی:

۱- تلاش‌های رسمی

الف- مسؤولین آموزش و پرورش

ب - مسئولین رسانه

۲- تلاش جامعه مدنی و سازمان‌های مردمی نهاد

فصل هشتم
نقش مسؤلان در گسترش وتوسعۀ زبان عربی در نهادهای مربوطه شان

در این فصل سعی شده تا در آغاز با مفهوم مسؤلیت آشنا شده، سپس نقش مقامات رسمی در گسترش زبان عربی در نهادهای خود و مسئولان کانون‌های شخصی وجامعه مدنی در انتشار و توسعه‌ی آن نگاهی بیاندازیم.

اول: مفهوم مسؤلیت

مسؤلیت در فرهنگ زبان مصدر ساختگی از «مسؤل» بوده، واز نگاه ساختار مسؤل اسم مفعول بوده بر کسی اطلاق می شود که دارای مسؤلیت است، پس مسؤل کارمند دولت در چوکات وساحه کاری آنست، مسؤلیت در حالتی بر کسی اطلاق می‌شود که از کارکنان خود سوال می‌کند، پس می‌گوید: من در مسؤلیت خود مبری هستم، ومسؤلیت از لحاظ اخلاقی، عبارت از تعهد شخص به آنچه می‌گوید یا انجام می‌دهد، از نظر حقوقی عبارت است از: التزام به اصلاح خطای دیگری طبق قانون. [1]

و اگر مسؤلیت ارتباط به حوزۀ خاصی است که فرد مسؤلیتش را بر عهده دارد و عواقب آن را متحمل می‌شود، مسؤلیت در قبال زبان عربی بر عهده‌ی کل جامعه و بر عهده‌ی ملت با همه‌ی فرزندانش است. تا زمانی که زبان عربی زبان مادری

١ـ محمد أبوحرب- المعجم المدرسي- وزارة التربية السورية ١٤٠٦هـ ١٩٨٥م ص٤٧٦.

متحد و یک‌پارچه در سطح ملی و برای همه مردم ملت باشد و توسط مادرشان توجیه و به عهد خود وفادار باشند و از مرزها و حریم آن دفاع کنند.

و اگر در حدیث شریف نبوی آمده است «کلکم راع وکلکم مسؤول عن رعیته» که هر یک از ما شبان هستیم و نسبت به گله‌ی خود مسئولیم، مسؤلیت حاکم نسبت به تک تک رعیتش است، در این صورت پیشرفت زبان مادری وپیشرفت آن یک مسؤلیت جمعی است وهیچکس «مسؤلیت فرهنگستان‌ها و پوهنتون‌های زبان، وزارت‌های آموزش و پرورش ورسانه، سازمان‌های فرهنگی، فدراسیون‌ها و اتحادیه‌ها، مبلغان مساجد وکلیساها، مسؤلیت افراد نخبه و مردم های صاحب نفوذ، ومسؤلیت ناشر، شاعر، کارگر، نویسنده، مؤلف، محصل، استاد، معلم و شاگردان را نادیده گرفته نمی‌تواند، زیرا زبان مادری هر گوینده آن را پرورش می‌دهد، گویا یگانه کودکی را دارد که بر او اثر می‌گذارد، شکوفا می‌شود و رشد می‌کند و از آن سیر نمی‌شود. اگر شاعرانش در قبال آن سرکشی نه کند ومسیر را بر روی عالمانش تنگ نه کند و با سخت گیری علمای خود اعتراض نمی‌کند و از ظلم عموم می گذرد و نخبگان را از تمایز خود محروم نمی‌سازد».[1]

و از آنجایی که زبان شامل واژه ها، ساختارها و الگوها می‌شود و درک دقیق معانی این واژگان و قالب های زبان به یک‌پارچگی زبانی آنها بستگی دارد، بر عهده‌ی صاحبان قلم خواهد بود که به میزان اعتماد و مسؤلیتی که به آنها سپرده شده است پی ببرند. ونسبت به فرزندان ملتشان از نظر شوق به غذای فکری و به زبان سالم، انحرافات بسیاری از صاحبان قلم را بر طرف کنند واز امانتداری قلم بشنوانند که خداوند به آن سوگند یاد کرده و مجبور شوند خود را به آن مسلح کنند. وغنای فرهنگی، اندوخته‌های فکری و ثروت اخلاقی که به آنها این امکان را می‌دهد تا شایسته‌ی تحمل این امانت سنگین باشند را درک کنند.[2]

اگر زبان عربی پیوندی است که فرزندان ملت عرب را در مناطق متعدد آن متحد می‌کند، پس شناخت و درک دقیق آن آرزوی بسیاری از مردم کشورهای اسلامی غیر عرب است که بیشتر آنها به آن پای‌بند هستند وحروف عربی را قبلاً

۱ـ الدکتور نبیل علي- الثقافة العربية وعصر المعلومات- عالم المعرفة- الکويت ۲۰۰۱ص۲۲۸.
۲ـ الدکتور شکري فيصل- الثقافة الأدبية- معهد الدراسات العربية- القاهرة ۱۹۶۰ص۲۸.

حفظ کرده اند و به دلیل کتابت قرآن کریم تا به امروز نگهداری شده است. تاریخ مشترکی در رابطه‌ی فرهنگی بین اعراب و مردم کشورهای اسلامی و فراهم کردن وسایلی برای تدریس وجود دارد. این زبان عربی برای این افراد کمک زیادی به شناخت و تعامل با فرهنگ عرب می‌کند.

دوم: زبان محور فرهنگ است

توسعه‌ی فراگیر و پایدار مستلزم مشارکت در همه سطوح است و هر سیاستی که هدف آن تعیین مسیر زندگی برای دستیابی به آینده‌ی مشترک برای آن باشد، باید عوامل و ابعاد اجتماعی و فرهنگی را در نظر بگیرد.

باید توجه داشت که این فرهنگ است که پیشرفت جامعه را تعیین می‌کند سیاست، هسته و محور فرآیند توسعه است، مشروط بر اینکه این فرهنگ مثبت، عقلانی، مترقی، نرم و سخت، منفی، جامد ومنفی‌گرا ومغلق پسند ومعتقد به سحر و جادو و خرافه و تعصب وتکبر نه باشد و به دنبال توافق بر روی مبانی عقلانی و منطقی قابل قبول باشد، زیرا « فرهنگ رشدیافته محتاج گشایش عقلانی غیر متعصب، با روحیه‌ی انتقاد پذیری که تلاش برای اتفاق ویک‌پارچگی بنا بر یک سلسله مبانی واساسات قبول شده وعقلانی می‌کند پس ما به گشایش فکری ودید باز، روحیه‌ی نقد پذیری به اندیشه که با نا امیدی در خود یا در درون خود مبارزه می‌کند؛ نیاز داریم».[۱]

واگر جهانی شدن جنبه‌ی روشنی در گشادگی فرهنگ ها به یکدیگر دارد، جنبه‌ی تاریکی نیز دارد که در تسلط فرهنگ قدرتمندان و تحمیل فرهنگ‌های تک قطبی و زبان واحد بر فرهنگ های مردم دیگر و زبان‌های ملی آنها منعکس می‌شود. از این رو «بر مردم و ملت عرب است که در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه مقاومت کنند و هویت ملی و حریم فرهنگی خود را از متلاشی و محو شدن تحت تأثیر امواج

---

۱ ـ الدكتور محمد عابد الجابري- مستقبل الثقافة العربية في ظل العولمة الثقافية- الكلمة- العدد ۱۸ السنة۱۹۸۸ ص۱۳۸.

تهاجم فرهنگی که بر ما و کل جهان بر اثر علم و فناوری (تکنولوژی) تحمیل می‌شود، حفظ کنند».[۱]

فرهنگ مورد نیاز مرحله‌ی که در سایه‌ی جهانی شدن آن زندگی می‌کنیم «فرهنگ آغازگری است که مبتنی بر عقل، تجربه، آزادی و ارزش های انسانی است که شامل ارزش‌های حقیقت، خوبی و زیبایی است. وفرهنگ ایمان به ارزش کار و خلاقیت را بشتیبانی نموده و نفی همه اقدامات خوش گذرانی، بیجا خرچی، استهلاک، ملکیت گرایی، دو رنگی، استکبار، فریب، چل، واسطه گرایی، وخویشاوندی، فساد و تعصب را نفی می‌کند».[۲]

اگر جامعه‌ی عرب آرزوی دستیابی به توسعه‌ی پایدار را دارد و در راستای فرهنگ وتوسعه‌ی آن تلاش می‌کند که وارد صحنه‌ی تمدن انسانی شود وتمام اعضای ملت را به افق‌های تمدنی جدید انسانی ارتقا دهد، آن‌گاه کانون فرهنگ مورد نظر که زبان است و زبان نیست؛ مگر فرهنگ عربی که فنون تمدن اسلامی وعربی را در خود جای داده است، و فرهنگ عربی که در گذشته، حال و آینده بر عرصه‌ی ملی حاکم است.

با وجود اهمیت آینده فرهنگ عرب، دیگر محدود به آموزش و پرورش نیست، یا با وجود شدت گرفتن نقش و تنوع ابزارهای تسهیل و گسترش آن، به مشکل کتاب، و ظهور نقش فزاینده‌ی مکان‌های فرهنگی در انترنیت، و در نتیجه‌ی پیچیدگی چشم‌گیر که در روابط فرهنگی و ابزار تولید آن بوجود آمده، ومعنای آموزش عمومی در آن گسترش یافته و تلاش‌های وزارت خانه‌های آموزش و پرورش، ارتباطات، اطلاعات، جوانان و آموزش‌های عالی را در بر گرفته است.

در این تلاش‌ها، نقش‌های نهادهای دولتی، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی هماهنگ است، تا جایی که منافع چندگانه از داخل و خارج رشد می‌کند و از آخرین دستاوردهای انقلاب اطلاعاتی استفاده می‌کنند»[۳]

۱ـ المرجع السابق ص۱۳۸.

۲ـ د.علي وطفة- الممانعة الثقافية للتنمية في العالم العربي- مجلة المعرفة السورية- العدد ٥٦٩شباط ۲۰۱۱ ص۹٦.

۳ـ د.عبدالله التركماني -خواطر برسم القمة العربية للثقافة-مجلة العربي العدد(٦۲٦) يناير ۲۰۱۱ص۱٦.

عصر کنونی ما که عصر علم، تکنالوژی معلوماتی است و زبان به صفت نیروی متحرك تکنالوژی تبدیل شده است وفردا این حضور با حضور سنگین زبانی در انترنیت پیوند خورده است و پرسش هویت تبدیل به این شده است که: من کیستم؟ و ما کی هستیم؟ زبان به منظری تبدیل شده است که فرد جهان پیرامون خود را در آن می بیند و دیگران سطح هویت تمدنی و هویت فرهنگی او را همزمان می بینند.

و اگر فرد مشتاق به ارایه تصویر گلگون خود به دیگران باشد و زبان حامل این تصویر گلگون در اشکال مختلف و ابعاد فرهنگی در طراحی، مجسمه سازی، موسیقی، نمایشنامه، سریال، شنیدنی، خواندنی و بصری باشد. گفتار و زبان پل ارتباط فضای دیجیتالی و بصری حال و آینده شده است، علاوه بر تلاش‌های که برای تقویت روابط بین اعضای گروه انسانی، مسؤلیت ارایه تصاویر مثبت بر عهده یك فرد یا شخص یا حزب خاصی نیست، بلکه مسؤلیت کل جامعه است.

سوم: نقش مسئولان در گسترش زبان عربی

ناگفته نماند که فرهنگ محور نظام توسعه پایدار و بخشی از زیر ساخت هر پروژه‌ی رنسانس وبیداری جهان عرب است و ادبیات توسعه مدرن - و فرهنگ در قلب آن و محور آنست - ونوید موفقیت را به همه می‌دهد. روند توسعه مستلزم ادغام جامعه خصوصی و مدنی است و برای مثال: کشورهای عربی باید به نوبه‌ی خود کار لازم را از ایجاد مشارکت در بین نهادهای رسمی فرهنگی و ابتکارات بخش خصوصی و سازمان های جامعه مدنی مربوطه که گاهاً به مسائل فرهنگی مربوط می‌شود؛ شروع کنند.

باید در نظر داشت که توسعه پایدار نه تنها به دنیای طبیعی و نه به یک گروه از جامعه مربوط می‌شود، بلکه به اقشار مختلف جامعه مربوط می‌شود.

و از آنجا که زبان یک نهاد اجتماعی بشری است، چنانکه قبلاً ذکر شد، توجه و مراقبت از آن بر دوش همه افراد جامعه می شود، نه یک طرف آن، یا یک قشر یا یک نهاد.

تا زمانی که ما نظریات رسانه‌ها را می‌خوانیم، مراکز آموزش زبان عربی به تنهایی مسئول اُفت سطح عملکرد زبانی در برخی مواقع هستند و وزارتخانه‌های

آموزش و پرورش به تنهایی در برخی مواقع و وزارتخانه های اطلاعات ورسانه به تنهایی در برخی مواقع کوتاهی دارند. باید همه آنها متوجه شوند که همه گروه‌های جامعه مسؤلیت دارند و مسئولان بخش های رسمی و خصوصی و جامعه مدنی در صورت تعهد به زبان و اعتقاد به نقش میهنی و ملی در اتحاد همه مردم ملت کمك زیادی به پیشرفت زبان می‌کنند.

در ادامه سعی می‌کنیم بخشی از مسؤلیت را در قمست رسمی و بخشی دیگر را به جامعه مدنی و سازمان‌های مردمی نشان دهیم.

۱ - **تلاش های رسمی:** پیشرفت زبان نیاز به آموزش شهروندان در مورد اهمیت زبان است که مردمش به آن صحبت می‌کنند و حاکمیت و توسعه‌ی است که زبان ارایه می‌دهد. توسعه در همه کشورهای زنده‌ی دنیا به زبان خارجی نمی‌شود، بلکه به زبان مردم کشور می‌شود.

از این رو، ملت های زنده مشتاق و مراقب زبان های ملی خود هستند و برای گسترش آن در وسیع وباگسترش ترین مقیاس، چه در داخل کشور و چه در خارج، تلاش می‌کنند و همه امکانات را برای آن فراهم می‌کنند. و اگر به نقش برخی مسؤلان در گسترش زبان عربی در ساحه‌ی آموزش ورسانه نگاه کنیم، به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

الف- مسؤلین امورآموزش: ناگفته نماند که توسعه‌ی اقتصادی بدون توسعه انسانی و توسعه انسانی بدون توجه به آموزش و پرورش حاصل نمی‌شود و آموزش و پرورش بدون استفاده از زبان ملی بدون ترویج زبان ملی فراهم نمی‌شود و همچنین استفاده عرب‌ها از زبان ملی به صورت کیفی ارایه شده است.

و اگر مسؤلین آموزش و پروش عشق و رغبت آموزش زبان عربی و تعلق به آن و افتخار به آن و افتخارات عربیت گذشته و حال را به شاگردان تزریق کنند و زبان فارغ التحصیلان را اصلاح نمایند، تجارب و توانایی‌های آنان را برای درك جنبه‌های آن توسعه دهند. زیبایی، هماهنگی و نظم و ارایه مهارت‌های زبانی و درك آنها از چیزها و کمك به آنها در درك و فهم مطالب، یافتن وسایلی برای دستیابی به اهداف تعیین شده برای فرآیند آموزشی باشد.

از جمله این وسایل و رویه‌ها:

۱- پاکسازی محیط یادگیری آموزشی از دوره‌ی پیش از پوهنتون وآموزش های عالی از آلودگی‌های زبانی با ارایه‌ی الگوی مناسب از معلمان و استادان توانمند، آماده و با صلاحیت و آموزش مداوم بر آخرین پیشرفت های علمی جدید، مشروط بر این‌که بخشی از دوره های آموزشی مستمر برای معلمان و معلمان با استفاده از زبان اختصاص داده شود تا از صحبت کردن، نوشتن و خواندن صدا جلوگیری شود.

۲- ایجاد علاقه به زبان در محصلان از طریق:

الف- انتخاب محتوای مناسب و پرنشاط که علایق و نیازهای فراگیران را برآورده کند.

ب- ارایه‌ی مطالب به شکل دقیق در مراحل اولیه و کنترول آنچه که از سردرگمی در مراحل بعدی بیم دارد.

ج- تنوع بخشیدن به روش‌های تدریس و دستیابی به انعطاف و گزینش پذیری در پرتو ظرفیت ها و سویه ها.

د- استفاده از تکنالوژی و وسایل خاص که جالب و جذاب باشد.

هـ- تنوع بخشیدن به منابع دانش.

و - تشویق استعدادها و تکریم صاحبان آن.

ز- زیاده روی در فعالیت های فوق برنامه و مطالعه‌ی آزاد.

ح- ارایه‌ی مهارت‌های خودآموزی به فراگیران که مبنای یادگیری مستمر مادام العمر است.

۳- تعیین دقیق سطح عملکرد، از طریق آزمون‌های عینی.

٤- شرط قرار دادن یک‌پارچگی زبان در انتصاب و ارتقاء چه در دوره‌ی پیش از پوهنتون و چه در مقاطع تحصیلات عالی.

۵- انتصاب نمایندگان پوهنتون‌های خارجی برای ترجمه‌ی پایان نامه‌های ماستری و دکتورای زبان عربی و شرط انتصاب مانند: کاری که پوهنتون های سوریه انجام می‌دهند.

٦- کتاب‌هایی که به زبان عربی در رشته‌های مختلف علمی و علوم گوناگون تألیف شده است، شامل تأیید اصطلاحات به کار رفته در این کتاب‌ها به دو زبان

خارجی و عربی است، مشروط بر این‌که اصطلاحات توسط شوراهای ذی‌صلاح برای تایید فرهنگستان زبان‌شناسی بعد از مطالعه آنها، تصویب شود.

ب - مسؤلین رسانه‌ها: ناگفته نماند که رسانه تا زمانی که وارد هر خانه‌ی می‌شود، نقش عمده‌ی در پخش واشاعه زبان فصیح بر سر زبان ها دارد و برنامه های آن از پیر و جوان بیشتر با هم پیش می رود. مسؤلین این بخش می‌توانند:

۱- پخش برنامه های نمایشی به زبان عربی آسان و واضح که در آن روح عامه و آوای فصاحت باشد.

۲- پخش برنامه های ویژه‌ی کودکان مشروط بر اینکه دارای عنصر تعلیق و زبان مناسب وشایسته برای آنها باشد.

۳- جلوگيري از تبلیغات به زبان عامیانه و گفتگوی زبان خارجی و اطمينان از عربي فصيح.

٤ - برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر برای کارگران رسانه‌های صوتی، چاپی و دیداری به منظور بهبود عملکردآن.

۵ - پاکسازی اخبار و ترجمه‌ها از اشتباهات زبانی.

٦- درگفتگوها و جلسات فرهنگی از عربی ساده استفاده شود.

۷- رصد اصطلاحات رسانه‌های خارجی، ایجاد جای‌گزین مناسب عربی برای آنها با همکاری آموزشگاه‌های زبان عربی و پخش آن‌ها از طریق کلمات شنیداری، دیداری و خواندنی پس از پذیرش آن.

۲- تلاش جامعه مدنی و سازمان های مردمی: توسعه‌ی همه جانبه و پایدار تنها با فعال سازی جامعه مدنی محقق نمی‌شود بلکه جامعه‌ی دموکراتیک از جامعه مدنی زاده می‌شود. بدون جامعه مدنی با ایده های آینده تجربه خوبی به دست نمی آید که برای تغییر کار کرد، چون جامعه‌ی که ایده تولید می‌کند و به امور عمومی می پردازد، اما منافع مورد نظر تنها با تلاش های هماهنگ رسمی، به ویژه قوه مجریه اداره و همچنین تلاش های جامعه مدنی بر طرف نمی شود.

بلکه بازگشت به گسترش مشاوره یکی از دروازه‌های مشارکت در مسؤلیت پذیری است، بلکه بخش عمده‌ی از دروازه‌های دموکراسی است، زیرا راه حل های واقعی بین مردم و آنچه می اندیشند و برای آن کار می‌کنند است و راه حل ها در

برج های عاج و مکان‌های منزوی نیست. و نه در آنچه «نخبگان متعالی برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند، پیرامون آن و جامعه و نه برای امنیت گروه‌هایی که با دغدغه های جامعه زندگی نمی‌کنند و تمام راه‌حل‌ها در شکم کتاب نیست و نه در سالون‌های فرهنگی، بلکه در کار در میان مردم و جامعه است».[1]

جوامع مدنی نقش عمده‌ی در تحکیم مشارکت و آزادی به منظور آزادسازی پتانسیل خلاقیت در همه جنبه های زندگی و کنار گذاشتن محدودیت های اعمال شده بر هر جنبش اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. وفعال سازی قوانین مربوط به زبان و رسانه، خدمات و مردان آن، بلندگوی زبان عربی باشد و تصمیم گیرندگان سیاسی در کنار آن باشند.

مسؤلان این انجمن ها باید به انسجام جامعه وارد شوند و به سمت اجرای قانون اساسی و قوانینی که استفاده از زبان عربی را در تمام معاملات رسمی، و در تمام ادارات دولتی تصریح می کند و پیرامون آن حرکت مثبت داشته باشد و تخلفاتی را که در لوحه های فروشگاه ها و خیابان ها مشاهده می شود؛ نظارت کنند، و همچنان بر برنامه‌های مربوط به کودکان و رسانه‌ها در دبستان و تلویزیون، نظارت کنند.

در واقع این انجمن ها می توانند بر افکار عمومی تاثیر بگذارند و در عین حال بر تصمیم گیرندگان اثر نمایند، تا در جهت آگاه بخشی، کمک به فرآیند آموزشی و انجام فعالیت های زبانی در همه زمینه ها (سخنرانی، سمینار، مناظره، مسابقات، افتخارات) فعالیت کنند. برگزاری نمایش‌خانه، صحنه‌ی نمایش ویژه‌ی کودکان، نمایش فیلم، رفع آلودگی‌های زبانی و تصحیح اشتباهات در بنرها، تبلیغات و خیابان‌ها، برگزاری جشنواره‌ها، اختصاص هفته‌ها برای بزرگداشت زبان، نصب نقاشی در میادین عمومی و اصلی، در مکان‌ها، در لوحه‌های انتشارات، و بروشرهای آگاهی دهی، کمک به انجام تحقیقات علمی وغیره.

آنچه در کار این انجمن‌ها مهم است اینست که دفاتر خود را رها کرده و به تقبیح های پی در پی بسنده نکنند، بلکه در میدان عمل تلاش کنند که بسیار خوب است که از تجارب سایر ملت‌ها در حفاظت از زبان خود بهره‌مند شویم. ژاکوبیت

۱- محمد عثمان الخشت- المجتمع المدني- ط ۱- وزارة الثقافة المصرية- الهيئة العامة لقصور الثقافة- سلسلة الشباب- القاهرة ۲۰۰٤ص۵.

ها(Jacobites) در انقلاب فرانسه اندیشه روشنگری را به زبان فرانسه منتقل کردند و شعار «زبان من زندگی من است» را تقویت کردند. نقطه شروع در انقلاب آنها جهت زمینه‌ی فرهنگی ایجاد یک سیستم آموزشی عمومی فقط به زبان فرانسوی بود و اصول آنها سه نه را داشت: نه به گویش ها، نه به زبان های محلی و نه به ترکیب های زبانی.

آنها به دنبال تجسم شعار آزادی، برادری و عدالت بودند تا فرانسوی ها را از لهجه خلاص کنند تا خلوص زبان خود وملت را حفظ نموده از مکتب تا پوهنتون وتا سرک ها وجاده ها، همه را صاف کردند، و هر اشتباهی طغیان در مقابل هویت فرانسوی پنداشته می‌شد، آنها تلاش نمودند تا زبان فرانسوی را حاکم یک وطن بسازند، چنانچه الپیرمامی، می‌گوید: «فرانسوی وطن من است» ودیگران می گویند: زبان فرانسوی روح امت است وهر زمانی که امت از بین برود روح ملت از دست می‌رود.[۱]

فرانسوی ها با هزینه های بسیار زیاد و با وسوسه های تشویقی مهم، مؤسسات و انجمن هایی را برای حمایت از زبان فرانسوی در داخل و خارج فرانسه تأسیس کردند. جوایز ارزنده‌ی به برندگان آن اهدا کردند و توده ها در برابر کسانی که در زبان فرانسوی خود اشتباه می کردند قیام نمودند.

در کانادا، «یک ولایت بازبان فرانسوی مقاطعه کردند» برخی مجازات را با متجاوزان زبان تقاضا نمودند تا این که زبان فرانسوی در رسانه‌ها پخش درست شود، و ترجمه همزمان به فرانسوی در نوارها و فیلم‌ها، جوایز برتری به زبان فرانسوی هر ساله، و جشنواره‌های عمومی تعلق گرفت. رویدادها، و اختصاص یک هفته کامل به نقاشی های فرانسوی برای جشن گرفتن خیابان ها رایج شد تا که همه بگویند: «من همه زبان ها را دوست دارم، اما زبان خودم را ترجیح می دهم».

در سلطان نشین برونای، بنرها، تبلیغات و هر چیزی که در خیابان ها چسبانده می شود در صورت خارجی بودن در مقابل دیدگان مردم ممنوع شده است و جامعه مدنی بر این امر نظارت جدی دارد.

۱- الدکتور صالح بلعید- دور المنظمات القطریة والإقلیمیة في التعریب- ندوة الجزائر- تعریب التعلیم والتنمیة البشریة- المجلس الأعلی للغة العربیة- تشرین الأول ۲۰۱۰.

در کشور سویدن کنترول زبان وجود دارد، انجمن‌ها برای از بین بردن فساد زبانی، مراقبت از زبان آموزان در خانه با ارایه کمک به آنها، تلاش برای مبارزه با همه اشکال آلودگی زبانی، و ارایه‌ی مشوق‌های مالی به زبان آموزان سویدنی کار می‌کنند. در سال‌های اخیر یادگیری زبان سویدنی را شرط اخذ تابعیت معرفی کرده اند.

در خیابان‌های مدارس وپوهنتون‌های کشور کوریا، تنها یک زبان وجود دارد و صداقت و فداکاری در خدمت آنست و نمی‌توان فرمان رهبر ویتنام «هوشی مین» به فرزندان ملتش را فراموش کرد که گفت: «زبان خود را پاک نگهدارید تا چشمان تان روشن نگهداشته شود».

در مجموع، نقش مسؤلان در گسترش زبان عربی در نهادها و انجمن‌های خود اینست که موفقیت کار مستلزم تلاش‌های هماهنگ و یک‌پارچه در سطوح رسمی و مدنی است و انجمن‌ها درین راستا نقش برازندۀ دارند.

در آگاهی زبانی، جذب نخبگان ملی در همه مکان‌ها و حضور در خیابان‌ها، مدارس، ادارات و در جایگاه‌های تصمیم‌گیری به صورت دایمی برای نظارت بر سلامت زبانی مانند: کشورهای توسعه‌یافته، و این انجمن‌ها می‌توانند پیوندی بین تخصص وفضای تطبیق باشند. دانشمندان و اعضای جامعه از طریق تحقیق، مطالعه و سخنرانی که به آگاهی زبانی و کار داوطلبانه برای گسترش زبان ملی که یکی از مقدس ترین وظایف است؛ کمک می‌کند.

این انجمن ها باید محبت رسانه‌ها را جلب کنند، زیرا هیچ هدفی مورد حمایت رسانه‌ها نیست جز این که موفقیت متحد آنهاست و حامیانی درین راستا دارند. [۱]

شایان ذکر است که برخی از انجمن‌های فرهنگی در جامعه مدنی در برخی از کشورهای عربی به وزارت امور اجتماعی گزارش می دهند و وابستگی آنها باید به وزارت فرهنگ منتقل شود تا نقش خود را به بهترین نحو انجام دهند.

عده‌ی هستند که علاوه بر تشکیل انجمن‌های مدنی برای حفاظت و دفاع از زبان عربی در جهان عرب، تأسیس انجمن‌های خاص و تخصصی که به مسائل

۱ـ الدکتور صالح بلعید- المرجع السابق ص۳۱.

زبانی بپردازند را پیشنهاد می‌کنند، از جمله این انجمن های خاص پیشنهادی عبارتند از:

انجمن عربی سازی زبان موضوعات خارجی، وانجمن آگاهی زبان.

انجمن خارج سازی کلمات غیر عربی از زبان عربی (جستجوی کلمات خارجی در زبان عربی)

انجمن فرهنگ عرب زبان: زبان ظرف فرهنگ، ابزار ارتباط بین مردم ملت و وسیله‌ی برای فرهنگی سازی است.

انجمن بلاغت عرب.

انجمن زبان عربی فصیح.

انجمن رمان عرب.

انجمن شعر عرب.

جامعه زبان شناسی عربی

انجمن جامعه شناسی زبان شناسی عربی.

انجمن داستان کوتاه عرب.

انجمن زبان عربی برای وعاظ در کشورهای خارجی.

انجمن نقد رسانه‌های عربی زبان.

اگر بخواهیم احزاب سیاسی در قانون اساسی و برنامه‌های کاری خود موادی را به هدف حفظ و پیشرفت زبان عربی اختصاص دهند و انجمن‌های مدنی بخش از فعالیت‌ها و رویدادهای خود را به مسائل زبانی اختصاص دهند، چشم انداز پیشنهادی آینده اینست که دو کیفیت را در انجمن‌ها، یعنی خصوصی و دولتی در حال توسعه به خود اختصاص دهند. زبان عربی و پروسه‌ی انتشار آن در وسیع ترین مقیاس انجام گیرد، اما آنچه به طور کامل تحقق نیافته است وبیشتری آنها را رها نمی کند و کار ما در نشر و توسعه‌ی زبان عربی نیازمند عمق تعلق و استحکام ایمان است. قدرت عزم، تیز شدن اراده، شجاعت و خوش بینی نسبت به آینده ملت و زبان عربی است.

فهرست منابع فصل هشتم

۱ـ الـدكتور صـالح بلعيـد- دور المـنظمات القطريـة والإقليميـة في التعريـب ندوة الجزائر- تعريب التعليم العالي والتنمية البشرية- المجلس الأعلى للغةالعربية ۲۰۱۰م.

۲ـ الـدكتور شـكري فيـصل- الثقافـة الأدبيـة- معهـد الدراسـات العربيـة- القاهرة ۱۹۶۰م.

۳ـ الدكتور عبد االله التركماني- خواطر برسم القمة العربية للثقافة- مجلة العـربي- العدد(۶۲۶) سنة۲۰۱۱م.

٤ـ الـدكتور عـلي وطفـة- الممانعـة الثقافيـة للتنميـة في العـالم العـربي- مجلـة المعرفـة السورية- العدد(۵۶۹) عام۲۰۱۱م.

۵ـ محمد أبو حرب- المعجم المدرسي- وزارة التربية السورية، السنة ۱۹۸۵م.

۶ـ الدكتور محمد عابد الجابري- مستقبل الثقافة العربية في ظل العولمـة الثقافيـة- الكلمة، العدد(۱۸) سنة ۱۹۸۸م.

۷ـ محمد عثمان الخشت- المجتمع المدني- وزارة الثقافة المصرية- القاهرة۲۰۰٤م.

۸ـ الـدكتور مـصطفى عبـد الـسميع محمـد- دور المجتمـع المـدني في دعـم اللغـةالعربيـة- رؤيـة مـستقبلية- معهـد الدراسـات التربويـة بجامعـة القـاهرة القاهرة۲۰۱۰م.

۹ـ الـدكتور نبيـل عـلي- الثقافـة العربيـة وعـصر المعلومـات- عـالم المعرفـة- الكويت۲۰۰۱م.

فصل نهم
واقعیت توانمند سازی زبان عربی

مطالب این فصل:

نخست: زبان مادری «عربی وفاداری»، ویژگی ها و مواصفات

الف- حروف عربی

ب - واژگان عربی

ج- دقت در تعبیر و بیان

د- فشرده نگاری

هـ- اعراب گذاری

دوم، واقعیت زبان عربی

سوم، تقویه‌ی زبان عربی

وزارت آموزش و پرورش

وزارت تحصیلات عالی

سهم‌گیری در پروژه‌ی «نهضت زبان عربی برای اهمیت دهی به سوی جامعه دانش» صورت گیرد.

برگزاری نشست‌های میزگرد برای روسای انجمن‌های حامی زبان عربی در جهان عرب.

فصل نهم
واقعیت توانمند سازی زبان عربی

در این فصل سعی ما بر آنست تا ویژگی‌های زبان مادری «عربی فصیح» مواصفات ووضعیت کنونی آن را بررسی کنیم، سپس به دستور العمل کمیته‌ی توانمند سازی زبان عربی که جهت استوار سازی، تقویه ونگهداری، اهتمام جهت پیشرفت ورشد آن بر اساس قطعنامه شماره ٤ سال ٢٠٠٧ میلادی برنامه ریزی کرده اند؛ توجه کنیم واین برنامه توسط فیصله‌ی جمهوری سوریه توشیع گردیده است.

اول، مواصفات و ویژگی های زبان مادری «عربی فصیح»

ناگفته نماند که در ذات انسان چیزی جز زبان و هویت نیست، زبان اندیشه و زبان اوست و در عین حال گرایش و وابستگی او نیز است و همه اینها هویت و حقیقت و امنیت اوست، زیرا زبان فکر و اندیشه‌ی پنهان او را کشف می‌کند. در قدیم می‌گفتند که سقراط به هم‌نشین خود می‌گفت: «سخن بگو تا تو را ببینم» چنانچه شاعر مشهور عرب ابو طیب المتنبی می‌گوید:

أصادق نفس المرء مـن قبـل جسمه وأعــرفهــا في فعـلـه والتّكلــــم

ترجمه: روح انسان از جسمش صادق تر است و من آن را در گفتار و کردار او بهتر درک می‌کنم.

ما -عرب‌ها- زبان مادری ما عربی فصیح است، نه لهجه‌های عامیانه‌ی محلی و نه زبان هیچ قوم دیگری که در سرزمین عرب زندگی می‌کنند، زیرا عربی همان چیزی است که فرزندان ملت عرب را در سر زمین آن گردِ هم می‌آورد، و یک‌پارچه

و متحد می‌سازد. در حالی که لهجه‌های عامیانه‌ی محلی از یک کشور عربی تا کشور دیگر متفاوت است، بلکه در یک کشور از یک شهرستان با ولایت دیگر متفاوت است با وجود آن‌که در قوانین اساسی کشورهای عربی «عربی فصیح» به صفت زبان رسمی درج وتصویب شده است.

و «زبان مادری» یکی از زیباترین عبارات را دارد چون بهترین معانی زندگی را در خود دارد، مانند: عشق، ارتباط وهم‌گرایی، دانش اندوری، وجدان سازی، ارزش ها و گرایش‌ها.

و «زبان مادری عربی فصیح است» تا هنوز هم با کلمات و عبارات خود فرزندانش را پرستاری می‌کند و ما را در معانی که این معانی ترجمان احساسات، عواطف، دغدغه‌ها و اندیشه‌های ما هستند کمک می‌کند.

چقدر به این شعر احمد شوقی که در نمایشنامه «مجنون و لیلی» شگفت زده می‌شدیم:

ألـــست وعـــدتني يـــا قلـــبُ أني — إذا مـــا تبـــتُ عـــن لـــيلى تتـــوبُ
فهـــا أنـا تائـب عـن حـب لـيلى — فمالـــك كلـــما ذكـــرت تـــذوب؟!

ترجمه: ای دل مگر به من قول ندادی که اگر از لیلی توبه کنم توبه‌ی خویشتن می‌کنم، پس من از عشق لیلی توبه‌گارم که هر وقت یادم کنی مال ودارایی تو آب می‌شود؟!

وچقدر از این شعر شریف الرضی لذت می بریم:

أقــول وقــد أرســلــت أول نظــرةٍ — ولم أرَمــن أهــوى قــريباً إلى جنبـي
لئن كنتِ أخليتِ المكانِ الـذي أرى — فهيهات أن يخلو مكانك من قلبي
وكنـــتُ أظـــن الشوق للبَعد وحـده — ولم أدرِ أن الشوق للبعـد والقـربِ
خلامنك طرفي وامتلا منك خاطري — كأنك مـن عيني نقلـتِ إلى قلبـــي

ترجمه: اعتراف می کنم که نگاه اول را فرستادم و نه دیدم بجز هوا وهوس را نزدیک کنارم افتاد، اگر جایی را که من می بینم خالی کردی، از دلم راحت می توانم جایت را خالی کنم، و من تنها در حسرت دوری تو می اندیشیدم و آن حسرت دوری و نزدیکی را نمی دانستم، تو دو سرّ من هستی و ذهنم از تو پُر شده است، گویا از چشمانم به قلبم منتقل شده‌ی.

چه بسیار از چشمه‌های حکمت زهیر بن ابی سُلمی، ابو طیب المتنبی، ابو العلاء المعری، ابو العتاهیة، وابن الوردی و... شنیده ایم!

یقیناً که سازمان بین المللی آموزش، علم و فرهنگ (یونسکو) به نقش بزرگ زبان مادری در زندگی فردی و اجتماعی ما پی برده است و به همین دلیل از کشورهای عضو خود خواسته است تا روز جهانی زبان مادری را جشن بگیرند که تاریخ آن در بیست و یکم فبروری هر سال میلادی است.

وسازمان عربی برای آموزش، فرهنگ و علم از کشورهای عربی خواست روز زبان عربی را جشن بگیرند و تاریخ آن را در اول مارچ هر سال تعیین کردند، علاوه بر آن روز جهانی زبان مادری را توسط (یونسکو) ۱۸ دسمبر تعیین شده را جشن بگیرند.

وهمچنان سازمان ملل متحد برای هر زبانی که در آن تایید شده است، روزی را تعیین کرده است که در آن تاریخ سال‌روز زبان را جشن می‌گیرند و شش زبانی که در سازمان ملل تصویب شده است، عبارتند از: «انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، چینی، روسی و عربی».

هجدهم دسمبر سال میلادی را به‌عنوان تاریخ سالگرد جشن زبان عربی تعیین کردند، و بیست و دوم اکتوبر را به‌عنوان تاریخ سالگرد جشن زبان اسپانیایی، و بیستم مارچ را به‌عنوان تاریخ سالگرد جشن زبان فرانسوی، و بیست و دوم اکتوبر را به‌عنوان تاریخ سالگرد جشن زبان فرانسوی تعیین کرده است. و سوم اپریل را به عنوان تاریخ سالگرد جشن زبان انگلیسی و ششم اپریل را تاریخ سالگرد جشن زبان روسی تعیین کرده است و تا هنوز تاریخ سالگرد جشن زبان چینی مشخص نشده است.

شایان ذکر است که زبان‌های که جشن سالگرد شان مشخص شده، زبان‌های جهانی هستند و یکی از ویژگی‌های زبان بین‌المللی اینست که در تعدادی از کشورهای جهان در وظایف رسمی کاربرد دارد، و در سطح برخی از کشورها به‌ویژه در سطح قاره‌های جهان کاربرد دارد، به استثنای زبان چینایی که فقط در قاره آسیا کاربرد دارد، وزبان آلمانی تنها در قاره‌ی اروپا کاربرد دارد؛ وزبان فرانسوی وانگلیسی، هسپانیایی وعربی، در بیش از یک قاره کاربرد دارند. وزبان انگلیسی از

نظر شیوع در بین این زبان ها رتبه اول را به خود اختصاص داده است، زیرا تنها زبانی است که در بین تمام زبان های جهان به عنوان زبان رسمی بوده و در تمام قاره‌های جهان استفاده می‌شود و در حوزه‌ی تکنالوژی و در شبکه‌ی انترنیت سر آمد همه زبانهاست، وفیصدی گسترش زبان انگیسی در ویب سایت‌ها به ۸۰ درصد می‌رسد و همچنان در سطح دپلماسی سازمان ها وکشورهای بین المللی، وساحه‌ی گردشگری و اقتصاد نیز سر آمد همه زبان‌های جهان است.

تا زمانی که جایگاه عربی فصیح در سطح بین المللی در درجه‌ی ششم زبان سازمان ملل می‌باشد و این جایگاه را در سطح جهانی به خود اختصاص داده، بر ما فرزندان عربی واجب است که با برخی از مواصفات و ویژگی‌های آن آشنا وتعارف داشته باشیم. وآن را درین عصر انفجار علم ودانش به دیگران برسانیم، آنهم در زمانی که پرسش های زیادی در صحنه‌ی جهانی مطرح می‌شود: من کیستم؟ وما کی هستیم؟ و این شعار در عصر کنونی ما به عصر شبکه‌ی (انترنیت) تبدیل شده است که انترنیت می‌گوید: «سخن بگو تا دیگران تو را از دور ببینند و ذات تو را بشناسند».

زبان مادری ما چه ویژگی‌هایی دارد؟

ویژگی‌هایی در زبان‌مادری ما وجود دارد، از جمله: در حروف، واژگان، دقت درتعبیر و بیان، فشرده سازی او اعراب گذاری آن را متمایز می‌کند. در زیر مطالب مختصری از هر یک از این ویژگی ها بیان می‌شود:

الف- حروف عربی:

گسترش مقیاس آوایی زبان عربی را با حروفی که در زبان های دیگر مانند: ض، ظ، ع، غ، ح، خ و ق است یافت نمی شود، متمایز می‌کند.

در زبان عربی صدای هر یک از حروف متناظر با آنست، بحز چند واژه‌ی نادری، همانند: (عمرو، لکنّ، هذا، هکذا... وغیره) و در زبان‌های خارجی یافت نمی شود، در فرانسه کلمه‌ی chaud را تلفظ می‌کنیم. و در آخر کلمه حرف d تلفظ نمی‌شود و در تلفظ های حروف: ح، خ، د، ذ، س، ش، ط، ظ، ع، غ مشابهت ها و همگرایی وجود دارد.

یکی از ویژگی‌های حروف عربی نزدیک بودن آنها به صورت است، حروف (ب، ت، ث) از نظر شکل یک حرف هستند و جز با نقطه تفاوتی ندارند و در مورد حروف (ج، ح وخ) نیز همین‌طور است. و همچنان در حروف (د، ذ) و (ر، ز) و (س، ش) و (ص، ض) و (ط، ظ) و (ع، غ) و (ف، ق) و این ویژگی‌های آسانی و سهولت یادگیری حروف عربی است.

همچنان حروف عربی با ثابت بودن حروف عربی اصلی مشخص می‌شوند، زیرا این صداها، خواه کوتاه باشند یا بلند، تغییر می‌کنند، در حالی که حروف اصلی خود را حفظ می‌نمایند، همانطوری که کلمات «علّم، أعلم، تَعَلّم، استعلم، عالمٌ، مَعلومٌ، مَعلَمٌ، علاّمة، علیم» که به معنای (آموزش دان، فراگرفتن، یاد گرفتن، خواستار دانستن، دانشمند، شناسایی شده، وسیله‌ی علم، دانا و بسیار دانا) می‌آید، واژه های عربی ریشه‌ی اصلی خود را حفظ کرد و فقط در آواها تغییرات بوجود آمده است.

ما در زبان‌های خارجی متوجه این موضوع نمی‌شویم چرا که تغییر واژه به معنای جدیدی می انجامد که مربوط به اصل مطلب است، کلمه mort در زبان فرانسوی به معنای مرگ است، وکلمه mir به معنای مدال است و کلمه mur با تلفظ بهم پیوستن لب ها معنای دیوار را می دهد و همچنین با افزودن (^)mûr در بالای حرف دوم به معنای بالغ است. وبه اضافه کردن علامه (`) در بالای حرف وبا اضافه کردن (e) mer درآخر کلمه به معنی مادر است.[1]

در زبان عربی گاه با حرکت بنایی (بناء) در یک حرف بین دو معنا فرق می گذارند و می‌گویند: «رجلٌ لُعْنَة» مردی که لعنتش کنند ملعون است و اگر او مردم را لعنت کند درباره او می‌گویند: «رجل لُعَنَة» پس عین کلمه را حرکت می دهند ومعنای آن لعنت کردن به مردم می‌شود، و اگر مردم او را دشنام دهند «رجب سُبَّة» گفته می شود و اگر او مردم را دشنام بده «رجل سُبَبَةٌ» گفته می‌شود و همچنان: هُـزأَةَ وهـُزَأَة،

۱ـ الدكتور محمود أحمد السيد- في طرائق تدريس اللغة العربية- منشورات جامعة دمشق- ۲۰۰۸م ص۲۲۲.

وسُـخرةَ وسـُخَرَة، وضُحكَة وضُـحُكَة، مگر برخی از ریشه‌های اصلی کلمات به حال خود باقی می‌ماند.[۱]

دیگری از ویژگی‌های حروف عربی نیز اینست که میان حرف و معنا رابطه وجود دارد، مثلا: حرف «غ» بر غایب شدن وچیزهای دلالت می‌کند، مانند: «غرق، غار، غاص، غمر، غرس، غطّي، غبر، غدر، غشي، غفر» که به ترتیب به معنای: غرق شدن، در غار پنهان شدن، زیر آب شدن، زیر خاک کردن، کاشتن، پنهان کردن، غبار شدن، خیانت کردن، دغل بازی کردن، وبخشیدن، می‌آید.

ب - واژگان عربی:

زبان عربی از نظر واژگان غنی و از نظر اشکال منطقی است. شکل «فاعل» دلالت به نام کننده می‌کند و «مفعول» دلالت به اسم مفعول(کرده شده) می‌کند، و واژه «مَفْعَل» و «مفعَل» هر دو دلات بر اسم زمان ومکان می‌کند و واژه «مِفعَلٌ، مِفعال، مفعَلَةٌ، وفِعّالةٌ» دلات بر اسم آله می‌کند.

و برای هر صدایی نامی که متعلق به آن است، داده می‌شود، یا بر وزن «فُعالٌ»، مانند: «البُکاء» گریه‌یی انسان «الصُداح» آواز بلبل، و «المُواء» آواز پشک وگربه، و «النُباح» آواز سگ، و «الثُغاء» آواز ونعره کشیدن گوسفند، و «الرُّعاء» آواز و زوزه کشیدن شتر، و «العُواء» آواز گرگ، و «الخُوار» صدای گاو، یا بر وزن فَعِیلٌ، مانند: «العَویل» آواز زنان، و «الزئیر» آواز شیر، و «الصهیل» آواز اسپ، و «النهیق» آواز خر وخچر، و «النعیب» آواز زاغ، و «النقیق» آواز چلپاسه، و «الهدیل» آواز کبوتر، و «الهدیر» صدای امواج، و «الحفیف» صدای حرکت درخت، و «الخریر» صدای ریزش آب، و «الصلیل» صدای شمشیر، و «الصریر» صدای قلم، و «الفحیح» صدای مار ومار افعی».

۱- ابن قتیبة- تأویل مشکل القرآن- شرح وتحقیق السید أحمد صقر- دار إحیاء الکتب العربیة- عیسی البابي الحلبي وشرکاه- القاهرة عام ۱۹۵٤ص۱۲.

ج- دقت تعبیر وبیان:

یکی از ویژگی‌های زبان عربی دقت در تعبیرو بیان است، پس برای نوزاد هر حیوان نام خاصی دارد، الطفـل فرزند متولد انسان، الشبل توله فرزند شیر، الفصیل جوخه بچه‌ی شتر، المُهر کره‌ی اسب، العجـل گوساله بچه گاو و الجحش کره بچه‌ی الاغ است.

برای هر مرحله‌ی از زندگی کودك در بطن مادر یک نام دارد: «نُطفة عَلَقة، مُضغة، جنین» به معناهای زیر « نطفه، لخته، خون بسته، جنین» اگر مادرش او را به دنیا بیاورد، «ولید» نوزاد، «رضیع» نوزاد شیرخوار، «فطیم» شیرخواری که از شیرخوارگی جدا باشد، «صبی» کودك، «غلام» نوکودك، «مراهق» نوجوان، «شاب» جوان، «یافع» جوان بُوزبله، «کهل» انسان در سال، «شیخ» پیر و پیر می‌شود.

تشنگی درجات خود را دارد و هر مرتبه‌ی نام خاص خود را دارد،«الظمـأ، والصدی، والأُوام، والهُیام» مرحله‌ی اول تشنگی، مرحله‌ی دوم تشنگی، مرحله‌ی سوم تشنگی، مرحله‌ی چهارم تشنگی و مرحله‌ی پنجم تشنگی.

درجات غم عبارتند از «الکمد، البثّ، الکرب، الأسی، الوجوم، الکآبة، الغمّ، الـترح، الحسرة، الأسف، الندم، الهمّ، الشجن»: مرحله‌ی اول غم، رکود، مرحله‌ی دوم غم پخش، مرحله‌ی سوم غم اندوه، مرحله‌ی چهارم غم اندوه، مرحله‌ی پنجم غم وای، مرحله‌ی ششم غم مالیخولیا، مرحله‌ی هفتم غم «غم»، مرحله‌ی هشتم غم حسرت، مرحله‌ی نهم غم، تأسف، مرحله‌ی دهم غم ندامت، مرحله‌ی ایازدهم غم همّ ووهم، مرحله‌ی دوازدهم غم نگرانی و مرحله‌ی سیزدهم غم اندوه.

واما درجات خوشی وسرور عبارت اند از: «الجَزَل، الابتهـاج، الاستبـشار، الارتیـاح، الفـرح، المَرَح،الغبطة، الطر». نشاط، خوشی، شادی، رضایت، شادی، سرور، سعادت و سرور.

و در فقه اللغة و سرّ العربیة ثعالبی با عنوان «في أوائـل الأشـیاء وأواخرها» آمده است: [1]

۱ـــ الثعالبي (عبد الملك بن محمد بن إسماعيل، أبو منصور) فقه اللغة وسر العربية- تحقيق مصطفى السقا وزميليه، مطبعة مصطفى البابي الحلبي في القاهرة ۱۳۹۲هـ/۱۹۷۲م ص٥٤.

صبح آغاز روز است، الغسق غروب آغاز شب است، الوسميُّ آغاز باران است، البـارض نخستین گیاه است، اللُّعاع اولین مرحله‌ی بر آمدن گیاه است، اللّباء اولین جرعه‌ی شیر است، السُّلاف اولین شیره وجوس آب میوه است، و الباكورة نخستین میوه است، البِكـُر اولین فرزند است، الطليعة اولین لشکر است، النَّهَـل نخستین نوشیدن است، النَشوة نخستین نشه است، الوَخطُ نخستین آغاز پیری است، و النُّعاس آلودگی اول خواب است، و الفَرَط اول بیهوشی است، الزُلُّف اولین ساعات شب».

و تا زمانی که این کلمات را در زبان خود به صورت مترادف یاد گرفته و به کار می بریم درست نیست، زیرا هر کلمه معنای متفاوتی با دیگری دارد، «رمق» به معنای نگاه کردن به چشم است، «لَحَظ» به معنای نگاه کردن از گوشه‌ی چشم است. و «حدّج» به چشمک زدن به کار می رود، و «رَنَا» آرام آرام نگاه کردن با دقت را گویند، و «حدّق» به معنای جمع کردن چشم برای بینایی شدید است.

د- فشرده نگاری:

یکی از ویژگی‌های زبان عربی اینست که از طریق یک کلمه می‌توان معنای یک جمله‌ی کامل را دریافت کرد، چنانکه در روش الإغراء والتحذیر و در اسماء افعال و برخی مصادر چنین است:

الأمانةَ الأمانةَ (أسلوب الإغراء) درین مثال: امانت امانت است (روش اغراء است)

الكذب والنفاق (أسلوب تحذير) درین مثال: دروغ و ریا (روش هشدار دهنده است)

صَه (اسم فعل) درین مثال: فریاد زدن (اسم فعل است)

صبراً على البلوى (مصدر) درین مثال: صبر در فاجعه (صبراً مصدر است)

ما نهایت فشرده نگاری واختصار را در جملات و ساختارهای فوق می‌بینیم، سبک وروشی که در آن اسراف و کنجکاوی وجود ندارد، پس عبارت آنچنان پُر معنی است که گویا برای آن نقش ورسم کشیده شده است، سخنانی است که از فهم‌ها بر نمی آید ولیکن دل ها را بر می‌انگیزد. بلکه تا زمانی نزدیک می‌شود که قلب آن را احساس و لمس کند.

از جمله روش‌های فشرده نگاری واختصار:

المنيّة ولا الدنيّة، استقبالُ الموت خيرٌ من استدباره.

ترجمه: مرگ را قبول می کنیم نه زندگی ذلت را، اسقبال از مرگ بهتر از پشت کردن به آنست.

من جار علی شبابه، جارت علیه شیخوخته.

هر که از جوانی تجاوز کند، پیری او را فرا می‌گیرد.

على قدر أهل العزم تأتي العزائمُ   وتأتي على قدر الكرام المكارمُ

بر حسب اندازه‌ی اهل اراده وعزم، عزیمت وسختی‌ها می‌آیند و کرامت نسبت به بزرگان فرا می‌رسد.

ومن تكن العلياء همة نفسه   فَكُلُّ الذي يلقاه فيها محبَّبُ

هر کس همتش بلند باشد، هر که او را ملاقات کند برای دوست داشتنی است.

إن يكن عهدُكَ ورداً   إن عهدي لك آسُ

اگر عهد تو شگفت گل است، عهد من با تو گل یاس است

موضوع فشرده نگاری و اختصار در جملات و ساختارهای به کار رفته محدود نمی شود، بلکه به این نوشتار محدود نمی‌شود، زیرا هیچ حروفی وجود ندارد که آنطور که قبلاً اشاره شد با این نوشته یا تلفظ شود، و کلمات بسیار محدودی مانند «عَمرو» را که بین آنها تفاوت قائل شده است و «عُمر» و مانند طه وغیره...

این مستلزم مختصر بودن تعداد حروف در مقابل تعداد حروف و واژگان خارجی است. گر در واژه‌های این عبارت زبان انگلیسی توجه کنیم :?What is this ده حرف، و در عبارت زبان فرانسه متوجه شویم : ?Qu'est-ce que c'est شانزده حرف است، و در عبارت زبان آلمانی متوجه شویم :?Was ist das نه حرف دارد، در حالی که متذکر می شویم که نقطه‌ی مقابل آن عبارت خارجی در عربی «ما هذا؟» «این چیست؟» است. فقط شامل پنج حرف است.

هـ - اعراب گذاری:

اعراب گذاری از مواصفات و ویژگيهاي زبان عربي است و به دو دلیل آن را «نحو» نامیده‌اند، چنان که ابن جني در کتاب «الخصائص»[1] ذکر می‌کند، «وهما الإبانة والإيضاح، ثم التغير من حال إلى حال» یعنی تبیین و توضیح و سپس تغییر از یک حالت به حالت دیگر است.

برای نشان دادن اهمیت نقش اعراب گذاری در درک معنی، به مثال‌های زیر نگاه می‌کنیم:

ما أكرم زيداً! (أسلوب تعجب) زید چقدر سخاوتمند است! (سبک تعجب)

ما أكرمُ زيدٍ؟ (أسلوب استفهام) زید را که اکرام کرده است؟ (سبک استفهام)

ما أكرَمَ زيدٌ (أسلوب نفي) زید مهمان داری نه کرد. (سبک نفی)

و در آیه‌ی شریفه ﴿وَإِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ بی نهایت ضروری است که کلمه‌ی «العلماءُ» با حرکت رفع (پیش) اعراب گذاری شود تا معنی صحیح شود.

و در قول خداوند متعال ﴿أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾ بی نهایت ضروری است که کلمه‌ی «رسولُهُ» با حرکت ضمه (پیش) اعراب گذاری شود تا معنی صحیح شود و...

و «أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة (المتوفى: ۲۷٦هـ)»[2] معتقد است که خداوند جل جلاله اعراب گذاری آن را نگهبان الفاظ زبان عربی و زینت نظام آن قرار داده و در مواردی بین دو کلمه معادل و معانی مضاف مانند: میان معنای فاعل و مفعول فرق گذاشته نه می‌شود. که اگر حالت آنها در امکان فعل بودن در دو حالت برای هر یک برابر باشد بین آنها فرقی نمی کند مگر اعراب گذاری. و اگر کسی بگوید: «هـذا قاتـلٌ أخـي بـالتنوين» این قاتل برادرم است و دیگری بگوید:

۱ـ ابن جني- الخصائص- تحقيق محمد علي النجار- دار الكتب- القاهرة عام۱۹٥۲.

۲- ابن قتيبة- تأويل مشكل القرآن- شرح وتحقيق السيد أحمد صقر- دار إحياء الكتب العربيـة- عيـسى البابي الحلبي وشركاه- القاهرة عام ۱۹٥٤ص ۱۱.

« هـذا قاتـلُ أخـي بالإضافة » این قاتل برادرم است، تنوین نشان می دهد که او را نکشته است واضافت نشان می‌دهد که او را کشته است.

اینها به اختصار برخی از ویژگی‌های زبان عربی ما است، این زبان مادری ما، سرشار از مواصفات و ویژگی‌های خود و متمایز از آنست که در راه پیمایی تمدن بشری که عرب‌ها را در ادوار گذشته متحد کرده و هنوز هم در متحد کردن آن سهیم است، در واقع مدتها پیش یکی از مستشرقان در این باره چنین می‌گوید: «در دنیا زبان از زبان عربی غنی‌تر نه دیده ام و در جهان زبان مظلوم‌تر از آن نسبت به فرزندانش ندیده ام.» این زبان در زندگی ملی ما چه جایگاهی دارد؟

دوم: واقعیت زبان عربی

برخی چالش‌های بیرونی پیش‌روی زبان عربی ما در عصر کنونی وجود دارد که در برخی از حالت‌های آن با جهانی شدن تمثیل می‌شود، واین جهانی‌سازی فرهنگی به هدف گسترش زبان انگلیسی به عنوان زبان غالب در عرصه‌ی تحصیلات و ارتباطات است و این همان چیزی است که آمریکا را بر آن داشت تا در برابر تنوع فرهنگی و چند زبانگی در مقابل آن سازمان بین المللی آموزش، علم و فرهنگ (یونسکو) قیام کند.

از آنجاست که مبارزه با زبان عربی اشکال مختلفی به خود گرفته است، از جمله:

-کار برای حذف زبان عربی از زبان های بین المللی تایید شده در سازمان ملل متحد، و زبان های رسمی سازمان ملل همانند: «انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، چینی، روسی، عربی» است به دلایل زیر صورت گرفت:

- عدم انجام تعهدات بیشتر کشورهای عربی در زمینه پرداخت هزینه های استفاده از زبان عربی در سازمان ملل متحد.
- عدم گفتگوی به زبان عربی از طرف نمایندگان کشورهای عربی در سخنرانی ها، بحث ها و نظرات خود را به غیر زبان عربی در سازمان ملل بیان می کنند.
- نبود مترجمان واجد شرایط که بتوانند ترجمه‌ی درست همزمان به عربی کنند.

آمریکا سازمان یونسکو را برای لغو پذیرش تنوع زبانی تحت فشار قرار داد که در نهایت باعث شد این سازمان اعلام کند که حقوق حفظ زبان درین سازمان به سه مورد محدود می‌شود:

- حق زبان مادری نه زبان نسبتی به مادر.
- حق زبان ارتباطات در جامعه
- حق زبان دانش و کسب و نشر آن.

این حقوق در رابطه با کشورهای عربی ما به این معناست:

- زبان مادری لهجه‌های عامیانه یا یکی از زبان‌های ملی غیر عربی است.
- زبان ارتباطات، لهجه‌های عامیانه‌ی عربی است.
- زبان جهانی دانش انگلیسی یا فرانسوی است.

طرف‌های متخاصم استفاده از برخی اصطلاحات اجنبی را ترویج می‌کنند و روی پیشرفت و گسترش آن‌ها کار می‌نمایند، در این میان «منطقه‌ی خاورمیانه» سر زمین امت عرب یا میهن عرب شمرده می‌شود در آن تلاش صورت می گیرد تا شخصیت های عربی حذف شود وبه اجبار دولت اسرائیل جای گزین آن شود. این اصطلاح ناخودآگاه گسترش یافت، بنابرین ما یک رادیو و روزنامه بزرگ عربی به نام آن «قناة الشرق الأوسط» داریم.

از جمله‌ی این اصطلاحات، «مشارکت اروپایی مدیترانه‌ی» و کنار گذاشتن مشارکت عرب‌ها و نیز تمایل حذف صفت عربی از هر اصطلاح یا عبارت وسهم دادن اسرائیل در این مشارکت است.

سعی می‌شود در مقاطع تحصیلی عمومی و متوسطه از برنامه‌های درسی و کتاب ها حذف شود. پوهنتون ها یکی از الگوها و کانون اصیل زبان عربی و فرهنگ آنست . ذهن و ضمیر محصل را از هر آنچه بهتر است که او را به واقعیت زبان و فرهنگ ملتش پیوند دهد، خالی می‌کنند.

شایان توجه است که زبان عربی به نفع انگلیسی به حاشیه رانده شده است، با توجه به اینکه زبان انگلیسی زبان کار و ارتباط در همه سطوح است، از انتشارات علمی و تبادل تجربیات فنی (فناوری)، گرفته تا گذر از تحصیلات عالی، تجارت، صنعت، رسانه، تبلیغات وغیره، تا آموزش های ابتدایی و دبستان کودک، و این به معنای از بین رفتن زبان عربی و استفاده از آن در مناطق محدود سنتی است.

یکی از انواع مبارزه با زبان عربی متهم کردن آن به عقب ماندگی و همگام نشدن با روح عصر و کاروان دانش است و توطئه به اینکه زبان عربی زبان بادیه نشینان است، نه زبان علم ودانش وفناوری. وبه دلیل پیچیدگی دستور زبان، ریخت شناسی آن، و دیگرگونی حرکات آن، و اینکه خواندن آن بر خلاف زبان های دیگر قابل درک وساده نیست.

از جمله‌ی این کنش‌ها، احیای فراخوان برای استفاده‌ی مجدد از لهجه‌های عامیانه در گفتگوی روزانه و تشویق به تحقیقاتی است که در خدمت لهجه عامیانه شام - شبه جزیره‌ی عربستان سعودی و حمایت مالی از آنانست.

روش دیگر مبارزه با زبان عربی فصیح، احیای زبان های اقلیت های قومی و حمایت از مسؤلین آنها تحت شعار حقوق بشر است، همانطور که در سند وزارت خارجه‌ی فرانسه آمده است: « همانطور که کل برنامه امروز در حال مطالعه است وبه ویژه برنامه شمال آفریقا، یک جعل و تحریف است و بربرها باید نام آن را انکار کنند».

شهر جربه تونس میزبان ششمین کنفرانس موسوم به «کنگره جهانی آمازیغ - جبهۀ مکنس» بود که در سال ۱۹۹۵م در پاریس تأسیس شد. واین کنفرانس در اوایل تشرین الأول سال ۲۰۱۱م به کمک انجمن تونسی برای فرهنگ آمازیغی» برگذار شد که دور از نظارت رئیس جمهور زین العابدین بن علی برگذار و نمایندگان آمازیغی از جزایر قناری، نیجر، مالی، لیبیا، تونس، مراکش، الجزایر، مصر، ومهاجر نشین اروپایی شرکت نمودند.

این کنفرانس با شعار «مردم آمازیغ در راه آزادی» برگذار و برای برگذار کنندگان و شرکت کنندگان آن استفاده‌ی زبان عربی را به بهانه‌ی اینکه زبان اشغال گری و بردگی است و نماد چهارده قرن زندگی بربرها تحت سلطه‌ی نژاد عرب است؛ ممنوع کردند، در حالی که آنها به کشور های شرکت کننده اجازه دادند تا از لهجه های محلی برای نمایندگی طرف مقابل استفاده کنند، البته هم فرانسوی و هم انگلیسی، البته به زبان بربر هم اشاره نه کنیم.

در پوهنتون هلنسیکی «کرسی مطالعات اسلامی» با کرسی مطالعات عربی- اسلامی عوض شد وجهت دور کردن زبان عربی از این سایت حذف شد.

و اگر به همه اینها تیرگی فرهنگ عرب و نفرت از تمدن ملت ما را اضافه کنیم، متوجه می شویم که ملت ما با چالش های عمیقی روبروست. در دوران قیمومیت بریتانیا، الیعازر بن یهودا یا به نماینده بریتانیا در فلسطین اعتراض کرد، چون او پول‌ها را به زبان‌های عربی وانگلیسی در این کشور ضرب کرده بود. و در مقابل ایشان صدای انتقام بلند کرد و گفت: زبان عبری کجاست؟

نماینده اینقدر می توانست پول را از بازارها جمع کند و دوباره آن را به سه زبان انگلیسی، عربی و عبری ضرب کند. او بود که تاکید کرد فلسطین سرزمین اسرائیل است وبه عبری سازی پرداخت وتابلوهای راه را به زبان عبری جایگزین وبرگردان نمود.

پس از تأسیس حکومت اسرائیل در سال ۱۹۴۸م، ابن گوریون، اولین نخست وزیر اسرائیل، می‌گوید:

ما مجبوریم اسامی عربی را از لوحه‌های تپه‌ها، دره‌ها و چشمه‌ها حذف کنیم و به دلایل هویت عبری و دولتی ضرورت است برای آنها نام‌های عبری اختراع کنیم.

در زمان اشغال عراق توسط آمریکایی ها و متحدانشان، مقبره‌ی بنوکد نصر با خاک زمین یکسان شد و محل آن به پارکینگ موترهای نظامی آمریکایی تبدیل شد، ویک میلیون کتاب از کتاب های منابع ومصادر هشت میلیون سند به سرقت رفت. وهمچنان به تعداد ۱۷۰۰۰۰ تابلوی عتیقه از جمله ۱۴۰۰۰ تابلویی که بی نظیر است به سرقت برده شد.

در جنوب سودان، پس از تقسم دولت به شمال وجنوب، کشور جنوب سودان زبان انگلیسی را به عنوان زبان رسمی خود پذیرفت چون به معلمان این زبان در سر زمین خود نیاز داشت، بنابرین انگلیسی‌ها جای آنها را گرفتند.

در مورد چالش‌های داخلی که زبان عربی ما با آن مواجه است، این چالش‌ها در شکاف بین آنچه در قانون اساسی کشورهای عربی از نظر عربی بودن زبان رسمی تصریح شده و آنچه در میدان عمل آموزش‌های عالی، نمایان می‌شود. ودر کنفرانسی که در دمشق در دهه‌ی هشتاد قرن گذشته برگزار وتصویب شد که سال ۲۰۰۰م پایان تکمیل آموزش پوهنحی طبّ به زبان عربی در پوهنتون ها و مؤسسات جهان عرب خواهد بود. در کشورهای مغرب عربی زبان انگیسی بیداد می‌کند ودر کشورهای مشرق عربی برنامه ریزی می‌شود که پوهنتون‌های خصوصی، حتی مدارس خصوصی، همه دروس حتی علوم انسانی را به زبان انگلیسی تدریس کنند، و بچه های ونسل های حریری و واهل شان در ناحیه‌ی آموزش فرزندانشان از دبستان کودک شروع تا به تحصیلات عالی بی پروایی می کنند و فرزندان خویش را با زبان

وفرهنگ خارجی تربیه می‌کنند. چون برخی از خارجی‌های تحصیل کرده روی جایگزین ساختن اصطلاحات زبان های خارجی برنامه ریزی می‌کنند.

جایگزین ساختن ایشان به جای مکاتبات در بین بانک‌ها وشرکت‌های خارجی به عوض زبان عربی است و لوحه‌های خیابان ها وجاده های عمومی و لوحه‌های مغازه‌های تبلیغاتی تجاران به زبان عامیانه و خارجی می توانید پیدا کنید. زبان مادری آنها یا به زبان خارجی تبدیل شده و صاحبان زبان عربی زبان خود را رها کرده اند تا با این افراد به زبان خود یا به زبان خارجی صحبت کنند.

در کشور امارت متحده عربی زبان اردو رایج است چنانکه در درجه‌ی اول قرار گرفته است و در رتبه دوم انگلیسی قرار گرفت و در رتبه سوم لهجه های عامیانه که ترکیبی از انگلیسی، اردو، عربی و روسی است، و زبان عربی در جایگاه آخر قرار گرفته است.

همچنان باید خاطر نشان ساخت که کنفرانس‌های علمی در خاک عرب گاهی بر زبان خارجی ارایه می‌شود، حتی اگر در مورد موضوعات عربی بحث شود، و نمایندگان ما در مجامع بین المللی بیشتر از زبان های خارجی استفاده می‌کنند.

در کشورهای مغرب عربی آموزش عالی تحت نظارت استادان و مدیران الجزایر است، ومراکش از سیطره‌ی زبان فرانسوی ها خلاص نشده است و آنها در مقابل زبان عربی ایستاده اند و به کسانی که اهل ومتخصص زبان عربی هستند به دید عقب ماندگی نگاه می‌کنند و تحصیلات عالی به قلعه آموزش زبان فرانسوی تبدیل شده است.

در کشورهای حاشیه خلیج فارس، در استان های قطر، موضوعات علمی را در مقاطع تحصیلی عمومی به زبان انگلیسی می توان فرا گرفت و معلمان آمریکایی یا انگلیسی برای تدریس زبان انگلیسی، علوم، ریاضیات و تکنالوژی به این کشور وارد می‌شوند. در مورد تحصیلات عالی، رشته‌های تحصیلات عالی حتی در پوهنحی شرعیات، علوم انسانی و اجتماعی به زبان انگلیسی تدریس می‌شوند.

در امارات متحده عربی علوم و ریاضیات از صنف اول تا دوازدهم به زبان انگلیسی تدریس می شود. زبان انگلیسی بر تمامی رشته ها در آموزش‌های عالی حتی در گروه زبان عربی سیطره وتسلط دارد.

تصمیمی از سوی وزارت آموزش و پرورش گرفته شده که به مدارس خصوصی اجازه می دهد علوم و ریاضیات را به زبان‌های خارجی و عربی تدریس کنند.

هیچ انگیزه‌ی برای معلمان زبان عربی از نظر حقوقی، رشد وارتقاء در حوزه‌ی آموزش وجود ندارد و معلمان زبان انگلیسی بر آنها ارجحیت دارند و دیدگاه برتری از سوی افراد دارای فرهنگ انگلیسی نسبت به واجدین شرایط زبان عربی وجود دارد.

در جلسات والدین در مدارس خصوصی در برخی از کشورهای عربی، مشاورین از والدین می‌خواهند که با فرزندان خود در خانه به زبان خارجی صحبت کنند.

همه این رویکرد و رویه ها نشان می‌دهد که آنچه استعمار برای خود بیگانگی و به حاشیه راندن زبان عربی ما نتوانست از طریق سنگر به دست آورد، زمانی که وابستگی آنها از بین رفت، به دست خود مردم این زبان به دست آمد.

انحلال تعلق یک زنجیره زمانی است که آثار و عواقب آن آغاز می‌شود و نتیجه یکی می‌شود که شخص خود را از دست می دهد و ملت هویت خود را نیز از دست می‌دهد.

از جمله مظاهر شکایت از عمل‌کرد ضعف زبانی:

۱- بی میلی اکثریت مردم در استفاده‌ی زبان عربی فصیح چه در فرآیند آموزشی و چه در خارج از آن.

۲- میل داشتن در استفاده از کلمات عامیانه و بیگانه در عرصه‌های مختلف زندگی.

۳- تشدید پدیده نام‌گذاری به زبان خارجی و زبان عامیانه در مغازه ها، علائم تجاری، محصولات ملی، شرکت ها، کارخانه ها، لابراتوار ها، رستورانت ها، هتل ها، قهوه خانه ها، آگهی‌ها و بروشورها.

٤- گسترش زبان عامیانه در رسانه‌ها، برنامه‌ها، نمایش‌ها و گفتگوها.

۵- شیوع تعداد زیاد خطاهای زبانی ترکیب شده در فرآیند یاددهی-یادگیری.

٦ – کوتاهی در پروسه‌ی تعبیر وبیان زبانی در میان فارغ التحصیلان.

۷ - نقص در نمایش خواندن و درک آنچه در پشت خطوط وجود دارد.

٨ - بی میلی به خواندن:

آمارها نشان می دهد که غربی ها سالانه ٤٠ چهل کتاب، اسرائیلی ها ٣٥کتاب و سنگالی‌ها ٤ کتاب در سال می‌خوانند. و در سر زمین عرب در هشتاد نفر یک کتاب خوان وجود دارد.

٩- تعداد اندک مجلات تخصصی ویژه کودکان به زبان عربی:

همچنین آمارها حاکی از آنست که در جهان عرب حدود ٥٢٠ نشریه‌ی روزنامه و هفته‌نامه وجود دارد که در مقیاس تعداد نشریات کشورهای در حال توسعه مانند پاکستان است که تعداد نشریه‌های روزانه‌ی آن ١٩٥ روزنامه و تعداد روزنامه‌های هفتگی آن ٣٥٦ روزنامه است.

در مورد مجلات اختصاص داده شده به کودکان در جهان عرب، ٦٢ مجله وجود دارد که ١٠ تا ١٢ مجله را شامل می‌شود. فقط این مجله‌ها در سراسر کشورهای جهان عرب توزیع می‌شود و بقیه توزیع محلی است. این تعداد کمتر از نصف مجلات اختصاص داده شده به کودکان در کشور کوچکی مانند دانمارک است که بیش از پنج میلیون نفر جمعیت ندارد، و تعداد مجلات اختصاص یافته به کودکان آن به ١٨٠ مجله هفتگی و ماهانه می‌رسد.

١٠ -کمبود محتوای دیجیتال عربی در انترنیت.

فهرست منابع فصل نهم

۱ـ ابن قتيبة- تأويـل مـشكل القـرآن- شرح وتحقيـق الـسيد أحمـد صـقر- دار إحياء الكتب العربية- عيسى البابي الحلبي وشركاه- القاهرة ١٩٥٤م.
٢ــ ابن جني- الخصائص- تحقيــق محمــد عــلي النجــار- دار الكتــب- القــاهرة ١٩٥٢م.
٣ــ الثعالبي (عبد الملك بن محمد بن اســماعيل أبــو منــصور)- فقــه اللغــة وسر العربية- تحقيق مصطفى السقا وزميليه- مطبعة مــصطفى البــابي الحلبــي-القاهرة ١٩٧٢م.
٤ـ الدكتور محمود أحمد السيّد- في طرائق تدريس اللغة العربيـة- منـشورات جامعة دمشق ٢٠٠٨م.
٥ـ الدكتور محمـود أحمـد الـسيّد- خطـة عمـل وطنيـة لتمكـين اللغـة العربيـة، والحفاظ عليها، والاهتمام بإتقانها، والارتقاء بها- دمشق٢٠٠٧م.

فصل دهم
آینده زبان عربی و مقتضیات عصر آینده

مطالب فصل:

اول: آینده زبان عربی چیست؟

دوم: از ویژگی های عصر آینده

سوم: زبان عربی و مقتضیات عصر آینده

۱- حل مسئله نهادینه سازی.

۲- وضع قوانین برای حفاظت از زبان عربی.

۳- اتخاذ اصل خودآموزی.

٤- استفاده تکنالوژی های روز.

۵- انعطاف پذیری و پذیرش تغییرات.

٦- مراقبت از صنعت لغوی.

۷- اتخاذ آموزش عمیق به منظور دستیابی به خلاقیت و نوآوری.

۸- آماده سازی فرد برای زندگی.

۹- مراقبت زبانی و آموزش ابتدایی دوران کودکی.

۱۰- فصیح ساختن زبان عامیانه

۱۱- آماده سازی معلمان واجد شرایط

۱۲-آزادی معلمان

۱۳- فعال سازی فرهنگستان های زبان شناسی

۱٤- افزایش تعداد انجمن ها برای تقویت زبان عربی و پاسداری از آن

۱۵ - مراقبت از ترجمه به عربی

۱٦- علاقه به آموزش زبان های خارجی

فصل دهم
آینده زبان عربی و مقتضیات عصر آینده

در این فصل سعی می کنیم با آینده‌ی زبان عربی در پرتوی زمان آشنا شویم و بر روی برخی از ویژگی‌ها و چالش‌های این عصر ترکیز کنیم و سپس نشان دهیم که ماهیت عصر چه چیزی مرتبط به زبان را بر ما تحمیل می‌کند. برای مواجهه با چالش‌ها و غلبه بر منفی‌ها چه کار کنیم؟

اول: آینده‌ی زبان عربی چیست؟

این سوال در دهه‌ی سوم قرن گذشته مطرح شد و گروهی از روشن‌فکران به آن پاسخ دادند و این سوال امروزه نیز در فضایی عمومی مطرح می‌شود که نشان می‌دهد زبان هایی وجود دارند که سالانه در سطح جهان ناپدید می‌شوند و اینکه فرهنگ آموزش سازمان‌یافته نسبت به انقراض تعدادی از زبان‌های مادری هشدار می‌دهد تا بزرگداشت از روز جهانی زبان مادری را در بیست و یکم فبروری هر سال اختصاص دهند تا جوامع زبان‌های خود را حفظ کنند. و روحیه برای شناخت شخصیت‌های نمونه زمانی در سطح بین الملل و به صفت نمادین از خود اتکایی فرهنگی و تنوع زبانی آنها جلوگیری شود.

گروهی از متفکران بر این باورند تا زمانی که قرآن کریم زبان عربی را پاسداری و حفظ کند در آینده برای حفظ موجودیت خود باقی خواهد ماند، زوال و انقراض را تجربه نخواهد کرد. بهتر بود ایشان آدرسی به جا می گذاشتند که میزان ورودشان را نشان می داد، وقتی ژول فرن (قصه ویس فرانسوی) در یکی از قصه های خود

نوشته است: « برخی از مردم زیر زمین را شکافتند، پس سنگی را که عبارتی به زبان عربی روی آن نوشته شده بود را کشف کردند، وزمانی که از ایشان پرسیده شد: چرا زبان عربی را از بین همه زبان‌های دنیا انتخاب کردی؟ فرمود: بخاطری که زبان آینده است و تردیدي نیست که بغیر از آن همه زبان ها می میرد و این زبان زنده باقی می‌ماند تا که قرآن را به عالم بالا ببرد.»[۱]

ادیب سوری مشهور مصطفی صادق الرافعی، به همین موضوع اشاره کرده، می‌گوید: «زبان عربی به واسطه‌ی ارتباطش با دو اصل بزرگ و جاودانه، یعنی قرآن و حدیث، بر همه زبان‌ها امتیاز دارد. بر خوانندگان پوشیده نیست که شوکت انسانی استوار بر نیروی ادبی واصل این نیرو در جهان اسلام همان قرآن کریم بوده وآن از چند وجه به صفت مبدأ زبان عربی شناخته می‌شود».[۲]

نحا جبر ضومط عضوی اکادمی زبان عربی در دمشق و استاد پوهنتون آمریکایی در بیروت، در اشاره به ارتباط زبان عربی با قرآن و حدیث نبوی، چنین می‌گوید: « در همه زبان‌های مترقی جهان لهجه‌های عامیانه وجود دارد ولیکن زبان فصیح زبان معلمان ومحصلان است وهمچنان این زبان دانشسراها، نشریه‌ها وکتاب‌هاست و اگر اسلام باقی بماند و باقی خواهد ماند، سپس زبان قرآن کریم، وحدیث نبوی و دیگر ادبیات عرب از زمان رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، تا به امروز قویتر از سایر زبان‌های اروپایی در هضم لهجه‌های عامیانه است، پس اینجاست که این زبان به صفت زبان علم، معلمین، ادیبان و اندیشمندان، زبان رسانه ونویسندگان باقی می‌ماند إن شاء الله تعالی»[۳].

خلیل مطران، شاعر دو کشور سوریه و مصر، این ارتباط را در تداوم زبان عربی فصیح در ارتباط با قرآن کریم تأیید کرده بود که می‌گفت: «فراموش نه کنید که ادامه یاد دهی و یادگیری عربی فصیح را آموزش دهید و به تسهیل آن توجه کنید، تقریب

۱- محمد الخضر حسین- دراسات في العربية وتاريخها- الناشر المكتب الإسلامي- مكتبة دار الفتح- المطبعة التعاونية في دمشق- دمشق ۱۹۶۰ص۱٤.

۲- فتاوى كبار الكتاب والأدباء في مستقبل اللغة العربية ونهضة الشرق العربي وموقفه إزاء المدنية الغربية- منشورات وزارة الثقافة السورية- دمشق ۲۰۰۳ص۲۹.

۳ـ المرجع السابق ص۲٤.

و تعمیم آن اینست که زبان قرآن است، برای صاحبان بصیرت همین بیان کفایت می کند!»[۱]

ستایش آینده‌ی زبان عربی تنها به عرب‌ها محدود نمی‌شود، بلکه تعدادی از خاورشناسان خارجی نیز به این آینده اذعان داشتند که اینک "چارد کوتهیل"، مستشرق امریکایی واستاد پوهنتون کولمبیا، می‌گوید: «عربی گذشته‌ی بزرگی داشته است، به نظر من برای زبان عربی اینک آینده‌ی روشنی خواهد بود.» این امر را این‌گونه توجیه می‌کند: «مردمی دارای انواع آداب متنوع و غنی بوده است همانند: ادبیات عرب، که صاحب اوصاف نرم و انعطاف پذیری هست. قریب به فنا نیست چون گذشته‌ی خیانت ندارد، وپختگی ومیراث گذشته‌ی که به او تعلق گرفته وهمچنان جوهری که تقریباً تمام نشدنی است».[۲]

«ویلیام ورل» خاورشناس آمریکایی، مدیر سابق مرکز کارآگاه شرقی آمریکا در بیت المقدس، در پاسخ به پرسش آینده‌ی زبان عربی نیز همین پاسخ را ارایه داد و گفت: «در مورد پرسش شما درباره آینده‌ی زبان عربی، چنین پاسخ باید گفت که این زبان قبل از هیچ زبان دیگری که او با آن تماس داشته باشد عقب نمانده است و انتظار می‌رود که در آینده نیز موجودیت خود را حفظ کند، همانطور که در گذشته حفظ کرده است».[۳]

او نظریه‌ی خود را چنین توجیه می‌کند که زبان عربی دارای انعطاف پذیری و نرمی است که آن را قادر می‌سازد تا با مقتضیات هر عصر سازگار شود و شکی نیست که وقتی شرایط پیش می‌آید می‌تواند به میزانی از دقت و پیچیدگی برسد که آن را قادر می‌سازد به بالاترین اهداف علمی بیان کند.

و اگر نظریات گذشته به تأیید تداوم زبان عربی در آینده تمایل داشته باشد، پس یک تعداد قضایا از سرشت گیتی وقوانین جهان هستی است که در نابودی زبان نقش دارد، ابن حزم اندلسی در کتاب «الأحکام» خود به آن اشاره کرده می نویسد: « یقیناً که برخی از زبان ها با سقوط دولت واهل زبان، ویا مهاجرت از میهن خویش

۱ـ المرجع السابق ص۱۹.
۲ـ المرجع السابق ص۱.
۳ـ المرجع السابق ص۹.

ویا در صورت تکذیب اهل دیگر زبان‌ها؛ نابود شده واز بین می روند، پس آنست که زبان امت، علوم، اخبار زبان، دولت زبان، فعالیت ونشاط اهل زبان، وفرهیختگی اهل زبان محدود می‌شود، با ویران شدن زبان دولت، وغالب شدن دیگران بر آن، دچار ترس و نیازمندی و ذلت و خدمت به دشمنان می‌شود، درین صورت مرگ عقلشان تضمین شده است و شاید این دلیل بر زوال زبانشان باشد. و نسب و اخبارشان را فراموش و علم‌شان را از بین ببرند؛ این ماورای شهادت و به دلیل و ضرورت به معلوم است».[۱]

در واقع آنچه مشاهده می‌شود حاکی از حذف زبان عربی و به حاشیه رانده شدن روند تدریس و یادگیری آن در اکثر پوهنتون‌های جهان عرب است، زیرا زبان فرانسوی در پوهنتون های المغرب و زبان انگلیسی در پوهنتون های کشورهای عربی خلیج عربی، غالب است.

همچنان تسلط زبان خارجی شرط انتصاب در بخش خصوصی و مؤسسات خدماتی و گردشگری در اکثر نقاط جهان عرب است وهمچنان شرایط استخدام شامل تسلط به زبان عربی نمی باشد.

آنچه نیز مشاهده می‌شود اینست که با وجود رسمی بودن زبان عربی در سازمان های بین المللی، غیبت زبان عربی بر زبان اکثر نمایندگان کشورهای عربی در مجامع بین المللی آشکار است.

اگر دور نه رویم و بنرها، آگهی ها، پوسترها و لوحه‌های مغازه ها ودوکان ها را بنگریم همه به زبان خارجی نوشته شده است، پس اینجا در سر زمین عرب کسانی هستند که برای حاشیه راندن زبان عربی کار می‌کنند و به زبان خارجی صحبت می‌نمایند و به زبان خود شان سخن نمی گویند تا زمانی که امیال و نیازهای خود را این گونه صرف کنند پس چگونه برای یادگیری زبان وپیرامون آن تلاش کنیم.

و اگر اوضاع به همین منوال پیش برود، آینده‌ی زبان عربی در خطر است و اینکه زبان عبادت است کافی نیست، بلکه می‌خواهیم زبان زندگی مان در تمام نواحی وجوانب زندگی باشد که زبان مادری، وروح میهنی برای امت، ومسیر دهنده

۱ـ محمد الخضر حسین- دراسات في العربية وتاريخها- مرجع سابق ص۲۱.

تراث گذشته، و بوجود آورنده‌ی وحدت ویک‌پارچگی از جمله ویژگی‌های بارز آنست، مگر یکی از ویژگی‌های عصر آینده تغییرات استمراری آنست که این ویژگی‌ها با اوصاف زبان عربی هم‌خوانی دارد. وزبان عربی پاسخ دهنده‌ی عصر آینده و مواجهه با چالش های آنست؟ در اینجا باید به برخی از آن ویژگی‌ها، ومواصفات و چالش‌ها آشنا شویم تا بدانیم که زبان عربی چگونه می‌تواند برای حفظ موجودیت و تداوم خود با این چالش‌ها مقابله کند؟.

دوم، از ویژگی‌های عصر آینده

دوران آینده با ویژگی‌های متعددی مشخص می‌شود، از جمله این‌که عصر انفجار دانش و ترقی وتوسعه سریع است و اگر دانش پیش از این صدها سال برای تکثیر نیاز داشت، در روزهای ما در عرض چند ماه دو برابر می‌شود و پروسه‌ی انفجار دانش ادامه خواهد یافت. در دوران آینده سرعت انفجار آن افزایش خواهد یافت چنانچه سازمان بین المللی تربیه، علوم وفرهنگ (یونسکو) افزایش روز افزون معارف وعلوم را در بین کشور دو برابر گذارش نمود که در بین سال‌های ۱۸۰۰ و ۱۹۰۰، و بین سال‌های ۱۹۰۰ و ۱۹٤٥م، سپس بین سال‌های ۱۹٤٥ و ۱۹٦۰م، و پس از آن، بین سال‌های ۱۹٦۰م و اکنون چندین ماه دو برابر شد.

بنابرین، معلوم می‌شود که مدت زمان فوران قبل از آن بیش از صدها سال بوده و سپس شروع به کاهش کرده است تا به ده سال شروع به کاهش کرده است و تا این که به چندین ماه رسید.

یکی از ویژگی های عصر آینده اینست که عصر علم و فناوری (تکنالوژی) است و عصر بعدی شاهد تغییرات مستمر و سریع در حوزه‌ی فناوری است و رابطه‌ی کاربردی فعلی در فناوری شروع به تغییر کرده است. و رابطه‌های جدید طراحی شده برای مقابله با دستگاه‌های تلفون و موبایل هوشمند، به ویژه تلفون های همراه، در آینده نزدیک جایگزین خواهند شد. وهمچنان ظرافت‌های جدید در ویندوز، آیکن‌ها، مینوها و نشانه گرها، که رابط های جدید با لمس، حرکات دست، صدا و تصویر جایگزین خواهند شد. نرم ابزار برنامه‌های کاربردی سابقه به نرم ابزار ظریف‌تر و ساده تر تبدیل می‌شوند و می‌توانند راه حل‌های پیچیده تر را گروه بندی

نمایند. این تغییرات نیاز به مهارت‌های جدید در طراحی رابطه کاربردی را افزایش می‌دهد.

نسل های جدیدی از سیستم های تجزیه و تحلیل برای پیش بینی آینده وجود دارد و بزرگی داده ها در آینده به کاربران اجازه نمی دهد که تمام اطلاعات مفید را در یک انبار ذخیره قرار دهند چون مودل‌های جدیدی ایجاد خواهد شد وانبارهای اطلاعات واده ها منطقی، که داده‌های خود را از منابع مختلف اطلاعات استخراج می‌کنند. فناوری اطلاعات و ارتباطات، چه در سطح ایده‌های خلّاقانه، وهمچنان در سطح فلسفه کار و مودل‌های مختلف تکنولوژیک، پیشرفت بزرگی را شاهد خواهیم بود.

از دیگر ویژگی‌های عصر آینده اینست که عصر ازدواج علم و کار، تئوری و کاربرد در زمینه‌های مختلف دانش است و همچنین عصر ارتباطات سریع و در نتیجه رفع موانع بین جوامع و تحت تأثیر قرار گرفتن جریان‌های فرهنگی معاصر و جریان های فکری و سیاسی جاری، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است.

یکی دیگر از ویژگی‌های عصر اینست که عصر اعلانات، تبلیغات و رسانه است و کشورهای توسعه یافته مبالغ هنگفتی را صرف رسانه‌های خود می‌کنند و برای خدمت به مقاصد، اهداف، پروژه ها و شیوه ها و روش‌هایی که جوامع از آن استفاده نمی‌کردند، قبل از قبل بدان بسیج می‌شوند. و هژمونی دموکراسی، حقوق بشر و ضعف‌های آن را در شعار های حقوقی خویش می‌گیرند. عصر آینده نیز به عنوان عصر تغییرات سریع اجتماعی در آداب و رسوم، سنت ها، گرایش ها و ارزش های اجتماعی و اخلاقی شناخته می‌شود و این که استبداد مادیّ بر ارزش‌های معنوی و استبداد ارزش‌های هوس‌باز مادی بر ارزش‌های اخلاقی وجود دارد.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که یکی از ویژگی‌های عصر آینده، نوآوری و نوسازی است و اگر در پایان دهه‌ی قرن گذشته و در دهه‌ی اول قرن حاضر شاهد انقلاب هایی در زمینه‌های مختلف و گوناگون باشیم نتیجه‌ی اکتشافات علمی است که در تمام عرصه‌های زندگی و زمینه‌های علمی در برگیرنده‌ی اقیانوس وسیع، جهت وردود به دوران‌های آینده شگفتی‌های بسیاری را به همراه خواهد داشت.

سوم، زبان عربی وخواسته‌های مواجهه با عصر آینده

چنان‌که عصر آینده با دانش و فنون خود پیوسته در حال تغییر و انفجار است و در آن نیروی بقا باقی نمی‌ماند جز نیروی زبان و دانش، مسلط بر فرهنگ و رسانه خود و متلاطم با ارزش‌ها و معیارهای خود. بر ملت عرب بود تا به زبان عمل کند تا قوی شود و با آن روبرو شود:

حل مسئله نهادینه سازی:

تعلل در تطبیق عربی سازی در مقیاس با عرصه‌های کاربری عربی و عدم تمایل به پذیرش زبان عربی به عنوان زبان آموزش در پوهنحی‌های علمی پوهنتون‌های جهان عرب، امری ضروری بوده ونیاز به یک تصمیم سیاسی دارد. برای تاخیر وتعلل هیچ توجیه‌ی لازم نیست. اندیشمندان عرب اگر به زبان عربی نخوانند و ننویسند و درباره آن فکر نکنند، زبان عربی ناقص و غریب خواهد ماند، زیرا هیچ اندیشه‌ی بدون زبان ذهنی آن وهیچ دانشی بدون بیان زبان ذهنی آن وجود ندارد. زبان عربی ما با ویژگی‌های ریشه شناسی، استعاره، مجسمه‌سازی و عربی سازی، آماده و همگام با روح زمانه در فراهم آوری نیازها و مقتضیات عصر می‌باشد تا همه علوم را در آن آموزش دهد.[۱]

موضوع منحصر به تحصیل علوم به عنوان مضمون نیست، بلکه تا وقتی که این زمان، زمان علم است، و تا زمانی که زبان ظرف اندیشه است، باید به گونه‌ی سبک تفکر و اندیشه بررسی شود.

وضع قوانین برای حفاظت زبان عربی:

اگر می‌خواهیم زبان عربی آینده درخشانی داشته باشد و در عصر آینده جایگاه والایی داشته باشد، همه کشورهای عربی باید قوانینی را برای حفاظت از زبان عربی تصویب کنند، همانطوری که زبان دارای مرز است، به همانطور وطن دارای مرز است و ادیان نیز باید محافظت شود. اگر فردی احساس تعلق و آگاهی زبانی نداشته باشد و زبان مادری او دست کم گرفته شود و از آن سرپیچی کند، این

۱- الدکتور محمود أحمد السید- اللغة العربیة وتحدیات العصر- الهیئة العامة السوریة للکتاب- وزارةالثقافة- دمشق ۲۰۰۸ص۹۱.

قوانین بازدارنده است که به این قشر از ملت پایان می‌دهد، مشروط بر این که این قوانین در سر زمین عرب و نمایندگان کشورهای عربی در مجامع بین المللی وپیرامون آن اعمال شود.

اتخاذ اصل خودآموزی:

ناگفته نماند که ماهیت عصر آینده، عصر انفجار دانش و توسعه‌ی سریع در حوزه‌ی تکنالوژی است. و از آنجایی که مدارس و پوهنتون‌ها فقط مبانی دانش و کلیدهای آن را در اختیار محصلان قرار می‌دهند، آنها باید با روح عصر در انفجار دانش همگام می‌شدند، وبه سرعت با آن متکی می‌شدند، و تنها در صورتی می‌توانستند به خود تکیه کنند که آنها مجهز به مهارت‌های مادام العمر باشند که اساس یادگیری دوامدار ومستمر همین یادگیری مادام العمر است.

این خودآموزی در جستجوی منابع دانش در دایرةالمعارف‌ها، محافل دانش، مادران کتاب‌ها و لغات‌نامه‌ها، چه در حوزه‌ی تخصصی و چه در حوزه‌ی فرهنگ عمومی، تجلی می‌یابد. و اطلاعات خود را در توسعه جامعه خود به کار گرفتند.

استفاده از تکنالوژی های روز:

تکنالوژی نوین نقش اساسی در مقابله با زبان عربی مبتنی به مقتضیات زمان دارد و به کارگیری تکنالوژی در خدمت زبان عربی و در زمینه‌ی آموزش و یادگیری آن امری ضروری است، چرا که تکنالوژی ماشین های آموزشی و خودآموزی را فراهم می‌کند. روش‌های استفاده از انترنیت، جستجوگر انترنیت، سرور و ووسایل آزمایشی انترنیت را در اختیار دارد و بدین ترتیب در زمینه آموزشی، فرصتی برای فردی کردن آموزش فراهم شده است، به گونه‌ی که هر فراگیر با توجه به آمادگی، سرعت، تمایلات و علایق خود، برای دستیابی به اهداف خودآموزی، یادگیری مستمر، و یادگیری برای استواری بر آن ترغیب می‌گردد.

در عصر علم و تکنالوژی زبان به وجود آمده است و این وجود با حضور سنگین زبانی در انترنیت پیوند خورده است و در گذشته سقراط به هم‌نُشین خود چنین می‌گوید: « صحبت کن تا ببینمت». شعار امروز اینست که از دور صحبت

بکن تا دیگران تو را ببینند و تو ایشان را ببینی، سپس تو ذات خود را می بینی که آن از تو دور است با وجود آن که با تو چسبیده است، در عصری که مسئله‌ی هویت تبدیل به زبان شده است: من کیستم؟ و ما کی هستیم؟ در گسترده ترین مسئله به شدت مطرح می‌شود.[۱]

ناگفته نماند که فیصدی آنچه که به زبان عربی بصورت آنلاین در دسترس است، فیصدی کمی است و مقتضیات عصر آینده افزایش این درصد را می طلبد اگر صاحبان این زبان خواهان تداوم زبان خود، وحفظ آن و فعال کردن آن در عصر تکنالوژی هستند، باید این موارد را در نظر بگیرند.

انعطاف پذیری و پذیرش تغییر:

این یک نیاز اساسی عصر آینده است، زیرا ماهیت عصر آینده با تغییرات سریع مشخص می‌شود، وبرای زبان شناسان لازم است که در مقابل پذیرش تغییرات انعطاف پذیر باشند، از یک طرف سخت‌گیری زبانی و استمرار در استفاده از زبان طاقت فرساست، مانند: تحقیر همه تحقیرشدگان و واپسگرایان در توسعه جانشین و مصاحبه برخی اصطلاحات بیگانه که جهانی شده و بر سر زبان‌ها و قلم‌ها نشر شده است، و در توسعه، گسترش و رواج زبان در خدمت زبان نیست.

و موضوع سخت‌گیری در کاربرد زبانی و توسعه‌ی اصطلاحات محدود نمی‌شود بلکه فراتر از آن می‌رود و به سخت‌گیری در الزام معلمان به اتخاذ یک روش در انجام کار آموزشی می‌رسد و این همان چیزی است که آنها را محدود می‌کند و نوآوری آنها را فلج می‌کند. از اینرو، اتخاذ روش گزینش پذیری در روش ها به‌گونه‌ی است که جنبه های مثبت از آن گرفته می‌شود و از منفی ها در رویکردی که مورد نیاز عصر آینده است؛ پرهیز شود.

مراقبت از صنعت واژگانی:

این مراقبت در عصر آینده با توسعه‌ی فرهنگ لغات عمومی که ترکیبی از اصالت و مدرنیته است و توسعه فرهنگ لغات‌های کیفی در زمینه‌های مختلف دانش

۱ـ الدکتورنبیل علي ونادیا حجازي- الفجوة الرقمية- عالم المعرفة- الکویت ۲۰۰۵ص۳.

مانند: فرهنگ یک‌پارچه طبی، فرهنگ فلسفی، فرهنگ آموزشی و روان‌شناختی، فرهنگ لغات وتکنالوژی و ... متجلی می‌شود. و مطالب این لغات نامه‌ها را به طور مداوم با انفجار دانش در هر عرصه‌ی تخصصی همراه باشد و این مطالب را در سایت های انترنیتی منتشر کنید و از فناوری (تکنالوژی) در ساخت این لغات نامه ها و انتشار و ترویج آنها استفاده کنید.

اتخاذ آموزش عمیق برای دستیابی به خلاقیت و نوآوری:

از آنجایی که عصر آینده، عصر علم و نوآوری است، مردم وملت ما باید به روش‌های تفکر علمی برای پاسخ‌گویی به خواسته‌های عصر و در همه سطوح دانش مجهز شوند تا بتوانند دانش را در زندگی واقعی خویش تجربه کنند.

اگر آموزش سنتی به سطح اول دانش، حفظ، یادآوری و بازیابی ارتباط می گیرد، آموزش معاصر یادگیرنده را از این سطح که از پایین‌ترین سطوح دانش به سطح درک وفهم ارتقا، وسوق می‌دهد و سپس می‌تواند آنچه را به کار گیرد که در زمینه‌های جدید زندگی روزمره خود، آموخته می‌شود و او را در موقعیت ها مختلف قرار می‌دهد.

آموزش معاصر در این سطح متوقف نشده، بلکه تا سطح تحلیل و ترکیب و از آن فراتر خواهد رفت تا شاگردان بتواند موقعیت‌هایی را که در داخل و خارج مکتب در معرض درک قرار می‌گیرد تجزیه و تحلیل کنند و ببینند که تا چه حد ایده ها و اصولی که آموخته اند با قابلیت ابداع روش های جدید از جمله استفاده از این مجموعه و جمع آوری اطلاعات مورد توجه قرار می‌گیرد که یکی از بالاترین سطوح می باشد. در پرتو آن، محصلان می توانند بر اساس آنچه در انتقاد، پیشنهاد و تجدید آموخته اند، در مورد موقعیت‌هایی که به آنان ارایه می‌شود قضاوت کنند.

آموزش مؤثر آنست که در فرآیند آموزش به تمام سطوح قبلی دست یابد و به آموزش انتقادی تمرکز کند که بین لاغر و چاق تمایز قائل شود، در عصری که کاغذها مخلوط می‌شوند، استنداردها اشتباه می‌شود، زهر با عسل مخلوط می‌شود واین عصر زمان ناخالصی‌هاست و حقیقت در عین حال تفاوت در خلاقیت است

با تغییر حالت‌های جدید در عصری که با فراوانی تغییرات و سرعت شگفت انگیز آن مشخص می‌شود.

واضح است که انسان در خلاقیت به خود دست می یابد و از طریق خلاقیت، همانطوری که اشاره شد فعالیت‌های خلاق انگیزه‌ی درونی برای جوانان فراهم می‌کند که در کیفیت و اثر بخشی از همه انگیزه های بیرونی پیشی می‌گیرد و فعالیت خلاق اولاً فرآیندی تحلیلی است و ثانیاً مصنوعی.

شایان ذکر است که از جمله مواردی که منجر به خلاقیت می‌شود، پرورش اراده‌ی قوی، یادگیری اکتشافی، خودآموزی، شک وتردید، تقویت، خوش بینی و تفکر سیستماتیک است.

جبران خلیل جبران خاطر نشان کرد که آینده‌ی زبان عربی به آینده‌ی تفکر خلاّق بستگی دارد. واگر این اندیشه در نهاد امت موجود باشد یک آینده بزرگ همانند گذشته در انتظار امت است، واگر چنین نه باشد، پس آینده‌ی آنان همانند خواهران خویش سریانی وعبرانی دچار می‌شود.[1]

او می پرسد: این نیرویی که به آن نیروی ابتکار ونو آوری می گوییم چیست؟ جواب می‌دهد: «نو آوری عبارت از عزم در ملتی است که به جلو می‌راند، گرسنگی، تشنگی و اشتیاق به ناشناخته ها در دل دارد و در روحش سلسله آرزوهایی است که شبانه روز به دنبال رسیدن به آنست، اما پیوند در یک انتهای آن به دست نیامده است، اما یک حلقه جدید در انتهای دیگر اضافه شده است.

عزم درخشش افراد است و در گروه مشتاق و درخشش در افراد چیزی نیست جز توانایی قرار دادن تمایلات پنهان گروه در قالب پدیده‌های محسوس است.[2]

جبران معتقد است که بهترین وسیله، تنها وسیله‌ی احیای زبان، در دل شاعر، بر لب و میان انگشتانش است، که هر جا که خمید و هنگام مرگ، بر قبرش نشست و گریه کرد شاعر از آنجا گذشت و دست او را گرفت تا جای دیگری ببرد.

۱ـــ فتاوى كبار الكتاب والأدباء في مستقبل اللغة العربية ونهضة الشرق العربي وموقفه إزاء المدنية الغربية- مرجع سابق ص۳۷.

۲ـ المرجع السابق ص۳۸.

جبران ادامه می‌دهد و می‌گوید: اگر شاعر پدر و مادرش زبان باشد مقلد کفن آن را می‌بافد و کنده می‌کند، منظورم از شاعر هر مخترع بزرگ و کوچک و هر کاشف قوی و ضعیف است. و هر کس در برابر روزها و شب‌ها در هراس نمی باشد فیلسوف یا سازنده‌ی انواع فلزات است، و اما مقلد کسی است که چیزی را کشف نمی‌کند و امری را اختراع نمی‌تواند، بلکه زندگی روانی خود را از معاصران خود می‌گیرد و جامه‌های معنوی خود را از وصله‌هایی می‌پوشاند که از لباس رنگین ترقی خود را می‌تراشد». [۱]

از این رو ماهیت عصر آینده عربی را ایجاب می کند:

به خواندن انتقادی توجه کند.

توجه به فعالیت‌های زبانی فوق برنامه «مجله مدرسه، مجله دیواری، رادیو مدرسه، مناظره، گفتگو و نشست، برگزاری سمینار، سخنرانی، برگزاری مسابقات و... برگذار نماید»

ج -کشف استعدادها.

د -کار بر روی پرورش افراد با استعداد و خلاق و پرورش خلاقیت ایشان.

هـ- بزرگداشت از برگزیدگان، مستعدان و خلاقان در تمام رشته‌ها و هنرهای ادبی.

آماده سازی فرد برای زندگی:

کسانی هستند که معتقدند بهترین آمادگی برای فرد، آمادگی برای زندگی است، منظور از آماده سازی فرد برای زندگی چیست؟ اوصاف فرد وویژگی‌های عصر آینده، ایجاب می‌کند تا بتواند محیطی را که با آن تعامل دارد، درک وآن را کنترول کند و از آن حد اکثر بهره را ببرد تا به تداوم فرد، جامعه و شکوفایی محیط زیست دست یابد.

با این حال، آماده‌سازی فرد تنها به آماده‌سازی او برای جامعه محدود نمی‌شود، چون جامعه معمولاً به عنوان بدن با موجودیت مادی ملموس، روابط مادی محسوس و ارزش‌های مادی ملموس یا برخاسته از ماده شناخته می‌شود. اما

۱ـ المرجع السابق ص٤.

در مورد آمادگی فرد برای زندگی، به این دلیل است که زندگی اعم از جسم و روح، ماده و فکر، اعضا و کارکردها، خلاصه کل هستی است.

جامعه را معمولاً جامعه‌ی خاص عنوان می کنند که محدود به محدودیت‌های زمانی و مکانی است و در مورد زندگی بدون مرز است و جریانی پیوسته است که گذشته و حال و آینده در آن وارد می‌شود و شامل این جامعه می‌شود که جامعه و هر جامعه‌ی، یعنی شامل جامعه ملی به طور خاص و جامعه انسانی به طور عام می شود.[۱]

پس دعوت به زندگی هم دعوت ملی است و هم ندای انسانی، هم ندای مادی و معنوی و هم ندای اجتماعی و فردی. آموزش و یادگیری زبان، باید این خواسته ها را برای فرد از طریق متونی‌که شاگردان با آنها در تعامل هستند برآورده کند، مشروط بر اینکه این متون در پرتو خواسته های زمانی و مکانی ایشان انتخاب شوند، زیرا در قالب خواسته‌های فضایی مشتاق است تا دایره محلی از دایره ملی آماده شود. به دایره ملی به دایره انسان دوستانه، تا برنامه های درسی آموزشی می رسد، تا ویژگی‌های واقعیت محلی را بیابند، بدون اینکه از واقعیت ملی منزوی شوند، و سپس از همه‌ی آن‌ها به افق وسیع انسانی بپیوند می‌خورند تا تجربه انسانی را در ارزش‌های عالی زیبایی شناختی و دستاوردهای تمدنی مشترك آن خود بپیوند زنند.[۲]

اگر می‌خواهیم زبان عربی ما به مقتضیات عصر آینده جواب‌گو باشد، نویسندگان برنامه‌های آموزشی را از دایره‌ی محدود کشوری به دایره ملی در سطح عربی و از آنجا به دایره وسیع یعنی ادبیات حرکت دهند. و فراتر از دایره بین المللی جهت های گذشته، حال و آینده برسند تا ملت آنها پس از تبدیل شدن جهان به یك دهکده جهانی؛ به آنان نگاه کنند.

۱ـ الدکتور لویس عوض- الاشتراکیة والأدب- دار الآداب- بیروت ۱۹٦۳ص۸.

۲ــــ الدکتور نهاد موسی- استعراض تجربتي عمان والیمن في تعلیم اللغة العربیة- اللغة العربیة والتعلیم رؤیة مستقبلیة للتطویر- مرکزالبحوث والدراسات الاستراتیجیة- أبو ظبي ۲۰۰۸ص٤۰٥.

مراقبت از زبان کودکان در آموزش پایه:

ما همیشه این جمله را تکرار کرده ایم که «علم در جوانی حکاکی در سنگ است» و همیشه یاد داشت دوران کودکی را فراموش کرده ایم. دوران کودکی در زندگی ملت ما اگرچه مطالعات و تحقیقات علمی ثابت کرده است که دوران طلایی فراگیری زبان یا حتی بیش از یک زبان در همین مراحل اولیه زندگی کودک است. اگر می‌خواهیم زبان عربی در عصر آینده رواج پیدا کند و اکتسابی شود، به دبستان کودک و آموزش ابتدایی اهتمام داشته باشیم تا مربیان دبستان کودک و معلمان و استادان آموزش ابتدایی از صلاحیت کافی و عالی برخوردار باشند تا الگوی خوبی برای فراگیری و تمرین زبان باشند.

شایان ذکر است که دوران کودکی اساس زبان آموزی است، چرا که به عنوان نقطه‌ی شروع در نظر گرفته می‌شود و ممکن است کسی بگوید: چگونه آموزش را از زبان عامیانه آغاز کنیم؟ نقطه‌ی شروع اصلاح تشویه‌ی است که آن را از زبان عامیانه به عربی فصیح تبدیل می‌کند تا تلاش این گویش عامیانه اصلاح شود و هر از گاهی کلمات صحیح عربی مترادف با عبارات عامیانه که به کار می‌رود در اختیار کودک قرار می‌گیرد. وآنها از نظر شکل به زبان عامیانه کودک نزدیک هستند.

«از همان نگاه اول به نظر می‌رسد که این رویکرد با لزوم نقش آفرینی جوانان در زبان عربی از ابتدا در تناقض است و در واقع تناقض وجود دارد، زیرا منظور اینست که زبان کودکان را به نقطه شروع آموزش زبان عربی تبدیل کنیم. تصحیح فرهنگ لغات و صحت کلمات در آن، مشروط بر این که این تعادل با داستان‌ها و سرودهایی که شاگردان پس از آن به زبان عربی فصیح مطالعه می‌کنند، افزایش یابد».[1]

فصیح ساختن زبان عامیانه:

تا زمانی که زبان عامیانه در جهان عرب در بیان نیازها و اجرای مقتضیات به کار گرفته شود و تا زمانی که در گفتگوهای روزمره زبان فصیح محدود شود و برخی

---

۱ - الدکتور محمود أحمد السـيد- في طرائق تدريس اللغة العربية- مطبوعات جامعة دمشـق- ۲۰۰۸م، ص ۲۷۸.

از واژگان عامیانه برای بازگشت به فصیح نیازمند اندکی اصلاح و در برخی از حروف آن تعدیل شوند. باید موقف خود را با زبان عامیانه روشن کرد و آنها را به سطح فصیح و ساده رساند و این خدمتی به زبان عربی در آینده است و این افشاگری در روند فصیح منعکس می شود.

آماده سازی استادان واجد شرایط:

ماهیت عصر آینده مستلزم آمادگی سطح بالا برای همه معلمان است، مشروط بر اینکه برنامه های درسی صلاحیت و آمادگی معلمان را به تسلط بر موضوع و مهارت های ارتباطی در هر دو زبان عربی و خارجی مطابق با ماهیت عصر، و محیط یادگیری آموزشی با منابع مختلف یادگیری فراهم کند و معلمان ابتکاراتی برای استفاده از تفسیر برای غنی سازی محیط انجام می دهند. آموزش به زبان آموز چگونه یاد بگیرد؟ چگونه در کسب و کشف اطلاعات به خود متکی باشد؟ و چگونه او با همکاری با همسالان خود در یک تیم کاری، انجام پروژه ها و حل مشکلات را یاد می گیرد؟.[۱]

معلمان باید دوره های آموزشی مستمری را برای تجدید اطلاعات و روش های تدریس خود بگذرانند، مشروط بر اینکه در آن دوره ها از زبان عربی استفاده شود و همه معلمان از آن استفاده کنند و موضوع فقط محدود به معلمان عربی نباشد، بلکه معلمان همه دروس را نیز شامل شود. همانطور که زبان ظرف دانش در همه زمینه های آن است.

آزادی معلمان:

اگر آموزش سنتی آزادی معلمان را محدود و آنها را مجبور می‌کرد که از برنامه های درسی در محتوا، روش‌های تدریس و روش‌های ارزشیابی پیروی کنند، آموزش مُدرن و آینده خواستار آزادی معلم است، او با آنها تعامل دارد و در انتخاب موضوعات آزاد است. روش‌های ارزشیابی مشروط بر این که این آزادی در

۱ـــــ الدكتور محمود أحمد الســيّد- دراســات تربوية- الهيئة العامة الســورية للكتاب- وزارة الثقافة- دمشق ۲۰۱۰ص۸۴.

چارچوب اهداف کلی آموزش و پرورش در کشور و هماهنگ با ارزش‌ها و اصالت و جهت گیری‌های برای سازماندهی وارتقای ملت و مسؤلیت پذیری باشد.

فعال سازی مجتمع های زبانشناسی:

از آنجایی که فرهنگستان‌های زبان شناسی مرجع عالی در امور زبان عربی هستند، آنها وظیفه داشتند تا مسائل زبان شناسی را پیگیری کنند و روی هر چیزی که از زبان عربی محافظت می‌کند، مراقبت نمایند، به مشکلات آن رسیدگی می‌کند، تسلط بر آن و بهبود آن توجه می‌کند.

و اگر انفجار دانش از ویژگی‌های این عصر است و این انفجار اصطلاحات جدیدی را در زمینه های مختلف دانش به ارمغان آورده است، گردآورندگان زبان باید به نظارت بر این اصطلاحات ادامه بدهند و جایگزین زبان عربی را برای آنها قبل از گسترش، پذیرش و استفاده از آنها قرار می دادند. جایگزینی مناسب برای استفاده و گسترش آنها دشوار شد و از اینرو لازم بود که کار کمیته های موجود فرهنگستان های زبان عربی در جهان عرب فعال شود و تصمیم گیری و هماهنگی روی کار اتحادیه اکادمی های زبان عربی با سرعت بیشتری همگام با مقتضیات زمان فعال شود.

یکی از لوازم عصر آینده، گسترش دایره فرهنگستان‌های زبان شناسی در جهان عرب است، طوری که برای ایجاد یک مجموعه زبانی در هر کشور عربی تلاش می کند که نقش خود را در حفظ استاندارد و ارتقای واقعیت آن ایفا کنند.

افزایش و حمایت از انجمن های توانمندی عرب:

ما در بسیاری از سمینارها و کنفرانس‌های خود همواره جوامع زبانی یا وزارتخانه‌های آموزش و پرورش را مسئول سطح پایین زبان دانسته‌ایم و تا زمانی که توپ را از این سو به سوی دیگر پرتاب کرده‌ایم، با علم به این که مسؤلیت پیشرفت زبان یک مسؤلیت اجتماعی است و نقش همه در گسترش زبان شناسی به صفت مشعل یک استرایتژی توافق شده و هماهنگی در بین آنهاست.

انجمن‌های تقویت و حمایت زبان و انجمن‌های علاقمندان زبان عربی نقش اساسی در مراقبت از زبان، رسیدگی به مسائل آن، کار بر روی پروسه‌ی گسترش آن و جلوگیری از نقض یک‌پارچگی آن دارند. همچنان کار داوطلبانه در حفظ زبان سالم در تسهیلات و بخش‌های اجتماعی نقش دارد.

ناگفته نماند که در زندگی معاصر ما کاستی هایی در این زمینه‌ها وجود دارد.

عصر آینده ما را ملزم می‌کند تا برای حفظ موقعیت و جایگاه زبان فصیح، تعداد انجمن های حفاظتی عرب و دوستان آنها و کمیته های توانمندسازی آنها را افزایش دهیم و کارهای داوطلبانه را برای خدمت به آنها فعال کنیم.

و اگر می‌بینیم که انجمن‌هایی برای حفاظت از محیط‌زیست و دوستانشان در جهت کاهش و کمبود آلودگی‌های زیست‌محیطی تلاش می‌کنند، آلودگی زبانی شایسته انجمن‌هایی محیط زیست است و از سوی دیگر برای پاکسازی محیط اجتماعی از روشنفکران تلاش وسعی در راستای پاکسازی تلوث و آلودگي ناشي از انتشار آلودگي در زمینه هاي مختلف به ویژه عرصه رسانه‌ي و نماها فروشگاه های تجاری، خدماتی و توریستی در بنرها و تبلیغات وغیره است.

همچنین این انجمن‌ها آگاهی زبانی و ترویج تعلق را همراه با فعالیت خود در حفظ یک‌پارچگی محیط اجتماعی از آلودگی های زبانی انجام می دهند.

مراقبت از ترجمه به عربی و از آن به زبان های دیگر:

یکی از ضروریات عصر آینده رسیدگی به ترجمه است زیرا در زمینه های آن کاستی های زیادی وجود دارد، چه در سطح آموزش و تربیت مترجم، چه در سطح آنچه از زبان های دیگر به عربی ترجمه می‌شود و چه از زبان عربی به زبان های دیگر یا در سطح حمایت از حقوق مترجمان صورت گیرد.

برای پرهیز از این شکاف‌ها، باید همگام با عصر آینده، برنامه‌هایی را برای ترجمه در سطوح محلی، منطقوی و ملی تدوین کرد و روی ترجمه‌ی آثاری که مقدمات عربی‌سازی آموزش در پوهنتون‌ها و مؤسسات علمی را فراهم می‌کرد؛ می توان کار کرد. و آنچه معلمان و شاگردان در رشته‌های مختلف بهداشتی، تخصصی،

پوهنتونی، ترجمه و تحقیق پایان نامه‌ها در راستای آموزش علوم و فنون به زبان عربی نیاز دارند، را فراهم کند.

همچنان ما نیازمند شروع به ترجمه برنامه تلویزیونی بیشتری هستیم که برای افزایش فرهنگ جامعه کار می‌کنند، هم‌چون: «برنامه‌های طبی و بهداشتی، راهنمایی خانواده، همکاری اجتماعی، کار بشر دوستانه، اسرار کیهانی، اسرار صنعت و بروشرهای الکترونی متصل به دستگاه‌ها، ابزارها، و مواد وارداتی... وغیره». [۱]

و اگر عصر آینده مستلزم آنست که مردم زبان‌های دیگر نیاز به ترجمه به عربی دارند، تا تمدن عربی و آنچه که عرب ها در جریان تمدن بشری به آن کمک کرده اند، بشناسند. وایشان مجبورند با روند ارزش های مادی و زوال ارزش های اخلاقی و انسانی از جهان روبرو شوند.

بر عهده فرزندان ملت عرب است ولی نسل شما در این زمینه سهل انگاری می کند، علاوه بر سهل انگاری آنها در ترجمه ثمره اذهان جهانی به زبان عربی؛ در راستای نشر وگسترش زبان عربی سهل انگاری می کنند.!

علاقه به آموزش زبان های خارجی:

اهتمام وتوجه به ترجمه زبان عربی و از آن به زبان های دیگر، مستلزم توجه به آموزش زبان های خارجی است، زیرا تسلط بر زبان های خارجی در کنار تسلط بر زبان عربی به غنای زبان عربی کمک زیادی می‌کند و با الزامات عصر آینده وپیوندی نزدیک که بین اهداف ملی و بشردوستانه با هم دارند، یادگیری زبان های زنده‌ی جهان برای دانستن دستاوردهای پیشرفت بشر بسیار مهم است، بدون این که نسبت به دیگران زبان ملی خود را نادیده بگیریم، ویا باعث احساس حقارت آن شویم.

دعوت برای تقویت زبان عربی در آینده مخالف توانمندسازی زبان خارجی نیست، بلکه نیازمند تسلط بر یک زبان خارجی جهانی یا بیش از یک زبان است

١ــــ الدكتور محمود أحمد السـيّد- اللغة العربية واقعاً وارتقاء- الهيئة العامة السـورية للكتاب- وزارة الثقافة السورية- دمشق ٢٠١٠ص١٠٤.

وهمچنان یک ضرورت فرهنگی و یک نیاز اساسی تمدنی برای هر روشنفکر عرب یا غیر عرب است. اعم از انجینر، دکتور، کارشناس زراعت یا صنعت، برای حفظ ارتباط با دستاوردهای پیشرفت علمی در زمینه‌ی تخصصی خود و ترکیز بر آخرین دستاوردهای زبان شناسان خود در اطراف جهان ومنطقه است.[۱]

اینها از جمله اقداماتی است که برای مقابله با چالش های عصر پیش رو داریم و ما در زمینه موجودی نیستیم که چند مورد از اقدامات همانند کوه یخ است بلکه ضرورت است در جهت ارتقای واقعیت انجام دهیم. شکی نیست که برای گسترش زبان عربی ما در عصر آینده کارهای زیادی باید انجام شود و هر آنچه محقق نمی شود قسمت عمده آن را رها نمی‌کند و ما همه امیدواریم که زبان مادری ما «عربی فصیح» در روزهای آینده جایگاه شایسته‌ی را به خود اختصاص دهد. و آن انسان‌های صالح برای خدمت رسانی برای آن در خدمت خواهند بود، زیرا تنها چیزی است که در دست ما باقی می ماند به قول استاد ما دکتور عبدالکریم الیافی رحمه الله:

لم يبــقَ شيء بأيــدينا ســوى لغــة   نــصونها بــسواد القلــب والهــدب

ترجمه: چیزی در دست ما نمی ماند جز زبانی که با سیاهی دل و مژه حفظش می کنیم.

۱ـ المرجع السابق ص۱۰۵.

فهرست منابع فصل دهم

١- عبدالله، عيســى -أهم عشرــتقانات اســتراتيجية - مجلة العلوماتية الصــادرة عن الجمعية العلمية السورية للمعلوماتية بدمشق - السنة السابعة -كانون الثانى العدد ٧١، ٢٠١٢م.
٢- فتاوى كبارالكتاب والأدباء فى مستقبل اللغة العربية ونهضة الشرق العربي وموقفه إزاء المدنية الغربية ـ منشورات وزارة الثقافة السورية ـ دمشق٢٠٠٣م.
٣ـ الدكتورلويس عوض ـ الإشتراكية والأدب ـ دارالآداب ـ بيروت ١٩٦٣م.
٤ــــ محمدالخضرــحســين - دراســات في العربية وتاريخها - منشــورات المكتب الإسلامي - مكتبة دارالفتح ـ المطبعة التعاونية في دمشق ـ دمشق ١٩٦٠م.
٥ـ الدكتورمحمود احمدالسيّد ـ قضاياالتربية المعاصرة ـ دارالندوة للدراسات والنشر ـ دمشق ١٩٩٢م.
٦ـ الدكتوراحمدالسيّد ـ اللغة العربيّة وتحديات العصر ـ الهيئة العامة السورية للكتاب ـ وزارالثقافة السورية ـ دمشق ٢٠٠٨م.
٧ــ الدكتورمحمودأحمدالسيّدــ فى طرائق تدريس اللغة العربيّة ــ مطبوعات جامعة دمشق ـ دمشق ٢٠٠٨م.
٨ـــ الدكتورأحمدالسيّد - درا سات تربويّة - الهيئة العامة السوريّة للكتاب - وزارت الثقافة السورية ـ دمشق ٢٠١٠م.
٩ـــ الدكتورمحمود أحمدالسيّد - اللغة العربيّة واقعاً وارتقاء - الهيئة العامة الســورية للكتاب ـ وزارت الثقافة السورية ـ دمشق ٢٠١٠م.
١٠- الدكتورنهاد موســى - اســتعراض تجرتي عمان واليمين فى تعليم اللغة العربيّة ـ اللغة العربية والتعليم رؤية مستقبلية للتطوير - مركزالبحوث والدراسات الاستراتيجية ـ أبوظبي٢٠٠٨م.

نمایه

در باره‌ی کتاب

نهضت زبان عربی وپایداری آن عنوان کتابیست که جهت بازیابی حیثیت زبان عربی وبر پایی شأن وشوکت گذشته واستواری آن روشنگری کرده، وبرخی از نکته‌های عملی را جهت بیدارسازی، رهنمایی وارشاد نسل جوان در جهان عرب واسلام ارایه می‌کند، این اثر علمی تجربه‌های جنبش بیداری را که جوانان صدر اسلام داشته اند به سبک عصری نگاشته وتوسط نهضت زبان عربی ارایه داشته ونکات مفیدی را برای پایداری وتقویه‌ی آن توصیه می‌کند. این کتاب حاوی مطالب مفید وارزنده‌ی است که به روش نوین تحقیق علمی گردآوری شده وشامل محتویات جدید وتازه‌ی عصر می‌باشد که فرهیختگان زبان وادب عربی وفارسی از معلومات آن به هیچ صورت مستغنی نیستند، موضوعات این کتاب در ده فصل به طور مفصل نگاشته شده که فصل نخست را بحث های پیرامون زبان وهویت، وفصل دوم را جهانی سازی زبان عربی وسوم را پخش ونشر عربی فصیح در فرهنگ ورسانه، وفصل چهارم را صلاحیت‌های زبانی دانشجویان پیش‌پوهنتونی، وفصل پنجم را مفاهیم وروایات منهجی آموزش زبان عربی برای نسل پوهنتونی، و فصل ششم را تدریس مضمون نحو دربین آسانی وسخت‌گیری وشیوه‌های تطبیقی دستور زبان، وفصل هفتم را نقش مسؤلان در گسترش زبان عربی در نهادهای خود، و فصل نهم را واقعیت توانمند سازی زبان عربی، وفصل دهم را آینده زبان عربی و مقتضیات عصر آینده؛ تشکیل می‌دهد. این کتاب به شیوه‌ی ترجمه جدید از زبان عربی به فارسی ترجمه گردیده وتمام اساسات ومبانی ترجمه‌ی نوین جهت ترجمه‌ی درست کلام نویسنده، مراعات شده است.

